مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته

مالیه و بانکداری اسلامی

عنوان

جایگاه بورس سهام دراقتصاد مقاومتی

استاد راهنما

دکترسیدعبدالحمید ثابت

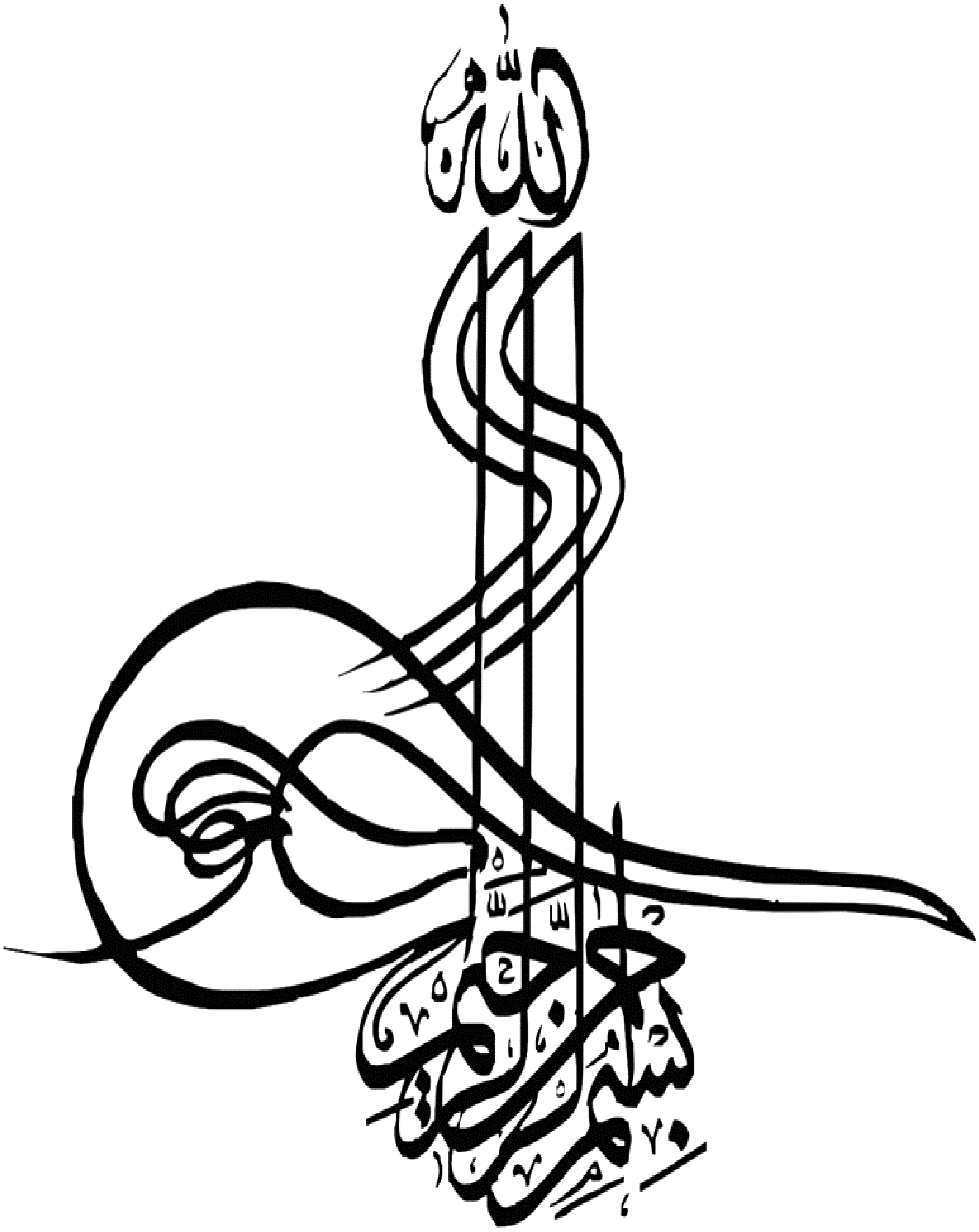
....

دانش‌پژوه

نصرالله اخضراتی

تاریخ دفاع

دی ۱۳۹۸


بسم الله الرحمن الرحيم

بسمه تعالی

تاریخ : ۱۳۹۸/۱۰/۲
شماره : ۱۱۵۱۳۸۹

جامعة المصطفی العالمیة

معاون آموزش ـ اداره کل پشتیبانی آموزش

« تاییدیه اعضای هیئت داوران جلسه دفاع پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد»

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان‌نامه آقای **نصرالله اخضراتی** دارای کد تحصیلی: **۱۱۵۱۳۸۹**

در رشته تحصیلی: **مالیه و بانکداری اسلامی** با عنوان:

جایگاه بورس سهام در اقتصاد مقاومتی

را از نظر شکلی و محتوایی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی‌ارشد پیشنهاد می‌کنند.

هیئت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
استاد راهنما	**استاد سید عبدالحمید ثابت**	استادیار	[امضا]
استاد داور	**استاد سید حمید جوشقانی**		[امضا]

معاون آموزشی جامعه المصطفی ﷺ العالمیه

تاریخ و امضا

جایگاه بورس سهام در اقتصاد مقاومتی

اهدا و تقدیم

چنان چه به جزرنجی که رفته و ایامی از روزگارمحدود مقدرکه در تهیه و تدوین این رساله صرف شده، ارزش دیگری برآن مترتب باشد؛

تقدیمش می کنم به همه ی آنانی که: رنج مدام تحقیق به جان می خرند و حلاوت اندیشیدن را به کام و دل می نیوشند.

تقدیر و تشکر

«ومن یشکر فانما یشکر لنفسه»-قرآن کریم-

نخست سپاس می گزارم به محضرمنزه ربوبی که توفیق دانشوری داد. وانگهی مراتب تشکرم را ابراز می دارم از نهاد دین بنیاد و دانش بنیان جامعۀ المصطفی العالمیه که رویش بذر های دانش و باردهی شجره ی مبارکه خرد و ارزش،درگستره ی جهانی، مرهون وجود ذی جود زمین و زمینه های آن است.

از نام نبردن و عدم اظهار امتنان ناتوانم نسبت به دانشمند فرزانه و استاد معظم جناب دکتر ثابت(مدظله العالی) که راهنمایی های پرارزش ایشان در طول اجرای این مطالعه، سود وافر و بهره ی گران نصیب این ضعیف نمود. فی الواقع اگرجنبه ی ممتازی در این تحقیق دیده شود متعلق به استاد بوده و هرچه ناخوشایند،حاصل کم دانشی و تهاون این کمترین.

چکیده : موضوع این پایان نامه،جایگاه بورس سهام در نظام اقتصاد مقاومتی است.کوشش رفته تا جایگاه و پایگاه بورس سهام درمسیر تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی روشن شود.الگوی مقاومتی از اقتصاد، در چارچوب اقتصاد اسلامی با عنایت به شرایط کنونی نظام ولایت فقیه و با توجه به نقش کانونی جمهوری اسلامی ایران در ترتیبات امنیتی منطقه و جهان اسلام و نیز حمایت از صف محورمقاومت و مبارزه برضد هژمونی نظام سلطه و استکبار جهانی(به سرکردگی آمریکا و سرسپردگی اکثر کشورهای اسلامی)، به گونه ای تعریف شده که در هنگامه ی تهاجم اقتصادی و پیامد های ناشی از آن، حربه و دستاویزی باشدکه بتوان با آن به مصاف بحران رفت و از استقلال سیاسی و اقتصادی کشور حراست کرد. بدون تردید در بطن هربحران ، فرصت های پربهایی وجود دارد.نظام اقتصاد مقاومتی بر پاشده تا از این شانس پیش آمده برای ترمیم آسیب های ساختاری اقتصاد استفاده کرده و به عبارتی تهدید را به فرصت تبدیل کند.لب لباب اقتصادمقاومتی ، جامع و مانع ترین تعریف آن نیز،همین است. تحقق آرمان های اقتصاد مذکورمحتاج الزامات و تحقق یک سری پیش شرط هایی است که عینیت بخشی به اهداف کلان مانند رشد، امنیت و استقلال اقتصادی با استحکام یافتن پایه های اقتصاد ملی، بدون آن میسرنیست.تکیه بر ظرفیت های اقتصاد ی داخلی و استفاده ازتوان مندی های نظام مالی محلی درسایه ی تلاش برای گسترش آن، یکی از الزامات مهم اقتصاد مقاومتی است. تحقیق حاضر(بامتد توصیفی-تحلیلی)نشان می دهد بورس سهام در راستای رسالتی که دارد زمینه ساز تحقق بسیاری از سیاست های این راهبرد اقتصادی بوده و در اغلب اهداف، با اقتصاد مقاومتی همسویی کامل دارد. رشد بهره وری عوامل تولید،کارآفرینی،تجهیز و تخصیص بهین و بیشین پس اندازهای ملی جهت سرمایه گذاری و ایجاد رونق در تولید(رشدبخش حقیقی اقتصاد)،ایجادشفافیت، نظارت بر فعالیت های اقتصادی و سالم سازی آن ها و...از خصلت های ذاتی بورس سهام است که کاملا در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی می باشد.درشرایط تحریم،یکی ازمهم ترین چالش ها تامین مالی فعالیت های تولیدی در بخش خصوصی و دولتی است. وظیفه اصلی بورس سهام تامین سرمایه به نحو آسان و ارزان برای سرمایه گذاری های بلند مدت تولیدی می باشد.براین اساس،بورس سهام در تامین مالی سرمایه گذاریهای کلان و خرد مؤسسات تولیدی دانش بنیان و غیرآن می تواند بسیار نقش آفرینی کند. در پایان بررسی حاضر پیش نهاد گسترش بازار سرمایه ی محلی(ملی) با اهمیت به نظر رسید؛زیرا نقش واسطه های مالی غیر بانکی دررشد، پیشرفت ،استقلال و سالم سازی اقتصاد انکار ناپذیراست. بورس سهام در بخش اعتباری اقتصاد،نقش ارزش مندی در تحقق آمال اقتصاد مقاومتی ایفا می کند. با کارکردهایی که دارد می تواند درجنب بازارپول(سیستم بانکی) به رونق تولید و توسعه ی اقتصادی در بخش حقیقی انجامیده و گسترش بورس سهام (بازار سرمایه)به علاوه ی بین المللی نمودن آن از سنگینی بار فشارتحریم کاسته و خروج موفقانه از بحران و شکست حصر اقتصادی را تضمین می نماید.

کلمات کلیدی:اقتصادمقاومتی،بورس سهام،بازارسرمایه،اقتصاد اسلامی،نظام مالی،تامین مالی،سیاست های کلی. الزامات.

فصل اول. کلیات و مفاهیم

۱-۱ کلیات

۱- ۱- ۱- حوزه اصلی مورد بحث در این تحقیق

به تناسب موضوع تحقیق،مباحث مالی و اقتصادی حوزه اصلی پژوهش را تشکیل می دهد.مقولات مرتبط با نظام، بورس سهام هم چنین اقتصادمقاومتی،تعاریف ،سیاست ها و اهداف آن جزو قلمرو اصلی این بررسی می باشد.بدیهی است که عناوینی مرتبط با سوال اصلی و سوالات فرعی که مظان جواب های آن ها است در قلمرو اصلی قرار داشته و دیگر مباحث از باب مقدمه ی واجب و پیش نیاز ممکن است بدان ها پرداخته شود.

بنا براین، حوزه ی اساسی مورد بحث در این تحقیق مسایل اقتصادی،مالی و استراتژی های تامین مالی در راستای قضیه اقتصاد مقاومتی است.

۱- ۱- ۲- ساختار تحقیق

شاکله و بنیان این تحقیق را چهار بخش یا فصل تشکیل می دهد.نخستین فصل در بردارنده مطالب مقدماتی و توصیف برخی مفاهیم اساسی می باشد.روش پژوهش،ضرورت و بیان موضوع،ادبیات یا دیرینه شناسی مساله تحت بررسی،طرح سوال های اصلی و فرعی تحقیق و تتبیین مفاهیم کلی بورس،سهام، اقتصاد مقاومتی مباحثی است که در این فصل گنجانده ایم.

فصل دوم راجع به ماهیت،وظایف و کارکردهای بورس به طورعام و بورس سهام به نحو خاص بحث دارد.محسنات و معایب بورس سهام در سنجش با سایر روش های تامین مالی و آسیب شناسی بورس سهام از مباحث مهم این فصل است.

موضوع فصل سوم چیستی اقتصادمقاومتی می باشد.ماهیت ،ویژگیهای اقتصاد مقامتی و الزامات آن از مطالب اختصاصی این بخش است.اهداف و ضروریات اقتصادمقاومتی و پیوندش با نظام مالی اسلامی و بورس سهام زیر عناوین این بخش می باشد.

واپسین قسمت در ساختار این پژوهش فصل چهارم قرار دارد.فصل های قبلی مقدمه و برای رسیدن به این فصل بحیث مهم ترین بخش تحقیق است.پاسخ سوال اصلی را در این قسمت باید جستجو کرد وجایگاه و پایگاه بورس سهام در اقتصاد مقاومتی دراین پاره از رساله حاضر مشخص می گردد.در تعریف مساله و موضوع گفتیم فعلا مقصود مان از اقتصادمقاومتی که جایگاه بورس سهام را بناست درآن مشخص نماییم همین سیاستهای ۲۳ گانه است که هشت موردش در این تحقیق و ضمن این فصل مطرح گشته است.

به نظر می رسد این هشت سیاست از مجموعه ی۲۴ سیاست تعریف شده برای اقتصادمقاومتی بیشترین ارتباط را با بورس و بازار سهام برقرار می کند. به عبارتی،درتحقق این هشت سیاست،بورس سهام بهترین نقش را ایفا و بیشترین همسویی را با اقتصاد مقاومتی دارد.

پایان بخش تحقیق، جمع بندی نهایی ،یادآوری چالشهای پیش رو و توصیه های لازم با توجه به نتیجه ی بدست آمده از این تحقیق خواهد بود.

۱- ۱- ۳- تعریف مسئله وبیان موضوع

موضوع تحقیق حاضر مرکب از دو مولفه است یکی بورس سهام و دیگری اقتصاد مقاومتی.این دو مفهوم تصوری، با افزودن یک نسبت ورابطه تشکیل قضیه داده و مفهوم تصدیقی واضحی را جلوی ما قرار میدهد که تیتر پایان نامه هست. در تعریف جزء نخست موضوع مذکوردر منابع چنین آمده:

بورس یا بازارسهام نام عام مراکزی است که برای جذب و جلب سرمایه های نقدی به قصد سرمایه گذاری و تمویل پروژه های خرد و کلان تولیدی و بازرگانی تاسیس شده اند و یکی از منابع مهم کسب موفقیت های مالی در دنیای کنونی است.بورس سهام از زیر بخش های بازار سرمایه و اوراق بهادار می باشد که خود زیرگروه نهادهای مالی است. در ادبیات رایج اقتصادی،توسعه ی نهادهای مالی از جمله پیش نیازهای اصلی رشد اقتصادی محسوب می شود.(سجادی،۱۳۸۸).

اهمیت بورس سهام در اقتصاد : بازارهای مالی با کارکردهایی مانند تجهیز و تخصیص بهینه ی منابع، مدیریت و انتقال ریسک و استخدام ابزارهای مالی تسهیل گر مبادلات و غیره به عنوان موتور محرکه ی اقتصاد برای فراهم کردن پول و سرمایه در گردش و هزینه های تولید کالا و خدمت در بخش واقعی اقتصاد شناخته می شود. بازارهای مالی باثبات و توسعه یافته باعث سرعت رشد اقتصادی هستند.

در میان نهادهای فعال در بازارهای مالی، بورس اوراق بهادار که بورس سهام از زیر بخش های آن است، به عنوان مهم ترین رکن بازار سرمایه به حساب آمده و کانالی مهم بعد از بانک برای جذب پول های مردم و گسیل سرمایه های نقدی به سمت بخش های تولیدی و خدماتی در بخش واقعی اقتصاد است.

این نقش تامین مالی و کارکرد جهت دهی بورس اوراق بهادار به نحو عام و بورس سهام به طور خاص، ایجاب می کند به جایگاه و نقش بورس سهام در اقتصاد مقاومتی به تفصیل پرداخته شود و در باب این که بورس سهام چه نسبتی با اقتصاد مقاومتی برقرار می کند، بحث کافی صورت گیرد.

اقتصاد مقاومتی اما موضوعی نوپدید بوده که ازعمر آن به صورت کنونی، یک دهه هم نمی گذرد. اقتصاد نامبرده، یک راهبرد اقتصادی است که در شرایط فشار،تحریم، دشمنی ها و خصومت ورزی های شدید می تواند تضمین کننده ی رشد اقتصادی باشد.

نظام اقتصاد مقاومتی در نگاه نخست یک متد دفاعی اقتصادی است که با هدف دفاع از استقلال اقتصادی و پیکار با تهاجم اقتصادی غرب و آمریکا بر ضد نظام اسلامی و حاکمیت ولایت فقیه در ایران، مطرح شده است. اهداف دم دستی یا کوتاه مدت این راهبرد اقتصادی غلبه بر بحران ها و محدودیت های اقتصادی ایجاد شده از سوی نظام سلطه ی سرمایه داری سیاسی است که با سلاح تحریم اقتصادی و ایجاد محدودیت های اقتصادی به شکل بی سابقه و در شدید ترین اشکال ممکن به جنگ اقتصادی با جمهوری اسلامی بر آمده است.هدف اصلی از راه اندازی نبرد اقتصادی اسقاط نظام ولایت فقیه از راه ایجاد نارضایتی در مردم و شورش ملت برای سرنگون سازی از داخل

است.نظام سلطه امید برده که با ایجاد بحران و تحریم اقتصادی که موجب گرانی و نایابی کالاهای حیاتی و مورد نیاز مردم می شود اهداف سیاسی پیشگفته به دست می آید.

بر این اساس، نخستین هدف اقتصاد مقاومتی ناکام گذاری این تهاجم و محافظت از کیان ولایت فقیه و حکومت جمهوری اسلامی می باشد. ازآن جا که جنگ جاری ماهیت اقتصادی دارد، سلاح دفاعی مناسب با آن نیز راه کارهای فوری اقتصادی برای غلبه بر مشکلات پیش آمده ، حل معضلات اقتصادی و برآوردن کالاهای اساسی مردم می باشد؛ بنا براین حفظ رشد اقتصادی و رونق تولید در سایه ی شوم فشارها و تحریم، از اساسی ترین اهداف این الگوی اسلامی است.

درفصل سوم توضیحات مکفی در ماهیت این الگو و تاکید بر عدم ماهیت تاکتیکی و صرفا دفاعی داشتن آن خواهد آمد.مستندات نشان خواهد داد که این برنامه یک راهبرد بلند مدت است که در صدد محکم سازی پایه های اقتصاد به نحو اصولی ،ریشه ای و ترمیم نقایص و التیام آسیب های اساسی آن است تا به هربادی نلرزد و با هر فشاری فرو نریزد.

اقتصاد مقاومتی اقتصادی بر آمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام است که ضمن مقاوم سازی اقتصاد دربرابرتهدیدهای نظام سلطه،تضمین کننده ی رشد و شکوفایی اقتصادی می باشد.این نوع اقتصاد،مردم بنیاد،عدالت محور،دانش بنیان،درونزا و برونگرا،پیشرو،فرصت ساز،مولد،با رویکرد جهادی و انعطاف پذیر است.(یوسفی،۱۳۹۵،ص۲۱)

از بیان بالا می توان چنین استنباط کرد که طراحی این الگو به قصد ایجاد یک سپر دفاعی قوی در برابر ضربه های اقتصادی وارده از سوی نیروهای متخاصم براقتصاد و امنیت اقتصادی کشورِ هدف است.ضربه گیری در کوتاه مدت و رویین تن سازی اقتصاد ملی در بلند مدت دو غایت به غایت مهم اندیشه ی اقتصاد مقاومتی می باشد.

ارکان یاسیاست های کلی که در افق اقتصاد مقاومتی چشم انداز پیشاروی آن را نشان می دهد در بیست و چهار بند معرفی شده است. در تحقیق حاضر آن مجموعه از ارکان و اهدافی را که بیشترین ارتباط و همسویی را با بورس سهام دارد مورد بحث، تحلیل و تبیین قرار می دهیم.

این سیاست ها و الزامات آن، وظایفی را متوجه بخش ها و نهاد های اقتصادی کشور می کند که برای تحقق ان باید ظرفیت های هربخش مورد مطالعه قرار بگیرد. بورس سهام یکی ازعناصر نظام مالی به حساب می اید.وظیفه ی اساسی ان تامین مالی بخش های تولیدی و بازرگانی در بخش واقعی اقتصاد است.

با عنایت به نقش بورس سهام و سیستم مالی در ترقی اقتصاد و توسیع مشارکتهای مردمی، گزیده ای از سیاست های اقتصاد مقاومتی را بر گزیدم با اعتقاد به اینکه بازارسهام قادر به تامین و تحقق این مجموعه ی معین از سیاست ها می باشد و نتیجه ی این بررسی بیانگر میزان جایگاه بازار سهام در اقتصاد مقاومتی یعنی ایفای نقش در عینیت بخشی به آن سیاست هاست.

آن پاره از سیاست های منتخب عبارت اند از موارد زیر:

یک) بند اول :حد اکثر کردن مشارکت احاد جامعه درفعالیت های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تاکید بر ارتقای درامدونقش طبقات کم درامدو متوسط.

دو) مفاد بند دوم: پیشتازی اقتصاددانش بنیان.

سه) مضمون بندسوم:رشد بهره وری در اقتصاد باتقویت عوامل تولید،توان مندسازی نیروی کار،تقویت رقابت پذیری اقتصاد.

چهار) سیاست چهارم: استفاده از ظرفیت اجرای هدفمند سازی یارانه ها در جهت افزایش تولید،اشتغال و بهره وری.

پنج) سیاست نهم: اصلاح و تقویت نظام مالی کشوربا هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصادملی،ایجاد ثبات در اقتصادملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.

شش) سیاست دوازدهم: استفاده از ظرفیت های منطقه ای و بین المللی.

هفت) مؤدای بندنوزدهم :مبارزه با مفاسد اقتصادی.

هشت) کمک بورس به تامین و تحقق سیاست ابلاغ شده دربند بیست و سوم: روان سازی،شفاف سازی اطلاعات و نفی هرگونه رانت اطلاعاتی.

موارد بالا و عناوینی مانند حمایت از تولید داخلی،مدیریت منابع ارزی،بهره وری بهینه از زمان و منابع و امکانات، حرکت بر اساس برنامه،کاهش وابستگی به نفت،مقاوم سازی اقتصاد و مردمی نمودن آن، ازاهم ارکان و سیاستهای اقتصاد مقاومتی می باشد.

با این تعریف و تبیین از مساله ی تحقیق و بیان رسالت اقتصاد مقاومتی و ظرفیت های که بورس سهام فراروی آن می نهد، به سوال اصلی این تحقیق می رسیم که در پی استفهام جایگاه بورس سهام در اقتصاد مذکور است.

۱- ۱- ٤- سوال اصلی تحقیق

- جایگاه بورس سهام در اقتصاد مقاومتی چیست؟

۱- ۱- ۵- سئوال های فرعی تحقیق

- ماهیت بورس و به ویژه بورس سهام، وظایف و اهداف آن چیست؟
- اقتصاد مقاومتی، الزامات و معیارهای آن در ارتباط با بورس و به ویژه بورس سهام چیست؟
- ارتباط بورس وبخصوص بورس سهام با اقتصاد مقاومتی و تاثیر بورس سهام بر اقتصاد مقاومتی چگونه است؟

۱- ۱- ۶- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

اقتصاد مقاومتی موضوع کاملا جدید بوده و در فرهنگ و ادبیات اقتصادی مبحثی نوپدید به شمار می آید؛ هرچند شبیه به آن تحت نام "فنریت اقتصادی" در آثار نویسندگان کلاسیک مانند بریگاگلیو مشاهده شده ولی تفاوت جوهری مطرح است. در نیمه ی دوم سال ۱۳۹۲ خورشیدی نظام اقتصاد مقاومتی رسما معرفی شد. بعد از آن تاریخ تحقیقات و آثاری در ارتباط با آن پدید آمد که مرور اجمالی آن ها خالی از فایده نیست .

ترک زاده و فاطمه شریفی در« بافت نگاری اقتصادمقاومتی به مثابه یک نظام رفتاری»(۱۳۹۷ش) یاد آور شده اند: شباهت اقتصادمقاومتی با فنریت اقتصادی بریگاگلیو(۲۰۰۹) در بحث پیشینه،قابل توجه است.فنریت اقتصادی فوق،دومفهوم دارد،یکی توانایی اقتصاد برای بهبودسریع ازشوک های اقتصادی ومخرب خارجی ورهایی یافرار ازتبعات آن. دوم،توانایی اقتصاد برای ایستادگی دربرابرآثار این شوک وترمیم خسارات وارده.البته این دیدگاه برمبنای نظام سرمایه داری است.

مرتضی سلطانی و محمد ابراهیم عز آبادی در اثری مشترک با نام :"اولویت بندی مولفه های اقتصاد مقاومتی مرتبط با بازار سرمایه" به مطالب زیر بطور مشروح و فنی پرداخته اند: تعریف اقتصاد مقاومتی،شناسایی مولفه های اقتصاد مقاومتی که در پیوند با بازارسرمایه هستند مانند تقویت رقابت پذیری اقتصاد، شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی ان، پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، افزایش تولیدداخلی نهاده ها و کالاهای اساسی، به حد اکثررسانیدن مشارکت احاد جامعه در فعالیت های اقتصادی، حمایت همه جانبه و هدفمند از صادرات کالا و خدمات، اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی،تامین شرایط وفعال سازی تمام امکانات و منابع مالی،مقابله با ضربه پذیری در امد های حاصل از صادرات نفت و گاز وعدم اتکا به اقلام صادراتی تحریم پذیر.

محمد نقی نظر پور و لطفی نیا نیز در مقاله ی تحت عنوان" نقش بورس اوراق بهادار در تحقق سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی" بحثی به نسبت مستوفا ارایه داده اند. از نظر نویسندگان مقاله،کار کرد

های بورس اوراق بهادار‌در تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی عبارت است از حمایت از تولید ملی،مدیریت منابع ارزی،مدیریت مصرف،مردمی کردن اقتصاد،حرکت بر اساس برنامه و... در نهایت نتیجه گرفته اند که بورس اوراق بهادار بعنوان نماد اصلی بازار سرمایه جایگاه خاصی در تجهیز و تخصیص منابع پس اندازی و تامین مالی پروژه های سر مایه گذاری دارد. مزیت های سهام حمایت از تولید نیز شامل کاهش اثار مخرب نقدینگی حاصل از اجرای هدفمندی یارانه ها از طریق تزریق منابع به فعالیت های تولیدی وترویج فرهنگ سهام داری و سرمایه گذاری در کشور ومانند ان است.

کاوند فرهانیان در بررسی جداگانه به تبیین"جایگاه بازار سرمایه درسیاست های اقتصادمقاومتی" پرداخته است. نویسنده ضمن تبیین اقتصاد مقاومتی به نقش تاثیر گذار بازار سرمایه در تحقق اهداف آن پرداخته است.انگاه گفتمان ها و تعابیر گونه گون از اقتصاد مقاومتی را می شمرد که بسته به زاویه ی نگاه به ان می تواند اقتصاددفاعی،موازی،ترمیمی و یا اقتصاد حمایتی خوانده شود.ازدیدگاه ایشان اقتصاد مذکور دوجنبه مهم دارد اول بعد سیاست های حمایتی ان است که در حمایت از تولید کنندگان داخلی بروز دارد.بعد دومش شامل چهار ویژگی:استقلال،نفوذ ناپذیری،تطابق با معیارهای بومی و انعطاف پذیریست. نامبرده نتیجه می گیرد که نقش بازار سرمایه در اقتصاد مقاومتی انکار ناپذیر است وغالبا اهداف شان همسویی دارند.

محمدجواد توکلی در کتاب خاکریزهای اقتصادی، حول ماهیت اقتصاد مقاومتی و برداشت های متفاوت از آن مباحث مفصل تری ارایه داده است. چیستی اقتصاد مقاومتی،آسیب پذیری اقتصادی،مشخصه های اقتصاد مقاومتی وراهبرد های افزایش مقاومت اقتصادی و...تیترهای فصول این کتاب است.نویسنده انتظار دارد این الگوی اقتصادی که همخوان با الگوی ایرانی_اسلامی پیشرفت است بتواند امنیت اقتصادی ایجاد نموده و اقتصاد کشوررا رویین تن کند.

ازنگاه مؤلف کتاب "مبانی و مدل های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی" الگوی اقتصاد مقاومتی ملهم ازنظام اقتصادی اسلام است لذا از خصوصیات عدالت محوری،میل به تامین مصالح جمعی،اعتبار مالکیت فردی و مانند این ها را در بطن خود دارد ولی برای روزهای دشوار طراحی شده پس نیازمند

الگوهای عملی برای اجرای سیاستهای خود است.در ص۱۰۸کتاب به مدل بنگاه های سهامی اشاره کرده که راهکاریست برای مشارکت ان عده از دارندگان پس انداز های کوچک تا با تاسیس بنگاه های بر پایه مالکیت سهامی اهداف اقتصادی و معیشی خودرا دنبال نمایند

درکتاب آموزشی "سرمایه گذاری در سهام" نشرسازمان بورس اوراق بهادار تهران، به چگونگی و مزایای زیاد سرمایه گذاری در بازار سهام به نحو نسبتا مشروحی پرداخته اند اما صحبتی از حدود ومیزان تعامل بورس سهام با اقتصاد مقاومتی به میان نیامده

سید عباس موسویان(متخصص صاحب نظر در موضوع بانکداری و مالی اسلامی) در کتاب" آشنایی با بازار سرمایه اسلامی" به معرفی اوراق سهام و کارکردهای آن به عنوان بخشی از بازار سرمایه اسلامی همت گماشته که بی شباهت با عنوان تحقیق نیست ولی بحث اقتصاد مقاومتی و نقش بورس سهام در آن مغفول مانده است.

همان گونه که در آغاز این بحث یاد آوری گردید آثار مشابهی در این زمینه وجود دارد که اختصاص به زبان فارسی دارد و به زبان عربی و انگلیسی اثری به ثبت نرسیده.افزون بر این،در میان آثار فارسی نیز این عنوان تا کنون موضوع هیچ تحقیق و مطالعه ای نبوده است.آثار مشابه موجود غالبا به یک مقوله همت داشته اند و برخی دیگر که هردو جزء موضوع تحقیق را پوشش داده اند بازهم بنحو شایسته و آن گونه که مورد نظر ما در این مقاله است یعنی تشریح دقیق جایگاه و پایگاه بورس سهام در اقتصادمقاومتی، برنیامده اند. بنا براین شاهد یک خلاء مطالعاتی در این موضوع هستیم.

۱- ۱- ۷- فرضیه تحقیق

تحقیق حاضر فاقد فرضیه می باشد.

۱- ۱- ۸- هدف تحقیق

هدف از تحقیق رسیدن به یک جمع بندی واضح از نقش بورس سهام و تاثیرات آن بر اقتصاد مقاومتی و کشف میزان همسویی این بازار مالی با آرمان های الگوی یاد شده است.

۱- ۱- ۹- نظریه پردازی یا نوآوری تحقیق

این پژوهش دست کم از دو جنبه ابداع و نو آوری دارد:

یک) بررسی ادبیات موضوع و پیشینه نشان می دهد که روی این موضوع تا کنون کار نشده و بررسی های صورت گرفته به جوانب دیگر قضیه تمرکز داشته است. بنا بر این، بررسی جایگاه بورس سهام در اقتصاد مقاومتی موضوعی جدید است؛ زیرا این مقوله تاکنون موضوع هیچ تحقیقی نبوده است.

دو) تبیین رابطه اقتصاد مقاومتی با نهاد ها،ابزارها وبازارهای مالی به ویژه بورس سهام با عنایت به نوپدید بودن اصل این الگو که از طرح آن کم تر از یک دهه می گذرد، بسیار محل بحث دارد. پژوهش حاضربا این عنوان خاص، جایش در میان تحقیقات موجود، خالی است؛ بدیهی است مشخص ساختن نحوه ی تعامل بورس سهام با اقتصاد مقاومتی دستاوردی جدید است که در این تحقیق حاصل شده است.

۱- ۱- ۱۰- روش تحقیق و شیوه ی گرداوری

این پژوهش از نظر روش، توصیفی_تحلیلی می باشد. شیوه گرداوری هم کتابخانه ای است یعنی مراجعه به نصوص،منابع، کتابها و کتابخانه های معتبر.

۱- ۱- ۱۱- قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی و موضوعی)

قلمرو زمانی نداریم.از نظر مکانی در کشور جمهوری اسلامی انجام می شود و ازجهت موضوعی در قلمرو علوم انسانی،اقتصاد با گرایش مالیه و بانکداری اسلامی قرار دارد و مشخصا رابطه ی بورس با اقتصاد مقاومتی را بررسی می کند.

۱- ۲- مفاهیم

۱- ۲- ۱- اقتصاد مقاومتی

ازنگاه آیت الله خامنه ای(که نظریه پرداز اقتصاد مقاومتی با رویکرد اسلامی و جهادی است) «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیری اش کاهش پیدا کند.یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکلهای مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرایطش، استفاده از همهٔ ظرفیت های دولتی ومردمی است ، هم از فکرها و اندیشه ها و راهکارهایی که صاحب نظران می دهند استفاده کنید ،هم از سرمایه ها استفاده شود»[1]

اقتصاد مقاومتی مجموعه ای از سیاست های کلی است. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا و با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله ی اقتصاد ایران، تهیه،تدوین و ابلاغ شده است.

«اقتصاد مقاومتی به عنوان یک اندیشه اسلامی، ناظر به تجزیه و تحلیل آسیب پذیری های اقتصاد و ترفندهای ایمن ساز در رویکرد اسلامی است.هم چنین متضمن آسیب شناسی اقتصادی در چارچوب اندیشه اقتصاد اسلامی با توجه به شرایط کشور و ارایه راه حل مبتنی بر آن می باشد.اقتصاد مقاومتی بر پایه دو مؤلفه تشخیص آسیب پذیری های نظام اقتصادی و ارایه راهبردهای ایمن ساز در چارچوب اندیشه اسلامی استواراست. در این میان تشخیص نقاط آسیب پذیر در نظام اقتصادی از جهت رتبی مقدم بر درمان مشکل است».[2]

---

[1] محمدجواد توکلی و امید ایزانلو، اقتصاد مقاومتی به عنوان یك اندیشه اسلامی.دوفصلنامه پژوهشهای اقتصادمقاومتی،سال اول،ش اول،بهاروتابستان۱۳۹۵،ص۱۴و۳۵.

[2] همان.

۱- ۲- ۲- بورس

بازاربورس یا بورس یعنی مکان عمومی و یاشبکه ی مجازی ارتباطی مانند اینترنت که درآن دارایی های مالی مبادله می شوند. منظور از دارایی های مالی، دارایی هایی کاغذی مانند سهام و اوراق مشارکت است. در مقابل، دارایی های واقعی ثروت های است که ماهیت فیزیکی دارند مانند ماشین،املاک،وسایل منزل و مانند این ها. بنا براین، بورس سهام و اوراق بهادار،بازاری است که درآن دارایی های مالی مختلف مورد داد و ستد قرار می گیرند.[۱]

برگ های سهام، شناخته شده ترین دارایی مالی در بورس اوراق بهادار و بازارسرمایه می باشد.اوراق سهام در واقع اسناد مالی هستند که نشان دهنده مالکیت دارنده ی آن بر بخشی ازدارایی های حقیقی شرکت ناشر سهام است.هر برگ سهم میزان کمی مالکیت دارنده یا خریدار سهم را آشکار می کند. دارندگان سهام مالکان دارایی های فیزیکی شرکت ها هستند و به نسبت سهامی که خریده اند در بازده نهایی حاصل از فعالیت های اقتصادی و حتی در زیان های احتمالی شرکت ها سهیم هستند.[۲] مطالب بیشتر راجع به بورس سهام در فصل دوم بحث می شود.

۱- ۲- ۳- سهام

سهم که به سهام جمع بسته می شود یک نوع دارایی مالی است. ورقه ای ارزشمند و بهاداری است که برای تامین مالی استفاده می شود؛ لذا یک ابزار مالی می باشد. عرضه ی سهام استراتژی بسیارآسان برای تامین مالی فعالیت های شرکت های سهامی به شمارمی رود.

سهم، یک ابزاربدهی بلندمدت هم است،هنگامی که یک واحدتجاری می خواهد وجوه موردنیازش را تامین کند ممکن است تصمیم بگیرد ابزارهای بدهی بلندمدت یعنی سهام منتشرکند. به بیانی دیگر،سهم بیانگر منافع ناشی از مالکیت مشاع سهام دار در یک شرکت سهامی وبنگاه تجاری هست.انتخاب و خرید یک سهم درواقع انتخاب یک واحد تجاری است که شما می خواهید مالک آن باشید.۳

[۱] خودآموزبورس ص۱۰.

[۲] همان

[۳] سازمان بورس اوراق بهادارتهران،سرمایه گذاری درسهام ص۱۳.

یک فعالیت تجاری از سوی شخص یاگروه کوچکی ازاشخاص که پول خودرا درآن سرمایه گذاری می کنند شروع می شود.میزان مالکیت واحدتجاری معادل میزان پولی است که گذاشته اند.در این مرحله،شرکت بعنوان یک شرکت خصوصی تلقی می شود.وقتی شرکت بزرگتر شود و به اندازه ی مشخصی برسد ممکن است صاحبان آن تصمیم بگیرند آن را به"سهامی عام" تبدیل کنند و بخش عمده ی آن را به عموم سرمایه گذاران بفروشند. و سهم این گونه پدید می آید.

درواقع سهامی عام شدن یک راهکار مناسب برای تامین مالی شرکت است.شخص با خرید یک یاچندسهم که در نگاه نخست تکه کاغذی است با مبلغ معین، مالک بخشی ازآن واحدتجاری می شود.در دراز مدت ارزش آن مقدار مالکیت،براساس موفقیت شرکت سهامی اصلی،دچارنوسان می گردد و بالا و پایین می رود.هرچه فعالیت تجاری بهتر و موفقیت آمیز تر باشد مقدار مالکیت دارنده ی سهم ارزش بیشتری خواهدیافت.[1]

۱- ۲- ٤- بورس سهام

درباره ماهیت بورس اوراق بهادار و بورس سهام در فصل دوم که اختصاص به آن دارد به نحو مکفی بحث خواهیم داشت. از آن جا که این واژه، در این تحقیق پرتکرار ظاهر شده است ناگزیر ازتحدید مفهوم آن در این فصل هستیم.استعمال کلمه بورس بطور مطلق یا مضاف به سهام،در سراسر این نوشتار یک معنا را افاده خواهدکرد و آن عبارت است از محل (واقعی یا مجازی)داد و ستد برگ ارزشمندی بنام سهم که بیانگر میزان مالکیت دارنده ی آن بربخشی از درآمد شرکت منتشرکننده می باشد.

در ادبیات اقتصادی، بورس سهام با عنوان" بورس اوراق بهادار" برخی اوقات به جای هم به کار می رود؛ «اوراق بهادار عبارت است از سهام شرکت های سهامی،واریزنامه های صادراتی،اوراق مشارکت و اوراق قرضه صادر شده ازطرف شرکت ها،شهرداری ها و موسسات وابسته به دولت و خزانه داری کل،که قابل معامله و نقل و انتقال باشند».[2]

[1] همان

[2] محمد پیشدار،بورس آیینه ی اقتصاد کارا،ص۶۱.

بورس اوراق بهادار به شمول بورس سهام،نام بازار خاص،رسمی و سازمان یافته ی سرمایه است که درآن داد و ستد سهام شرکتها و اوراق قرضه ی دولتی یا موسسات معتبر تجاری تحت مقررات ویژه ای ومنحصرا توسط کارگزاران بورس صورت می پذیرد و صاحبان سرمایه یعنی مشتریان اوراق بهادار از حمایت ویژه ی دولت و قانون بهره مندند.[1]

بورس سهام در زیر گروه بازارهای مالی و بازار سرمایه طبقه بندی می شود. در این بازار واسطه های مالی غیر بانکی فعال اند.بازار سرمایه دارای دو بازار است یکی بازار اولیه که در آن اسناد و دارایی های مالی داد و ستد می شوند. در بازار ثانویه اما سهام شرکت ها به نقد تبدیل می شوند.دلال ها و بورس بازان بیشتر در بازار ثانویه حضور دارند.

در بورس سهام به غیراز سهام شرکت ها، اوراق بهادار دیگری نیز معامله می شوند نظیر اوراق قرضه ی دولتی،اوراق مشارکت و غیره. ولی در بازار سرمایه اسلامی بدلایل ضوابط و احکام شرعی از اوراق قرضه و مشارکت استفاده نمی شود زیرا شایبه ی ربا دارد که شرع اسلام آن را منع نموده است.هم چنین سهام شرکت هایی که معاملات،فعالیت ها و محصولات حرام تولید می کنند در بازار سهام اسلامی مجاز نیست.

---

[1] غلام حسین دوانی. بورس،سهام،نحوه قیمت گذاری ص۳۲.

فصل دوم . چیستی بورس سهام وکارکردهای آن

۲-۱ مقدمه

تحقیق پیرامون جایگاه بورس سهام در اقتصاد مقاومتی و تبیین مسأله، مستلزم بررسی و شناخت ماهیت بورس به نحو کلی، به ویژه بورس اوراق بهادار ، کارکردها و اهداف آن می باشد.

از این رو، از باب پیش نیاز، به شرح مطالبی در مورد وظایف آن در بازار سرمایه و نظام مالی، به نحو گذرا اکتفا می کنیم تا شناخت اجمالی از ماهیت و کارکردهای بورس کسب کنیم. در این بین از باب الکلام یجر الکلام، اشاراتی به نظام مالی و وظایف اصلی آن خواهد شد زیرا بورس اوراق بهادار، در زیرگروه نظام مالی طبقه بندی می شود.

۲- ۲- تعریف بورس

واژه ی بورس پسوند نام خانوادگی شخصی سرمایه دار وهتلداربلژیکی بنام "واندربورس" است. بازرگانان و صرافان شهر بروژ بلژیک در روزهای کاری هفته در میدان مقابل هتل وی گرآمده و به داد و ستد کالا،پول و اوراق بهادار(حواله جات و اسناد مالی) می پرداختند.نام او بعدها به کلیه اماکنی اطلاق گردید که محل مبادله ی کالا،پول،اسناد تجاری و مالی بوده است.[۱] امروزه اما در ادبیات اقتصاد مالی، این واژه تقریبا معادل بازار است.

بازاربورس یا بورس یعنی مکان عمومی و یاشبکه ی مجازی ارتباطی مانند اینترنت که درآن دارایی های مالی(دربورس اوراق بهادار و سهام) وواقعی(دربورس کالا) مبادله می شوند.منظور از دارایی های مالی اسناد کاغذی مانند سهام و اوراق مشارکت است. بنا براین، بورس،بازاری است که درآن دارایی های مختلف مورد داد و ستد قرار می گیرند.[۲]

[۱] غلامحسین دوانی،بورس،سهام ونحوه قیمت گذاری ص۳۳

[۲] خودآموزبورس ص۱۰

۲- ۳- وظایف بورس

۲- ۳- ۱- سنجه ی تحلیل اقتصاد

امروزه اقتصاد کشورها رشد و رونق شان را ازبورس دارند.این جمله معروف است که"بورس میزان الحراره اقتصاد ملی" می باشد؛[۱] به این معنا که بورس بازتابنده ی رخدادهای مثبت و منفی در بدنه ی اقتصاد کشور ها است. به بیانی دیگر، افراد هرکشور می توانندبا توجه به روندکلی وضعیت بورس آن کشور و مطالعه شاخصهای بورس،نسبت به وضعیت کلی اقتصاد کشور قضاوت نمایند.درکشورهای مختلف فعالان اقتصاد همه روزه شاخص های بورس را دنبال می نمایند و اخبار بورس جایگاه ثابتی در رسانه های جمعی سمعی و بصری و حتی در صدراخبار قرار دارند که حاکی از اهمیت بورس در اقتصاد هست.[۲]

اهمیت و ضرورت بورس در روزگار ما به حدی است که در زندگی فردی و اجتماعی تاثیر نهاده واین برمی گردد به تاثیرات بورس براقتصادجامعه و نیز مزایای زیاد بورس برای سرمایه گذاری، سرمایه گذاران و سرمایه پذیران که در بخشهای بعد ذیل وظایف و اهداف بورس شاهد توضیحات بیشتر خواهیم بود.

۲- ۳- ۲- بازار ابزارتامین مالی بلندمدت

بورس اوراق بهادار مرکزجمع آوری پس اندازها و نقدینگی بخش خصوصی به منظورتامین مالی پروژه های سرمایه گذاری بلندمدت است و ازسوی دیگرمرجع رسمی و مطمئن است که دارندگان پس اندازهای راکد می توانند محل نسبتا مناسب و ایمن سرمایه گذاری را جستجوکرده و وجوه مازاد خودشان را برای سرمایه گذاری درشرکتها به کارانداخته و یا باخرید اوراق قرضه ی دولت ها و سهام

[۱] محمدنقی نظرپورویحیی لطفی نیا،معرفت اقتصاداسلامی،پاییز و زمستان۹۳،ش۱۱،مقاله:نقش بورس اوراق بهاداردرتحقق سیاستهای کلی اقتصادمقاومتی. ص۶۷.

[۲] خودآموزبورس ص۱۰-۱۲

شرکتهای معتبر،ازسودتضمین شده(درسهام ممتاز و اوراق قرضه) یا سود باریسک کمتر(در سهام عادی و صکوک قابل تبدیل به سهام) برخوردارشوند.

۲- ۳- ۳- وسیله ی تقسیم ریسک

ریسک در فعالیت های اقتصادی موضوعی آشنا است که نبودش خوشایند همه سرمایه گذاران می باشد ولی هیچ سرمایه گذاری ای،مصئون از زیان های احتمالی نیست.ریسک نقطه مقابل اطمینان است و به وضعیتی گفته می شود که درآن هرتصمیم گیری بیش از یک نتیجه ی ممکن به همراه داشته باشد.[۱]ریسک که چالش جدی فراروی بازرگانان و سرمایه گذاران است چیزی نیست جز در معرض خطر قرارگرفتن،زیان باالقوه ی سرمایه گذاری ویا وضعیتی که مرکب از خطر و فرصت هست.[۲]

البته به جز موارد بالا،تعاریف گوناگون دیگری هم از ریسک وجود دارد مانند: هرگونه نوسانات در هرگونه عایدی؛ هرپدیده ای که بتواند نتیجه ی حاصل ازآن چه سرمایه گذاری انتظاردارد را منحرف سازد. دریک تعریف کمی و آماری،انحراف معیارچنددوره ای یک متغیر،ریسک خوانده می شود. و در تعریفی که از جنبه ی منفی نوسانات مطرح شده ریسک عبارت است ازاحتمال کاهش درآمد یا از دست دادن سرمایه.[۳]

تعریف اخیر،تلقی توده های مردم از ریسک می باشد. به دلیل ماهیت مبهم و ترسناک ریسک است که بنگاه های تجاری، سرمایه گذاری دارای نااطمینانی بالارا نمی پذیرند و واردآن نمی شوند.

ازجمله فلسفه ها ی ایجاد بورس اوراق بهادار تسهیم ضررهای پیش بینی نشده اما محتمل الوقوع یا همان ریسک است؛ واین یکی ازانگیزه های اصلی بازرگانان برای ایجاد شرکتهای سهامی عام بوده و

---

[۱] دومنیک سالواتوره،اقتصادمدیریت،ص۴۶۲.

[۲] نهادهای مالی ص۱۰۳

[۳] رضاراعی و علی سعیدی، مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، ص۴۶.

هست.تقسیم خطرات و ضررهای احتمالی ایجاب می نماید شریک هایی باسهام متفاوت یامساوی و مسئولیتی درحدودسرمایه ی گذاشته شده برای سرمایه گذاری،وجودداشته باشند.[۱]

۲- ۳- ٤- فراهم سازی زیرساخت داد و ستد دارایی های مالی

افزون برموارد پیشگفته ،توسعه فعالیت های تجاری نیازمند هزینه های زیادی است که ازعهده یک یا چند نفر برنمی آید لذا برای تهیه پول لازم برای توسعه فعالیت های شرکت،انتشارسهام یا حق گواهی مالکیت یکی از روش های متداول و آسان تهیه ی پول است.۲ این سهام پس از انتشار، در بازار بورس درمعرض فروش گذاشته می شوند که یک بازارسازمان یافته ی دست دوم و یا ثانویه است و کارگزاران یا نمایندگان خریداران و فروشندگان اوراق بهادار درآن گردهم می آیند.[۳]

۲- ۴- اهداف بورس

هدف اصلی بورس کمک به گسترش بخش واقعی اقتصاد با فراهم سازی بسترهای توسعه ی تولید است. بورس یک عنصر مهم بازار مالی بوده و بعنوان یک بازاررسمی و سازمان یافته محل تلاقی تصمیمات مربوط به عرضه و تقاضای وجوه می باشد.[۴]

اهم اهداف و کارکردهای این بازارمالی عبارتند از :

۲- ٤- ۱- فراهم سازی نقدینگی برای سرمایه گذار

سرازیری سرمایه از عرضه کنندگان به متقاضیان با استفاده از ابزارهای بازار پول و سرمایه مانند سهام و اوراق بدهی شرکت ها و بنگاههای تجاری.

[۱] غلامحسین دوانی،بورس،سهام ونحوه ی قیمت گذاری.صص۳۲و۳۳.

[۲] فردریک میشیکین،مترجمان:علی جهانخانی و علی پارسائیان. پول،ارزوبانکداری ص۲۸

[۳] همان ص۳۱

[٤] سیدروح الله حسینی مقدم،بازارگردانی دربورس اوراق بهادار، ص۳.

۲- ٤- ۲- انتقال منابع سرمایه ای به طرح های مولد

یعنی افزون بر فرایند تجمیع و تجهیز سرمایه های راکد، تخصیص بهینه و تسهیل فرایند تامین مالی شرکت ها نیز از اهداف مهم بورس می باشد.

۲- ٤- ۳- علامت دادن به مدیران مالی

بازاربورس بهترین مرجع برای اعلان هشدارها و پیام هایی است که دامن اقتصاد ملی را دیر یازود خواهدگرفت؛ به عنوان نمونه وقتی سهام یک بنگاه دربازاربورس به قیمت اسمی آن می رسد و افزایش سرمایه درآن توجیه ناپذیر می شود،این وضعیت بهترین نماگر برای مدیران مالی و اقتصادی دوبخش خصوصی و دولتی است که سرمایه گذاری درآن صنایع فاقدتوجیه می گردد.[1]

۲-٤-٤-کمک به گسترش مالکیت عمومی

کمک به توسعه ی مالکیت همگانی وتوزیع عادلانه درآمد از طریق اشتراک گذاری وتقسیم مالکیت های بزرگ با فروش سهام آن ها دربورس سهام که احساس مشارکت عموم افراد را درفعالیت های تولیدی و تجاری در پی دارد.

بسیاری از جامعه شناسان براین باورند توزیع مالکیت ها بین عموم طبقات جامعه به لحاظ اجتماعی مفید بوده و ازدوقطبی شدن جامعه(فقیر و غنی) جلوگیری می کند و مانع نا آرامی های اجتماعی و یا باعث کاهش آن می شود؛ زیرا مالکیت ثروت و دارایی ها، در کنار اشتغال، از پایه های اصلی تفاوت های طبقاتی می باشد.[2]

۲- ٤- ۵- تخصیص بهینه منابع

بورس با تعیین بهای رقابتی سهام همچون ابزاری نظام بخش اقتصاد، مدیران ضعیف را تنبیه و مدیران خلاق را تشویق می کند.درچنین وضعیتی، یک شرکت زیان ده، نمی تواند از مسیربورس به تامین مالی

[1] مجتبی کاوند و محمدجوادفرهانیان،تبیین جایگاه بازارسرمایه درسیاست های اقتصادمقاومتی ص۱۲.

[2] آنتونی گیدنز،جامعه شناسی،ترجمه حسن چاوشیان،ص ۴۰۹.

نیازهای خود اقدام نماید. این غربالگری مانع از هدر رفتن سرمایه ها و تخصیص نا صحیح(غیربهینه) آن می شود.[۱]

۲– ۵– جایگاه بورس سهام درنظام مالی

پیش از پرداختن به تبیین جایگاه بورس درنظام مالی، نگاهی کوتاه به ماهیت سیستم یا نظام مالی انداخته و به طورفشرده به اجزا و اهم وظایف آن اشاره می کنیم.بدیهی است با توجه به این که بورس جزوِ عناصر سیستم مالی می باشد بحث از ماهیت و کارکرد سیستم مالی به نتایج خوبی راجع به منزلت بورس در آن منجر خواهد گشت.

۲- ۵- ۱- نگاهی به نظام‌ها،نهادها و بازارهای مالی

نظام های مالی بُعد مهم یک نظام اقتصادی است.بخش واقعی اقتصادرا اگر بُعد سخت افزاری سیستم اقتصاد فرض کنیم، بخش مالی و نظام مالی در نقش و حکم جنبه ی نرم افزاری ظاهر شده و به منزله ی سیستم عامل آن عمل می کند.بخش واقعی،نمایش و پیشرفت و کارایی اش را مرهون بعد مجازی یا اعتباری است و بدون آن کارایی و ترقی نخواهدداشت؛ رشد اقتصاد در بخش حقیقی وابسته به حجم و کم و کیف فعالیت و میزان کارایی سیستم مالی است که بخش اعتباری را می سازد.بخش مالی و اعتباری،به سان خون جاری درشاهرگهای اقتصاد است و برای بیان میزان اهمیتش به دماسنج اقتصاد موسوم شده که از وضع بد یا خوب این دماسنج،به مقدار، سرعت رشد و سلامت اقتصاد می توان پی برد.[۲]

مجموع فعالیت های اقتصاد در دوبخش واقعی(Real) و مالی(Financial) واقع می شود.متغیرهای اساسی حساب های ملی مانند مصرف و تشکیل سرمایه بیان گر فعالیت هایی است که در بخش واقعی

[۱] آموزش سرمایه گذاری دربورس اوراق بهادار صص۵۸-۵۹

[۲] محمدنقی نظرپوریحیی لطفی نیا،«نقش بورس اوراق بهاداردرتحقق سیاستهای کلی اقتصادمقاومتی». معرفت اقتصاداسلامی،پاییز و زمستان۹۳،ش۱۱، ص۶۷.

اقتصاد در جریان است.اما بخش مالی به عنوان مکمل بخش واقعی دربرگیرنده ی فعالیت هایی است که توسط پول وسایراوراق بهادار انجام می شود.

به طور کلی ترتیباتی که برای ایجاد و مبادله ی مطالبات به کار می رود وبه طور مشخص موجباتی را فراهم می آورد تا وجوه از پس انداز کنندگان به تقاضا کنندگان منتقل شود اصطلاحا به نظام مالی موسوم است.نظام مالی مشتمل برمؤسساتی هستند که در چهارچوب نهادی که بازار مالی نامیده می شود با یک دیگر به داد و ستد مطالبات مالی(دیون)می پردازند.[1]

دریک نظام مالی اتفاق مهمی که رخ می دهد جریان سرمایه های راکد(پس اندازها)به سمت بازار و ازآنجا به جانب فعالیت هایی است که کالا تولید می کنند و پول و ثروت می آفرینند.

اجزا و عناصرمهم نظام مالی عبارتند ازخانوارها،شرکتها و بانکهای تجاری،دولت وخارجیان.هم چنین واسطه های مالی و سرمایه ها،دارایی های مالی(ابزارها)و بازارهای مالی از دیگر اجزا و اعضای آن می باشد.

بازی گران اصلی درسیستم مالی،نهادها(واسطه ها)ی مالی و بازارها هستند.بازارهای مالی را واسطه های مالی(بانکداران،صراف ها،نهادهای مالی غیربانکی مثل بیمه و صندوق های سرمایه گذاری) به وجود می آورند تا ازآن طریق به اهداف شان نایل شوند.هدف اولیه،انتقال وجوه و هدف عالی و غایی شان تولید و تکثیر ثروت و پول است که با تجهیز و تخصیص بهینه ی منابع نقدی امکان خواهدیافت.

۲- ۵- ۲- وظایف سیستم مالی

دریک نظام مالی اتفاق مهمی که رخ می دهد جریان سرمایه های راکد(پس اندازها)به سمت بازار و ازآنجا به جانب فعالیت هایی است که کالا تولید می کنند و پول و ثروت می آفرینند. سیستم مالی یکی از مهم ترین اجزای هراقتصادی می باشد زیرا خدماتی ارائه می کند که بدون ان یک اقتصاد مدرن قادر به انجام وظایف خود نیست.مهم ترین خدمات یک سیستم مالی عبارت است ازعرضه یا ایجاد

[1] محمودختایی، گسترش بازارهای مالی ورشد اقتصادی ص۳۸.

اعتبارات،خدمات پرداخت،خلق پول وایجاد مجرایی برای پس اندازها.[1] سیستم مالی هم چنین مکانیزمی را به منظور تشویق پس انداز و نیز ایجاد جریان وجوهی که به سرمایه گذاری منتهی می گردد به وجود می آورد.[2]

وظیفه اصلی بازارهای مالی(بازارهای اوراق قرضه و سهام) وواسطه های مالی(بانک،شرکت ها و صندوق ها) فراهم سازی ارتباط میان پس اندازکنندگان دارای مازادپول و نیازمندان به منابع و تامین مالی است که به اعتبار و پول محتاج اند.[3]

۲- ۵- ۳- واسطه های مالی

واسطه های مالی(بانک های تجاری) بنگاه های هستند که به عنوان دلالان نظام مالی عمل می کنند.آن ها درقبال سپرده های مردم اقدام به ایجادپس انداز ووام می کنند.واسطه های مالی با ایفای نقش خود هزینه های مبادلات را کاهش می دهند.وام های بلند مدت را از محل وام های کوتاه مدت(سپرده گذاران در بانک)تجهیز کرده ازاین طریق نقدینگی را افزایش می دهند و ازطریق ادغام تعدادزیادی وام،ریسک وام دهندگان کوچک(سپرده گذاران دربانک) را کاهش می دهند.[4]

۲- ۵- ٤- نقش واسطه های مالی در اقتصاد

عمل انتقال وجوه از پس انداز کنندگان ووام دهندگان به سرمایه گذاران که از امکانات مالی لازم برخوردار نیستند در بازارهای مالی انجام می شود.این انتقال توسط وایطه های مالی که در دو بازار پول و سرمایه فعالیت می کنند صورت می گیرد.دربازار پول اسناد کوتاه مدت با سررسید کمتر ازیکسال و در بازار سرمایه اسناد بلند مدت با سررسید بیش از یکسال مبادله می شوند.[5]

[1] یوسف فرجیی،آشنایی با ابزارها و نهادهای پولی مالی ص۲۵

[2] همان ص۲۸

[3] حسین تک روستا و سعیده باباجانی، نهادهای مالی ص۱۲

[4] محمودختایی،گسترش بازارهای مالی ورشد اقتصادی ص۴۲.

[5] همان ص۱۰۴

واسطه های مالی نقش مهمی دراقتصاددارند زیرا آن ها خدمات نقدینگی را فراهم وتسهیم ریسک را ایجاد می کنند و مسایل نبود تقارن اطلاعاتی را حل می کنند.علت موقعیت آن ها در اجرای چنین نقشی این حقیقت است که اغلب مردم پس انداز های خودرا نزد این واسطه ها سرمایه گذاری می کنند تا وجوه نقد دراختیارافرادی با فرصت های سرمایه گذاری مولد قرارگیرد.بدون وجود واسطه های مالی دستیابی به قابلیت ها و توانایی های کامل یک اقتصاد دشوار خواهد بود.[1]

۲- ۵- ۵- اهمیت بازارهای مالی

چرا در اقتصاد فرایند انتقال پول از پس انداز کنندگان به خرج کنندگان مهم تلقی می شود؟

پس انداز کنندگان معمولاً فاقد فرصتهای سرمایه گذاری وتوانایی کارآفرینی و تولیدی اند.وقتی فرصت سرمایه گذاری و کسب درآمد بعلت عدم وجود بازار مالی،وجود نداشته باشد سودی عاید دارنده ی مازاد سرمایه نخواهد شد. بازار مالی هم به سرمایه گذار و هم به سرمایه پذیر نفع می رساند و باعث تقویت کل اقتصاد جامعه می شود.پس بازار های مالی نقش حیاتی در تخصیص بهینه ی منابع وارتقای کارایی اقتصادی ایفا می کند.

بانک مرکزی، بانک های تجاری و شرکت های سرمایه گذاری مانند بیمه ها و صندوق های سرمایه گذاری مهم ترین نهادهای مالی می باشند.بانک های تجاری ازراه سپرده پذیری پول های مردم را جمع نموده و به خرج کنندگان پول،وام اعطا و سود دریافت و درنتیجه چندین برابر سپرده ها پول خلق می کنند.شرکت های سرمایه گذاری ازطریق قرارداد های بلند مدت و داد و ستد اوراق قرضه و اوراق بهادار(بازارسرمایه و سهام) بدنبال حداکثرسازی منافع خود هستند.[2]

---

[1] نهادهای مالی ص۲۰

[2] همان صص۱۳و۱۴

۲- ۵- ۶- اهمیت سیستم مالی

دراقتصادهای مدرن، مالیه (نظام مالی)درعمل اساس هرمبادله ی اقتصادی را تشکیل می دهد.[1]در فروشگاه های بزرگ و بازارهای معاملاتی از محصولات بازارها و نهادهای مالی مانند کارت های اعتباری،خودپردازها،پول و اوراق بهادار مانند دسته چک و مانند آن ها که مبادلات را تسریع و تسهیل می کنند سود می جوییم.نظام مالی شامل نظام بانکی(بازارپول) و بازارسرمایه(بورس سهام و اوراق بدهی) علاوه برفراهم آوردن وسیله ای برای پرداخت و دریافت که اساس همه مبادلات اقتصادی را تشکیل می دهد،پیوند بین محصول و مصرف حال ودرآمد آینده هم توسط نظام مالی ایجاد می شود.وقتی با استقراض ازبانک، خرید کالایی مثلا ماشین را تامین مالی می کنیم در واقع مصرف را پیش ازموعد وبراساس درآمدهای آتی انجام می دهیم.

امکان چنین عملی از آن جا ناشی می شود که واسطه های مالی نظیر بانک ها وجوه را ازواحدهای دارای مازاد یعنی آن دسته ازواحدهایی که درآمدشان بیشتر ازمخارج شان است،گردآوری کرده وآن هارا به صورت وام به واحدهای که مخارج فعلی شان بیشتر ازدرآمد کنونی شان است مانند مشتری ماشین پیشگفته،انتقال می دهند.

درنبودنظام مالی که انتقال بین دوره ای منابع را ممکن می کند کل مصرف زمان حال باید ازمحل درآمدهای جاری تامین مالی شود و باوضع بد درآمدجاری و کسری بودجه برای راه اندازی پروژه های مهم و فعالیتهای ضروری اقتصادی و تجاری،بنگاهها توان گردآوری سرمایه برای تامین مالی تهیه ی تجهیزات کارخانه ها و موسسات را نخواهندداشت مگر این که در سنوات گذشته به سودهای کلان رسیده باشند که هزینه های فعلی را پوشش دهند.

[1] جمعی ازنویسنگان،توسعه مالی و رشد اقتصادی،مترجمان:ناهیدپوررستمی و محمودمشهدی احمد. ص۶۷

درنبود نظام مالی بسیاری از فرصت های سودآور و ازنظراجتماعی پرمنفعتِ سرمایه گذاری نظیرخلق بنگاه ها و ابداعات جدید،هیچگاه تحقق نخواهد یافت.[1] ازآنجا که نظام مالی محورنظام های اقتصادیی جدید است پس این قضیه که مالیه برای رشد اقتصادی ضروری است نیاز به اثبات ندارد.

امروزه نظام بانکی متشکل از بانک مرکزی و بانک های تجاری نقش رهبری کننده در کنترل فعالیت های اقتصادی و به گردش درآوردن چرخ های پیشرفت اقتصادی-اجتماعی ایفا می کند. به طوری که **در ادبیات اقتصادی از نظام بانکی به عنوان قلب اقتصاد که متناسب با نیاز بخش های حقیقی خون(پول) در آن ها تزریق می کند،یاد می کنند.** شبکه گسترده ی بانک های تجاری با محوریت بانک مرکزی حد اقل سه نقش مهم کلیدی در اقتصاد بازی می کند که عبارتند از رونق مبادلات، تجهیز و تخصیص بهینه منابع(با مزیت های افزایش پس انداز کل،کاهش هزینه مبادلات و سرمایه گذاری،بلندمدت شدن اعتبارات،بزرگ شدن اعتبارها)و کنترل و هدایت متغیرهای اساسی اقتصادکلان از طریق اجرای سیاست های پولی.[2]

۲- ۵- ۷- موقعیت بورس اوراق بهادار درنظام مالی

بورس اوراق بهادار، یک بازار مالی است که درنظام و بازار مالی منزلت ویژه دارد. بازار مالی بازاری است که مهم ترین کارکرد آن تجهیز منابع،پس اندازها و هدایت آن ها به سمت فعالیت های مفید اقتصادی است.تعیین قیمت وجوه سرمایه،انتشاراطلاعات،تحلیل اطلاعات و توزیع ریسک اقتصادی در تمام کارکردهای این بازار قرار دارد.[3] و بورس واجد تمام این ویژگی ها به روش خاص می باشد. با توجه به این که بورس زیرگروه بازار سرمایه است از ابزارهای بازار سرمایه مانند سهام،اوراق قرضه دولتی،اوراق قرضه شرکت ها و موسسات مالی دولتی و خصوصی و اسنادرهنی و اوراق اجاره و در

---

[1] همان ص ۶۸.

[2] سیدعباس موسویان،بانکداری اسلامی،صص۴۱-۴۴

[3] محمد پیشدار، بورس آئینه ی اقتصاد کارا، ص۱۴.

بازار سرمایه اسلامی ازمجموعه صکوک استفاده می برد و به تجهیز و تخصیص بهینه منابع پس اندازی کمک شایان می رساند.

چنان که گذشت بورس در زیر مجموعه بازارهای مالی وظایف مهمی را به عهده دارد و دستاوردهای برجسته ی زیر از ویژگیهای بورس است :

الف) تعیین قیمت برای دارایی های مالی؛

بازار بورس با ایجاد بازاررقابت و شفافیت اطلاعات به کشف قیمت می رسد لذا به موسسات اقتصادی در برنامه ریزی های مالی وسرمایه گذاری ها یاری می رساند.

ب) فراهم آوردن قابلیت نقدشوندگی؛ هرچند این مزیت را در حد بازار پول ندارد.در بازار پول، درجه ی نقدینگی بالاتر است.[1] بورس شرایطی را فراهم می کند تا دارندگان مازاد سرمایه دارایی های مالی خود را به راحتی و با قیمت مناسب بفروشند که این امر باعث به وجود آمدن نقدینگی دربازار می شود.

ج) جمع آوری پس اندازهای کوچک و بزرگ؛

این امر تاثیر به سزایی درتامین سرمایه مورد نیاز واحدهای اقتصادی دارد.

د) توزیع ریسک؛

فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری با چالش احتمال وقوع زیان های مالی مواجه اند.دربازاربورس از طریق خلق و توزیع اوراق بهادار این خطرات، بین سرمایه گذاران توزیع می گردد.[2]

---

[1] همان

[2] علی تک روستا،سازمان های پولی،مالی و اقتصاد بین المللی. ص۳۷۰.

اضافه براین چنان که در مطالب گذشته بیان گردید،از فواید بارز بازارهای مالی و بورس اوراق بهادار کاهش هزینه معاملات و تجزیه و تحلیل اطلاعات(شفاف سازی) و انتشار به موقع و مستمرآن هاست که برای سرمایه گذاران و سرمایه پذیران، اهمیت بسزا دارند.

۲– ۶– انواع بورس

بورس به عنوان بازاری مدرن که درآن دارایی هایی گوناگون عرضه و مبادله می شوند و در این بازار از به روزترین تکنیک های مبادله استفاده می کنند، سه گونه ی معروف در زیر گروه آن قراردارد:

۲– ۶– ۱– بورس کالا

نام عام مجموعه بازارهایی است که در آنها دارایی های فیزیکی که اساسا دارایی های مشهود[۱] و کالاهای معین مانند طلا،نفت،سنگ،گندم و.. که غالبا به صورت مواد اولیه و خام هستند معامله می شوند و این بازارها به شکل دایم و منظم فعال اند. گفتنی است در بورس کالا تنها نمونه ی کالاهای یاد شده در معرض دید خریداران گذاشته شده و به صورت انبوه فقط در انبارهای خاص موجود است.لازم به ذکر اینکه بورس کالا درمنطقه و بخش حقیقی اقتصاد قراردارد نه مجازی و مالی آن؛ زیرا که موضوع مبادلات در این بازار، دارایی های نامشهود نیست که ارزش شان تابعی است از ارزش دارایی های فیزیکی و مشهود.

۲– ۶– ۲– بورس پول های خارجی یا بورس ارز

این بازار محل داد وستد اسکناس های رایج در کشورهای خارجی است بخصوص آن دسته از واحدهای پولی که اعتبار جهانی دارند و در معاملات بین المللی قابل قبول اند مانند دلار و یورو. البته در کشورهای توسعه زده (مانند ایران،پاکستان و افغانستان) بورس ارز رسمی، دائمی و فعال وجود

---

[۱] واحدآموزش شرکت بورس اوراق بهادار تهران،آموزش سرمایه گذاری دربورس اوراق بهادار ص۳۰

ندارد و شرکت های درگیر در امر واردات و مسافران، ارزهای مورد نیاز شان را از سیستم بانکی و صرافیهای موجود در سطح شهر تامین می کنند.[1]

۲- ۶- ۳- بورس اوراق بهادار

بورس اوراق بهادار، بازار دارایی های مالی است که درآن دارایی های مالی مانند سهام،اوراق مشارکت و سایر ابزارهای مالی خرید و فروش می شوند.این بازار به طور رسمی و دائمی در محل معین تشکیل می شود.[2] **بورس اوراق بهادار، نماد اصلی بازارسرمایه است و جایگاه خاصی در تجهیز و تخصیص منابع پس اندازی و تامین مالی پروژه های سرمایه گذاری دارد.**وظیفه اصلی بورس اوراق بهادار فراهم آوردن بازاری شفاف و منصفانه برای داد و ستد اسناد مالی پذیرفته شده دربورس ومکانیزم مناسب برای نظارت برجریان معاملات و عملیات بازار و فعالان در بازاراست.[3]

بازارسهام و اوراق بهادار از گذشته ای دور، به عنوان یکی ازمهمترین مراکزسرمایه گذاری و جذب سرمایه شناخته شده است. این بازار به افراد و پس اندازهای خرد و کوچک امکان سهم گیری و مشارکت فعال در صنایع رو به گسترش را اعطا می کند تا ازنقدینگی شان سود بیشتری بدست آورند. امروزه بازارسهام در دنیا بحیث یکی ازمجاری اصلی کسب موفقیت های بزرگ مالی و اقتصادی به شمار می رود.[4]

۲- ۶- ۳- ۱- بازارهای مالی

نظام مالی یا مالیه،شبکه ای متشکل ازنهادها، ابزارها و بازارهای مالی است که انتقال وجوه را تسهیل می کنند. ***درتعریف کلی، بازار هرجایی است که دارایی درآن مورد داد و ستد قرارگیرد و بازار مالی، محل یا موقعیت داد وستد دارایی های مالی مانند انواع اوراق قرضه و سهام است***. با خرید

---

[1] سیدمجتبی فنایی،خودآموزبورس صص۱۰-۱۱

[2] همان ص۱۱

[3] محمدنقی نظرپورویحیی لطفی نیا،معرفت اقتصاداسلامی،پاییز و زمستان۹۳،ش۱۱،مقاله:نقش بورس اوراق بهاداردرتحقق سیاستهای کلی اقتصادمقاومتی. ص۵۴

[4] سیدجعفرسجادی، بورس، ص۱

وفروش، این دارایی ها به پول و دارایی های مالی دیگر تبدیل می شوند.در بازارهای مالی، زمانی وجوه انتقال می یابند که یک طرف معامله دارایی های مالی را بخرد.[1]

از آن جا که بورس سهام در زیر گروه بازارهای مالی قرار دارد و بیشتر در این تحقیق به بازار های مالی بخصوص بازار سهام می پردازیم، نگاهی اجمالی داریم به نقش بازار های مالی و گونه های این بازارها که به نحوی به تبیین نقش سهام نیز منجر می گردد.

۲- ۶- ۳- ۱- ۱- نقش بازارهای مالی

اقتصاددانان در طول دهه های اخیر به وجود ارتباط علّی بین توسعه مالی و رشد اقتصادی پی برده اند. از این جهت مهم است بدانیم بازارهای مالی چه کار می کنند که تا این حد جلب توجه نموده و اهمیت یافته اند و چگونه رشد اقتصادی به میزان زیادی متاثر از توسعه نظام و بازارهای مالی است که خود توسعه بازارهای مالی نیز معلول وجود رقابت در این بازار می باشد.

به طور اجمال، این حقیقت در ظهور نقش بارز بازارهای مالی در رشد، قابل یادکرد می باشد که بازارهای مالی پس اندازکنندگان را قادر می سازد وجوه نقد خودرا تجمیع کنند و ازاین طریق منابع مالی قابل توجهی را برای فعالیت های اقتصادی فراهم آورند.افزون بر این، سوق دادن این منابع و سرمایه گذاری ها به سمت فعالیت های با بالاترین بازدهی اقتصادی و کاربرد بهینه از امکانات مالی فراچنگ آمده به برکت وجود بازارهای مالی،حقیقتی دیگری است که به ارزش مندی و مهم بودن بازارهای مالی منتهی می گردد.

دربعدتجربی مطالعات مالی و پیگیری نقش موثرنظام و بازار مالی نیز تا حد زیادی مشخص شده که شاخص های مالی به شدت همبستگی مثبتی با رشداقتصادی دارند به همین دلیل بسیاری از اقتصاددانان براین باورند که سیاست های دولت در خصوص نهادهای مالی تاثیرات قابل توجهی برروی رشد بلند مدت اقتصادی دارد.[2]

---

[1] محمدنقی نظرپور،میثم حقیقی. ارتباط متقابل بانکداری اسلامی و بازارسرمایه، ص۱۹.

[2] جمعی از مولفان،توسعه مالی ورشداقتصادی ص۱، مترجمان:ناهیدپوررستمی و محمودمشهدی احمد.

بازارهای مالی نقش ها و کارکردهای زیادی دارند. چند نمونه از این کارکردهارا توضیح می دهیم:

یک) قیمت گذاری

تقابل عرضه و تقاضا در بازار مالی،قیمت دارایی های مالی مبادله شده را تعیین می کند.بدین سان بازارهای مالی ساز و کارهایی برای سرمایه گذار فراهم می کند تا بدین وسیله دارایی مالی را براساس ارزش منصفانه اش بفروشد.

دو) ایجادقابلیت نقدشوندگی دارایی

بازارمالی قابلیت نقدشوندگی دارایی مالی را تا حد زیادی فراهم می آورد.این امر، زحمت و ریسک نگه داری اوراق مشارکت و سهام را تازمان سررسید وانحلال و تصفیه حساب شرکت،ازدوش سرمایه گذار(خریدارسهام و اوراق) برمی دارد. هرچند تمام بازارهای مالی خدمت مهم قابلیت نقدشوندگی را ارائه می کنند اما میزان عرضه ی این قابلیت بسته به میزان پیشرفت ، اعتبار و موقعیت جغرافیایی بازار و دیگر متغیرها،متفاوت است.بدیهی است قابلیت نقدشوندگی سهامی که دربورس اوراق بهادارنیویورک یا لندن مبادله می شوند به مراتب بیشتر از بورس اوراق بهادار یک کشور آسیایی است.

سه) تسهیل داد وستد

بازارهای مالی نظیر دیگر بازارها نقش مهمی در راحت و روان سازی مبادلات دارند.به این معنا که در بازارهای مالی خریدار و فروشنده به آسانی باهم ارتباط برقرار می کنند.

چهار) انتشار و تحلیل اطلاعات

ازجمله کارکردهای بازارهای مالی انتشار و تحلیل اطلاعات دارایی های مالی است. در بازارهای مالی سایت های اطلاعاتی وجود دارند.در آن پایگاه های اطلاعاتی دستیابی به معلومات، وضعیت،وویژگی های ضروری یک دارایی مالی میسر می باشد.

پنج) تقلیل هزینه معاملات

انتشار، تحلیل ودستیابی به اطلاعات، منجر به کاهش هزینه ی معاملات می گردد. در معاملات دو گونه هزینه وجوددارد، هزینه ی جسجوی اطلاعات و دیگر خرج کسب اطلاعات.هزینه جستجو بیان گر هزینه های پنهان و آشکار است.وجوه از دست رفته برای درج آگهی خرید یا فروش دارایی مالی، مخارج آشکار و زمان و نیروی تلف شده برای یافتن طرف معامله جزوِ هزینه های ضمنی یا پنهان به حساب می آید.از این رو وجود بازار مالی سازمان یافته هزینه های جانبی معاملات را تا میزان زیادی پایین می آورد. به منابعی که باید در ارتباط با دستیابی به اطلاعاتی مرتبط با ریسک و بازده دارایی مالی پرداخت کرد، اصطلاحا هزینه کسب اطلاعات گفته می شود.بازارهای مالی باعث تقلیل این قبیل مخارج نیز می باشد.

افزون بر موارد بالا، بازارهای مالی فواید مهم دیگری نیز دارد نظیرجذب پس انداز های جامعه و تخصیص بهینه ی این منابع درجهت رشد اقتصادی کشور؛[۱] که در آغاز این بحث بدان اشاره نمودیم.

۲- ۶- ۳- ۱- ۲- گونه های گوناگون بازار مالی

طبقه بندی های متفاوتی برای بازارهای مالی وجود دارد که باعث پرشمار شدن انواع این بازارها می گردد مانند بخش بندی بازار به لحاظ نوع دارایی مورد تبادل،به بازار انواع سهام و اوراق بدهی نظیر اوراق مشارکت،انواع ابزارهای مدیریت ریسک(مشتقه) نظیر قراردادهای آتی و...[۲] هم چنین طبقه بندی برحسب مرحله عرضه دارایی مالی که بازارهای اولیه و ثانویه را می سازد. و نهایتا طبقه بندی بلحاظ سررسید.

ما دراین مرحله از بحث به تقسیم بندی بازارهای مالی به لحاظ سررسید بسنده می کنیم.دارایی های مالی طبق تعاریف موجود چیزی جز تعهدات و بدهی های مالی نیستند لذاویژگی بارز شان زمان مندی و زمان بندی است. بدین لحاظ، دو گونه بازار مالی عمده داریم به نام های بازار پول و بازار سرمایه که در ادامه به صورت مختصر توضیح می دهیم.

---

[۱] آموزش سرمایه گذاری دربورس اوراق بهادار ص۳۰

[۲] همان ص۵۰

یک) بازار پول

بازار وجوه کوتاه مدت را بازارپول می نامند.وظیفه ی اصلی این بازار رفع نیازهای نقدینگی بخشهای دولتی و خصوصی است. فعالان این بازار در درجه ی نخست، واحدها و اشخاص دارای مازاد نقدینگی است که ازطریق سیستم بانکی به تقاضای وجوه کوتاه مدت پاسخ داده و سرمایه های مورد احتیاج واحدهای اقتصادی را جهت تامین سرمایه درگردش یا سایر نیازهای نقدینگی مانند نیازهای تجاری و تنگناهای مالی، در اختیارشان می نهند. *مهم ترین ویژگی های بازار پول عبارتند از:*

- بالابودن درجه اطمینان نسبت به بازپرداخت اصل و فرع(ریسک بسیار پایین بدلیل تضمین اصل سرمایه با سود ثابت)؛
- سرعت تحقق معاملات مالی؛
- استفاده از ابزارهای بادرجه بالای نقد شوندگی و نقدینگی؛
- اعمال کنترل مقامات پولی(بانک مرکزی) با استفاده از ابزارهای سیاست پولی.[1]
- عموما دوره ی بازگشت سرمایه(بازدهی) در بازار پول کوتاه تر است.
- برخلاف بازار سرمایه،دامنه ی مبادلات در بازار پول بیشتر بوده و مکان معینی را شامل نمی شود.[2]

دو) بازار سرمایه

بازارسرمایه نام عام جایگاه های داد و ستدهای بلند مدت مالی است.اصطلاح بلند مدت بیانگر وجود مطالبات با سررسیدهای بالای یکسال است.سرمایه گذار در انتظار بازده مناسب سرمایه گذاری است تا با پوشش دادن هزینه های ثابت ومتغیر،دیون خود را نیز بازپرداخت نموده و به سود اقتصادی هم دست یابد.

[1] محمود ختایی،گسترش بازارهای مالی ورشد اقتصادی ص۳۹

[2] محمد پیشدار،بورس آئینه ی اقتصاد کارا،ص۱۴.

شایان ذکر است بازار پول و سرمایه شبکه ی به هم پیوسته ای از بازارها هستند و درمکان مشخصی استقرارندارند. برخی از این بازارها مکان مشخصی دارند مانند بازار بورس.[1] در بازار پول شعب بانکی نیز موقعیت فیزیکی معین دارند.

۲– ۷– وظایف ویژه ی بورس سهام

ازمباحث پیشین که به تبیین عملکرد نهادهای مالی، بازارهای مالی و ابزارهای دوبازار پول و سرمایه پرداختیم، دانسته شد که وظیفه اصلی بورس اوراق بهادار و بورس سهام به طورمشخص،فراهم آوردن بازاری شفاف برای داد و ستد دارایی های مالی و سهام است و نیز ایجاد سیستمی است مناسب برای نظارت برجریان داد وستد،عملیات بازار و فعالیت های اعضای آن.

بورس سهام افزون بر کارکردهای عمومی مورد انتظار از یک بازار مالی، وظایف ویژه ای نیز دارد که در سطور زیر نام می بریم :

۲– ۷– ۱– فراهم آوردن یک سیستم داد و ستد کارآمد

۲– ۷– ۲– پذیرش یا لغو پذیرش ابزارهای مالی قابل داد و ستد دربورس

۲– ۷– ۳– پذیرش یالغوپذیرش اعضا

یعنی فعالان بازار بورس شامل کارگزاران،معامله گران،بازارگردانان،مشاوران و مدیران سرمایه گذاری.[2]

[1] گسترش بازارهای مالی ورشد اقتصادی ، ص۴۰.

[2] بورس اوراق بهادارتهران،آموزش سرمایه گذاری دربورس اوراق بهادار، ص۵۵.

۲- ۷- ٤- فراهم آوردن یک سیستم مناسب و کارآمد برای تسویه پایاپای

۲- ۷- ۵- ایجاد امکانات نظارتی

یعنی فراهم آوردن یک سیستم مناسب برای نظارت برجریان داد و ستد،عملیات بازار و فعالیت اعضا و مانندآن.

۲- ۷- ۶- نشر منظم اطلاعات داخل شرکت ها

۲- ۷- ۷- گردآوری و گسیل پس اندازهای راکد .[1]

مهم ترین کارایی بورس همین است یعنی تخصیص بهینه ی منابع خرد و کلان جامعه به سمت فعالیت های تولیدی یعنی تامین مالی بلند مدت شرکت ها ، بنگاه های تجاری و تولیدی و کمک به رشد و تقویت اقتصاد ملی.

ویژگی اساسی بورس اوراق بهادار حمایت قانونی ازصاحبان منابع پس اندازی و الزامات قانونی برای متقاضیان سرمایه است لذا نه تنها مرکز جمع آوری پس اندازها و تامین مالی است بلکه مرجعی رسمی و مطمئن برای دارندگان پس اندازهای راکد نیز می باشد که مایه رفع نگرانی آنها است.

بورس اوراق بهادار با ایجادفضای رقابتی به عنوان بازار اقتصادی باعث می شود که شرکتهای سود دِه، بتوانند ازطریق فروش سهام به تامین مالی بپردازند و برعکس،شرکت های زیان ده به طورخودکار ازگردونه خارج شوند.با چنین مکانیزمی بازار می تواند به تخصیص مطلوب منابع بپردازد.[2]

بورس سهام و اوراق بهادار به عنوان یک بازار متشکل و رسمی، مهمترین متولی جذب و سامان دادن صحیح منابع مالی سرگردان است. با جمع آوری منابع نقدینگی جامعه و فروش سهام شرکت ها ضمن به حرکت درآوردن چرخ های اقتصاد جامعه ازطریق تامین سرمایه های موردنیاز پروژه ها،کاهش

[1] همان ، ص۵۶.

[2] همان.

دخالت دولت دراقتصاد ونیز افزایش درآمدهای مالیاتی،منافع چشم گیری را فراهم می آورد و درکنارآن، اثرات تورمی ناشی ازوجود نقدینگی درجامعه را نیزازبین می برد.

۲– ۸– مزایا ومعایب بورس سهام درارتباط با سایرروش های تامین مالی

همان گونه که دربحث نظام مالی مطرح نمودیم نظام مالی واجد سه جزء مهم می باشد: نهادها،بازارها و ابزارها.نهادهای مالی به مجموعه ای ازمؤسسات مالی فعال در بازارهای مالی گفته می شود مانند بانکها،شرکتهای بیمه،شرکتهای سهامی عام. مهم ترین وظیفه ی نهادهای مالی نقل و انتقال وجوه یا به عبارتی تامین مالی میباشد.تامین مالی با کمک ابزارهای مالی مثل وام وسهام و اوراق بهادارانجام می گیرد.[1] از ابزار وام دهی در بازارپول استفاده می شود اما دربازارسرمایه و بورس برگه های بهادار،متقاضیان تامین مالی با انتشار سهام،اوراق قرضه،مشارکت ومضاربه و...به سرمایه ی مورد نیاز دست می یابند.

فروش عمومی سهام دربازار ثانویه مانند عرضه ی عمومی دیگر اوراق بهادار، یکی ازکانال های معمولی تامین مالی است.درگذشته فعالان تجاری و تولیدی در اقتصاد داخلی و فرامرزی ازطریق سیستم بانکی(بازارپول) اقدام به تامین مالی می نمودند.درکشورهای درحال توسعه هنوز هم این روش پراستفاده هست. اما در کشورهای صنعتی و مترقی با گسترش بازارهای مالی و تقویت سیستم مالی دیگر بانک ها تنها گزینه نیست.این رویکرد بخصوص در کشورهایی که با نظام اقتصادی پایه بازار(و نه بانک پایه) کار می کنند رونق مضاعف دارد.

۲– ۸– ۱– مزایای تامین مالی ازمسیر بورس سهام

۲–۸– ۱– ۱– سهولت ؛

دستیابی به منابع مالی جدید که از الزامات گسترش فعالیت های شرکت هااست ازدوراه استقراض از بانک و بیمه، و انتشارسهام ممکن است.تامین از طریق استقراض به لحاظ فنی و تشریفات،مشکلات

[1] گروهی ازنویسنگان،تامین مالی اسلامی، ص۱۰۷.

و از لحاظ اسلامی هم اشکالاتی دارد.دریافت وثیقه و تضمین ازسوی بانک و پرداخت اقساط و بهره درفواصل منظم، پاره ای از آن مشکلات است. افزون بر این که در مالیه ی اسلامی با اشکال ربا روبرو است لذا قابل استفاده نیست.آسان ترین راه تامین مالی بخصوص برای بلند مدت،عرضه سهام است.کافی است که شرکت دربورس پذیرفته شود وانگهی با صدورسهام جدید، این سهام سریع به فروش رفته و تامین مالی به سهولت انجام می گیرد.در این روش نه تنها مشکلات و اشکالات وام وجودندارد بلکه سهامداران، حامیان این شرکت درصورت بروز مشکل خواهندبود.[1]

۲- ۸- ۱- ۲- معافیت مالیاتی

به موجب قانون مالیات های مستقیم،شرکت های پذیرفته شده دربورس تا زمانی که درسیاهه ی شرکت های بورسی قراردارند از معافیت های مالیاتی به میزان ده درصد برخوردار می باشند.[2]

۲- ۸- ۱- ۳- نقد شوندگی بیشترسهام شرکت های بورسی

بورس سهام مکانیسمی برای سرمایه گذار فراهم می کند تا دارایی مالی را بفروشد و نقدینگی را فراهم کند.این کارکرد،ویژگی ای جذابی است بخصوص وقتی اراده ی واگذاری و فروش تشدیدگردد.اگرنقدینگی وجود نمی داشت، شرکت منتشر کننده ی سهام، به کندی تامین مالی می شد و دارنده ی سهم و سند هم مجبور بود سهام را تازمانی نگاه دارد که شرکت داوطلبانه یا به اجبار منحل شود.هرچندتمام بازارهای مالی نوعی نقدینگی فراهم می کند ولی آنچه سبب تفاوت می شود میزان نقدینگی آن ها است؛[3] که بورس سهام دراین بین پس از بازار پول (سیستم بانکی)درصدر قراردارد.

---

[1] سیدمجتبی فنایی،خودآموزبورس، ص۲۱.

[2] آموزش سرمایه گذاری دربورس اوراق بهادار، ص۵۸.

[3] گروهی ازنویسندگان،مبانی بازارها ونهادهای مالی،مترجم:حسین عبده تبریزی، ص۲۴

۲- ۸- ۱- ٤- افزایش دارندگان سهام

افزون بر افزایش معاملات سهام این شرکت ها بدلیل ارتقای رتبه اعتباری ناشی از ورود به فهرست بورس،دارندگان سهام نیز رو به فزونی می رود.

۲- ۸- ۱- ۵- امکان دستیابی کارکنان شرکت به سهام آن ازطریق بورس

که این امر به تقویت انگیزه ی کاری آنان به عنوان مالکان شرکت، می انجامد.[۱]

۲- ۸- ۱- ۶- کسب اعتماد عمومی؛

هرشرکتی نمی تواندسهام خودرا دربورس عرضه کند مگر که شرایط خاصی را فراهم کنند مانند ثبت رسمی و تابعیت کشور،سهامی عام بودن،گذشت دوسال از فعالیت،داشتن حداقل سرمایه لازم(درایران ده میلیارد ریال)،عدم وجود زیان انباشته وامکان سودآوری درآینده و محفوظ بودن حقوق سهامداران در اساسنامه. این امور موجب اعتماد و اقبال عموم مردم به بنگاه گردیده که نتیجه مشهودآن ازدیاد داد وستد سهام آن و توسعه ی شرکت است.[۲]

۲- ۸- ۱- ۷- امکان کنترل نقدینگی و تورم

تامین مالی ازسیستم بانکی(بازارپول) همیشه اثرات تورمی دارد که به نوبه ی خود می تواند برروند رشد اقتصادی اثرمنفی بگذارد.اما با توسعه و ایجاد بورس اوراق بهادارعلاوه بر تسهیل تامین مالی برای بنگاه های نیازمند سرمایه،نقدینگی نیز کنترل می گردد که این امر مانع افزایش تورم است.

شواهد تجربی حاکی ازآن است که افزایش درنقدینگی بورس اوراق بهادار به شمول بازارسهام،اثرات مثبت برروی رشد اقتصاد دارد. کارشناسان بانک جهانی برای نشان دادن اثر و رابطه ی مثبت افزایش نقدینگی ناشی از مبادلات سهام بر رشد، از سه معیارعمده به شرح ذیل استفاده کرده اند:

---

[۱] آموزش سرمایه گذاری دربورس اوراق بهادار، ص۵۸.

[۲] خودآموز بورس ص۲۰.

الف) نسبت ارزش جاری سهام؛

ب) نسبت نقدینگی یانسبت ارزش کل سهام مبادله شده به تولید ناخالص ملی؛

ج) نسبت ارزش سهام مبادله شده به ارزش جاری کل سهام یا نسبت فعالیت.[1] شرح و بسط این بحث مجال و مقال واسع می طلبد و از قلمرو تحقیق حاضر نیز خارج است.

۲- ۸- ۱- ۸- بهبود فرایند قیمت یابی[2]

بورس سهام مانند دیگر بازارهای مالی به دلیل ایجاد فضای رقابت و تقارن اطلاعات منجر به تعیین قیمت تعادلی و خیلی نزدیک به ارزش واقعی و بازاری سهام درطول زمان می گردد.

۲- ۸- ۲- معایب تامین مالی از مسیر بورس سهام

برآوردن نیازهای مالی درسطح کلان ،که بیشتر مورد ابتلای بنگاه های بزرگ و دانش بنیان است،ازمسیر بورس سهام آسایش و امکانات مثبت فراوانی برای اشخاص حقیقی فراهم می آورد. ولی با توجه به اینکه نهاد ها و بازارهای مالی رقیب مانند بانکها که دربازار پول فعال اند و از ابزارهای مخصوص به خود جهت انتقال سرمایه استفاده می برند و هم چنین به دلیل عدم توسعه یافتگی بورس سهام در برخی ازکشورها مانند کشورهای جهان سومی و درحال توسعه ازجمله ایران،این روش تامین مالی نیز نواقصی دارد که باعث چرخش تمایل برخی از سرمایه گذاران عجول به سمت بازارها ونهادهای مالی دیگر نظیر بانک ها و بازار پول می گردد. در ادامه به برخی از این کاستی ها اشاره می شود.

۲- ۸- ۲- ۱- عدم سوددهی در کوتاه مدت

اسناد مالی بازار سرمایه مانند سهام و اوراق قرضه مورد رغبت شرکت هایی است که بدنبال دسترسی به وجوه متراکم با هدف بازدهی بیشتر در بلند مدت است مانند شرکت های بیمه و صندوق های باز نشستگی.این واسطه های مالی غیربانکی که اطمینان خاطر به دسترسی به وجوه دربلند مدت دارند این

---

[1] دکترمحمودختایی،گسترش بازارهای مالی ورشداقتصادی ص۱۰۸.

[2] جمعی ازنویسندگان،مبانی بازارها و نهادهای مالی،مترجم:حسین عبده تبریزی، ص۲۴.

اسناد مالی را خریداری و نگه داری می نمایند. ازین رو، خرید اوراق سهام برای سرمایه گذاران عجول گزینه ی مناسبی به شمار نمی رود.

۲- ۸- ۲- ۲- عدم پایداری ارزش سهام در کوتاه مدت

قیمت اسنادمالی کوتاه مدت از اوج و فرود کمتری درمقایسه باسهام بلند مدت برخوردار است.این امر موجب می گردداسنادبدهی کوتاه مدت ازنظر امنیت سرمایه گذاری در درجه ی بالاتری قرارگیرد. گذشته از این، بازارهای سهام به دلیل ماهیت خود دارای نوسان می باشند.[۱]

۲- ۸- ۲- ۳- تمایل کمتر به نقدینه بودن

اسناد بدهی بازار پول معمولا به صورت گسترده تری نسبت به مورد مشابه بلندمدت طرف معامله واقع می شوند و بنا بر این، تمایل بیشتری به نقدینه بودن دارند.[۲] این در حالی است که سهام ممکن است به سرعت مورد انتظار به فروش نرود و تبدیل به کالا،پول و یا دیگر دارایی ها نشود. این وضعیت ایستایی در شرایط بد بازار و افت قیمت سهام دور از واقعیت نیست. نقدینه بودن یا قابلیت نقد شوندگی ویژگی ای است که اشاره به سرعت تبدیل به دارایی های مالی دیگر یا کالا دارد.

۲- ۹- تحلیل پیامدهای بورس سهام

قیمت هردارایی مالی از جمله سهام، برابر است باارزش فعلی جریان نقدی مورد انتظار. به علت عدم قطعیت جریان نقدی حاصل ازدارایی مالی،چه برحسب ارزش اسمی پول و چه ارزش تعدیل شده برای تورم، سرمایه گذاری دردارایی مالی و سهام ملازم با خطر است.[۳]

با وجود این خطر،بازدهی بالقوه بیشتر سرمایه گذاری روی سهام بر دیگر روش های سرمایه گذاری، آن را درردیف گزینه های نخست سرمایه گذاران نهادی (موسسات مالی و بنگاههای تجاری و تولیدی)

---

[۱] سامی ابراهیم السویلم،پوشش ریسک در مالی اسلامی،ص۲۸

[۲] پرویزداودی،حسین صمصامی.اقتصادپول و بانکداری، ص۱۰۵

[۳] مبانی بازارها و نهادهای مالی،ص۳۵.

و اشخاص حقیقی قرار می دهد.پس دلیل ان که سرمایه گذاران زیرک درسهام سرمایه گذاری می کنند این است که بازده بالقوه بیشتری فراهم می آورد و در دراز مدت هیچ نوع سرمایه گذاری دیگری بهتر ازآن عمل نمی کند.

ازسویی دیگر سرمایه گذاری درسهام پرنوسان ترین سرمایه گذاری است یعنی اینکه ارزش سهام درکوتاه مدت ممکن است کاهش یابد. سهام عادی درشمار اوراق بهادار با درآمد متغیر است؛ لذا عدم اطمینان درمورد عایدات آتی آن می تواند سرمایه گذار را با تردید روبرو کند.

ازمیان انواع ریسک نظیر ریسک تجاری،ریسک مالی،ریسک نوسان نرخ بهره،ریسک عدم توانایی پرداخت و ریسک تورم؛ دو ریسک نوسان نرخ بهره و ریسک تورم بیشترین تهدید و تاثیررا متوجه سهامداران می کند چرا که اگر نرخ بهره آزاد باشد افزایش آن تقاضا برای اوراق بهادار و سهام را کاهش داده و ازقیمت بازاری آن تا سرحد ارزش اسمی و حتی پایین ترازآن می کاهد.نرخ تورم نیز به طورمنفی میزان بازده واقعی را متاثر می سازد.[1]

از این رو ضمانتی برای وجود بازده مثبت وجود ندارد.به نظر می رسد برای مقابله با ریسک سرمایه گذاری در سهام، دوراه حل بیشتر نباشد؛ یکی اینکه به چشم انداز بلند مدت فکر کنیم. با اتخاذ روش سرمایه گذاری بلند مدت این زیان به حداقل می رسد.

و دیگر اینکه کارهارا به اشخاص خبره و ماهر در این فن، واگذاریم، یعنی سرمایه گذاری درصندوق های سرمایه گذاری مشترک مستقر در بورس سهام. این کار ریسک زمانی را به نحو چشم گیری کاهش می دهد؛ زیرا در این صندوق ها پول سرمایه گذاران جمع می شود و سپس توسط گروهی از افرادحرفه ای مدیریت می شود. این افراد می کوشند با انتخاب سهام شرکتهای معتبر و پربازده،برای مجموع سرمایه ی صندوق، بازده بیافرینند.[2]

با عنایت به مطالب پیشگفته، می توان پیامدهای مثبت و منفی سرمایه گذاری در سهام را چنین برشمرد:

---

[1] محمودختایی،گسترش بازارهای مالی و رشداقتصادی، ص۴۵.

[2] بورس اوراق بهادارتهران،چگونه سرمایه گذاری درسهام راشروع کنیم ص۱۴.

پیامدهای مثبت

۱/ **بازده بالقوه ی بیشتر دردرازمدت**،(علاوه برافزایش قیمت سهام و مابه التفاوت قیمت خرید و فروش)

۲/ **کنترل کامل برپرتفوی**، وامکان تنوع در سرمایه گذاری، (انتخاب انواع سهام با ایجاد سبد سهام)

۳/ **کنترل مالیاتی بیشتر**، یعنی رفتن به سمت تقاضا و خرید سهام شرکتهایی که از معافیتهای مالیاتی بیشتری برخوردارند. معافیت های مالیاتی برای بنگاههای پذیرفته شده دربورس موجب افزایش سود واقعی به ویژه درشرایط تورمی آنها خواهدشد و درنتیجه تقاضا برای سهام آنها افزایش خواهدیافت.[۱]

۴/ **تقلیل هزینه مبادلات**، درصورت انتخاب درست،هزینه ها ودستمزدهای معامله کمتر است.

۵/ **اصلاح بازار مالی و اسلامی سازی آن**، تامین مالی ازطریق بازارسرمایه و بورس سهام، واجد این مزیت اساسی است که خالی از پیرایه ی ربا می باشد.[۲]

۶/ **عاری بودن از ریسک نرخ ارز.**[۳]

۷/ **حق تقدم خرید سهام جدید الانتشار.**

۸/ **حق رای و اعمال مدیریت.**

۹/ **سود سالانه ی سهام.**

۱۰/ **اطمینان از محل سرمایه گذاری (بورس).**[۴]

---

۱ محمودختایی،گسترش بازارهای مالی ورشداقتصادی ص۲۳۹.

۲ مبانی مهندسی مالی، ص۶۳.

۳ همان

۴ محمد پیشدار،بورس آئینه اقتصاد کارا،ص۱۶.

پیامدهای منفی

۱/ کثرت نوسان قیمت بازاری سهام درکوتاه مدت، درنتیجه سفته بازان و هم چنین اشخاصی که بدنبال سود زیاد در مدت کم هستند نمی توانند وارد بورس سهام شوند.وقتی سرمایه گذار،اطلاعات بیشتری (ازجمله اطلاعات نادرست از بیرون)درباره وضعیت شرکت هایی که سهامداران در آن ها سرمایه گذاری کرده اند یا وضعیت دیگر شرکت ها و صنایعی که به نظر می رسدجای بهتری برای پول شان باشد،بدست می آورند،بازارسهام دائما نوسان می کند که ریسک را افزایش می دهد. البته وقتی خطر بیشتر شد بازده هم باید بیشتر باشد.[۱]بدون تردید در دراز مدت،بازدهی سرمایه گذاری در سهام بسیار بیشتر از سپرده های بانکی می باشد.

۲/ کاری مستمر و زحمت فراوان، هم چنین صرف وقت زیاد(بدون زحمت سودی حاصل نمی شود).[۲] بدیهی است کار با سهام بسیار وقت گیراست. این یک نقیصه بوده که رسیدن به بازدهی را به تاخیر می اندازد. هرچند وجود بازار ثانویه سهام تا حدودی جبران می کند.سرمایه گذارانی که قصد تبدیل سهام به سرمایه نقدی و خروج از بازار را داشته باشند سهام شان را در بازار دوم به پول تبدیل می کنند.

۳/ محدودیت دامنه ی مبادلات، این محدودیت از استقرار بازار بورس در مکان معین ناشی می شود مانند بورس تهران، برخلاف بازار پول که این محدودیت را ندارد.[۳] بانک ها که بازار پول را تشکیل می دهند با داشتن شعبه های متعدد در اقصی نقاط کشور و حتی در روستاها، به راحتی پس انداز های راکد را جذب کرده و در اختیار صاحبان صنایع،صاحب کاران و تجار قرار می دهند.[۴]

[۱] توماس سوئل،اصول اساسی علم اقتصاد،مترجم:محمدحسین وقار، ص۲۱۵

[۲] بورس اوراق بهادارتهران ص۱۶

[۳] بور آئینه اقتصاد کارا،ص۱۴.

[۴] سیدعباس موسویان،بانکداری اسلامی،ص۴۲.

۲– ۱۰– نتیجه گیری

ریسک و بازده دو امرمتضاد اما همزاد هستند و هیچ سرمایه گذاری ای خالی از کمترین میزان ریسک و بازده نیست. امید به بازده بالا به سرمایه گذار انگیزه می دهد تا سرمایه گذاری کند. ازسویی ، احتمال وقوع زیان مالی سبب می گردد تدابیر احتیاطی لازم را بیندیشد تا آن را به حداقل برساند. عدم اطمینان نسبت به آینده نقش مهمی دراقتصاد ایفا می کند ودر هرنوع از تصمیم ها و تحلیلهای مالی اثرگذار است.ریسک انواع مختلفی دارد ولی آن ریسکی که در بورس سهام مطرح است ریسک قیمت است و به عبارتی ریسک بازار(معروف به ریسک اهرمی). ریسک قیمت یا بازار عبارت است ازتغییری که ممکن است درارزش یک دارایی مثل سهام درآینده حاصل شود.[۱]

بازارهای مالی با کارکردهایی مانند تجهیز و تخصیص بهینه ی منابع، مدیریت و انتقال ریسک و استخدام ابزارهای مالی تسهیل گر مبادلات و غیره به عنوان موتور محرکه ی اقتصاد برای فراهم کردن پول و سرمایه در گردش و هزینه های تولید کالا و خدمت در بخش واقعی اقتصاد شناخته می شود. بازارهای مالی باثبات و توسعه یافته باعث سرعت رشد اقتصادی هستند.

در میان نهادهای فعال در بازارهای مالی، بورس اوراق بهادار که بورس سهام از زیر بخش های آن است، به عنوان مهم ترین رکن بازار سرمایه به حساب آمده و کانالی مهم بعد از بانک برای جذب پول های مردم و گسیل سرمایه های نقدی به سمت بخش های تولیدی و خدماتی در بخش واقعی اقتصاد است.

اوراق بهادار اعم از صکوک و سهام تنها ابزارهای مالی هستند که نقش اسباب روان سازی مبادلات و انتقال، تجمیع و سرمایه گذاری برای تولید را بازی می کنند و در کنار بازار پول، بخش غیر حقیقی اقتصاد را به وجود می آورند.

در واقع آن چه برای مردم و سرمایه گذاران اهمیت دارد سرمایه ها ودارایی های واقعی موجود در پشت صحنه ی بازارهای مالی و بخش حقیقی است نه دارایی های مالی مانند سهام و سایر اسناد

[۱] روی.آی.بیلی،اقتصادبازاهای مالی.مترجمین:مهدی صادقی،عبدالمحمدکاشیان،علیرضاصمیمی.ص۵۰

مالی؛ از این رو پیشی گرفتن دارایی های اعتباری بر بخش حقیقی اقتصاد و زیاده از حد متورم شدن بازارهای مالی و سهام، به صلاح اقتصاد نبوده ،تورم، ورشکستگی، سقوط بازار سهام، آشفتگی اقتصاد و فساد مالی را بدنبال دارد.

دراقتصاد اسلامی و الگوی مقاومتی که برگرفته از نظام اسلامی اقتصاد است،بازارهای مالی اعم از سیستم بانکی و بازار سرمایه از حالت وام دهندگی وفعالیت های اعتباری محض،خارج شده درخدمت بخش واقعی قرار می گیرند.با توجه به ارتباط نزدیک میان بخش واقعی اقتصاد و بازار پول و سرمایه در اقتصاد اسلامی،تولید پول و افزایش در پایه ی پولی،معلول فعالیت و پویایی های بخش واقعی اقتصاد است و ارزش خودرا از بخش حقیقی اقتصاد می گیرد.[1]

[1] محمدنقی نظرپورودیگران،بانکداری اسلامی،ص۱۹.

فصل سوم . چیستی اقتصاد مقاومتی

۳–۱– مقدمه

ممکن است برداشت های مختلف از اقتصاد مقاومتی مطرح کردد. بدیهی است که برخی از این برداشت ها صرفا گمانه زنی های سطحی از این الگوی جدید اقتصاد اسلامی می باشد. از باب نمونه تعریف آن به اقتصاد ریاضتی،موازی یا حمایتی و مانند آن در واقع انحراف از حقیقت موضوع و تنزل این نظام اقتصادی است؛ زیرا این نحوه نگاه و تحلیل در تضاد کامل با سیاست های کلی،رویکردهای حاکم بر آن و مؤلفه های آن است که برملا می کند این الگو نه یک تاکتیک موقتی بلکه یک برنامه ی بلند مدت و به اصطلاح نوعی دکترین اقتصادی است که مستظهر به نظام اقتصادی اسلام هست و اهداف بلند مدت و کلان اقتصادی را دنبال نموده و در پی ایجاد ساختاری ساختمند(منسجم) و پایدار برای اقتصاد است. به رغم سطحی نگری های موجود دربرخی از این تعاریف،ناگزیر از اشاره ی گذرا به آن ها در سطور زیر هستیم.

۳– ۲– تعریف اقتصاد مقاومتی

راجع به اقتصاد مقاومتی و تبیین ماهیت آن تعاریف گوناگونی وجود دارد. با توجه به کارکرد وایفای نقش مورد انتظار از اقتصاد مذکور در وضع موجود تا رسیدن به وضع مطلوب،گزاره های زیردر تبیین ماهیت آن قابل ذکر است.

۳– ۲– ۱– اقتصاد موازی

یعنی الگویی که مکمل سایر حوزه های اقتصادی مانند اقتصاد تعاونی،جهاد سازندگی،بسیج اقتصادی و مانند آن است اما در شرایط خاص خودش مانند حصر اقتصادی و سیاسی شدن بیش از حد اقتصاد کشور که سبب آن عناد ورزی دشمنان انقلاب اسلامی و مخالفان نظام ولایت فقیه است.

۳- ۲- ۲- اقتصاد ترمیمی

اجرای شیوه ها و سیاست هایی که با هدف اصلاح خرابی ها در سازو کارهای اقتصادی معمول و پرهیز از پیامد های نا صحیح آن، صورت می گیرد به اقتصاد ترمیمی موسوم است. چنین راهکاری در جستجوی خلل نا پذیری،آسیب گریزی،ترمیم گری و نهایتا مقاوم سازی نظام جاری اقتصاد است.[1]

۳-۲- ۳- اقتصادفشارشکن(دفاعی)

چنین اقتصادی در شرایط هجمه ی اقتصادی قابل تصور است و هدف ازساخت و طرح پلان تدافعی، دفع خسارت هایی است که از سوی مهاجمان متوجه اقتصاد ملی می باشد. البته الگویی دفاعی این چنینی به مقابله همه جانبه و دراز مدت می پردازد لذا نه تنها تهاجم را دفع بلکه پیش گیری هم می کند و خاصیت بازدارندگی به وجود می اورد.از این رو الزامات و پیش زمینه های تحقق این اقتصاد باید قبل از شروع تهاجم دشمن فراهم گردد تا علاوه بر تحمل و هضم بحرانها و عبور از آن(پایداری) از خاصیت پویایی نیز برخودار باشد. پویایی افزون بر پایایی یعنی تضمین رشد و شکوفایی و امنیت اقتصادی حتا در شرایط تحریم و فشار دشمن.[2]

۳- ۲- ٤- اقتصاد حمایتی

منظور از اقتصاد حمایتی ایجاد چتر حمایتی برروی بنگاههای تولیدی و خدماتی داخلی است،تا از مرز ورشکستگی و توقف فعالیت دور بمانند.راهکار های مانند وضع تعرفه های گمرکی بالا روی کالاهای وارداتی برای حمایت از رونق تولیدات ملی، اشتغال کارگران و سرمایه های داخلی، جزو عناصر اقتصاد حمایتی است.[3]

---

[1] مجتبی کاوندومحمدجوادفرهانیان،تبیین جایگاه بازارسرمایه دراقتصادمقاومتی،سازمان بورس واوراق بهادار،ص۱.

[2] همان

[3] همان،ص۲.

۳- ۲- ۵- اقتصاد الگو

اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ برخلاف تعاریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یاکوتاه مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان دارد و یک اقدام بلند مدت را شامل می‌شود.این تعریف هم که به نظر می‌رسد دور از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی«اقتصاد ایده‌آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. بدین معنا اساساً یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد.در این مقوله است که اقتصادمقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی، ریسک پذیری و نوآوری می‌شود.[۱]

البته همه‌ی این تعریفات از اقتصاد مقاومتی به نوعی با هم رابطه‌ی «عموم و خصوص مِن‌وجه» دارند، منتها برخی کوتاه مدت و برخی بلندمدت هستند و البته ترکیبی از استراتژی‌های مطلوب را به تصویر می‌کشند.[۲]

تمام این ویژگیها در اقتصاد مقاومتی هست از این رو،نظریه اقتصادمقاومتی یک الگوی مکمل نهادهای ملی و انقلابی با ماهیت اقتصادی و مردمی و جهادی مانند تعاونی ها وسازمان بسیج اقتصادی،بنیادمسکن ومستضفان،کمیته امداد امام و جهاد سازندگی و امثال آن می باشد و با آن ها همراستا است.هم چنین در صورت تداخل با برخی از سازمان های قدیمی اقتصادی(مثلا جهادسازندگی و تعاونی ها) آن ها را در خود جذب نموده تا موازی کاری پیش نیاید.

مقاوم سازی و اصلاح ساختارهای نا کارآمد و فرسوده ی اقتصادی جاری و تجربه شده،معرف ماهیت اقتصاد ترمیمی است که در اقتصاد مقاومتی منظور شده است.در نهایت، دفاع و حمایت از اقتصاد و تولید ملی از دیگر مشخصه های این اقتصاد است. پس اینها همه هست و لی هیچکدام به تنهایی اقتصاد

[1] عادل پیغامی،درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی،ص۲۱.

[2] همان.

مقاومتی نیست.اقتصاد مقاومتی یک الگویی جامع، بلند مدت تهاجمی و تدافعی هردو،است؛ لذا در تعاریف ذکر شده نمی گنجد.

۳- ۲- ۶- اقتصاد تاب آور و پایدار

اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که ظرفیت مقابله با نا اطمینانی ها و تکانه های داخلی و خارجی اعم ازتکانه های اجتماعی،اقتصادی،سیاسی و بلایای طبیعی را درخود ایجاد کرده است و می تواند تحت وقوع شرایط دشوار به روند رشد و شکوفایی خوددرحد قابل قبولی ادامه داده و به سرعت به سوی تعادل پایدار اولیه باز گردد.[۱]

با توجه به این تعریف، چگونگی تخصیص بهینه ی منابع محدود جامعه به اموری که چنان چه تکانه ای وارد شود کمترین آسیب رسانی را داشته باشد(تاب آوری اقتصادی)، به همراه مساله ی چگونگی ترمیم خسارات تحمیل شده و بازسازی سریع ظرفیت های تولیدی به منظور بازگشت به شرایط تعادل اولیه(پایداری اقتصادی) درمجموع اقتصاد مقاومتی را شکل می دهند.[۲]

توضیح بیشتر راجع به این تعریف:

از قرائن و شواهد موجود می توان چنین استنباط نمود که منظور از اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد تاب آور و پایدار است. تاب آوری میزان تداوم ارتباط روابط در درون یک سیستم را تعیین می کند و شاخصی از قدرت سیستم به دفع تکانه های وارده بر متغیرهای سیستم و تداوم کارکرد مطلوب آن است.اما پایداری عبارت از قدرت یک سیستم به بازگشت به شرایط تعادل اولیه بعد از مواجهه با یک تکانه ی موقت است.[۳]

اقتصاد مقاومتی برای نیل به اهداف رشد و توسعه ی اقتصادی،دربهینه یابی مقید،علاوه برقیدهای معمول زیست محیطی،ملاحظات اجتماعی و ثبات اقتصادی،دوقید تاب آوری و پایداری اقتصادی را نیز لحاظ

---

[1] محمدنوفرستی،اقتصادمقاومتی وراه های دستیابی به آن.فصلنامه سیاست های راهبردی وکلان، ص۱۵۷.

[۲] همان.

[۳] همان،ص۱۶۵.

می کند.به عبارت دیگراقتصادمقاومتی حاصل یک بهینه یابی مقید است.اقتصادمقاومتی زمانی موضوعیت می یابد که اقتصاد از مرحله ی حل معضلات و مشکلات مبتلابه از جمله بیکاری،تورم،وکندی رشد گذر کرده باشد و از کارکرد مناسب و متعارفی برخوردار باشد.در پی گذار از چنین مرحله ای است که می توان به شناسایی خطرات احتمالی که درآینده اقتصادرا تهدید خواهد کرد پرداخت و دست به اقداماتی زد که چنان چه تکانه ای برپیکره ی اقتصاد وارد شود،باتحمل کمترین زیان بتواند به روند حرکت خود ادامه دهد. دودسته اقدامات برای مقاوم سازی اقتصادی قابل انجام است،یک دسته قبل ازوقوع بحران و دسته ی دیگر پس از آن که بحران حادث می شود.[1]

ماهیت اصلی اقتصاد مقاومتی

در این زمینه بحث های زیادی وجود دارد که مختصرا به آن ها اشارت رفت. ولی دو تبیین زیر از این اقتصاد که اولی مجمل و عصاره ی آن و دومی مشروح و مفصل آن را ارایه می دهد، ماهیت الگو را آن گونه که هست توضیح می دهد.

الف) عبارت است از تبدیل تهدید به فرصت[2]

توضیح: اقتصادهایی که با تهدیدهای فراگیر در بخشهای گوناگون اقتصاد مانند بخش های مالی،حقیقی و بازرگانی مواجه اند اصیل ترین گزینه برای برون رفت از وضع نا مطلوب موجود تبدیل تهدید ها به فرصت ها است.عنایت و اتکا به توانایی های داخلی این امررا ممکن می کند.امتیاز اساسی اقتصاد مقاومتی اتحاد و انسجام نیروهای داخلی و ملی برای رونق افزایی به تولید ملی می باشد.این قضیه می طلبد که فعالان بخش های گوناگون اقتصاد و نهاد های اقتصادی و مالی هدف نهایی شان پی جویی و بیشینه سازی سود شخصی و سازمانی نباشد بلکه برای وصول به غایت متعالی مانند نجات اقتصاد ملی

---

[1] همان ص۱۶۵.

[2] فصلنامه علوم انسانی صدرا،ویژه نامه اقتصاد مقاومتی،زمستان۹۳،مصاحبه با محمدجوادمحقق نیا،ص۶۹

ازبحران با غلبه بر مهاجمان و ناکام کردن ایشان ، حفظ استقلال و اقتدار سیاسی وطن ، سرفرازی مردم و رفاه آنان، نیت و رویکرد خدایی و جهادی را دستور کار قرار دهند.[1]

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه های فشار و متعاقبا تلاش برای کنترل اوضاع ، خنثی نمودن هجمه اقتصادی و بی اثر ساختن و در شرایط ایدآل، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت؛ که یقینا باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های خردمندانه و مدبرانه، زمینه ساز تحقق چنین هدف والایی است.

با این تبیین، اقتصاد مقاومتی به مفهوم مراجعه ، اتکا و اعتنا به توانمندی ها و ظرفیت های خودی و قطع وابستگی به بیگانگان در شرایطی مطرح است که کشورمورد تهاجم اقتصادی همه جانبه بوده و در آستانه ی بحران اقتصادی و حتی فروپاشی آن قرارگرفته است.

این اقتصاد دارای دوبعد است از یک سو واجد **بعد سلبی** بوده و ماموریت آن سرخم ننمودن و پایداری در برابرفشارهای دشمنان است و اجازه نمی دهد خواسته های مهماجمان بر کشور تحمیل گردد.**بعد ایجابی** هم دارد که می کوشد به رغم فشارها و کمبود ها،از شتاب رشد اقتصادی کاسته نگردد و در عوض از میزان وابستگی ها به خارج کاسته شود. برای تحقق این اهداف به دنبال روش هایی است که اقتصادرا در عبور از مشکلات و پایداری در برابر نا ملایمات یاری می رساند و البته از اساسی ترین این راه ها توجه و تاکید بر مزیت ها و ظرفیت های داخل برای رونق بخشی به تولید و در نتیجه رشد و شکوفایی اقتصاد ملی هست.[2]

ب) اقتصاد مقاومتی،برآمده ازفرهنگ انقلابی و اسلامی و الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام است که ضمن مقاوم سازی اقتصاد دربرابرتهدید های نظام سلطه،تضمین کننده رشد و شکوفایی

[1] همان،با اندکی تصرف و تلخیص.

[2] اکبرسنایی و دیگران،الزامات و ارکان اقتصاد مقاومتی،صص۲۵-۲۶

اقتصادی می باشد.این نوع اقتصاد مردم بنیاد،عدالت محور،دانش بنیان،درون زا و برون گرا،پیشرو،فرصت ساز،مولد،بارویکرد جهادی و انعطاف پذیر است.[1]

ازمیان تعاریف و برداشت های موجود، این تعریف بیشتر از همه ماهیت اقتصاد مقاومتی را بازتاب داده و به اصطلاح ،جامع و مانع است. راز جامعیت و مانعیت این توصیف از اقتصاد مقاومتی، در استخراج آن از سخنان و توضیحات نظریه پرداز اقتصاد مقاومتی حضرت آیت الله خامنه ای حفظه الله است. از این رو، بیش از هر تبیین دیگر به ما فی الضمیر ایشان از این رویکرد اقتصادی، نزدیک تر است.

ازآن جا که در این تحقیق،به همین تعریف تکیه می شود زیرا که این تعریف در مرکز راهبری مطالعات اسلامی اقتصاد حوزه علمیه مبنا قرارگرفته،[2] به توضیح واژگان مهم به کاررفته در تعریف اخیر، می پردازیم تا تصویر واضح تری از موضوع بدست آید.

- **الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام**

آن چه از این عبارت به ذهن تبادر می کند جز این نیست که این الگو، برگرفته از نظام اقتصادی اسلام است لذا اهداف همان نظام را دنبال می کند با این تفاوت که به لحاظ زمانی و شرایط کارایی، ویژه ی وضعیت بحرانی است؛ البته پس از عبور از بحران نیز تداوم دارد. نظام اقتصادی اسلام نظامی مطلوب و برگرفته از کتاب و سنت و پیوسته در حال تکامل و کشف است. ولی این الگوی مقاومتی موجود در شرایط بحرانی، به نظر می رسد بهترین و نزدیکترین روش به آن نظام مطلوب، باشد.

- **مردم بنیاد**

1 احمدعلی یوسفی،نظام اقتصادمقاومتی،ص۳۳.

2 همان،پابرگی ص۳۳

نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر کار و تلاش بشری است که منبع تولید کالا ،خدمت و سرمایه می باشد.[۱] ازین رو،شکوفایی و ترقی آن مرهون مشارکت و سهم گیری مردم در سرمایه گذاری های خرد و کلان اقتصادی در جامعه است.

- **عدالت محور**

اقتصاد اسلامی بر پایه های شرعی،اعتقادی و اخلاقی مهمی استوار است که یکی از ساسی ترین آن ها عدالت است. از منظر اسلامی تهیه ی معیشت برای ادامه حیات است و حیات طیب هم در گرو وجود عدالت می باشد و در متون دینی عدل مایه ی زندگی دانسته شده: العدل حیات.[۲] کلمه ی اقتصاد در ادب عرب به معنای میانه روی است که با مفهوم عدالت بسیار قرابت دارد چنان که واژه قوام در ایه«لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذالک قواما» در بیان امام باقر علیه السلام به عدل تفسیر شده: "القوام العدل و الانفاق فیما امرالله به"[۳]

- **دانش پایه**

در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی التفات تام به فعالیت های اقتصادی دانش بنیان مبذول داشته شده لذا شرکتها و موسسات اقتصادی که در زمینه گسترش و کاربرد اختراعات و تجاری سازی دستاوردهای تحقیقات علمی توسعه ای شامل طراحی و تولید کالا و خدمات و تبدیل دانش به ثروت فعالیت دارند از جایگاه خاص در این اقتصاد برخوردارند.[۴]

---

1 محمد المبارک،نظام الاسلام(الاقتصاد)،ص۳۷.

2 محمدحکیمی،معیارهای اقتصادی درتعالیم رضوی ص۹۲

3 همان

4محمدنقی نظرپور،نقش بورس اوراق بهاداردرتحقق سیاست های کلی. مجله معرفت اقتصادی،پاییز وزمستان۹۳،ش۱۱،ص۵۵

۳- ۳- الزامات اقتصاد مقاومتی

برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و سهولت اجرای آن پیش شرط های مناسبی باید فراهم گردد که در ذیل به ده نکته در این مورد تصریح می گردد.این الزامات برگرفته از سخنرانی ها و سخنان طراح الگوی مقاومتی یعنی آیت الله خامنه ای"مدظله " می باشد که در مناسبت ها وموقعیت های گوناگون ایراد نموده اند و به دو بخش بلند مدت و کوتاه مدت بخش بندی گردیده است.

الف) بلند مدت: مربوط به اصلاح نظام اقتصادی کشور

الف- ۱. تکیه بر مردم

الف- ۲. مقاوم بودن اقتصاد

الف- ۳. اقتصاد دانش‌بنیان

الف- ۴. کاهش وابستگی به نفت

الف- ۵. تبیین دانشگاهی و آکادمیک اقتصاد مقاومتی.

ب) کوتاه مدت: برنامه‌ها و امور اجرائی کشور

ب- ۱. حمایت از تولید ملی

ب- ۲. مدیریت منابع ارزی

ب- ۳. مدیریت مصرف

ب- ۴. استفاده‌ی حداکثری از زمان و منابع و امکانات

ب- ۵. حرکت بر اساس برنامه

تمامی این عناصر مهم است ولی حرکت بر اساس برنامه ای منظم و داشتن یک نقشه ی راه، در صدر مسائل قرار دارد و مقدم بر همه می باشد؛ چه اینکه موفقیت در دیگر بخشها مرهون حرکت بر اساس

برنامه ریزی دقیق،فنی و حساب شده خواهد بود. لذا رهبری نظام با هوشیاری و دور اندیشی، اهتمام ویژه به مدیریت و برنامه ریزی را مورد تاکید بیشتر قرار می دهد:

«حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیمهای خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هائی است که به «اقتصاد مقاومتی » وارد میشود و به مقاومت ملت ضربه میزند...نگذارند سیاستهای اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تذبذب و تغییرهای بی‌مورد شود».[1]

۳– ۴– ملزومات اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی در نیمه ی نخست دهه ی نود به یکی از پربسامد ترین مفاهیم در ادبیات اقتصادی و سیاسی ایران تبدیل شده است. اقتصاد مقاومتی محورهایی چون رفع وابستگی به خارج، خودکفایی و عدم آسیب‌پذیری در برابر توطئه‌های اقتصادی دشمنان را شامل می‌شود. اما تحقق این شعار و مطالبه مهم نیازمند همکاری و تعامل بخش‌های مختلف حاکمیتی و ارکان سه گانه نظام است. این موارد و مثال های چون استقلال اقتصادی،امنیت اقتصادی،مبارزه با مفاسد اقتصادی،برقراری عدالت اقتصادی،برپایی اقتصاد دانش پایه ، تکیه به مردم و جهاد اقتصادی در زمره ی ملزومات اقتصاد مقاومتی قراردارد.[2]ملزومات،ماهیت پسینی دارند حال آن که الزامات،پیشینی هستند. *از ملزومات مهم اقتصاد مقاومتی که بایست به وجود آید شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی است.*موارد و نحوه ی هزینه بودجه های دولتی اختصاص یافته به نهادها و سازمانها باید به دقت مشخص و گزارش شود.[3] اقتصاد مقاومتی زمانی محقق می‌شود که تمامی فعالیت‌های اقتصادی در کشور با هدایت و نظارت موثر دولت، مجلس و قوه قضاییه همراه باشد. ایجاد رانت، معافیت‌های مالیاتی، خصولتی کردن اقتصاد و نامحرم دانستن افکار عمومی در قراردادهای اقتصادی هیچ سنخیتی باشفافیت و اقتصاد مقاومتی ندارد.[4]

---

[1] http://farsi.khamenei.ir

[2] سیدحسین میرمعزی، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن ،فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی/ سال دوازدهم/ شماره ۴۷ / ص۴۹.

[3] http://farsi.khamenei.ir

[4] https://www.irna.ir/news/82480171/

در این میان نباید از نقش راهگشای رسانه‌ها نیز غافل ماند. تجارب تاریخی نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی در کشورهایی رخ می‌دهد که متولیان آن توسعه سیاسی را سنگ بنای توسعه اقتصادی فرض کرده‌اند و با چرخش آزادانه اطلاعات، رسانه‌ها را در خط مقدم مبارزه با فساد و رانت‌خواری قرار داده‌اند. برای تحقق اقتصاد مقاومتی به جای برخورد با افشاگران فساد و توقیف رسانه‌های فسادستیز، باید از آنها حمایت کرد . وجود و پذیرش فساد در یک مسئول یا مدیران ارشد به معنای تضعیف نظام و مقابله با آن نیست، بلکه فقط مبارزه جدی و واقعی با فساد در هر سطحی می‌تواند ضمن افزایش اعتماد عمومی مسیر رشداقتصاد را هموارتر کند .[۱]

دو تغییر عمده باید رخ دهد تااقتصاد مقاومتی تحقّق یابد. نخست اینکه در منظومه هدفهای نظام اقتصادی اسلام(مجموعه ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است که از کتاب، سنت پیامبر اکرم و امامان معصوم و عقل استنباط می شود)که اقتصاد مقاومتی وجه خاصی از آن است، استقلال اقتصادی در اولویت اول قرار گیرد و به تبع آن اولویت بندی اصول راهبردی نظام تغییر کر ده و سیاستهای کلی متناسب با تغییرهای جدید تنظیم شود. دوم اینکه جهاد اقتصادی بر مردم و مسئولین به عنوان امر واجب فرض شود.[۲]

۳– ۵– اهداف اقتصاد مقاومتی

در مقدمه سیاست های کلی از غایات و اهداف به صراحت سخن رفته است که چهار هدف عمده در آن دیده می شود.اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی در صورت عملیاتی شدن چند هدف مهم و استراتژیک را دنبال می کند. با پیاده‌سازی این الگو، چهارهدف مهم در میان مدت به دست می‌آیند.این چهار هدف نه تنها شعاری نیستند؛ بلکه اهدافی کاملا قابل تحقق و در دسترس هستند :

– غلبه بر همه‌ی مشکلات اقتصادی؛

[1]همان.

[۲] سیدحسین میرمعزي ،اقتصادمقاومتی وملزومات آن،فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی/ ش۴۷/ص۵۴.

– جهش در رشد و رونق تولید کالا و خدمات؛

– شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ اقتصادی تمام عیار علیه ملت؛

– تحققِ اقتصادی متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو؛

– حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله.[۱]

اهداف در بلند مدت

اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت حمله همه جانبه اقتصادی دشمن که کیان نظام اسلامی را به خطر می اندازد، پدید می آید. در نظام اقتصادی اسلام در این وضعیت با تغییر در اولویت هدف ها و به تبع آن در اصول راهبردی وسیاست های کلان و حاکمیت روحیه جهاد بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم ، راهبردی کلان طراحی میشود که تهدید را تبدیل به فرصت کرده و باعث رشد جهشی میشود.[۲]

چون مشتق از نظام اقتصادی اسلام است در دراز مدت در صدد تامین اهداف تعریف شده برای اقتصاد اسلامی است که عبارتند از:

الف) امنیت اقتصادی؛

ب) عدالت اقتصادی؛

ج) رشد اقتصادی.[۳]

اما بنا به اقتضای ضرورت و فشار دشمنان اسلام که جنگ اقتصادی به راه انداخته و از اهرم های اقتصادی علیه کیان و امت اسلامی استفاده می برند، هدف نوینی را نیز دنبال می کند تا دشمن را ناکام

---

[۱] سیدحسین میرمعزی،ساختارکلان نظام اقتصادی اسلام،ص۲۳.

[۲] فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی/ اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری،ص۵۱.

[3] ساختارکلان نظام اقتصادی اسلام،ص۲۳

و نا امید کند و آن هدف جدید عبارت است از استقلال اقتصادی که معنایی جز قدرت تصمیم گیری براساس مصالح ملی ندارد. این هدف درصورت حصول به باج گیری و رهزنی اقتصادی جهان سلطه و هواخواهان عقب ماندگی و جهالت مردم مسلمان پایان داده، مسیر پویایی پایدار و در نتیجه اقتدار و عزتمندی ملت اسلام را در ظل خود کفایی اقتصادی در محصولات و تولیدات راهبردی، فراهم می آورد.

- ***رشد اقتصادی پایدار***

رشد اقتصادی مستمر به معنای افزایش تولید کالاهای مورد نیاز مردم در طول زمان است.[۱] البته این هدف منحصر به اسلام نیست بلکه مشترک بین تمام نظام های اقتصادی ازجمله سرمایه داری است. ولی تفاوتی که وجود دارد دردیدن بعد معنوی و اخلاقی قضیه است که نظام کاپیتالیسم اعتنایی به آن ندارد و در این نظام رشد مطلق دنبال می شود اما در نظام اسلامی افزایش تولید به طور مطلق هدف نیست بلکه هدف ازدیاد کالاهایی است که نیاز حقیقی مردم را برطرف کنند و انسان را درمسیر تعالی اخلاقی و عبودیت و کمال الهی قرار دهند.رشد اقتصادی و رونق تولید زمینه ساز اهداف بعدی یعنی عدالت اجتماعی–اقتصادی و امنیت اقتصادی می باشد.[۲]

- ***عدالت اجتماعی و اقتصادی***

البته عدالت اجتماعی شاخص ها و مظاهر مختلفی دارد که یکی از مهم ترین آن شاخص ها، برابری اقتصادی هست؛[۳] هم چنان که مقدمه ی دیگر عدالت اجتماعی آزادی اقتصادی می باشد.مقصد فوق وقتی به دست می آید که همگان به سهم خود از درآمد و ثروت ملی برسند.

ملاک سهم بردن از دارایی ها و درآمدهای جامعه دوچیز بیش نیست یکی کار اقتصادی سود آورکه از فعالان بازار کار و کالا انتظار می رود و دیگری نیاز است. نفس موضوع نیاز، ایجاد حق می کند حتی

[۱] محمدنقی نظرپور،سیدعباس موسویان. بانک داری بدون ربا از نظریه تا تجربه، ص۷۳.

[2] همان.

[3] محمدمهدی کرمی،محمدپورمند.مبانی فقهی اقتصاد اسلامی،ص۱۶۹.

اگرفرد قادر به فعالیت اقتصادی و کار نباشد. درجامعه مسلمان همه باید در حدنیاز و ضرورت از درآمد ملی برخودار گردند و زندگی آن ها در حد کفاف تامین گردند.

بنا براین **عناصر عدالت اجتماعی و اقتصادی** با مولفه های سه گانه قابل تبیین است:

یک) همه ی اشخاص از سطح کفاف در معیشت بهره مند باشند حتا نیازمندانی که عاجز از کار و تلاش و تولید در آمد هستند؛

دو) تبعیض دروانهادن امتیازات و توزیع نا عادلانه فرصت های درآمدی و شغلی، اختلاف درآمدی پدید می آورد؛

سه) اغنیا واجبات و حقوق مالی را بپردازند.[1]

- ***امنیت اقتصادی***

امنیت شغلی ، درآمدی وبقای تملک ثروت های بدست آمده از راه های قانونی و متعارف، مولفه های امنیت اقتصادی است. هرگاه یکی از این ها تهدید گردد به امنیت اقتصادی آسیب می زند.منبع تهدید امنیت اقتصادی گاهی داخلی و برخی اوقات خارجی است.سیاست های اقتصادی نامناسب دولت ، قوانین ظالمانه و مالیات های نا صحیح افزون بر بی ثباتی سیاسی، از عوامل داخلی است که دارایی های شهروندان را در معرض خطر و تجاوز قرار می دهد. اسباب نا امنی با منشاء خارجی ،از طریق دولت های رقیب و زورگو به وجود می آید.[2]

- ***تطبیق و عملیاتی نمودن اصل ۴۴ قانون اساسی***

این مثال، از اهداف خاص اقتصاد مقاومتی در بلند مدت می باشد که در فهرست اهداف کلی نظام اقتصاد اسلامی گنجانده نه شده و از مقتضیات و مستحدثات زمان و زمانه است.

---

[1] همان.

[2] سیدحسین میرمعزی،ساختارکلان نظام اقتصادی اسلام،ص۲۴.

حرکت از اقتصاد تک محصولی،رانتی،با قابلیت تحریم پذیری بالا و دولتی، به سمت اقتصاد پویا ، مردمی ، رقابتی و کار آفرین، روح اصل ۴۴ قانون اساسی است.آزادسازی تدریجی اقتصاد و محدود ساختن اقتصاد دولتی و در یک کلام اجرایی ساختن اصل ۴۴ درصدر سیاهه ی اهداف اقتصاد مقاومتی قرار دارد.[۱]

۳– ۶– نیازها و ضروریات اقتصاد مقاومتی

دستیابی به اهداف پیش گفته ضرورت هایی گوناگونی را ایجاب می کند که پیشاپیش بایست فراهم گردد. درخت اقتصاد مقاومتی وقتی بارمند می گردد که پیش نیاز ها ی لازم و بسترهای اجرای آن حاصل گردد.ازپیش شرط های اقتصادی تحت عنوان الزامات بحث شده است و آنچه ذیل نام نیازها و ضروریات به بحث گرفته می شود بیشتر صبغه ی اجتماعی،سیاسی، آموزشی و فرهنگی دارد نظیر پایش فضای اقتصاد اقلیمی و بین الملل،مرکز فرماندهی اقتصاد مقاومتی،تصحیح نظام آموزشی،ارائه الگویی عینی،اهتمام به ابزار ارتباطی و رسانه و مانند این ها.

به طور کلی عناصری که باعث پر کردن خلاء ها و آسیب های اقتصاد ملی می گردد نیازمندی های اقتصاد مقاومتی را می سازد. در چند دهه ی گذشته انواع مشکلات اقتصادی و آسیب ها سراغ اقتصاد ایران آمده که تورم،رکود،بیکاری،فساد،قاچاق،تعطیل و نیمه تعطیلی موسسات تولیدی و عدم تعادل اقتصادی از مهم ترین چالش ها بوده است و اکنون که تحریم و حصر و فشار اجانب به اوج خود رسیده وضع بسیار بدتر هم شده است. در ایجاد چنین مشکلاتی هم تلاش دشمنان انقلاب اسلامی ایران و هم عدم توجه جدی به ظرفیت های اسلامی و توانایی داخلی ایران دخیل بوده اند.[۲]

الگوی اقتصاد مقاومتی برای حل و فصل این معضلات مطرح گشته است. به نظر می رسد الگوی فوق برای رسیدن به قله های موفقیت و هدف های آنی،میانی و نهایی به نهادها ، اقدامات و موضوعات زیر محتاج است.

---

[۱] جعفرترک زاده و فاطمه شریفی، بافت نگاری اقتصادمقاومتی به مثابه یک نظام رفتاری.دوفصلنامه اقتصاداسلامی،سال۱۱،ش۱ ص۱۱۳.

[2] احمدعلی یوسفی،مبانی ومدل های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی، ص۱۲

۳- ۶- ۱- مرکز فرماندهی

نخستین نیاز این است که مرکزیت و محوریتی برای فعالیت در عرصه‌ی اقتصاد مقاومتی داشته باشیم. فعالان این عرصه باید بتوانند اطلاعات و دستاوردهای خود را در جایی به اشتراک بگذارند. فرماندهی هوشمند و متمرکزی برای هدایت فعالیت‌های این حوزه و شناسایی و آموزش نیروهای مستعد و مناسب برای فعالیت علمی و عملیاتی در این عرصه لازم است. افراد دغدغه‌مند و مراکز تحقیقاتی و اجرایی که به این موضوع ورود کرده‌اند، می‌باید در شبکه‌ای فعال و مؤثر، از فعالیت‌های مهم و مسائل جدید مطلع شوند و سامانه‌ای پویا و هوشمند برای این مسأله وجود داشته باشد. مراکزی چون شورای عالی امنیت ملی که در این موضوع ورود خوبی داشته‌اند، بایستی با عنایت به مسائل فوق در کمک گرفتن از دیگر نیروها پویا و چابک باشند.[۱]

۳-۶-۲- رصد فضای اقتصاد

فعالیت در عرصه‌ی اقتصاد مقاومتی نیاز به رصد و دیده‌بانی فضای اقتصادی داخلی و بین‌المللی و نیز گردآوری آمارهای دقیق و روزآمد دارد. بدون این دو، فعالیت برای تحقق اقتصاد مقاومتی امکان ندارد. ضمناً برای این‌که به این دو برسیم، به شاخص‌های بومی نیاز هست تا میزان مقاومت و آسیب‌پذیری اقتصاد را بر اساس آنها شناسایی کنیم و بدانیم این اقتصاد تا چه اندازه می‌تواند در برابر فشارها مقاومت کند و این سد اقتصادی چه میزان فشار را می‌تواند تحمل کند.[۲]

۳- ۶- ۳- لزوم عرضه الگویی عینی

براساس رهنمودهای امام خمینی ومقام معظم رهبری مهم ترین راه وظرفیت حل مشکلات اقتصادی اعتماد به مردم و حضورآنان در چارچوب مبانی ومدل های اسلامی است. از این رو توقف در مبانی و عدم نشان دادن نقشه ی راه یا الگوی عینی کاری است نادرست. باید در صدد بود که مدل یا مدل های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی برپایه ی مبانی اسلامی طراحی شود. هم چنین در این زمینه مکتب اقتصادی آیت الله علی شاه آبادی (مدل مشارکت مردمی شرکت مخمس)،پیشرفت اقتصادی کوثری

---

[۱] عادل پیغامی،درس گفتار های اقتصاد مقاومتی،ص۵۶، http://farsi.khamenei.ir

[۲] همان.

آیت الله جوادی آملی و نیز مدل کارگر–مالک موندراگون که براساس مبانی اخلاقی و اجتماعی دین مسیحیت کاتولیک طراحی شده، می تواند الهام بخش باشد.[1]

ضرورت طراحی یک الگوی مشخص ازشیوه‌ی زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی برای عموم مردم و به‌ویژه برای مدافعان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است؛ آنهایی که قائل به صحت و صدق ایده‌ی اقتصاد مقاومتی هستند. یعنی ما چه الگوی مشخصی را برای بدنه‌ای از مردم ارائه می‌دهیم که بدانند نیازها و مقتضیات انقلاب چه نوع سبک زندگی را می‌طلبد؟ ابتدا باید دولت را در سبک اداره‌ی امور و سپس این بخش از مردم را به سبک زندکی متناسب با انقلاب تشویق و تأیید کرد تا بدین‌وسیله سبک زندگی متناسب با مقتضیات انقلاب را در جامعه پُررنگ‌تر کنیم. وقتی یک شیوه‌ی زندگی را بر اساس سه‌گانه‌ی «اعتماد به‌نفس ملی، روحیه‌ی جهادی، و پرهیز از لقمه‌ی حرام» طراحی کردیم، می‌توانیم به کارآمدی آن امیدوار باشیم. توجه به معنویت دینی در این سه‌گانه نقشی اساسی ایفا می‌کند. البته طبیعی است که جنگ نظامی برای مردم ملموس و باورپذیرتر باشد، اما جنگ نرم‌افزازی این‌گونه نیست. بنابراین وجود روحیه‌ی جهادی منبعث از آموزه‌های دینی در آن سبک زندگی بسیار مهم و کلیدی است. در روایات ما این عبارت وجود دارد که اگر کسی در میدان جنگ نبوده باشد یا در دلش حدیث جهاد نخواند، به گونه‌ای از نفاق زندگی راترک می‌کند. این شور و حماسه‌ی زندگی مقاوم و جهادی را باید به عرصه‌ی عموم علاقمندان انقلاب بکشانیم تا چهره‌ی زندگی را از اتراف و بی‌تفاوتی بزداییم. این مهم باید در تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی اقتصادی متناسب با انقلاب اسلامی پیگیری شود و ما باید نظام تعلیم و تربیت اقتصادی خاص خودمان را برای مقاومت اقتصادی و جهاد اقتصادی، تبیین و طراحی و سپس اجرا کنیم. بدیهی است اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه‌ی معنوی افراد و جامعه استوار است. بدون معنویت و سلامت معنوی، مقاومت شکننده است. مثال مهم اقتصادی در این زمینه، پرهیز از لقمه‌ی حرام است. لقمه‌ی حرام هر الگویی را که از شیوه‌ی زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی ارائه بدهید، بی‌استفاده و بی‌فایده می‌کند. کسی که شکمش از حرام پر باشد، پای هیچ مبارزه و مقاومتی حاضر نخواهد شد. لقمه‌ی حرام مانند یک ویروس کشنده و خطرناک است که ایمنی دستگاه تشخیص و عملکرد افراد را به‌کلی نابود می‌کند. لذا یکی از اهداف

[1] احمدعلی یوسفی،مبانی و مدل های مشارکت مردمی دراقتصادمقاومتی،ص۱۳

اساسی ما باید این باشد که مسیر لقمه‌های حرام و میزان آن را در اقتصاد کشور بررسی کنیم و سپس با کانون‌های آن به‌شدت مقابله نماییم.[1]

اقتصاد مقاومتی ماهیتاً اقتصادی مردمی است. ضروری است که مردم وارد این عرصه شوند تا از ورود رانت‌خوارها به اقتصاد جلوگیری کنند. اگر ما فضا را برای حضور جوانان مؤمن و خلاّق در عرصه‌ی اقتصادی فراهم کنیم، قطعاً تحولات مثبتی را در این عرصه شاهد خواهیم بود.[2]

۳- ۶- ٤- تصحیح نظام آموزشی

باید نظام آموزشی متناسب با اقتصاد مقاومتی عمل کند. کارکرد نظام آموزشی آن است که کودکان و نوجوانان و جوانان یک کشور را متناسب با شرایط و نیازهای تاریخی آن برهه تربیت کند. وزارت دفاع آمریکا کتابی را در ۴۰۰ صفحه منتشر کرده که موضوعات امنیت ملی آمریکا را در آن برشمرده و توضیح داده است. مخاطبان کتاب هم عموماً معلمان دبیرستان‌های آمریکا هستند و از آنها خواسته شده تا ضمن بحث‌های خودشان به این موارد هم اشاره کنند. یعنی آمریکایی که مشکل امنیتی با همسایگان خود ندارد و اساساً خودش بحران ساز برای دیگران است، با استفاده از نظام آموزش و پرورش خود کاری کرده که در ذهن جوانان و نوجوانان این کشور همواره دغدغه‌ی امنیت اقتصادی و دشمنان اقتصادی مطرح باشد. حال این سؤال مطرح است که نظام آموزشی ایران،چه اندازه به دنبال جهادگر تربیت نمودن مخاطبان خویش است. لازم است که از سطح پیش‌دبستان برای این مسأله برنامه باشد. ما به شعر و داستان و کاریکاتورهایی احتیاج داریم که کودکانمان را به این سمت هدایت کند. بنابراین توجه به نظام آموزشی و تربیتی در این عرصه بسیار مهم است.[3]

۳- ۶- ۵- توجه به رسانه و ابزار ارتباط جمعی

توفیق یابی اقتصاد مقاومتی به نظام تبلیغاتی هماهنگ و منسجم احتیاج دارد که بتواند آموزه‌های ای الگو را از طریق رسانه‌های رسمی و غیر رسمی مختلف، به‌خوبی و در بسته‌بندی‌های مناسب به مردم

---

[1] همان،ص۱۴.

[2] سخنرانی عادل پیغامی در دانشگاه امام صادق ع : http://farsi.khamenei.ir

[3] همان.

عرضه کند؛ همان‌گونه که در دوران دفاع مقدس به هر حال دستگاه‌هایی مسئول کاری شبیه این کار بودند و برای آن فکر می‌کردند. بنابراین باید از ظرفیت همایش‌ها، سخنرانی‌ها، اینترنت، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و حتی مجالس مذهبی و هیئات برای رسیدن به این مقصود استفاده شود.

۳- ۶- ۶- توان افزایی درنظام واکنش سریع

این‌که چقدر توان واکنش به کنش‌ها و حملاتی وجود دارد که به نظام اقتصاد ملی وارد می‌شود و چقدر می‌توان در این واکنش سریع استقامت داشت. اگر بحرانی پیش بیاید، تا چه میزان می‌توان مصارف کشور را پایین آورد. مردم تا چه اندازه و در چه مدتی می‌توانند خودشان را با این تغییرات هماهنگ کنند؟ قوت‌ها در این زمینه می‌باید تکمیل و ضعف‌ها برطرف شوند.

۳- ۶- ۷- بها بخشیدن به نقش مردم

ایفای نقش پررنگ مردم در اقتصاد مقاومتی از دیگر نیازها است. اقتصاد مقاومتی ماهیتاً اقتصادی مردمی است. ضروری است که بجز دولت، مردم هم وارد این عرصه ی نهاد سازی شوند تا از ورود رانت‌خوارها به اقتصاد جلوگیری کنند.

اکنون که بحث تحریم‌ها و مشکلات مبادله‌ی پول مطرح است، نهادهای اقتصادی مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش بسیار پررنگ و تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. اگر فضا برای حضور جوانان مؤمن و خلاّق در عرصه‌ی اقتصادی فراهم گردد، قطعاً تحولات مثبتی در این عرصه رخ نما خواهدشد. در زمان جنگ جهانی دوم، اقتصاددان‌های معروف آمریکا در واحد اقتصادی وزارت دفاع این کشور برنامه‌ریزی کردند که چگونه می‌توانند از شرایط موجود و ظرفیت‌های مردمی برای جنگ استفاده کنند. پایش ظرفیت های ملی و مهارت های مردم در این زمینه ها، نیاز مبرم امروز است تا بتوان فهمید که در هنگامه ی شدت گرفتن بحران اقتصادی و اجتماعی، مهارت چه کسانی برای کشور به کار می‌آید و اگر کسانی چند مهارت دارند، کدام مهارت شان در اولویت استفاده قرار دارد.
برای این‌که عملیات جهاد اقتصادی موفق و مؤثر عمل کند، باید بازیگران اصلی اقتصاد ملی نه به صورت کلی که کاملاً جزئی و مصداقی معین شود. یعنی تقسیم‌بندی از حالت مردم و مسئولین به یک تقسیم‌بندی تخصصی تبدیل گردد که شامل اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، دانشجویان، طلاب، دانش‌آموزان، معلمان و زنان خانه‌دار و همه‌ی اقشار دیگر بشود.

۳- ۶- ۸- حمایت از فعالان اقتصادی

لزوم توجه ، دلجویی و حمایت دولت از فعالان اقتصادی نیاز مبرم دیگری است. اگر دولت در شرایط عادی از فعالان اقتصادی، از کشاورزان ، کارگران و کارمندان حمایت کند، آن وقت می‌تواند انتظار داشته باشد که آنها هم در هنگامه ی بحران به کمک کشور بیایند. اما اگر دولت آنها را رها کند و به مشکلات آنها اهمیتی ندهد و فقط به فکر خود باشد، دیگر توانی برای مقاومت در این اقشار نمی‌ماند که بخواهند در آینده دشوار مقاومت کنند؛ چنان‌چه حضرت امیرالمؤنین علیه‌السلام در نامه‌شان به مالک اشتر به این معنا اشاره کرده‌اند: «***وتفقد امرالخراج بما یصلح اهله فان فی صلاحه وصلاحهم صلاحا لمن سواهم...لان الناس کلهم عیال علی الخراج و اهله...ثم استوص بالتجار و ذوی الصناعات و اوص بهم خیرا...ثم الله الله فی الطبقه السفلی من الذین لاحیلهٔ لهم من المساکین و المحتاجین...***»[۱]

۳- ۶- ۹- دیپلماسی تجاری و اقتصادی

تحرک دستگاه دیپلماسی کشور درجهت فعال کردن ظرفیت‌های بالقوه و فرصت‌های جهانی در اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی در شبکه‌ای پویا از اقتصاد جهانی معنادار می‌شود و کشف و بکارگیری و ساخت ظرفیت این شبکه برعهده‌ی مدیران کشور است. جهانی شدن اقتصاد موجب شده تا مقاومت اقتصادی نیز تعاریف جدید به خود بگیرد، لذا نیاز به بازیگرانی خاص در عرصه‌ی اقتصاد جهانی و بازی در لایه‌های مختلف آشکار و پنهان آن کاملا مشهود است. همچنین لازم است تا گردآوری و استفاده از تجارب اقتصادی دیگر کشورها در زمینه‌های مشابه را مجدانه پیگیری کرد. به هر حال ممکن است هر کشوری در یک برهه‌ای با مشکلات اقتصادی مواجه بوده باشد؛ اگر دستگاه دیپلماسی کشور این تجربیات را گردآوری کند و در اختیار فعالان و محققان اقتصادی بگذارد، این مسأله برای اقتصاد کشور بسیار راهگشا خواهد بود.

۳- ۶- ۱۰- ایجاد گفتمان اقتصاد مقاومتی

ضرورت تبدیل بحث اقتصاد مقاومتی به گفتمان رایج در دانشگاه‌ها، مراکز علمی و مجامع مذهبی در صدر مسایل قراردارد و نمی توان آن را نادیده یا کم اهمیت انگاشت. این مسأله باید در کلاس‌های

[۱] سیدرضی،نهج البلاغه،ترجمه محمددشتی،ص۵۶۴،نامه۵۳(عهدنامه مالک اشتر)

درس و پروژه‌های علمی از محققان و نخبگان خواسته شود و از سوی استادان اقتصاد که دغدغه دینی دارند یا دست کم، آزاده و میهن‌دوست هستند، جدی گرفته شود.[۱]

۳- ۶- ۱۱- تقویت اقتصاد خانواده

اهمیت خانواده به عنوان نهاد مهم اجتماعی که کارکرد آن "تشکیل سرمایه انسانی" و "بقای نظام اجتماعی" می باشد نشان داده شود. این نهاد از یکسو برای نظام اقتصادی جامعه مصرف کننده است و از دیگر سو،سرمایه انسانی و نیروی کار فراهم می کند و دربازار مالی شرکت دارد. در این ارتباط تربیت نسل آینده تحت نام سرمایه انسانی برای همیشه(چه حال یا آینده) نقش حیاتی و اساسی دارد.

امروزه سرمایه انسانی می تواند یک مفهوم کاملا اقتصادی باشد چرا که ارتقاء خصوصیات کیفی منابع انسانی سبب منبع درآمدهای بیشتراست.سرمایه انسانی به عنوان چگونگی ارتقا و بهبود ظرفیت تولیدی و همین طور استفاده افراد از کالا و خدمات تولیدی که موضوعی با گستردگی بالا و اثرگذار است مطرح می باشد.درواقع تشکیل سرمایه انسانی و آهنگ رشدآن هدایت و تخصیص بهینه ی این نیروی عظیم مهم ترین نوع سرمایه در کشورهای درحال توسعه به حساب می آید.خانواده سنگ زیربنای جامعه است که سبب بالندگی و پیشرفت یا ایستایی و عقب ماندگی آن می شود.هرچه اساس خانواده مستحکم تر باشد جامعه درجهت پیشرفت گام بر می دارد.[۲]

نخستین بند سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی اشاره و تاکید بر توجه به ارتقای نقش و درآمد خانواده های واقع در طبقات متوسط جامعه و کمتر برخوردار دارد: «تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی وسرمایه‌ای انسانیو علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحادجامعه در فعالیت های اقتصادی با تسهیلو تشویق همکاری های جمعی و تأکید برارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط»[۳]

---

[۱] درتهیه مطالب این بخش از دو منبع زیراستفاده شده:عادل پیغامی،درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی،ص۵۶-۶۰ با اندکی تصرف و تلخیص/وسایتhttp://farsi.khamenei.ir

[2] مسعود فرزانه،اقتصاد خانواده، ص۲۲و۲۳

[۳] سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی،بند اول.

۳- ۶- ۱۲- اولویت هدف گذاری استقلال اقتصادی

اولویت بخشی به استقلال اقتصادی و خود کفایی در کالاهای اساسی از دیگر موارد مورد نیاز این اقتصاد است.

۳- ۶- ۱۳- مشی جهادی

یکی از اصول مذهبی و راهبردی نظام اقتصادی اسلام حاکمیت مصالح فرد و جامعه است. حاکمیت این مصالح به این معنا است که تمام الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی دولت و مردم باید برای تأمین مصالح فرد و جامعه سامان یابد. در جایی که مصالح فرد و جامعه با هم تزاحم میکنند باید مصلحت اهم مقدم شود. در حالت عادی بسته به نوع و میزان مصلحت گاهی مصلحت فرد و گاهی مصلحت جامعه اهم است. در وضعیتی که نظام با تهدید جدی روبه رو است ، به تبع اولو یت یافتن هدف استقلال اقتصادی، مصلحت جامعه که در تأمین استقلال اقتصادی متبلور میشود نیز اهمیت اول را داشته و بر تمام مصالح فردی و اجتماعی دیگر حتی جان و مال انسانها تقدم دارد . به همین علت است که جهاد با مال و جان واجب میشود. اصولاً جهاد وقتی واجب میشود که کیان اسلام به علت حمله دشمن در خطر باشد. حمله در هر عرصه ای باشد جهاد در آن عرصه واجب میشود. بر این اساس اگر حمله در عرصه اقتصادی باشد جهاد اقتصادی برهمه واجب میشود؛ زیرا حفظ کیان اسلام از همه چیز مهمتر است. در این صورت است که باید جهاد در راه خدا بر مال، جان، زن، فرزند و هر چیز دیگر پیشی بگیرد.[۱]

بنا براین مشی جهادی منش از خود گذشتگی و ایثار است.خاصیت بارز این منش، کنارگذاشتن منافع جناحی ، شخصی و حرکت به سمت تامین منافع علیای ملت و کشور اسلامی می باشد.

دوموضوع اخیر(اولویت دادن به استقلال اقتصادی و اتخاذ مشی جهادی) و اصلاح الگوی مصرف می تواند نقطه شروع انقلاب اقتصادی در چارچوب اقتصادمقاومتی باشد. مصرف جهت دهنده ی تولید است و این هردو سرمایه گذاری را جهت دهی می کند.[۲] نقش مثبت مصرف در جهت دادن و رونق تولید با توجه به نقش منفی تورم بر تولید آشکار می گردد؛ زیرا تورم و گرانی به کاهش مصرف در

---

[۱] میر معزی، اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبري، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی/ ص۵۷.

[۲] جمیل میلانی،اقتصادمقاومتی و خودباوری ملی،فرصت ها و چالش های تحقق آن، مجله اقتصادی،ش۷و۸،مهروابان۹۴،ص۵-۲۲،.

اثر کاهش قدرت خرید مردم می انجامد.بدیهی است که توقف یا کاهش شدید مصرف یک کالا به کمیابی و حتی توقف تولید آن منجر می شود(کسادی بازار).وقتی مصرف نباشد تولید(عرضه)، بدون سود (تقاضا) می ماند و بازار شکل نمی گیرد.[1]

۳- ۷- رابطه اقتصاد مقاومتی با نظام مالی

رشد و توسعه ی نظام اقتصاد اسلامی بدون واسطه ها و نهادهای مالی،اشتباهی آشکار است.نظام مالی که متضمن مجموعه ای از نهادهای مالی نظیر بانکها (و بازارسرمایه) می شود، جزء جدانشدنی اقتصاد در چهارچوب اسلامی باقی خواهد ماند.راه اندازی کسب و کارهای جدید نیازمند مبالغ عظیمی از منابع پولی می باشد.درحالی مردم و صاحب کاران غالبا پس اندازهای کوچکی دارند؛ این موضوع وجود نهادهای واسطه ای را الزام می کند تا از طریق آنها بتوان نیازهای تجاری را به طور مستقیم و غیر مستقیم از پول انباشته ی پس انداز کنندگان به طریقی تامین کرد که پس انداز کنندگان و سرمایه گذاران سودی عادلانه را از سرمایه گذاری ها و تجارت کسب کنند و این صنعت، منابعِ مالی مورد نیاز را برای تضمین تولید کالاها و خدمات کافی برای رفاه جامعه انسانی در اختیار داشته باشند.[2]

با در نظر گرفتن نقش و عملکرد نظام مالی اقتصاد دانان مسلمان،بانکداران و فقیهان، ضرورت وجود نظام مالی کارا مانند بانک ها و بازار سرمایه را تایید کرده اند. واسطه های مالی در فرایند پس انداز و سرمایه گذاری با انتقال منابع پولی پس انداز کنندگان به کارآفرینان،کارایی اقتصادی را بهبود می بخشند.[3]

اقتصاد مقاومتی یک چهره از نظام اقتصاد اسلامی و برگرفته از اصول و بنیان های شرعی و اعتقادی می باشد. از این رو در هردو بخش حقیقی و مالی از خصوصیات اقتصاد اسلامی تبعیت می کند.رشد بخش واقعی اقتصاد اسلامی متوقف بر بازارها ،ابزارها و نهاد های مالی اسلامی که اجزای تشکیل

---

[1] غلامرضا مصباحی،بررسی سیستم های اقتصادی،ص۱۴۷.

[2] نظرپور و دیگران،بانکداری اسلامی،ص۷۹.

[3] همان،ص۸۰.

دهنده ی نظام مالی آن است می باشد. بنا براین الگوی اقتصاد مقاومتی نیز نمی تواند از داشتن و حتی ایجاد نظام مالی متناسب با سیاست ها و رویکردهای خاصی که دارد، استغنا بورزد.

۳- ۷- ۱- نظام مالی

به طور کلی نظام مالی، تعامل میان بازار پول و بازار کالا را در اقتصاد مدیریت می کند. نظام مالی مرسوم در غالب کشورها به ویژه کشورهای غیر اسلامی سرمایه داری واجد سه رکن یا بخش اصلی می باشد.این ارکان شامل نهادهای مالی ،بازارهای مالی و ابزارهای مالی هستند.[۱] بازار مالی،به بازاری گفته می شود که از طریق آن بتوان منابع مالی مورد نیاز را بدست آورد.بازار مالی(**open market**) شامل چندین بازار است: بازار پول **money market**، بازار سرمایه **capital market** ، بازار تنزیل **discount market**،بازار اوراق بهادار(**securities**) یا بازار بورس سهام **stocks**، و بازار ارز **exchange market** ؛ این بازارها همه بازار باز هستند و به همین دلیل گاهی به آن ها بازار باز نیز می گویند.[۲]

سیستم های مالی ماهیت پیچیده دارند و متشکل از بخش های مختلف نهادهای مالی بخش عمومی(دولتی) و خصوصی مانند بانکها، شرکتهای بیمه،صندوق های سرمایه گذاری مشترک،شرکت های تامین مالی و شرکت های تامین سرمایه هستند که همگی در سطح بالایی ازنظارت دولت قرار دارند. این نهاد ها در نقش واسطه های مالی بانکی و غیر بانکی و اعتباری، همگی بمنزله ی نهاد های تامین مالی،نقدینگی راکد را از مردم قرض می گیرند و به دیگران وام می دهند.

در نتیجه می توان گفت وجود واسطه های مالی یانهادهای پیش گفته،برای ایجاد بازارهای مالی کارآمد اهمیت به سزایی دارد.بازارهای مالی بدون وجود این نهاد ها قادر به هدایت و سرازیری وجوه پس انداز شده ی جامعه به جانب اشخاص حقیقی و حقوقی دارای زمینه های سرمایه گذاری مولد نخواهد بود. بنا بر این نهادهای مالی آثار مهمی برعملکرد اقتصادی دارند. مهمترین نهاد مالی در یک سیستم

---

[۱] سیدعباس موسویان،ابوذرسروش.آشنایی بابازارسرمایه اسلامی(بورس)، ص۲۳.

[۲] حسن توانایان فرد،فرهنگ تشریحی اقتصاد،ص۴۱۴.

مالی بانک مرکزی است. این نهاددولتی مسئول اجرای سیاست های پولی می باشد.سیاست های پولی شامل مدیریت نرخ بهره و ارز،حجم یا عرضه ی پول است.این نهاد بر نرخ بهره،تورم،ادوارتجاری و در نتیجه در بازارها و دیگر نهاد های مالی تاثیر چشم گیری دارد.[۱]

اقتصاد مقاومتی در کوتاه مدت به رشد جهشی می اندیشد.این موضوع در زمره ی اهداف کوتاه مدت این اقتصاد قرار داشت که در بحث اهداف اقتصاد مقاومتی ملاحظه شد.اما دستیابی به رشد جهشی مستلزم اولویت بخشیدن به اصلاح بیشتر بخشهای مالی به ویژه توسعه بازار سرمایه یعنی بخش مالی غیر بانکی است. با عنایت به تحریم سیستم بانکی و محدودیت های تحمیل شده از جانب دولت های زورگو و معاند نظام اسلامی، گسترش بازار سرمایه بعنوان یک ظرفیت مالی ملی و داخلی می تواند ضامن تحقق بسیاری از سیاست های اقتصاد مقاومتی باشد.

در الگوی اقتصاد مقاومتی، می توان سه مورد مرتبط با نظام مالی و اصلاح آن با توجه به الگوی اقتصاد مقاومتی استخراج نمود که پیاده سازی آن، به ایجاد نظام مالی مدنظر در اقتصاد مقاومتی منجر خواهد شد. این موارد در ادامه توضیح داده شده است:

۳- ۷- ۱- ۱- بانک(بازارپول)

بانک یکی از شریان های اصلی اقتصاد است که وظیفه دارد منابع را از طریق سپرده های مردمی تجهیز نموده و در اختیار متقاضیان در حوزه تولید و بازرگانی قرار دهد. موارد مرتبط با بانک و نظام بانکی، در ماده ۹ و ۱۹ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است. اصلاح نظام بانکی کشور و ایجاد شفافیت اطلاعاتی در آن در تعامل با بازار سرمایه و نظام بیمه با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و ایجاد ثبات اقتصادی جهت تقویت بخش واقعی، موضوع این دو بند است.

---

[۱] نهادهای مالی صص۱و۲

۳- ۷- ۱- ۲- بورس(بازارسرمایه)

بورس نهادی است که باید تامین مالی بلندمدت تولید را بر عهده داشته باشد و بتواند منابع عمومی را به صورت مستقیم با کمترین هزینه به بخش واقعی اقتصاد برساند. موارد مرتبط با بورس و نهادهای مرتبط، در بند ۹ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است. اصلاح بازار سرمایه کشور در تعامل با نظام بانکی و بیمه ای با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و ایجاد ثبات اقتصادی برای تقویت بخش واقعی، موضوع این ماده می باشد.

در این تحقیق ، بررسی رابطه ی بورس سهام با اقتصاد مقامتی مسأله اصلی است و به دوبخش دیگر نظام مالی یعنی بانک و بیمه نمی پردازد.

۳- ۷- ۱- ۳- بیمه و ضمانت

نهادهای بیمه ای و ضمانتی در این نقش را برعهده دارند که ریسک تولیدکنندگان، مصرف کنندگان و سرمایه گذاران را کاهش داده و تقاضای پولی ایشان را مدیریت و تسهیل نمایند. موارد مرتبط با بیمه و ضمانت، در ماده ۹ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است. اصلاح نظام بیمه ای و ضمانت کشور در تعامل با نظام بانکی و بازار سرمایه با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و ایجاد ثبات اقتصادی برای تقویت بخش واقعی، موضوع این بخش از سیاست های کلی است.[۱]

۳– ۸– تامین مالی و نظام مالی در اقتصاد مقاومتی

۳- ۸- ۱- تامین مالی چیست؟

مقدمه

کلمه ی finance مفید معنای مالیه و تدارک مالی، می باشد.دراصطلاح اقتصادی عبارت است از تدارک پول برای اهداف تولیدی.ممکن است مالیه کوتاه مدت باشد(معمولا تایکسال) یا میان مدت(بیشتر از یکسال تا پنج و هفت سال) یا بلند مدت.مالیه ممکن است برای مصرف یا سرمایه

[۱] آیت الله خامنه ای،سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی.موجود در farsi,Khamenei.ir

گذاری تدارک شود.وقتی برای سرمایه گذاری تدارک شود سرمایه خوانده می شود.[1] و اهل زبان به سادگی از ان در سطح وسیعی استفاده می کنند مثلا می گویند: ۸۰/ قیمت خرید منزل ازراه استقراض از بانک و دوستان تامین مالی شد. یا چهل درصد سرمایه ی لازم برای اجرای پروژه ازطریق انتشار اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام تامین مالی شد و مانند آن.

اما رایج ترین مواردی که استخدام این واژه برای اهل فن یعنی موسسات مالی و بنگاه های ذیربط به ویژه بانک ها کاربرد دارند،عبارت است از عنوان های ذیل:

الف)تامین مالی تجارت: یعنی تامین وجوه لازم برای داد و ستد کالاها اعم ازداخلی یا خارجی که با تکنیکها و شرایط خاص عمل می شود.معمولاً معاملات سنگین نیازمند تامین مالی وکمک گیری از سرمایه ای نقدی دیگران است و غالبا مبادلات و تجارت بین الملل درحجم های بزرگ انجام می شوند از این رو،بیشترین کاربرد کلمه ی "تامین مالی" درمعاملات خارجی است؛[2] هرچند که درپروژه های عمرانی داخلی نظیر احداث بنادر ، فرودگاه ها، بزرگ راه ها،و نیروگاه ها و تامین کالاها و خدمات عمومی نیز ازاین واژه کم استفاده نمی شود.

ب) تامین مالی کسب و کار: این تامین مالی درسطح خرد و بنگاه های تولیدی کوچک و متوسط یا موسسات خدماتی متصور است.تسهیلات اعطایی و تامیناتی در این نوع از تامین وجوه بی شباهت به وام های آزاد نیست.

ج) تامین مالی پروژه: یعنی تامین وجوه مورد نیاز پروژه های خاص. در این نوع از تامین مالی، تسهیلات اعطایی شبیه وام های مقید یا مشروط است؛ به این مفهوم که تامین کنندگان مالی با این شرط و قید راضی و حاضر به همکاری می شوند که پس از تحقیقات روشن گردد این پروژه از لحاظ بازده ودرآمدزایی در حدی هست که خاطر آنها را از بابت باز پرداخت تسهیلات آرام و امیدوار نگه دارد.[3]

---

[1] دکترحسن توانایان فرد،فرهنگ تشریحی اقتصاد،ص۴۱۳.

[2] محمود فتوحی،تامین مالی بین المللی، ص۱۳

[3] همان ص۱۴.

از ان جا که منبع اصلی یا تنها منبع بازپرداخت وجه تامین شده، خود پروژه ی تامین مالی شده است تامین کننده ی منابع این ریسک را مدنظر قرارداده و قید یاد شده را لحاظ می کند.البته ریسک نکول منتفی است ولی ریسک سیستماتیک و اهرمی دور از انتظار نیست.

بعد از این مقدمه کوتاه، به خصوصیات نظام مالی مورد استفاده در اقتصاد مقاومتی وچگونگی تامین مالی در این الگو می پردازیم. می توان بحث را با این سوال آغاز نمود که چه تفاوتی بین نظام های مالی متعارف و اسلامی و شیوه های تامین مالی در آن ها وجود دارد؟

آن چه که نمی توان انکارنمود و درجهان به یک واقعیت تبدیل شده هرچند فاقد حقانیت است، سیطره و رواج نظام مالی سرمایه داری و متد های تامین مالی به سبک اقتصاد لیبرال دموکراسی در جهان غرب و حتی کشورهای اسلامی است.

بیش از دو دهه است که در برخی از قلمرو بزرگ اسلامی حرکت های برای ایجاد بانکداری اسلامی و بازار سرمایه اسلامی و ابزارهای مورد تایید شریعت اسلامی شروع شده است. نظام مالی اسلامی بدنبال این فعالیت ها، موفقیت های چشم گیر نیز کسب نموده و بدنبال آن شیوع و گسترش یافته به طوری که امروزه با نظام مالی رایج رقابت هم می کند.[۱]

از آغاز فعالیت نهاد های مالی اسلامی حدود ۳۰ سال می گذرد.در ابتدا نهاد های بسیار کوچک و صندوق های محلی اسلامی شکل گرفت.این مجموعه ها بارشد جهشی به زودی سهمی از بازار های جهانی را کسب نمودند.سهم و سرعت رشد نظام مالی اسلامی در سال های اخیر بسیار بیشترشده به طوری که بنا به اظهارات صندوق بین المللی پول هم اکنون بالغ بر۳۰۰ نهاد مالی اسلامی در بیش از ۷۵ کشورجهان مشغول فعالیت هستند. هم چنین ارزش تقریبی بازارهای مالی اسلامی حدودا ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است.[۲]

[۱] حمیدرضا اسمعیلی گیوی،تامین مالی اسلامی، ص۱۲۰.

[2] همان،ص.۱۲۱

با همه پیشینه و هیمنه ای که برای نظام مالی و اقتصادی به سیاق سرمایه داری وجود دارد اما بعد از گذشت چند قرن از تسلط نظام مالی غربی ، علایم عدم کارایی آن در ارائه الگوی بهینه مالی هویدا شده است. بحران های مالی نظیربحران موسوم به بحران بزرگ و آن چه درسال ۲۰۰۸ در امریکا رخ داد و به اروپا نیز رسید از جمله ی این علایم هشدار دهنده می باشد.این بحران ها پیش از آن که ازدل نظام الگوی انباشت سرمایه ی صنعتی بیرون بیاید، از الگوی سرمایه ی مالی بیرون زده است. استفاده از پول دیگران در قالب استقراض و اوراق قرضه با سود ثابت(ربا) برای پول درآوردن بیشتراز طریق اعطای وام و تسهیلات و اخذ بهره و خلق پول، زمینه ساز بحران های ویرانگراقتصادی و مالی می باشد.[۱]

بهره به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در نظام مالی رایج(سرمایه داری) در دنیای معاصر قرار دارد و انتفاع از پول در زمره حقوق اولیه دارنده ی پول مطرح است.کارشناسان این نظام معتقدند پول ارزش زمانی دارد و وقتی دارنده آن از مصرف امروز آن صرف نظر می‌کند و آن را سرمایه‌گذاری می‌کند حق دارد بیشتر از مبلغ سرمایه‌گذاری اولیه را از قرض گیرنده مطالبه کند و تامین مالی رایگان بی معناست. از این رو، پول در نظام سرمایه داری، تنها وسیله مبادله و ابزاری برای ذخیره ارزش نیست بلکه نوعی سرمایه است بنا بر این مولد و درآمدزا است.[۲]

با ظهور اسلام نظام تسهیم سود و زیان به عنوان اصل در روابط مالی بین افراد مطرح شد که در سطح بین الملل نیز قابلیت و کارایی دارد. در بخش پایانی این فصل برآنیم تا اصول کارکردی نظام مالی اسلامی را تبیین کنیم و مقایسه‌ای بین این نظام و نظام‌های مبتنی بر بهره به عمل آوریم و سرانجام به چگونگی سیاست تامین مالی در اقتصاد مقاومتی و نظام مالی منتخب آن اشاره خواهد شد.

[1] غلامرضا نظر بلند،درامدی بربحران مالی جهانی،صص۱۱و۱۸

[۲] نظرپور و دیگران،بانکداری اسلامی،ص۳۳.

۳- ۸- ۲- ماهیت و هدف سیستم اسلامی اقتصاد

نظام اقتصادی اسلامی نام عام مجموعه ای ازنهادهای فراگیراست که به نحو خاص بهم مرتبط اند و بر اساس مبانی مکتبی و الاهی درجهت تحقق اهداف اقتصادی دین اسلام سامان یافته اند.[۱]

امتیاز اسلام بر دیگر ادیان به فراگیر بودن برنامه ها و توجه به همه ابعاد زندگی انسان در دو جنبه کلی فردی(دینی) و اجتماعی است. از این رو، عموم بخش های نظام اسلامی زندگی، بی نقص و از هرنظر کافی می باشد. به این معنا که اسلام دارای سیستم سیاسی کامل،نظام اجتماعی سالم ونیزنظام اقتصادی بی نظیری است.[۲]

ابتنای نظام اقتصادی اسلام بر رعایت و تامین مصالح عامه و مبارزه با سرمایه داری بزرگ یا همان تداول و دست به دست شدن ثروت در میان طبقه ی خاص و پولدار است.مصلحت جامعه در دو امر کلی پدیدار می گردد:

یک) توازن اقتصادی در جامعه و عدم تجمع ویا چرخش و انحصارثروت در چمبره ی یک اقلیت خاص(ثروتمندان):

«واللذین یکنزون الذهب و الفضه و لاینفقونهافی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم- کی لایکون دوله بین الاغنیاء منکم»[۳]. این آیه در منع تجمع و تداول ثروت و سرمایه های جامعه میان طبقه ی اغنیا، صراحت بی مانند دارد نه این که فقط ظهور داشته باشد تا بتوان برای آن توجیه و احتمال خلاف ظاهر، مطرح نمود.

دو) تحریم ربا

تاسیس اقتصاد اسلامی با هدف تامین و رعایت منافع همگانی و حمایت از تمام طبقات جامعه است؛ بدین جهت جنگی شدید و پردوام برای سرکوب ربا و رباخوران تا حذف معاملات و قرض های ربایی

1 محمدجوادمحقق نیا،الگوی بانک داری اسلامی،ص۴۰

2 رساله الاسلام، السنه الثالثه،العددالثالث،رمضان۱۳۸۰ه.ق،ص۲۵۸،محمودااللبابیدی،مقاله:النظام الاقتصادالاسلامی.

3 توبه /۳ حشر/۷

به راه انداخته که ۱۴ قرن است با همان تندی ادامه دارد: «یا ایها اللذین آمنوا اتقوا الله و ذروا مابقی من الربا ان کنتم مومنین، فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله و ان تبتم فلکم رئوس اموالکم، لاتظلمون و لاتظلمون».[1]

بنا براین لزوم فاصله گرفتن از داد و ستدهای ربایی که شرط وجود جوهر ایمان و تدین است، با هدف پاکسازی زمین از ظلم به دیگران و مورد ستم واقع نشدن اطراف ذینفع در مبادلات مالی و اقتصادی می باشد.در اصل، این سیاست بر می گردد به هدف بزرگ اخلاقی که کل نظامهای اسلامی در پی تحقق آن در جامعه است و آن هدف بزرگ چیزی نیست جز عدالت اجتماعی.[2]

برپایی قسط و عدل در جامعه در تمام مزایا و زمینه ها به ویژه برخورداری های برابر اقتصادی، به عنوان هدف نظام اقتصادی اسلام فراوان مورد تاکید کتاب و سنت هست به طوری که ازجمله از انگیزه های مهم و بنیادین ارسال رسولان زمینی و انزال کتاب های آسمانی، تبیین و تامین عدالت اجتماعی و اقتصادی به حساب آمده : «لقد ارسلنا رسلنا با لبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط».[3]

۳- ۸- ۳- اسلام ونظام مالی موجود دراقتصاد جزیره العرب

مکتب اسلام داعیه دار ارایه الگویی برای تکامل بشر در همه ابعاد مورد نیاز می‌باشد. از جمله مهم‌ترین ابعاد زندگی انسان‌ها بعد اجتماعی حیات است و در این راستا رفتارهای اقتصادی یکی از ارکان اساسی زندگی اجتماعی افراد را تشکیل می‌دهند.

قبل از ظهور اسلام سازوکار دریافت و پرداخت مازاد بین اعراب دوران جاهلیت بسیار مرسوم بود. قرض دهنده حق داشت در پایان مدت ضمن دریافت اصل مبلغ قرض، مبلغی مازاد بر اصل اولیه دریافت کند و چنانچه قرض گیرنده از پرداخت اصل و مازاد ناتوان بود مشمول مازاد جریمه می‌شد. این مازاد جریمه در موارد بسیاری به صورت چند برابر اصل مبلغ تعیین می‌شد و اگر در پایان مهلت

---

1 بقره/۲۷۹

2 رساله الاسلام،العددالثالث،صص۲۶۹-۲۷۰

3 حدید/۲۵

مقرر قرض گیرنده قادر به پرداخت اصل و جریمه‌های مازاد نبود زندگی خود و خانواده‌اش در اختیار قرض دهنده قرار می‌گرفت و وی، همسر و فرزندانش، به عنوان برده جزو دارایی‌های قرض دهنده قرار می‌گرفتند.

اسلام به شدت با این سازو کار دریافت مازاد به مقابله پرداخت و در عوض نظام مبتنی بر تسهیم و تقسیم سود و زیان را جایگزین سازوکار قبلی کرد.

۳- ۸- ٤- نظام تامین مالی غرب و بهره

تامین مالی، راهبردی ترین بخش اقتصاد مدرن است و بانک ها، بازیگران اصلی بازار تامین مالی به شمار می روند و در تنظیم نظام دریافت ها و پرداخت ها از "بهره" استفاده فراگیر بعمل می آورند.[۱] عنصر بهره به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در نظام مالی غرب مطرح است. کارشناسان مالی غرب معتقدند پول دارای ارزش زمانی است و وقتی فرد از مصرف امروز پول در اختیار خود صرف نظر می‌کند و آن را سرمایه‌گذاری می‌کند، حق دارد در آینده مازادی بر اصل مبلغ سرمایه‌گذاری اولیه مطالبه کند.[۲]

بانک در نظام مالی سرمایه داری ابتدا سپرده ها و دیون را جذب و سپس به جریان می اندازند.در هردو مرحله جذب و جریان،متعهد و عامل به پرداخت بهره به سرمایه گذاران یا قرض دهندگان می باشد.از این رو، هر چهارشرط تحقق ربا در این بازار مالی اتفاق می افتد که عبارت اند از:

وجود دین واقعی؛

استقلال دائن از مدیون؛

شرط یا تعهد پرداخت مازاد ضمنا یا صراحتا؛

---

[۱] نظرپور و دیگران،بانکداری اسلامی،ص۷.

[۲] محمدجوادمحقق نیا،الگوی بانک داری اسلامی ص۱۸۵.

و نهایتا پرداخت عملی مازاد بر اصل سرمایه.[1]

در این نظام مالی واسطه های مالی در بازارهای پول و سرمایه نه تنها ربا می دهند بلکه ربا هم می گیرند. عملیات اخذ ربا(بهره و سود قراردادی نه سود طبیعی) در جریان پرداخت وام و تسهیلات اعتباری از جانب بانک و موسسات مالی به متقاضیان وام و اعتباراتفاق می افتد.[2]

۳- ۸- ۵- نظام مالی اسلام و مشارکت در سود و زیان

کارشناسان نظام مالی اسلامی معتقدند سازوکار پرداخت و دریافت بهره به صورتی که امروز در نظام مالی غرب مطرح است از کارایی برخوردار نیست و با اصل عدالت منافات دارد.

در نظام مالی اسلامی اصل مشارکت در سود و زیان و تسهیم ریسک جایگزین سازوکار دریافت و پرداخت بهره می‌شود. به این ترتیب که سرمایه‌گذار و عامل به صورت توافقی(درتوکیل و مضاربه،اما در مشارکت سود به نسبت سرمایه تقسیم می شود) مبالغی از آنچه در جریان پروژه به دست می‌آید را سهیم هستند و چنانچه در مدت سرمایه‌گذاری، عامل هیچ سودی به دست نیاورد و بلکه متحمل زیان هم شود، هیچ مسوولیتی متوجه وی نیست، مگر اینکه در جریان معامله، افراط یا تفریط کرده باشد که در این صورت مسوول سرمایه، سرمایه‌گذاران است و باید زیان وارده را جبران کنند.

البته نظام مالی اسلامی در برخی اهداف با نظام بانکی و مالی متعارف مشترک است نظیراستفاده از وجوه راکد و مازاد در اقتصاد برای سرمایه گذاری و تشکیل سرمایه،تسهیل تجارت و مبادله، عرضه ی خدمات مالی و فراهم سازی فرصت های سرمایه گذاری. اما امتیاز اصلی تامین مالی اسلامی درحذف ربا و پاک سازی سیستم مالی از این پدیده است.[3]

1 همان.

2 همان ص۱۸۶

3 همان، ص۱۹۰

امتیاز تامین مالی به روش اسلامی تنها به تطهیر ربا از سیستم منجر نمی شود. **مزایای دیگری** نیز در اسلوب اسلامی می توان یافت که قابل توجه اند.ازجمله **این مزایا** می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **خطر ورشکستگی کمتر**؛ زیرا در مبادلات مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان،نوسانات درآمدی بدلیل متغیر بودن پرداخت ها به دوطرف مبادله سرشکن می شود.هم چنین استدلال می شود که بدهی مبتنی بربهره سبب بروز انباشت بدهی گردیده و در نتیجه، نکول وام و ورشکستگی را به شکل چرخه وار ایجاد می کند که این امر به رکود دامن می زند. ممنوعیت چنین استقراض هایی در مدیریت تامین مالی اسلامی موجب تعدیل ریسک ناشی از پدیده نکول می شود.[1]
- **واکسینه شدن و ایمنی در مقابل بحران های مالی جهانی و منطقه ای**؛ در واقع عنصر مشارکت در فایده و خسران، این مصئونیت را ایجاد می کند.مشکلات ناشی از خطرات اخلاقی را کم می کند.در سایه ی مشارکت در منافع و مضار احتمالی،نظم بیشتری درسیستم به وجود می آید.
- **مشارکت درنظام های مالی رسمی**؛ دو امتیاز بالا موجب جلب توجه و اعتماد نهاد های بین المللی و کشورهای غیر اسلامی شده و کنجکاوی آنها را برانگیخته و این می تواند مدیریت مالی اسلامی را به نقطه ی عطفی در سیستم های مالی مبدل کند و زمینه ای باشد برای افزایش حضور و گسترش این روش.[2]
- **سفته بازی کمتر**. مدیریت مالی اسلامی سفته بازی را که شباهت زیادی به قمار دارد به شدت تضعیف می کند.یکی از الزامات مدیریت مالی اسلامی توسعه اعتبارات همپای بخش واقعی و تولید کالا و خدمات است.گسترش اعتبار جدا از تولید و تجارت در غیر کالاهای حقیقی و خدمات مشروع،طبق اصول دینی امکان پذیر نیست.اصولا مدیریت مالی اسلامی باید همواره شامل کالا های حقیقی و خدمات بوده و مشتقات در آن کمتر ملاحظه شود.هرچند معاملات

---

[1] هانس وایسر،مدیریت مالی اسلامی،مترجمان:مهدی صادقی،حسین محسنی. ص۲۲۰.

[2] همان

سفته بازانه در برخی از صور با ظواهر شریعت تعارض ندارد و لذا کم وبیش در بازار اسلامی هم وجود دارد.[۱]

۳- ۸- ۶- پایه ها و چارچوب کلی نظام مالی اسلامی

نظام های مالی مجموعه ای از مقررات هستند که جریان بودجه یا نقدینگی یا سرمایه را از واحد مصرف مازاد، تا واحد مصرف کمبودها، هدایت و نظارت می کند.در بانکداری واحد مصرف مازاد، بودجه را به بانک می سپارد تا آن را به واحد مصرف کمبود، قرض دهد.

در یک نظام مالی اسلامی قوانین هدایت گر وجوه مازاد برمصرف، به واحدهای فعال ولی دارای کمبود سرمایه، از قرآن و سنت ریشه می گیرد.شریعت، آموزه های قرآنی و حدیثی را در سه بعد به کار می گیرد که عبارت اند ازعقیده،اخلاق و معامله.اما به طور کلی دو نوع رهنمود در اسلام وجود دارد که باید در رفتارهای اقتصادی مد نظر قرارگیرند:

یک) رهنمودهای قانونی و حقوقی(فقه الاقتصاد)،(فقه القضا)،(فقه الاداره)

دو) رهنمودهای اخلاقی

رهنمودهای قانونی متاثر از قواعد اخلاقی می باشد.در رهنمود های قانونی مربوط به اقتصاد و امور مالی به ممنوعیت های قابل توجهی برمی خوریم که راه مالی اسلامی را از مالی متعارف و اقتصاد رایج جدا می کند مانند ممنوعیت دریافت و پرداخت ربا، کسب مال از راه قمار و معاملات سیاه نظیر شرط بندی و ابتذال جنسی.[۲]

ازمنظراخلاقی، قران امانت داری را تحسین و فریبکاری و حرص و سودجویی بی لجام و غیر طبیعی را تقبیح می کند.این احکام و مقررات اسلامی به آرامش روانی منتج گشته و بین فعالیت های اقتصادی

1 همان

2 سیف الاظهر راسلی،مترجم:سیدمحسن روحانی.مسائل انتقادی دربانکداری اسلامی وبازارهای مالی،ص۳۴.

انسجام ایجاد می کند. هردووجه قانونی واخلاقی شریعت در قوانین و مقررات حاکم بر بازارهای مالی اسلامی موجودند. این قوانین عبارت اند از:

- ممنوعیت ربا؛
- مشروعیت بیع؛
- اجتناب از غرر؛ که به ابهام،نامفهومی و ریسک بسیار بالا تفسیرشده.

غرر همان جهالت است باعث فریب خوردن یکی از طرفین معامله می شود.این جهل ممکن است در مورد قیمت،تحویل یا توصیف کالا باشد.غرر سه نوع است که سومی اش موجب بطلان و فساد فعالیت یا معاهده می شود: غرر یسیر(ناچیز)، غررمتوسط و غرر فاحش.[1]

- پرهیز از قمار و شراب(خمر و میسر)؛
- حرمت سرمایه گذاری و کار در موضوعات و صنایع حرام مانند صنعت پورنو(تجارت فحشا)،گوشت خوک،غنا و رقص و مانندآن.[2]

اقتصاد مقاومتی با وصفی که در بخش نخست و ضمن تعریفات از آن رفت، الگویی هست الهام گرفته از نظام اقتصادی اسلام؛ با این مشخصه که خاستگاه آن، زمان و شرایط خطیر هجمه ی اقتصادی،حصر و تحریم اقتصادی از سوی دشمنان اسلام است. با توجه به چنین زمان و زمانه ای انتظار انعطاف و تغییر در برخی استراتژی های اقتصادی و مالی دور ازمبانی و قواعد اصلی نظام اقتصادی اسلام نیست. زیرا هدف یا اهداف اصلی کماکان دنبال گشته و تغییر تنها در راهبردها و جابجایی اولویت ها اتفاق می افتد.

بنا براین، **اقتصاد مقاومتی در اصول و سیاست های اساسی، تابع اصول نظام مالی اسلامی است** و درتامین مالی و استفاده از ابزارهای مالی برای تحقق اهدافش،به آن ها اتکادارد.

---

1 علی صالح آبادی،بازارهای مالی اسلامی، ص۱۸۶

2 مسائل انتقادی دربانکداری اسلامی وبازارهای مالی، ص۳۵.

نظام مالی در اسلام بر پایه دستورات شریعت در ارتباط با اقتصاد و روابط مالی بین افراد استوار شده است.تمام فعالیت های تولیدی و بازرگانی باید در چارچوب های تعریف شده تحت نام عام عقود انجام بگیرد و در داد و ستدها منفعت محلله ی مقصوده موجود باشد. معاملات غیر واقعی و ساختگی یا صوری نیز فاقد اثر است یعنی ضمان آور نیست و به اصطلاح امروز تعهدی ایجاد نمی کند.

از جمله مهمترین عقودی که به عنوان اصول نظام مالی اسلام مطرح هستند. عقود مشارکت، مضاربه، جعاله و اجاره است. طرفین در این عقود از محل سرمایه‌گذاری‌های خود به دنبال کسب سود مالی می‌باشند. در حال حاضر معیارهای مورد استفاده ی نهاد های مالی اسلامی در بازار های مالی، انواع عقود مشارکتی و مبادله ای است که مورد تایید و تاکید شرع مقدس می باشند.

در کنار این عقود ساز و کارهای دیگری نیز وجود دارند که بر پایه خیرخواهی و انفاق به سایر مومنان قرار دارند که قرض‌الحسنه و وقف از این دسته می‌باشد. کارشناسان مالی اسلامی، اصول زیر را که بر گرفته از آیات قرآن، احادیث و سیره معصوم می‌باشند را به عنوان اصول نظام مالی اسلام مطرح می‌کنند:

۱ - اصل مشارکت در سود و زیان یا ریسک

در روابط مالی میان افراد، کفیل،وکیل یا عاملی که با سرمایه ی سرمایه‌گذار به کار می‌پردازد امین است و لذا ضامن تلف سرمایه نیست مگر آنکه افراط یا تفریط کرده باشد. بر پایه این اصل، هم سرمایه‌گذار و هم عامل در سود و یا زیان حاصله سهیم هستند، به عبارت دیگر، چنانچه بنا به دلایل غیر از افراط یا تفریط اصل سرمایه از بین برود، عامل ضامن اصل سرمایه نیست و سرمایه‌گذار و عامل، بنا به نسبتی که از قبل توافق کرده‌اند در تقبل خسارت وارده سهیم هستند.

البته باید توجه داشت که این اصل در مورد همه عقود صدق نمی‌کند. با این توضیح که برخی از عقود شرعی، از نوع عقود با بازدهی ثابت هستند مثل قرارداد فروش اقساطی و اصل مشارکت در سود و زیان برای این قبیل عقود صدق نمی‌کند، چرا که در این قبیل عقود، سود فروشنده معلوم و مشخص است و تحولات آتی اقتصادی و شرایط مالی خریدار و میزان سود یا زیان آن ارتباطی با سود و مطالبات فروشنده ندارد.

۲ - اصل تحریم ربا، در متن آیات قرآن و احادیث صحیح رسیده از معصومان (علیهم‌السلام) دریافت و پرداخت ربا به شدت نهی شده است مثلا «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ لاَ تَأْکُلُواْ الرِّبَا أَضْعَافاً مُّضَاعَفَةً وَ اتَّقُواْ اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ*وَ اتَّقُواْ النَّارَ الَّتِی أُعِدَّتْ لِلْکَافِرِینَ».[1] که مراد اکل ظاهری و خوردن و بلعیدن نیست، بلکه یعنی هر تصرّفی در مال ربوی یا در مقدار زیاده جایز نیست و حرام است. هم‌چنین در این آیه نهی صریح است؛ برخلاف آیات دیگر که نهی صریح در آنها نیست.[2]

مفهوم ربا در آیات به صورت‌های مختلفی بیان شده است. براساس این آیات و روایات دریافت هرگونه زیاده بر اصل، در قرض اشکال دارد و از همین رو، بسیاری از مبادلات مالی رایج در دنیا، شبهه ربوی بودن را دارد.

اصل تحریم ربا، از مهمترین اصول نظام مالی اسلام است که مطابق آن به جای دریافت و پرداخت ربا بر مشارکت در سود و زیان تاکید شده است و این نظام مشارکت در سود و زیان، به عنوان راهکاری برای انتفاع از محل فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مالی معرفی شده است.

۳ - اصل تحریم غرر، در متون شریعت، وجود غرر در معاملات نهی شده است. تعابیر مختلفی از غرر شده است، مثل وجود شک و شبهه در اجزای معامله یا عدم اطمینان به نتیجه حاصل از معامله و امثال آنها، با بررسی ساختار برخی از انواع معاملات و فعالیت‌های رایج در سطح بازارهای مالی، عملیاتی مثل سفته بازی به دلیل وجود شبهه غرر(جهالت و خطرزیاد از معمول و احتمال فریبکاری) در معامله نهی شده‌اند. بنا به نظر برخی از کارشناسان اقتصاد اسلامی، از دلایل قراردادن شروطی مثل ضرورت ایجاب و قبول در طرفین عقود لازم، این است که شفافیت کامل و تقارن اطلاعات برای ذی نفع ها ایجاد گردد.

۴ – منع کسب پول از پول؛ از دیگر اصول نظام مالی اسلامی این است که پول صرفا به عنوان یک واسطه مبادلات مطرح است و هیچ‌گاه پول به عنوان نتیجه و محصول فعالیت‌ها نیست. به همین دلیل

---

[1] آل عمران/۱۳۰و ۱۳۱.

[2] درس تفسیر آیت الله فاضل،مبحث ربا: http://fazellankarani.com

صحیح نیست که کسی از محل محض آورده نقدی معاملات، انتظار کسب سود داشته باشد. اصل تحریم ربا نیز نزدیکی بسیار با این اصل دارد. بسیاری از انتقاداتی که بر طرفداران نظریه برابری قدرت خرید مطرح می‌شود هم بر همین مبنا است که پول، محصول به شمار نمی‌آید. صرفا یک واسطه مبادله است.بنابراین صرف افزایش دادن آن به دلیل عواملی همچون تورم صحیح نیست و باید نقش واسطه‌گری آن حفظ شود.[1]

پول وقتی سرمایه ی حقیقی است که در کنار سایر منابع درفعالیت تولیدی به کار گرفته شود.اسلام ارزش پول را تنها زمانی پذیرفته که به عنوان سرمایه عمل می کند نه وقتی که فقط سرمایه ی بالقوه است.[2] البته دربحث رشد، مقوله ی افزایش عرضه ی پول در چارچوب وظیفه واسطه گری آن مهم دانسته شده و بعقیده کینز افزایش حجم نقدینگی می تواند رشد تولید را از بعد تقاضای آن تحریک کند.[3]

۵- ممنوعیت احتکار؛ در نظام مالی اسلامی احتکار منع شده است.مثلا امام علی علیه السلام در نامه اش به حاکم مصر(مالک اشتر نخعی) دستور می دهد جلو احتکار را بگیر که رسول خدا از آن جلوگیری می کرد: «*فامنع من الاحتکار فان رسول الله صلی الله علیه وآله مَنع منه ولیکن البیع بیعا سمحا بموازین عدل و اسعار لا تجحف بالفریقین البائع والمبتاع فمن قارف حکرتا بعدنهیک ایاه فنکل به وعاقبه بغیر اسراف..*».[4]

۶- ایفای تعهدات؛ اسلام الزام به قراردادها و آشکار سازی اطلاعات را یک عمل پسندیده می داند و در صدد است که از ریسک ناشی از عدم تقارن و تناسب اطلاعات و سوء استفاده های اخلاقی در این زمینه، بکاهد.[5]

---

[1] www.islamic-finance.ir

[2] حمیدرضا اسمعیلی گیوی،تامین مالی اسلامی، ص۱۶

[3] مرتضی قره باغیان،بررسی منابع رشد اقتصادی درقالب یک مدل اقتصادسنجی،ص۲.

[4] نهج البلاغه،نامه ۵۲(عهدنامه مالک اشتر)؛ منتظری،رساله فی الاحتکار والتسعیر.

[5] تامین مالی اسلامی، ص۱۶

اقتصاد مقاومتی تافته ای جدا بافته از نظام اقتصاد اسلامی نیست لذا با همان خط مشی ها که در بالا ذکر گردید کار می کند و معیار های غیر اسلامی را نمی پذیرد. هم در نظر تابع عمومات و اطلاقات صحت معاملات و مبادلات مالی و کالایی است و هم در مقام عمل ضابطه مند حرکت می کند ولی از آنجا که زاییده ی شرایط ویژه ی بحران و تحریم، محاصره و تهاجم اقتصادی و سیاسی می باشد اولویت هارا مد نظر دارد.

در این شرایط که جهان استکبار و نظام سلطه از اهرم تحریم و محاصره ی اقتصادی برای به زانو درآوردن جوامع و حکومت های اسلامی استفاده می کند، مشکلات فراوان فراروی حکومت اسلامی قرار می گیرند که تشدی پدیده های منفی اقتصادی مانند تورم ، احتکار ،گرانی و کمیابی کالاهای اساسی و مورد نیاز عموم از تبعات تلخ آن است.در چنین وضعیتی تعیین اولویت های اقتصادی و اهتمام به حل آنها از وظایف اصلی ،فوری و کوتاه مدت الگوی مقاومتی است.

برای به شکست کشاندن سیاست تهاجمی اقتصادی دشمن که در آن از ابزار تحریم بهره گرفته اند،تنها وسیله توحید کلمه و تمسک به شرایع و قوانین دین اسلام در ساحت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می باشد.

راهبرد دیگر برای ناکام گذاری حملات اقتصادی و شکستن حصارسیاسی و اقتصادی، قطع رابطه های سیاسی و اقتصادی با دولت های بزرگ و ستمگر جز به اندازه ضرورت است.[1] این محدودیت روابط بدون تردید اقتصاد و فرهنگ کشوررا در برابر تخریبات و تحریم های آنها مقاوم می سازد و از اثرات حصر و تحریم می کاهد.

۳- ۸- ۷- ابزارهای تامین مالی اسلامی

صنعت تامین مالی اسلامی به عنوان جزئی از نظام مالی اسلامی باید خدماتی را نویددهد که منطبق بر باورهای دینی و مذهبی متخذ از کتاب و سنت باشد و کارایی اش را در خدمت گسترش و برقراری

[1] آیت العظمی المنتظری،رساله فی الاحتکار و التسعیر، ص۱۲

عدل و انصاف در جوامع بشری بگذارد. عدل و انصاف دو هنجار اخلاقی می باشد که برخاسته از دو اصل دینی تآخی و تآلف یعنی برادری دینی و نوع دوستی هست.

بنا بر این تامین مالی اسلامی مبتنی بر دارایی های واقعی هست اولا، به گونه ای که میزان موجودی کالا و منابع واقعی نه صوری، در پشت معاملات قرار دارند.متکی بر اعتبارات محض و دادو ستد دیون نیست. و متکی بر پایه های اخلاقی است ثانیا، به این معنا که فعالیت های اقتصادی یک مسلمان در بازار مالی برای تحصیل سود، مقید به رعایت ضوابط ارزشی است.

ابزارهای تامین مالی اسلامی به چهارگروه دسته بندی می شوند:

۱/ **تامین منابع مالی ازطریق وام دهی**(این مورد منحصر به قرض الحسنه است).

۲/ **تامین منابع مالی از مسیر مشارکت ها** یعنی استفاده ازعقود مشارکتی.

۳/ **تامین منابع مالی ازطریق مبادلات** یعنی به کارگیری عقود مبادله ای.

۴/ **تامین منابع مالی از رهگذر تعهدات.**[۱]

۳- ۸- ۸- تامین مالی هزینه های عمومی در اقتصاد مقاومتی

دولت در بخش عمومی مسئولیت های سنگینی به عهده دارد که منابع مالی قوی را می طلبد.در گذشته منابع دولت های اسلامی برای تکافوی مخارجش از منابع سنتی تامین مالی مانند اخذ زکات،خمس،مالیات،وقف ،غنائم و در عصر حاضر استقراض از منابع خارجی و داخلی، سود می جستند.

اما در عصر حاضر تامین کالاهای رفاهی، اساسی، هزینه های سرسام آور دفاعی و عمرانی افزون بر مخارج سرپرستی مالی نیازمندان و از کار افتادگان جامعه، باعث شده مراجعه به منابع سنتی تامین مالی، چندان نافع نباشد؛ لذا به روش ها و منابع نوین تامین مالی نیاز افتاده است. مشکلات جدی وقتی بروز

[۱] حسن سبحانی،دغدغه ها و چشم اندازهای اقتصاد اسلامی،ص۱۷۶

می کند که خرج از دخل فراتر رود و پدیده ی خوفناک به نام کسری بودجه خودنمایی نماید.افزون بر این، شرایط فشار و تنگناهای اقتصادی ناشی از جنگ اقتصادی دولت های مستکبر با همکاری هم پیمانان منطقه ای آنها علیه یک کشور اسلامی انقلابی مانند جمهوری اسلامی ایران، وضعیت را خراب تر از قبل می کند.در همین وضعیت تحریم اقتصادی همه جانبه است که الگوی اقتصاد مقاومتی مطرح می شود و راه حل های نوین و سیاست های پولی-مالی بدیل را ارائه می نماید.

۳- ۸- ۸- ۱- تامین مالی دولت در اقتصاد مقاومتی

۳- ۸- ۸- ۱-۱- صکوک و سهام؛

به باور کارشناسان مالی اسلامی،انواع اوراق بهادار اسلامی وجود دارند که جانشینان برومندی برای روش های متعارف تامین مالی می توانند باشند.هم موسسات دولتی(غیرانتفاعی) که در صدد تامین رفاه عمومی اند و نیز بنگاه های تولیدی-خدماتی در بخش خصوصی(انتفاعی) که بدنبال بیشینه سازی سود هستند، می توانند از ابزار های تامین مالی اسلامی تحت نام عام صکوک در کنار سهام، استفاده نمایند.

برای دولتی ها البته صکوک اجاره،استصناع، و اسناد خزانه اسلامی اوراق هایی اند که با کاربرد بهتر و دامنه ای وسیع تر قابل توجه اند.با انتشار این صکوک سرمایه های بخش خصوصی برای کسری احتمالی بودجه دولت به جریان می افتد.[۱]

با سه روش می توان از این سه گونه اوراق بهادار برای تامین نیازمندی های دولتی سود جست:

الف) انتشار و فروش به عموم مردم؛

ب) فروش به بانک های تجاری اعم از دولتی وخصوصی؛

[۱] وهاب قلیچ.نقش اوراق بهادار اسلامی درتامین کسربودجه دولتی،تهران پژوهشکده بانکی و پولی ،۹۴،ص۱۱

ج) فروختن این صکوک به بانک مرکزی و به ازای آن استفاده از منابع موجود در سپرده های نزد این بانک. اوراق استصناع(سفارش ساخت و واگذاری) در این بین از توانایی بالایی برخوردار است و در تامین سرمایه جهت طرح های عمرانی و توسعه ای به آسانی به کار می توان گرفت.[۱]

به کارگیری درست و شفاف ازصکوک و سهام به رونق تولید منتج گشته و به تعمیق مالی منتهی می شود و این سیاست های مالی به پایداری اقتصاد از درون انجامیده و رشد را تضمین می نماید.

۳- ۸- ۸-۱-۲- ترکیب بهینه از روشBOT و صکوک؛[۲]

منابع سنتی تامین مالی مانند اخذ مالیات،استقراض،جمع آوری زکات،خمس،تکیه به موقوفات و انفال و منابع طبیعی به شمول نفت،حق ضرب سکه و چاپ اسکناس،عوارض و هزینه های استفاده از کالاهای عمومی و دفاعی،صدقات و کمکهای داوطلبانه در جوامع کنونی ناکافیست. مالیات ها چنان که بیان کردیم منبع کامل تامین مالی در کشورهای صنعتی است اما در کشورهای جهان سومی با مشکلات زیادی همراه است و منبع قابل اطمینان نیست.

فروش نفت و منابع طبیعی نیز اقتصاد رانتی را دامن می زند و در اقتصاد کار آفرین(مقاومتی)باید خام فروشی کنار گذاشته شود زیرا در تضاد با اهداف نهایی و سیاست های کلی آن قرار دارد. استقراض از بانک مرکزی هم تورم زایی دارد.وام های خارجی و انتشار اوراق قرضه آلوده به ربا و در مالیه اسلامی کاربرد ندارد. مضاف بر اینکه استقراض از صندوق بین المللی پول و نهاد های مالی فرامرزی در شرایط تحریم و محاصره اقتصادی خارج از دسترس است.

بنا براین بسیاری از روش های یاد شده نامطلوب و برخی هم محدود هستند.از این جاست که یافتن راه های ابداعی تامین مالی برای دولت ضروری است.برای اصلاح وضعیت و خلاص شدن از استقراض

---

[1] همان،ص۱۵و۱۷.

[۲] مخفف Build Operation Transfer به معنای طراحی و مهندسی؛ تامین کالا و تجهیزات؛ ساخت، نصب و راه اندازی وانتقال به دولت(ذینفع اصلی)؛مجله حقوقی ویندادhttps://vindad.com.

تورم افزای ربوی و نقایص سایر گزینه ها،ایجاد یک ترکیب بهینه ازمنابع سنتی و بازار محور برای تامین مالی پیشنهاد شده است:

روش بی.او.تی (قرار داد ساخت و بهره برداری تا مدت محدود و نهایتا واگذاری به دولت)، شیوه ای رایج در صنایع و طرح های بزرگ، ازجمله در قرارداد های نفتی است. این روش بازار محور، نوین و راحت است که به انتقال تکنولوژی و آموزش نیروی انسانی هم می انجامد در صورتی که سرمایه گذار و مجری خارجی طرف قرارداد باشد.

تامین مالی اسلامی(استفاده ازصکوک) عاری از بهره و مبتنی بر دارایی های واقعی می باشند؛ لذا انتظار می رود که استخدام این ترکیب در تامین مالی احداث و اجرای پروژه ها،ثبات نهاد ها و بازارهای اقتصادی را ارتقا بخشیده به نتایج ملموس در زمینه ی رشد و رونق منجر گردد. وقتی دولت در تنگناهایی ناشی از کمیابی منابع تامین برای پوشش دادن نیازهای بودجه ای قرار گرفت، این ترکیب بسیار بهتر(از حیث اطمینان بخشی و عملکرد) نسبت به ترکیب بی.او.تی،با وام های با بهره و روش های قدیمی است.[1]

۳- ۸- ۸- ۱-۳- سایرراهکارهای تامین مالی دولت دراقتصاد مقومتی

دوراهکار اساسی برای کنترل کسری بودجه دولت به نظر می رسد.:

یک) افزایش درآمدها از طریق کاهش ارزش پول داخلی

برای کنترل کسری بودجه یا باید عواید دولتی را افزایش داد و یا ازهزینه ها کم نمود.هردو مسیر در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با دشواری مواجه بوده و زمان بر است و به عبارت واضح تر هیچکدام از دو راهکار عملی نیست.افزایش درآمد اما نیازمند بهبود ساختار و مدیریت مالی هست و در کوتاه مدت این بهبودی بیرون از دسترس است.[۲]

[1] تامین مالی مخارج دولت از نگاه اسلام،ص۱۲۸.

[۲] عليرضا رحيمي بروجردي.ارز و صادرات غير نفتي ص۹۱.

از آن جا که بخش بزرگ درآمدهای ارزی در کشوری مانند ایران در اختیار دولت می باشد دولت ممکن است با کاهش ارزش پول یعنی گران فروختن ارز های خارجی بدنبال ترمیم کسری بودجه برآید.

اما این سیاست پولی منجر به ایجاد کسری دیگر خواهد شد زیرا این عمل هزینه های دولتی را بالا می برد وانگهی کسری دومی رخ می دهد که یک کاهش ارزش دیگری را در واحد پول ملی می طلبد و ممکن است این روند ادامه یابد که در نهایت افزایش شدید قیمت ها و کاهش زیاد قدرت پول ملی را در پی دارد. از این رو کاهش ارزش پول برای تامین کسری بودجه یک سیاست غلط و تورم زاست.[۱]

کاهش مستمرارزش واحد پول ملی برای یک کشور مصرف کننده مانند ایران فاجعه آمیز است. در حالی که این سیاست پولی برای کشور تولید کننده و صادر کننده می تواند مفید باشد.[۲]

افزایش درآمدها غیر از تقلیل ارزش پول ملی راه های دیگری نیز دارد که عبارتند از:

- افزایش صادرات نفت خام یا مشتقات
- افزایش صادرات غیر نفتی
- افزایش مالیات ها و عرضه طلا و ارز در بازار پول و سرمایه
- استقراض از نظام بانکی کشور
- انتشار اوراق مشارکت.[۳]

به جز دو روش اخیر سایر روش ها با محدودیت روبرو هستند زیرا بر اساس فرض، کشور در شرایط جنگ اقتصادی قرار دارد و از محدودیت طاقت فرسا در صادرات کالا ،واردات طلا و ارز رنج می برد.

دو) کاهش هزینه ها: این سیاست نیز در کوتاه مدت میسر نیست. زیرا در یک اقتصادی که برچسب دولتی بودن دارد این کاهش در اعتبارات جاری بر دامنه ی بی کاری افزوده و تقلیل در اعتبارات عمرانی

---

[1] همان.

[2] همان ص۹۰

[۳] محمداسماعیل توسلي«محدوديت ها و مسئوليت هاي دولت اسلامي در پولي كردن كسر بودجه».فصلنامه تخصصي اقتصاد اسلامي ش۱٤ تابستان۸۳ص۸٤

توقف طرح های ضروری عمرانی را بدنبال دارد این در حالی است که رو آوردن به همین طرح ها باعث کسری گشته پس نتیجه این می شود که کاهش هزینه های عمرانی و پروژه های زیر ساختی در اساس ممکن نیست.[۱]

چاپ وانتشار پول اضافی برای پر ساختن شکاف میان دخل و خرج دولت حتی به اندازه ای اندک و کنترل شده، کسری بودجه را به سمت پولی شدن سوق می دهد که به تورم شتاب می بخشد.استقراض داخلی نیز نتیجه مشابه به بار می آورد. استقراض از دولت های خارجه ونهاد های مالی بین المللی اگر میسر باشد به خاطر ماهیت ربایی که دارد بدهی عمومی زیادی ایجاد می کند که درتعارض با منافع عمومی در بلند مدت است.[۲]

اما در خصوص تامین مالی کسری بودجه که از مخارج عمرانی و توسعه ای دولت در کشور به وجود می آید گزیده ترین راه ها سه طریق زیر است:

۱. ترکیبی از شیوه های اسلامی تامین مالی و BOT (یعنی واگذاری ساخت و ایجاد طرح های توسعه ای و زیربنایی به سرمایه گذاران خارجی یا داخلی که بعد از ساخت و راه اندازی در بازه ای از زمان به دولت تحویل می دهند بدون این که دولت بابت ساخت آن پولی خرج کند).

۲. استفاده از تعرفه و عوارض عمرانی در مناطق خاص. دولت و شرکت های خصوصی می توانند مناطق مسکونی را توسعه داده و کلیه زیر ساخت های مورد نیاز را فراهم کرده آنگاه هزینه هارا از راه فروش یا پیش فروش طرح ها بازیابی کنند.

۳. ایجاد یک نرخ رشد پایدار و واقع بینانه با تکیه بر نرخ داخلی پس انداز و در نظر گرفتن ظرفیت های جذب سرمایه های داخلی. بدیهی است که توسعه تنها می تواند از راه فرایند های آرام ولی پردوام حاصل شود و راه میان بری ندارد.یکی از دلایل مشکلات مالی و کسری ها اتخاذ رویکرد آرمانی و

---

1 همان.

۲ تامين مالي مخارج دولت از ديدگاه اسلام ص۱۳۶.

دور از دسترس است به این معنا که قبل از این که یک کشور یاد بگیرد چگونه راه برودتلاش کند به سمت کشورهای توسعه یافته بدود.[1]

۳- ۸- ۹- تامین مالی بخش های انتفاعی(غیردولتی) در اقتصاد مقاومتی

در بخش اقتصاد خرد که عرصه فعالیت های شخصی است فعالان اقتصادی در بخشهای تولیدی و خدماتی برای گسترش فعالیت شان ممکن است با مشکلات ناشی از کمیابی سرمایه مواجه شوند.در این وضعیت ناگزیر اند از منابع خارج شرکتی کمک بگیرند که در میان دو چیز مخیر هستند یکی استقراض از منابع بانکی و دیگری مراجعه به بازار سرمایه و بورس سهام.گزینه ی دوم با این که آسان است اما مستلزم دست کشیدن سرمایه پذیران از بخشی از مالکیت دارایی های شرکت و پذیرش ملکیت مشاع با همراهی سهامداران می باشد.

شرکت ها بخشی از نیازهای مالی خودرا از طریق جریان نقدی که توسط عملیات خود آنها صورت می گیرد تامین می نمایند.این وجوه در حقیقت وجوه داخلی یا جریان پول نقد داخلی نامیده می شود.جریان نقدداخلی برابر است با مجموع سود نگهداری شده پس از کسر مالیات و استهلاک. اگر نیازهای مالی بیش از وجوه داخلی باشد شرکت ها مجبور خواهند بود باقیمانده را از منابع خارجی(بیرون شرکت) به دست آورند.بنا بر این وجوه خارجی عبارت است از تفاوت بین کل نیاز های مالی و وجوه داخلی(درون شرکت).[2]

منابع مالی بیرون شرکتی و راه های دستیابی به وجوه

وجوه جدید منابع خارجی در بازار های مالی(بازارپول و سرمایه) ممکن است از راه انتشار اسناد مالی به شکل افزایش بدهی های کوتاه مدت یا بدهی های بلند مدت به دست آیند. خاستگاه اصلی بدهی های کوتاه مدت شرکت ها، شبکه ی بانکی بوده است به خصوص در کشورهای با سیستم مالی بانک پایه. در مقابل، منبع اصلی بدهی های دراز مدت شرکت ها شامل سهام ، اوراق بهادار و وام هایی می

---

[1] همان.

[2] جمعي از نويسندگان.اقتصادخرد وكلان(مجموعه مقالات).مترجمان:احمدجعفري صميمي،غلامعلي فرجادي.ص٤٦٤

گردد که اغلب از شرکت های بیمه عمر و مانند آن دریافت می دارند. اوراق بهادار و سهام سرچشمه اساسی بدهی های بلند مدت شرکت های صنعتی ، خدمات و تسهیلات عمومی را تشکیل می دهد.در مقابل، وام ها منبع اصلی وجوه جهت تامین مالی املاک غیر منقول از قبیل ساختمان های اداری،مراکز خرید و فروش،و ساختمان های مسکونی آپارتمانی(برج سازی یا انبوه سازی) بوده است.[۱]

وام های بانکی منبع اصلی تامین نیازهای مالی کوتاه مدت را تشکیل می دهند. هزینه ی کم و در دسترس بودن آنها نقش مهمی در بازارهای مالی کوتاه مدت ایفا می کند. این وام ها بر اساس یک موافقت خصوصی بین بانک و شرکت صورت می گیرد و خالی از تشریفات و پیچیدگی های عمده می باشد. البته نرخ بهره(درنظام ربوی) این وام ها یک نواخت نیست و به بهترین و مهم ترین مشتریان بانک ها کم تر از سایر شرکت هاست.اوراق بدهی شرکت ها صورت اصلی بدهی های بلند مدت شرکت هارا تشکیل می دهند. این اوراق بدهی در دارایی های مالی مانند اوراق قرضه و سهام تبارز دارند.[۲]

معمولا شرکت هایی که وارد بورس سهام شده اند از ابزار نشر سهام برای تامین نیازهای سرمایه ای استفاده می کنند آن هم در صورتی که این روش تامین مالی را ترجیح دهند ؛ زیرا به عقیده ی برخی این شیوه ی تامین بودجه گران ترین روش است و تا انحلال شرکت ادامه دارد؛[۳] اما روش های دیگر مانند اوراق قرضه و وام ها، کوتاه مدت اند و از این نظر مزیت دارند؛ چرا که زود باز پرداخت و تمام می شوند.

نتیجه

سیاست ها ی کلی اقتصاد مقاومتی،رویکردهای حاکم برآنها، الزامات،مؤلفه ها ،وظایف و دور نمای اهداف اقتصاد مذکور بیان گر این معناست که این الگو هرچند خاستگاه خاص دارد و در شرایط تحریم

[۱] همان

[2] همان ص٤٦٦

[3] احمدشعباني،مسائل اساسي اقتصاد ایران ص۹۰.

و حرب و استفاده ی دشمنان از حربه های اقتصادی، پا به میدان گذاشته اما از سنخ«قضیهٔ فی واقعهٔ» و نسخه پیچی استعجالی مسکنِ وار نیست بلکه ماموریت این دکترین،بسیار فراتر از زمان و زمانه ی جنگ اقتصادی می باشد.

تمام فعالیت های اقتصادی درچهارچوب اقتصاد مقاومتی، از قواعد فقهی و ارزش های شرعی پیروی می کند.قواعد فقهی و ضوابط شرعی در بخش معاملات قالب های متنوع با نام عام **"عقود"** را پیشنهاد می دهد که نظام بخش زندگی مادی و را ه های درست و پاکیزه ی تامین معاش فرد مسلمان است.

البته عقود، چیزهای بیشتر از پیمان های صرفا اقتصادی بوده و در بردارنده ی الزام های اخلاقی نیز هستند لذا در سوره مائده فرمان خداوند وجوب رعایت این پیمان هاست«**یا ایها الذین آمنو اوفوا بالعقود**»- **ای کسانی که ایمان آورده اید به قراردادها[ی خود] وفا کنید**_[1]. اشارات اخلاقی در توصلیات، به نوعی صبغه ی عبادت بخشیدن به فعالیت هایی است که به ظاهر غیر عبادی و برای تامین معاش است ولی در نظام ومنطق اسلام هرگونه فعالیت در مسیر و چارچوب شرعی می تواند رنگ و لعاب عبادت واخلاق به خود بگیرد؛ زیرا معنویت و اخلاق، بر حسب نگاه علما و مجتهدان، شالوده ی نظام های اجتماعی اسلام به ویژه نظام اقتصادی آن است"***ان الاسلام یحتوی علی مجموعه ضخمه من التعالیم الاخلاقیه فی کل مجالات الحیات والسلوک البشری و فی مجال الاقتصادی خاصه***".[۲]

از آن جا که اسلام بیع را حلال و ربا را حرام نموده«***احل الله البیع و حرم الربا***»[۳] و از سویی تجارت با تراضی را مباح و اکل مال به باطل را ممنوع دانسته «***لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل*** **الاان تکون تجارة عن تراض منکم** »[۴] پس تمام مبادلات و فعالیت ها در بخشهای واقعی و اعتباری اقتصاد باید در قالب

---

۱ مائده/۱

۲ محمدباقرالصدر، الاسلام یقود الحیاة ص۱۵۰.

۳ بقره/۲۷۵

۴ نساء/۲۹

شناخته شده ی یکی از عقود فقهی باشد در غیر این صورت اکل مال به باطل محسوب است. این عقود در دو قسمت عقود مبادله ای و مشارکتی تعاملات اقتصادی را تسهیل و متنوع می کند.

تمام قرار داد های تجاری و سرمایه گذاری باید مطابق با قواعد شرعی منعقد شوند و شروط ضمن قرار دادها نباید مخالف با مقتضای عقد باشد.در همه ی عقود اسلامی شفافیت و خالی بودن از غرر ، ابهام، فریب کاری ، جهالت و تبانی بسیارمهم و معیار است. از نظر اسلام کسب درآمد از طریق معاملات اقتصادی و مالی غرری،قماری ،ربوی و فریب کارانه فاقد اعتبار،فاسد،باطل و غیر مجازمی باشد.

فعالیت ها در بخش مالی را نظام مالی اسلامی راهبری می کند. چهارچوب های مالی اسلامی مانند قرض الحسنه،وقف ها،اخماس و زکوات و...منابع سنتی تامین مالی اسلامی و منابع تغذیه خزانه دولت اسلامی با نام بیت المال می باشد.

دولت برای تامین مالی فعالیت های عمرانی و زیر بنایی و هم چنین کسری بودجه عمومی کشور مجاز است از اوراق اسلامی با نام صکوک استفاده کند.اوراق بهاداری مانند سهام،مشارکت،مرابحه،استصناع،اجاره و مانند این ها و در برخی موارد اوراق مشتقه که منافی با ضوابط شرعی نیستند از منابع مهم و داخلی تامین احتیاجات سرمایه ای برای بخش های دولتی و غیر دولتی محسوب گردیده است.

در شرایط بحران و در مسیر تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی استفاده از امکانات بانکداری اسلامی(دراصطلاح ، بازارپول) که عاری از ربا هست و هم چنین بازار سرمایه ی اسلامی و ابزارهای مالی آن نظیر سهام و صکوک لابد منه و بسنده است.

با این وصف، تجهیز و تخصیص منابع و تامین مالی صنایع تولیدی و بنگاه های خدماتی در بخش دولتی و انتفاعی، از مجرای "بورس سهام" که در نظام مالی اسلامی مکمل بازار پول است به صرفه نزدیک تر به نظر می آید. افزون بر این، افزایش سرمایه بنگاه ها از راه انتشار سهام، تناسب بسیار زیادی با ایده های اقتصاد مقاومتی دارد.

طبق بررسی هایی تجربی به عمل آمده ساختار نظام مالی ایران پایه بانک می باشد و با التفات به اثبات تاثیرنوع نظام مالی بر میزان رشد اقتصادی و نظر به اینکه اغلب کشورهای صنعتی از نظام مالی پایه سهام استفاده می کنند،[1] هم چنین با عنایت به وجود محدودیت های ایجادشده برای سیستم بانکی از جانب نظام استکبار، از این رو، تقویت بازار سهام در ایران و ایجاد سیستم مالی مبتنی بر سهام هم خوانی زیادی با مولفه ها و رویکردهای حاکم بر سیاست های اقتصاد مقاومتی دارد.

از جمله مولفه های مهم اقتصاد مقاومتی مردمی کردن اقتصاد از راه مشارکت عموم مردم در فعالیت های تولیدی است. این مهم تنها از راه بورس سهام و جلب و جذب اقشارمختلف و سرمایه های کوچک آنان است. سهام دار شدن مردم به آنان احساس مالکیت و شرکت در فعالیت های مولد اعطا می کند که این امر باعث تشویق و تداوم مشارکت های مردمی درجهت پدید آوردن اقتصادی است که "مردم نهادش" می خوانند.

بنا بر این ضرورت دارد مدیران و گردانندگان اقتصاد کشور برای نیل به آرزوهای بزرگ و تحقق آسان تر اهداف و سیاست های اقتصاد مقاومتی، در جهت گسترش ، و کارایی بازار سهام و سرمایه بیش از پیش تلاش کنند تا با هموار شدن مسیر مشارکت آحاد جامعه در فعالیت های اقتصادی کشور، شاهد اقتصادی "مردم نهاد" باشیم.

---

[1] سيد احمدميرمطهري.آزمون رابطه ميان رشدوساختارمالي ايران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادي،ش۱،پياپي۲٤،بهار ۱۳۸٦،.ص۱۰۳.

فصل چهارم. رابطه ی بورس سهام و اقتصاد مقاومتی

۴– ۱– مقدمه

تبیین کم و کیف ارتباط بورس سهام با رهیافت اقتصاد مقاومتی هدف اصلی و نهایی این تحقیق است. از این رو، فصول قبلی به منزله ی مقدمات برای رسیدن به این فصل بود. در فصل جاری با عنایت به نتایج بخش های گذشته مباحث این قسمت را که واپسین فصل می باشد، تکمیل می کنیم.

در گذشته به کارکردها و نقش بورس سهام در بازار سرمایه و در مجموعه ی نظام مالی به مقدار لازم پرداخته شد. هم چنین در باره ی الزامات ووظایف آن بررسی های مو شکافانه به عمل آمد.مطالعات پیش گفته نشان داد ، بورس سهام به عنوان یک عنصر مهم بازار سرمایه، بیشترین قرابت و تشابه را با مالی اسلامی و شیوه های تامین مالی به سبک و سیاقی که با ضوابط شرع هم خوانی داشته باشد دارد.

تامین مالی از این منبع ارزان، سرشار و در عین حال سالم، در هماهنگی تام با مولفه های اقتصاد مقاومتی قرار دارد؛ زیرا یک ظرفیت داخلی است که از وابستگی به منابع خارجی می کاهد و به استقلال اقتصادی که از اهداف بلند اقتصاد مقاومتی است کمک شایان می کند. ضمن این که باعث توسعه ی حضور مردم در فعالیت های اقتصادی گردیده و اقتصاد را به سمت سیستم کار آفرین و غیر دولتی سوق می دهد.

سهامی شدن شرکت ها و نهادهای اقتصادی دولتی رشد بهره وری ،رونق اشتغال و گسترش فعالیت های اقتصادی را بدنبال دارد.بورس سهام سرچشمه ی تامین مالی فعالیت های اولویت دار و رشد آفرین هست. از این رو، نیاز سرمایه گذاری های کلان را به سرمایه به خوبی تامین می نماید. این ها دقیقا همان آرزوهایی است که الگوی اقتصاد مقاومتی در جستجوی شان است.

بنا بر این، بورس سهام به حیث شاهراهی اقتصادی می تواند ظاهر شود که سرعت بخش سیر تحقق سیاست ها و اهداف الگوی فوق خواهد بود. در مجال پیش رو، ترابط اقتصاد مقاومتی و میزان تعاملش

با بورس سهام بیشتر به کاوش گرفته خواهد شد. افزون بر این، گزیده های از سیاست های کلی را که پیوند بیشتری با این راهبرد اقتصادی برقرار می کند به تجزیه و تحلیل می گیریم.

۴– ۲– کارکردهای بورس سهام و اقتصاد مقاومتی

طبق نظریه های اقتصاد کلان ، انباشت سرمایه فیزیکی یکی از شروط لازم بـرای رشـد اقتـصاد ملی به حساب می آید. به عبارتی، به کارگیری مطلوب نیروی کار در فرایند تولید تا حد زیادی به میزان سرمایه موجود بستگی دارد و انباشت سرمایه، در تعیین میزان افزایش ستانده کـل و ستانده سرانه نیروی کار نقش اساسی ایفا می نماید. به طریق اولی، همراه با گسترش زمینه های افزایش تولید و بهره وری در اقتصاد ملی، میزان پیشرفت جامعه با میزان سـرمایه گـذاری انجـام شده در آن، رابطه همسو و متناسب دارد. بسیاری از مطالعات اقتصادی تأیید مـیکنـد کـه در صورت فقدان سرمایه کافی، رشد اقتصادی با مشکل جدی مواجه میشود.[1]

بسیاری از کشورهای درحال توسعه نیز با مشکل اساسی کمبود سرمایه روبـرو هـستند. از آنجـا که انباشت سرمایه یکی از مهمترین منابع رشد مداوم اقتصادی یک کشور به شـمار مـیرود، از طریق بازارهای مالی به ویژه بازار سهام میتوان فرایند تشکیل سرمایه را تسریع نمود.

بازارهای مالی به سبب نقش اساسی در گردآوری منابع از طریق پس اندازهای کوچـک و بـزرگ موجود در اقتصاد ملی، بهینه سازی گردش منابع مالی و هدایت آنها به سوی مصارف سرمایه گذاری در بخشهای مولد اقتصادی، مورد توجه قرار می گیرنـد. اثـرات مثبـت بـازار اوراق بهادار و سهام بر توسعهٔ اقتصادی از جمله افـزایش انگیـزه سـرمایه گـذاری از طریـق کـاهش ریـسک، قیمت گذاری ریسک و تسهیل ریسک نقدینگی و تجهیز و بـسیج سرمایه هـا و ... آن قـدر زیـاد و حساس است که برخی اقتصاددانان بر این عقیده اند که تفاوت اقتصادهای توسعه یافته و توسعه نیافته، نه در تکنولوژی پیشرفته توسعه یافته بلکه در وجود ***بازارهای مـالی یکپارچـه، فعـال و گسترده است***. بازارهایی که کشورهای توسعه نیافته از آن محرومند. این مطالعات نشان می دهـدکه سطح توسعه بازارهای مالی به

[1] سعيد صمدي وديگران. بررسي رابطه بين توسعه بازارهاي مالي و رشد اقتصادي،فصلنامه پژوهشهاي اقتصادي ـ شماره۳ـ پاييز ۱۳۸۶،ص۲

ویژه بازار سهام و تأثیری که آنها بـر تـأمین مـالی شـرکت ها وانتخاب روش تأمین مالی شرکت ها دارد، در نهایت تـأثیر شـگرفی بـر رشـد اقتـصادی بـه جـای می گذارد. بازارهای مالی پیشرفته نظیر بازارهای مالی کشورهای پیشرفته صنعتی، حجـم قابـل ملاحظه ای از سرمایه مالی اقتصاد مربوطه را در کنترل دارند. این بازارها انگیزه ی پس انداز کـردن و تبدیل پس انداز به سرمایه گذاری را با هدف تشکیل سرمایه به عهده دارنـد و از ایـن رو نقـشی اثربخش در تسریع رشد اقتصادی بر عهده می گیرند. [1]

یکی از کارکردهای اساسی بورس سهام و بازار سرمایه تامین مالی است.این نقش در عین حال به مهم ترین مزیت بورس سهام تبدیل شده است و در میان روش های گوناگون تامین مالی، بهترین گزینه می باشد.در کشورهای پیش رفته و صنعتی بازار بورس اوراق بهادار و از آن جمله بورس سهام،مهم ترین منبع تامین مالی سرمایه گذاری های بنگاه های اقتصادی می باشد. بانک ها مکمل بازار بورس هستند نه حاکم بر آن. ولی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران بازار پول یعنی بانک ها بر بازار بورس اشراف و سیطره دارد.مرجع اصلی تامین مالی در این کشورها بانک ها هستند که استقراض از سیستم بانکی به دلیل آثار تورمی که دارد روند رشد را با کندی روبرو کرده است. بنابراین هر اندازه بازار بورس سهام و اوراق بهادار توسعه یابد بنگاه های اقتصادی آسان تر و بهتر می توانند نیاز های مالی خود را از این بازارها تامین نمایند.نتیجه ی شیرین این روش تامین مالی چیزی نیست جز کنترل نقدینگی و تورم. سزاوار توجه است که ۳۰۰ سال از آغاز بورس سهام و اوراق بهاداردر کشورهای صنعتی می گذرد و در دهه های اخیر رشد فوق العاده یافته و به مثابه ابزار مالی کارآمد در استخدام بنگاه های اقتصادی این کشورها در آمده.در بین سال های۱۹۸۴تا۱۹۹۴ ارزش سهام در بازارهای جهان که به طور غالب در کشورهای پیشرفته قرار دارند به رقم بی سابقه ی ۱۸ هزارمیلیارد دلار رسید.[2]

[1] همان

[2] محمودختايي.گسترش بازارهاي مالي و رشد اقتصادي،ص۱۰۷.

از مطالب بالا و مطرح شده در فصل های پیشین روشن می شود که بازار بورس و معاملات سهام فوائد بزرگی برای اقتصاد کشورها دارند. متغیر های کلان اقتصادی که از بورس سهام تاثیر فراوان می گیرند زیاد اند که مهم ترین آن ها عبارت اند از موارد زیر:

یک)رشد اقتصادی و اشتغال

در نظام مالی، آن دسته از بنگاه های تجاری که به انتشار برگه های سهام اقدام می نمایند با افزایش سرمایه از این راه،زمینه های بیشتری را برای ازدیاد فعالیت های تولیدی مانند خرید ساختمان،ماشین آلات،زمین و سایرلوازم کار و ملزومات گسترش دامنه ی فعالیت و تولید ثروت فراچنگ می آورند.

افزایش در سرمایه گذاری ها به ویژه اگر کاربر باشد(در کشورهایی که نیروی کار ارزان فراوان دارند) تاثیر بسیاری بر فزونی اشتغال خواهد گذاشت.افزون بر این، بازارهای مالی از جمله بازار سهام کار آفرینان را برای دست زدن به نو آوری ها در زمینه ی تولید ثروت بیشتر توان مند تر می کند.[1]

دو)کنترل تورم

بورس سهام هم چنان که در نقش ابزاری اثر بخش برای تشکیل و تجمیع سرمایه ظاهر می شود، کاربرد دیگرش کاستن از سرعت رشد عمومی قیمت ها می باشد. سرعت تورم معلول پیشی گرفتن حجم نقدینگی بر حجم معاملات در بخش واقعی و تولید است.

از نظر سنتی علت تورم را این می دانستند که مقدار زیادی پول درجستجوی مقادیر ناچیزی از کالا می باشد و چون کالا در حد کفاف به تولید نرسیده برای تصاحب موجودی اندکی از آن در انبار یا بازار مسابقه به وجود می آید که این عامل اصلی تغییر مثبت قیمت ها است. هنگامی وضعیت تورمی پدید می آید که یا حجم پول درگردش بیش از اندازه باشد یا مازاد تقاضا نسبت به عرضه وجود داشته باشد که در نتیجه سطح عمومی قیمت ها به نحو مداوم بالا خواهد رفت.[2]

---

[1] غلام علي معصومي نيا،ابزارهاي مشتقه،بررسي فقهي و اقتصادي.ص۳۰

[2] اقتصاد خرد و کلان(مجموعه مقالات) ص۳٦۹

سه)کمک به عادلانه شدن توزیع درآمد

فروش سهام واحدهای بزرگ اقتصادی در بازار اوراق بهادار مسیر را برای توزیع عادلانه تر درآمد ملی هموار تر خواهد ساخت.این قضیه و احساس دخالت و شراکت مردم در فعالیت های تولیدی که از خرید سهام توسط ایشان ناشی می شود، از تشدید فاصله ی طبقاتی می کاهد و در فعالیت های اقتصادی فضایی با نشاط ایجاد می نماید.

چهار)ممانعت از فرار سرمایه ها

خروج سرمایه های خرد و سرمایه ی سرمایه دارانی که ریسک گریز هستند، از کشورهایی که ثبات سیاسی و اقتصادی ندارند امری رایج است.(البته خروج سرمایه گاهی مرادف با بیکارگذاشتن آن نیز هست یعنی خروج از چرخه ی تولید). در این گونه کشورها توسعه ی بورس سهام و دیگر اوراق بهادار به منزله ی سد در برابر این پدیده ی مهلک اقتصادی عمل می نماید.این فایده و اثر وقتی بدست خواهد آمد که فروشندگان سهام، سرمایه های بدست آمده از عرضه ی سهام را صرف فعالیت های تولیدی ، اولویت دار و در عین حال پر بازده کنند و امنیت سیاسی و اقتصادی هم وجود داشته باشد.

ممانعت از خروج سرمایه ها و کار بست آن ها در تولید داخلی،به فربهی حجم صادرات منجر گردیده و این امر، وارد شدن سرمایه های پولی جدید به اقتصاد ملی را بدنبال دارد.پیامد طبیعی این امور، بهبود رابطه ی مبادله و تراز پرداخت ها می باشد. از این رو اگر بازار بورس اوراق بهادار بتواند نگاه سرمایه گذاران خارجی را نیز جلب کند، باعث سرازیری و گسیل سرمایه های آنان به داخل کشور می شود.[۱]

پنج) جذب نقدینگی

تجهیز و تخصیص منابع یعنی جلب و جمع سرمایه ها و پس انداز های مردم و آن ها را در اختیار صنایع نهادن. این کارکرد بورس دو مزیت دارد، یکی مساعدت به جذب پس اندازهای راکد خرد و کلان جامعه و به جریان انداختن آن ها.دوم ممانعت از تخصیص این سرمایه ها به بخش های غیر مولد

---

[۱] ابزارهاي مشتقه،بررسي فقهي و اقتصادي. ص۳۵

و سفته بازی.[1] یا گسیل آن ها به سمت خرید طلا، ارز و دارایی های حقیقی ثابت که باز هم به کنز و توقف فعالیت وجوه ختم می شود.

شش) سرمایه گذاری مولد (تخصیص بهینه منابع سرمایه ای)

بورس سهام راهی است راحت برای تامین مالی شرکت ها وقتی که منابع داخلی آن ها کفاف هزینه هارا ندهد یا نیاز به سرمایه گذاری جدید احساس کنند اما پول کافی نداشته باشند که با جلب منابع از راه بورس هم مانع تورم می شوند هم با افزایش توان تولیدی خود موجبات گسترش کسب و کاررا فراهم می آورند.

هفت)**اعلام هشدار به دولت و مدیران ارشد**

با ایجاد مشکل رکود یا حصول رونق در یک صنعت،ساختار بورس آن را تشخیص می دهد و برای سیاست گزاران و دولت مردان سیگنال و علامت ارسال می کند تا به موقع، تصمیمات مقتضی را بگیرند.یکی دیگر از علایمی که بورس می دهد علایم بازار ثانویه به بازار اولیه هست.بازار اولیه برای شرکت های جدید التاسیس متصور است و این شرکت ها برای قیمت گذاری مناسب روی سهام شان با نگاه به شرکت های مشابه و حاضر در بازار بورس،راحت و شفاف تر قیمت گذاری می کنند.[2]

این ها پاره ای از متغیر های کلان اقتصادی هستند که از بورس سهام تاثیر مثبت می پذیرند. این همه برکات از نقش ها و فواید وجود یک بامالی کارا و اثربخش ناشی می شود که عبارت اند از:

- مشارکت دادن مستقیم مردم در فعالیت های اقتصادی
- تامین سرمایه ی مورد نیاز موسسات تولیدی و خدماتی به صورت ارزان و آسان
- کنترل نقدینگی

[1] احمدشعباني،مسائل اساسي اقتصاد ايران،ص۸۶

[2] همان ص۸۷

- ترغیب مردم به پس انداز بیشتر که این تشویقات زمینه ساز سرمایه گذاری وسیع تر می شود.[1]

موارد پیشگفته، کارکرد ها یا وظایف بازار های مالی مانند بازار بورس و سهام می باشند که البته بازار پول(نظام بانکی) نیز برخی از این کارکردها دارند.

برای بورس سهام نقشهای ویژه نیز می توان شمرد که سیستم بانکی قادر نیست آن نقش ها را به دوش بکشد، نظیر عملکردهای ذیل:

- توزیع خطر و مدیریت ریسک از طریق سرشکن نمودن ضررهای احتمالی روی سهام داران
- تعیین قیمت وجوه سرمایه با در نظر گرفتن بازده انتظاری.[2]

- **ایجاد یک بازار پیوسته ی سهام**، به این معنا که هر سهم در یک ساعت ده ها بار داد و ستد می گردد.میان قیمت های پیشنهادی متقاضیان و عرضه کنندگان سهام فاصله اندک است.و معاملات با سرعت، انجام شده و بلافاصله جزئیات آن در اختیار ذی نفعان قرار می گیرد.[3]

- **تعیین قیمت عادلانه**،کارگزاران نقشی در تعیین قیمت ندارند لذا فقط میزان تقاضا و عرضه در تعیین قیمت نقش دارند.

- **کمک آسان ، ارزان و بلند مدت برای تامین مالی شرکت ها**؛شرکت هایی که سهام شان در بورس پذیرفته شده است به دلیل بالا بودن درجه ی نقدینگی سهام شان راحت تر می توانند سهام شان را به عموم بفروشند.

افزون بر موارد بالا،نمونه های دیگری را نیز می توان به کارکردهای مفید بورس سهام و برگه های بهادار افزود نظیر: برآورد از میزان دقیق معاملات در طول روز و هفته و انتشار آن؛ اجبار شرکت ها به افشای اطلاعات متعلق به وضعیت مالی از نظر بازدهی و زیان دهی؛ ایجاد مقررات نظارتی شدید برای

[1] محمودعیسوي،ساختاربازارسرمایه دراسلام. ص٤٢.

[2] همان،ص۴۳.

[3] همان،ص۴۴-۴۵

ممانعت از مفاسد ناشی از رانت اطلاعاتی توسط کارگزاران و معامله گران، در راستای صیانت از منافع عموم.[1]

رویکرد اقتصاد مقاومتی در بلند مدت همین گزینه ها(کاهش تورم،رونق تولید،کار و سرمایه گذاری...) را دنبال می کند؛ با نگاه گذرا به مولفه های اقتصاد مقاومتی و سیاست های آن که در ادامه همین فصل بدان ها خواهیم پرداخت، به روشنی به هم جهتی بورس سهام در اساسی ترین اهداف و کار کردها می توان پی برد.

نظام اقتصاد مقاومتی برای ایجاد پایه های قوی برای اقتصاد تا رسیدن به مرحله ی رشد پیوسته و بسنده، نیازمند مجراهای برای گسترش سرمایه گذاری می باشد زیرا توسعه ی اقتصادی نیازمند به سرمایه گذاری است.از سوی دیگر سرمایه گذاری نیازمند به تامین مالی می باشد. پس برای این نظام، وجود منابع تامین سرمایه، از اهمیت فراوان برخوردار است آن هم منابعی که تکیه به توان مندی داخلی زده باشد تا از این رهگذر زمینه های استقلال در اقتصاد فراهم گردد.

بدیهی است با سیر از مسیر ظرفیت های ملی نظیر بورس سهام در بازار سرمایه، دست یابی به این اهداف زود تر میسر می گردد.بورس سهام، مجرا و منبعی فیاض داخلی، برای سرمایه گذاری و تامین لوازم و ملزومات آن می باشد.

بهبود فضای کسب و کار و به عبارتی رونق اشتغال در اقتصاد مقاومتی به اندازه ی خصوصی سازی قاعده مند یا همان مردمی کردن اقتصاد، اهمیت دارد. یکی از الزامات بهبودفضای کسب وکار، کمک به تأمین مالی بنگاه های تجاری و تأمین نقدینگی لازم برای تأسیس و رشد آنها می باشد. بازار سهام و سرمایه با فراهم آوردن امکان انتشار اوراق بهادار متنوع، جهت تأمین مالی و امکان افزایش سرمایه از طریق این بازار، بنگاه های اقتصادی را در بهبود فضای کسب وکار یاری می رساند. توسعه ی ابزارهای سرمایه گذاری، نهادهای لازم برای تسهیل فعالیت ها وعملیات بازار و نیز ایجاد بازارهای فعال و پیشرفته برای انتشار و معاملات اوراق بهادار متفاوت، از دیگر راه کارهای اساسی بازار سرمایه برای

[1] همان ص ۱۸۶و۱۸۷

کمک به بهبود فضای کسب وکار در اقتصاد می باشند.[1] لذا این قضیه، بازار سهام را به عنوان ابزاری مفید،مهم ،کارا و اثربخش در جهت تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی تبدیل و معرفی می نماید.

۴– ۳– هدف های بورس سهام واقتصاد مقاومتی

فلسفه ی اصلی راه اندازی نهاد بورس و بازار سرمایه در جنب بازار پول ، عبارت است از تقویت بازار های مالی از طریق هدایت پس انداز های مردم و مشارکت مستقیم آن ها در فعالیت های اقتصادی، تامین سرمایه ی مورد نیاز موسسات تولیدی و خدماتی،کنترل نقدینگی و در نتیجه کنترل تورم، تجهیز و تخصیص منابع به شکل کارا و اثربخش و مانند این ها که در بحث های پیشین مطرح گشت ولی هدف عالی پی ریزی بازار سرمایه و به تبع آن بازار سهام، رشد پایدار و تحصیل رفاه همگانی است که هدف های میانی فی الواقع از الزامات رسیدن به مرحله ی رشد دوام دار می باشد.

بورس سهام به عنوان بخشی از نظام اقتصادی و زیرگروه بازارهای مالی، نهایتا در جستجوی هدفی است که نظام اقتصادی در پی آن می باشد.دراقتصاد متعارف یا همان سرمایه داری تامین رفاه بیشتر برای جامعه،در ظاهر غایتی است به غایت مهم که از طریق سازو کار بازار و نه لزوما عادلانه، باید بدست آید. ولی در نظام اقتصاد اسلامی و نظام مالی اسلامی این مساله یعنی رسیدن به رشد و تحصیل رفاه آن هم به سبک عادلانه و درست، یک هدف میانی و مقدمی بوده و هدف نهایی تیسیر امور برای بندگی و قرب الاهی و سعادت در دوسرا است نه فقط رفاه در دنیا فارغ از سرای آخرت.

امتیاز اقتصاد اسلامی با اقتصاد متعارف در محور قرار گرفتن ارزش های اخلاقی و اسلامی در رتق و فتق امور مالی می باشد.اقتصاد اسلامی در واقع شناخت تطبیق احکام و قواعد شرعی است که مانع ظلم شده و دسترسی عادلانه و منصفانه به منابع را برای همه تا حصول رضایت و رفاه ایشان فراهم می

[1] مجله اقتصادی ش 7و۸مهر وآبان ،1392، علی صالح آبادی،مقاله:نقش بازار سرمایه در بهبود فضای کسب وکار کشور و امکان ارتقای رتبه ایران در رده بندی بانک جهانی،ص۲۱.

کند. این امر زمینه ی مساعد و مساوی فراهم میاورد که واحد اجتماعی و افراد به وظایف شان در قبال خدا و جامعه به نحو احسن عمل نمایند.[1]

در هرحال،تخصیص بهینه ی منابع مالی به منظور گسترش فعالیت ها در بخش واقعی اقتصاد و در فرجام، کمک به رشد اقتصادی و افزایش سطح رفاه عمومی،از اهم اهداف بورس سهام در مجموعه ی بازارهای مالی می باشد.[2]

نظام مالی اسلامی که نظام مالی اقتصاد مقاومتی ملهم ازآن می باشد از هرگونه روابط خصمانه،ظالمانه غیر انسانی و ناسازگار با ارزش ها و طبیعت قضایای اقتصادی بدور است.به کارگیری ثروت برای رسیدن به رشد و بهره وری(رفاه) و کارایی در تسهیم ثروت از اهداف مهم نظام مالی و اقتصادی اسلام است.[3]

در چشم انداز اقتصاد مقاومتی هم ،دومقوله ی رشد و رفاه جامعه به وضوح حضور دارد. اولویت در نظام اقتصاد مقاومتی دست یابی به اقتدار و استقلال اقتصادی است.«استقلال اقتصادی یکی از حساس ترین و سرنوشت ساز ترین مقوله هایی است که در عرصه اقتصاد مطرح است.استقلال اقتصادی به زبان ساده یعنی آن که یک کشور از نظر اقتصادی روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد».[4]

اقتصاد مستقل ، قدرت مند ، شکوفا و با محتوای انسانی، این چیزی است که اقتصاد مقاومتی می طلبد.بدیهی است با بسیج امکانات اقتصادی و مالی از جمله تقویت بازار سهام و بهره گیری از ظرفیت های موجود در آن، حصول اقتصادی رشد یافته ،پایدار و مستقل همراستا با ارزش های اسلامی و انسانی، دور از توقع نیست.

---

[1] محمدایوب، النظام المالي في الاسلام،مترجم الي العربيه:عمرسعيدالايوبي. ص۲۰؟

[2] محمودعيسوي،ساختار بازارسرمايه در اسلام و بررسي تحولات ان درايران. ص۴۲

[3] علي صالح آبادي،بازارهاي مالي اسلامي ص۱۲

[4] موسسه فرهنگي هنري قدر ولايت. اقتصاد و عرصه اقتصادي از نگاه رهبرمعظم انقلاب اسلامي(سخنان ايت الله خامنه اي مدظله)،ص۱۱۹

اقتصاد مستقل،شکوفا،قدرت مند و انسانی همان اقتصادی است که در آن توسعه و رشد پایدار رخ داده باشد.توسعه ی پایدار همان توسعه است مشروط به این که هم ساز با انسان ، و طبیعت شده باشد.همان رشد و توسعه ی که به طور مرسوم در دنیا اتفاق افتاده.[1]

از آن جا که برخاستگاه ایدئولوژی اقتصاد مقاومتی، تنگناهای اقتصادی ناشی از محاصره،تحریم اقتصادی و بحران است و خروج از بحران و شکستن حصار تحریم نیز نیازمند برنامه است ؛ چنان چه راهبرد مقاومتی با برنامه ریزی و پشتکار اجرا شود دستیابی به رونق و رشد پایه دار با وجود فشارها و تحریم دور از دسترس نیست.«دراقتصاد مقاومتی تکیه بر تولید داخلی است،براستحکام بنیه ی درونی اقتصاد است،رونق اقتصادی هم این است،رونق اقتصادی با تولید حاصل می شود با فعال کردن ظرفیت های درونی کشور حاصل می شود»[2]

این هدف اقتصاد مقاومتی در اتحاد با اهداف و وظایف بورس سهام قرار دارد از این رو این بازار مالی راهی است که در افق آن، اغلب مولفه های اقتصاد مقاومتی قابل رؤیت و دستیابی است و از ین جهت بازار سهام به عنوان یک ظرفیت درونی در بازار مالی، قادر است کمک شایان و نمایان به اقتصاد مقاومتی در تحقق سیاست هایش نماید.

۴- ۴- الزامات بورس سهام و اقتصاد مقاومتی

برای داشتن بورس سهام کارآمد و موثر که بتواند جایگاه پیشران را در اقتصاد ملی حفظ کند،پیش شرط های لازم است.عناوین زیر می تواند در این زمینه قابل تامل باشد:

یک) تقویت بازار اولیه سهام

دربورس سهام دو گروه سرمایه گذاران و سودا گران مالی هستند.سرمایه گذاران بخش زیادی از بازار بورس را به خود اختصاص می دهند. این گروه بیشتر در بازار اولیه حضور دارند.ان چه موجب میل این گروه به سرمایه گذاری از مجرای بورس می شود عبارت اند از امنیت سرمایه گذاری ،سهولت

[1] دکترحسین عظیمي آراني،اقتصاد ایران،ص ۵۲و۵۳

[2] محمدشریف ملك زاده،اقتصادمقاومتي وبرجام ص۷۵

تامین مالی،بازده مناسب،کاهش و توزیع ریسک،اطمینان به عادلانه بودن قیمت گذاری ها در بورس، نقدینگی و انعطاف پذیری.

گروه دوم، سوداگران مالی و بورس بازها هستند،سفته بازان در سنجش با سرمایه گذاران اوراق بهادار،بیشتر به عواید کوتاه مدت علاقه مندند.این ها در بازار ثانویه فعالیت دارند و از مابه التفاوت نوسانات قیمتی سود می برند.از ان جا که این ها اوراق را نگه نمی دارند و غالبا در طول روز مرتب به خرید و فروش مشغول اند و در آخر روز فقط پول به خانه می برند نه سهام،رفتار اینان می تواند به افزایش نقدینگی بازار و تثبیت آن کمک کننده باشد. ولی از سوی دیگر اگر هنگام افزایش یا کاهش قیمت سهام، برای تقاضا یا عرضه هجوم بیارند موجب اختلال بازار می شوند.[1] پس بایددر نظر داشت که بسیاری از معاملات بورس در حقیقت،سرمایه گذاری نیستند؛ به این معنی که به خاطر استفاده ازافزایش قیمت بازار اوراق بهادار، سهام شرکت ها دربازار ثانویه دست به دست می شود و فقط بخشی از این معاملات را می توان موجب افزایش سرمایه و سرمایه گذاری شرکت ها دانست که ناشی از پذیره نویسی سهام جدید باشد.[2]

برای حفظ نقدینگی در بازار سرمایه و جلوگیری از مالی‌شدن اقتصاد (financialization)، باید جلوی بازده نامعقول بازارهای سفته‌بازی گرفته شود؛ زیرا در بلندمدت بازار ثانویه ظرفیت نگهداشت حجم عظیم از نقدینگی را ندارد. به‌علاوه، منافع حاصل از بازار ثانویه به بخش واقعی اقتصاد و تولید منتقل نمی‌شود بلکه به سمت خرید دارایی های ثابت مانند مسکن،سکه،طلا و ارز سوق می یابد که موجبات التهاب در این بخش هارا نیز فراهم می آورد. بنابراین، باید راه‌کارهایی برای تقویت بازار اولیه اتخاذ شود.[3]

دو) مکمل بودن بازار سرمایه(سهام) برای بازار پول

[1] ساختار بازار سرمایه دراسلام ص۱۸۳

[2] ماهنامه بورس- شماره ۱۰۰فروردین ۱۳۹۲.

[3] حسین عبده تبریزي،پاورپوینت: بازار سرمایه و فرصت‌های تأمین مالی در شرایط رکودتورمی فعلی، ص۲۸ از www.fainance.ir

رقابتی عمل کردن بازار پول و سرمایه فربهی یکی و لاغری دیگری را سبب خواهد بود که البته تضعیف هرکدام باعث تضعیف کل بازار مالی می شود.برخی بر این باور اند که اگر بازارهای مالی رقیب یک دیگر باشند هرکدام به هزینه ی عدم توسعه ی دیگری توسعه می یابند ولی در کل باعث رونق فعالیت های بازار سرمایه می شوند.[1] اما بهترین گزینه این است که هر دو بازار به وظایف خاص خودش عمل کند لذا برای سرمایه گذاری های کوتاه مدت سیستم بانکی و برای تامین مالی های بلند مدت بازار سهام و سرمایه نقش ایفا کند و با تقسیم کار و تکمیل نقش ها کارایی کلی بازار های مالی تضمین می گردد.

در الگوی اقتصاد مقاومتی هم بانک به عنوان همکار و نه رقیب بازار بورس ملاحظه شده: بانک یکی از شریان های اصلی اقتصاد است که وظیفه دارد منابع را از طریق سپرده های مردمی تجهیز نموده و در اختیار متقاضیان در حوزه تولید و بازرگانی قرار دهد. موارد مرتبط با بانک و نظام بانکی، در ماده ۹ و ۱۹ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است. اصلاح نظام بانکی کشور و ایجاد شفافیت اطلاعاتی در آن در تعامل با بازار سرمایه و نظام بیمه با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و ایجاد ثبات اقتصادی جهت تقویت بخش واقعی، موضوع این بخش است.

بورس در الگوی نامبرده نهاد مالی ای است که باید تامین مالی بلندمدت تولید را بر عهده داشته باشد و بتواند منابع عمومی را به صورت مستقیم با کمترین هزینه به بخش واقعی اقتصاد برساند. موارد مرتبط با بورس و نهادهای مرتبط، در ماده ۹ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است. اصلاح بازار سرمایه کشور در تعامل با نظام بانکی و بیمه ای با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی و ایجاد ثبات اقتصادی برای تقویت بخش واقعی، موضوع این بخش است.

سه) بالا بردن پس انداز های ملی

[1] محمدنقي نظرپور،میثم حقيقي.ارتباط متقابل بانكداري اسلامي و بازار سرمايه ص١٤٤

در ایران نسبت پس انداز یا انباشت سرمایه به تولید ناخالص داخلی در حدود پانزده درصد است.[1] این امر نشان گر آن است که پس انداز های ملی دراقتصاد بسیار پایین است. از جانب دیگر رشد مصرف درصد بالا دارد و تقاضای کل در کشور بر عرضه کل سبقت گرفته است. زمانی که سرمایه گذاری ها از محل پس انداز های ملی صورت نگیرد ناگزیر از سیستم بانکی و استقراض از بانک مرکزی صورت خواهد گرفت که انواع تورم مانند تورم ناشی از مسائل ساختار اقتصادی، ضعف نهادهای مالی و اقتصادی،و ناشی از کمبود عرضه یا فشارتقاضا را در پی می آورد.[2] از این رو، افزایش پس انداز های ملی و هدایت آن ها به سمت سهام و سرمایه گذاری های جدید و راه اندازی طرح های تازه، یکی از الزامات گسترش بازارو بورس سهام است.

چهار)توسعه بخش خصوصی

مطالعات نشان داده بازده بلند مدت سرمایه گذاران در خصوصی سازی از طریق انتشار سهام به شدت مثبت می باشد.این امر بیان کننده ی بازار های سهامی است که دولت خواهان آن بوده.

اولین گام در انجام صحیح خصوصی سازی،توسعه بخش خصوصی سازی و توان مند ساختن آن است.شرایط لازم برای رفع موانع سرمایه گذاری و پیشرفت بخش خصوصی مفاد اقدامات زیر است:

۱. ایجادفضای مطمئن اقتصادی،اجتماعی،سیاسی و فرهنگی

۲. کوچک کردن تدریجی سازمان های اجرایی ومداخله گر دولت در اقتصاد ملی

۳. محدود ساختن تدریجی و انحلال فعالیت های انحصاری و نهاد و شرکت های شبه انحصاری

۴. اصلاح قوانین و ساز و کارهای نا کارآمد موجود

۵. کمک به توان مند سازی بخش خصوصی

[1] علیرضا رحیمی،ارز و صادرات غیرنفتی ص۹۰

[2] همان

موانع اصلی خصوصی سازی در کشور به طور کلی ناشی از عوامل زیر است که با کنار رفتن این ها راه برای خصوصی سازی هموار تر خواهد شد:

- سیستم بانکی و پولی متمرکز دولتی؛
- فقدان بازار سرمایه ی واقعی و رقابتی.[۱]

پنج) منطقه ای و بین المللی نمودن بورس سهام

جذب و جریان سرمایه خارجیان در سبد مالی و بین المللی نمودن بورس سهام منافع فراوانی برای اقتصاد کشور میزبان به ارمغان می آورد مانند:

۱) کاهش هزینه تامین مالی واحدهای سپرده پذیر و توسعه فعالیت های سرمایه گذاری در سبد مالی(فعالیت های سهامی)

۲) افزایش درجه نقد شوندگی اوراق بهادار، توزیع مناسب تر ریسک و تعمیق بازار سرمایه

۳) اصلاح ساختار مالی و مدیریت سهامی یا مدیریت شرکتی و وضع استانداردهای بین المللی برای انتشار اطلاعات توسط شرکت های سپرده پذیر

۴) افزایش کارآمدی بازار بر اثر طلب کردن استانداردهای بین المللی مربوط به اطلاع رسانی داد و ستد،نظارت،تسویه و حمایت از سرمایه گذاران.

۵) ایجاد انگیزه برای شکل گیری نهادهای جدید یا افزودن بر کارکردهای جدید نهادهای فعال مالی.

۶) انتقال دانش و فنون مدیریت سرمایه گذاری و ارتقای سطح توسعه یافتگی بازارهای مالی.[۲]

---

[۱] فصلنامه تخصصي علوم انساني اسلامي،تابستان۹۳،ش۱۰،(ویژه نامه الگوي اسلامي ايراني پيشرفت)وحيدخاشعي،مقاله:اقتراحي دردهه ي چهارم انقلاب اسلامي و ارائه الزامات راهبردي ص۱۲۶و۱۲۷

[۲] موسسه تحقيقاتي تدبير اقتصاد،سرمايه گذاري خارجي در سبد مالي ص۱۰۸

بین المللی شدن بورس سهام و حضور سرمایه های خارجی در کنار آثار مثبت اقتصادی، برخی پیامدهای سیاسی و امنیتی هم به همراه دارد که ممکن است با اهداف اقتصاد مقاومتی همخوانی نداشته باشد. مدیریت صحیح و وضع مقررات مناسب در خنثی نمودن آثار منفی آن مورد تاکید است.

۷) تغییر نگرش نظام اقتصادی از بانک محور به سهام پایه یا بازار محور. این تغییر وضعیت، با توجه به فشارهای تحمیل شده بر بازارهای پولی و تحریم سیستم بانکی، ناگزیر است.[۱]

۸) اصلاح ساختار نظام پولی؛ رعایت ضوابط بانکداری اسلامی مانند پرهیز از ربا،قمار و معاملات غرری باعث مقاوم شدن بخش پولی اقتصاد مقاومتی در برابر آسیب پذیری ها می شود.«این امر مستلزم فاصله گرفتن از تامین مالی بدهی محور و رفتن به سمت تامین مالی دارایی محور است.چنین ساختاری موجب قوت گرفتن بنگاه های کوچک،افزایش اشتغال وتولید و بهبود توزیع درآمد می شود».[۲]

این ها پیش نیازهای ایجاد بازار سهام کارا و اثر بخش است بازاری که بتواند پاسخ گوی نیاز های مالی بنگاه های تولیدی و طرح های سرمایه گذاری بوده و در مسیر هدف غایی نظام اقتصاد مقاوتی یعنی استقلال اقتصادی نقش فعال به عهده بگیرد.

در فصل های قبل تذکار رفت که یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی تحقق بخشی به مفاد اصل ۴۴ قانون اساسی است. توسعه بازار سهام که تمرکز سرمایه های مردم را با هدف اختصاص به طرح های تولیدی موجب می گردد،اقتصاد مقاومتی را در دست یابی به این هدف مهم یاری می رساند. در پرتو توانایی های بورس سهام برای تحقق این اصل اساسی، راه کار های اجرای اصل ۴۴ را می توان در نمونه های زیر به اختصار بیان کرد:

- تبلور دارایی های دولت در بازار سرمایه؛
- پرداختن دولت به امر حاکمیت و اجتناب از دخالت های موردی و بی خود؛

---

۱ سازمان بورس اوراق بهادار.مديريت پژوهش،توسعه ومطالعات اسلامي،مجتبي كاوند ومحمدجوادفرهانيان:تبيين جايگاه بازارسرمايه درسياستهاي اقتصادمقاومتي،ص۱۰

۲ محمدجوادتوكلي،خاكريز اقتصادي ص۱٦۷

- هدایت پس اندازهای کوچک و بزرگ؛
- تجهیز بازار سرمایه و سازمان اوراق بهادار
- اعمال نظارت همیشگی بر شرکت ها؛
- واگذاری سهام در چارچوب قانون اساسی.[1]

ضرورت وجود یک ساختار و بافتار مالی پیشرفته برای رشد و تاثیرآن بر پیشرفت اقتصاد چیزی است که همه صاحب نظران بر آن اجماع دارند و محاسبات فنی و تجربی رابطه ی معنادار میان ساختار مالی و تولید می بیند یعنی این امر که ساختار مالی اثر معنی دار بر سطح تولید دارد لذا هرچه این ساختار پیشرفته و کارا تر باشد، تولید رونق فزون تری می گیرد.

با توجه به یافته های موجود،سیاست گذاران اقتصادی به منظور تحقق رشد اقتصادی باید به بازار مالی(ازجمله بازار سهام) و ساختار آن عنایت ویژه بذل نمایند. در این بین تقویت بازار سهام در کنار افزایش کارایی نظام بانکی می تواند گام اساسی در جهت توان مند سازی اقتصاد به حساب آید.[2]

۴– ۵– پیوندهای بورس سهام و اقتصاد مقاومتی

با مرور نتایج مباحث مطرح شده در فصل دوم ، سوم و عناوین پیش گفته در فصل جاری،که به ترتیب،به تبیین ماهیت بورس سهام و اقتصاد مقاومتی و توضیح نقش ها، نیازها و اهداف آن دو می پرداختند، می توان موارد تلاقی و پیوندهای این دو موضوع را نشان داد .هم چنین این قضیه به ما کمک می کند در باره ی جایگاه بورس سهام در اقتصاد مقاومتی قضاوت درست داشته و اطلاعات دقیق ارائه دهیم.

در فصل دوم کار کردهای اساسی بورس سهام و نقش آن در بازار سرمایه را بررسیدیم و به این نتیجه دست یافتیم که بورس سهام نقش مهمی در تجهیز و تخصیص بهینه ی منابع راکد خرد و کلان مردم

[1] فصلنامه تخصصي علوم انساني اسلامي،تابستان۹۳،ش۱۰ ص۱۲۷.

[2] فصلنامه پژوهش نامه اقتصادي،سال۷،ش۱،پیاپي۲٤،بهار۸٦،سیداحمدمیرمطهري،مقاله:آزمون رابطه میان رشداقتصادي و ساختارمالي ایران.ص۱۰۳و۱۱۳

دارد. بازار سرمایه(بورس سهام) اسلامی، در کنار بازار پول، مجرای مطمئن برای سرمایه گذاری و نیزکانالی فراخ برای انتقال حجم عظیمی از سرمایه ها و جریان نقدینگی جامعه به سمت تامین مالی پروژه های دانش پایه،خدماتی،کشاورزی و تجاری-صنعتی در مقیاس های بزرگ،متوسط و خیلی بزرگ است و مشکلات بازار پول (سیستم بانکی) را هم ندارد به این معنا که ساز و کاربازارسهام به گونه ای است که عاری از شبهه ی ربا و فساد(تقلب،صوری سازی) می باشد.

بازار سهام برای هر دو گروه سرمایه گذاران و سرمایه پذیران،فوائد فراوانی فراهم می کند. سرمایه گذاران به سود های سرشار و در عین حال پاکیزه(طیب)، دست می یابند. و سرمایه پذیران نیاز های مالی شان را به شیوه ای ارزان و آسان از از این مجرا تامین می کنند و با تمرکز وحرکت سیل عظیم پول های مردم و شرکت های سرمایه گذار به سمت تولید و ایجاد بازدهی مناسب، سود انتظاری ذی نفع ها با کم ترین زحمت و هزینه فراچنگ آمده و در نهایت به نفع اقتصاد ملی و استقلال اقتصادی ختم می شود.

از منظر کلان هم ثابت شد که رابطه ی مثبت میان توسعه ی بازار های مالی از جمله بورس سهام و متغیر های اقتصاد کلان وجود دارد. از این رو هر اندازه بازار های مالی(پول و سرمایه) گسترده باشد و کارا تر عمل کند به همان مقیاس شاهد رونق تولید ودرنتیجه افزایش چشم گیر درآمد ملی خواهیم بود.

در خلال فصل سوم چیستی،الزامات، نیازها ،سیاست ها و اهداف **اقتصاد مقاومتی** به کاوش گرفته شد. در ضمن مطالب گوناگون به این نکته اشاره شد که این نظام،ماهیت اسلامی دارد و **در واقع نسخه ی معاصر نظام اقتصادی اسلام است**. نظام اقتصادی اسلام، خروجی مکتب اقتصادی اسلام برای زمانی است که در یک شرایط واقعی و زمانی و مکانی خاص می خواهد به وقوع بپیوندد.[۱]

نظام اقتصادی اسلام متخذ از قضایای هنجاری وحیانی است که واضع آن شارع مقدس بوده و در سنت پیامبر چارچوب های اجرایی آن تعیین می شود و دروضعیت های نوین(دراختلاف ازمنه،امکنه و ظروف) از طریق اجتهاد تعمیم می یابند تا شامل تخصیص منابع ارزش مند به اصطلاح

[۱] حجت الله عبدالملكي،اقتصادمقاومتي(درآمدي برمباني،سياست ها وبرنامه عمل) ص۱۸۰

کمیاب،تولید،تبادل کالاها وخدمات و توزیع درآمدها و ثروت ها شوند. اهداف این نظام به طور کلی عبارتند از:

یک) امنیت اقتصادی

دو) عدالت اقتصادی

سه) رشد اقتصادی.[1]

انعطاف پذیری در ذات اقتصاد اسلامی قراردارد و همین نیروی درونی تضمین کننده ی جاودانگی تمام تعالیم و نظام های اسلامی از جمله نظام اقتصادی آن شده هست، بنا بر این تفاوت تنها در خاستگاه و بر خواستگاه دیده می شود که بیان گر انعطاف و کارایی در شرایط گوناگون مکانی، زمانی،اجتماعی و سیاسی است. ولی حقیقت اقتصاد مقاومتی برگرفته از مکتب اقتصادی اسلام و تابع خطوط کلی آن است.

از این رو به تاکید می توان اذعان نمود اقتصاد مقاومتی همان اهداف اقتصاد اسلامی را دنبال می کند ،البته با در نظر گرفتن حقایق موجود تا رسیدن به وضع مطلوب، به اضافه ی اهداف جدیدی برخاسته از مقتضیات زمان و مکان مانند:

- تامین نیازهای اساسی(غذا،لباس،مسکن،بهداشت،تعلیم و تربیت) برای تمام انسان ها
- تامین فرصت های برابر برای همه(عدالت اجتماعی و اقتصادی)
- جلوگیری از تمرکز و تداول(چرخش) ثروت و کاهش نابرابری درآمد برای ممانعت از سلطه ی ثروتمندان
- ایجاد امنیت اقتصادی؛ نبودن امنیت اقتصادی برای سرمایه گذاری و فعالیت های اقتصادی از مهم ترین موانع رشد و توسعه است.

[1] سيدحسين ميرمعزي،ساختاركلان نظام اقتصادي اسلام.ص۲۱و۲۳

- تضمین آزادی همه گانی و حمایت از آن برای پیروی از تعالی اخلاقی
- تضمین ثبات و رشد اقتصادی لازم برای تحقق اهداف نام برده.[۱]
- رفاه عمومی و توسعه اقتصادی
- خودکفایی و استقلال اقتصادی
- تحکیم ارزش های اخلاقی و معنوی.[۲]
- ناکام گذاری اهداف دشمنان و طواغیت زمان.

راهبرد اقتصاد مقاومتی دارای رویکرد جهادی و فوق العاده است، لذا اولویت هارا جابجا نموده تا با بحران موجود مقابله کند، شرایط عینی فعلی حاکم بر جامعه و سیاست را مد نظر قرار می دهد و در این میان ناکام گذاری اهداف دشمنان و مهاجمان اقتصادی در پیکار اقتصادی و تحکیم پایه های اقتصاد و استقلال اقتصادی جزو اهداف کلیدی آن قرار می گیرد؛ زیرا «برای یک کشوراستقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است. وقتی رشته های اقتصاد یک کشور به بیگانگان وصل باشد معنایش این است که رگ حیات و تغذیه ی این پیکر به جای دیگر وصل است پس اختیار در دست دیگری خواهد بود»[۳]

پس مبرهن است این معنا که الگوی مقاومتی، برگرفته از آموزه های اقتصادی اسلام است با این تفاوت که تنها در زمان وجود بحران و جنگ اقتصادی است که این الگوی چند وجهی مطرح می شود، هر چند که برای کوتاه مدت طراحی نشده لذا نه یک تاکتیک یا واکنش کوتاه مدت بلکه راهبردی دراز مدت مدیریت و اداره اقتصاد و یک رژیم و الگوی اقتصادی-اجتماعی ویژه برای نجات،مصئونیت

---

[۱] احمدتوكلي،بازار-دولت.كاميابي ها و ناكامي ها، ص۴۰۰

[۲] محمدمهدي كريمي ومحمدپورمند،مباني فقهي اقتصاداسلامي. ص۱۴۹

[۳] اقتصاد و عرصه اقتصادي ازنگاه رهبرمعظم انقلاب اسلامي. ص۱۲۱

بخشی،رشد و تعالی یک جامعه اسلامی با تکیه برمبانی اقتصاد اسلامی به ویژه در شرایط کنونی جهانی،منطقه و کشور است.[1]

حاکمیت روی کرد جهادی بر رفتار ها،شیوه ها، سیاست ها ، تعاملات و رفتار های اقتصادی دال بر ویژگی های خاص این الگو مانند مقاومتی بودن، حالت دفاعی داشتن،حمایتگر بودن و مانند این ها است. بدیهی است که از منظر حالت دفاعی گرفتن اقتصاد مقاومتی و صفت حمایتی آن، دوجنبه برای آن قابل تصور است یکی بعد سیاست های حمایتی اقتصادی نظیر حمایت و دفاع از تولید کنندگان داخلی در برابر ضربه ها و محرومیت های ناشی از تحریم و بحران. و دیگری اوصاف ذیل الذکر:

- استقلال؛ (ازراه اتکا به توان مندی های اقتصادی داخلی)
- نفوذ ناپذیری؛ (با آسیب شناسی نقاط ضعف و نفوذ پذیر اقتصاد ملی و تبدیل شان به نقاط قوت)
- تطابق با معیارهای بومی و فرهنگی کشور؛ و به عبارتی،آغشته نمودن با عنعنات(سنن) ایرانی.
- انعطاف پذیری.[2] که حالت تعامل با اقتصاد جهانی(برونگرایی) را بازتاب می بخشد. «برون گرایی به معنای استفاده از ظرفیت تعامل با سایرکشورها برای ارتقای اقتصاد داخلی و تقویت منافع اقتصادی کشور است»[3] روشن است که انعطاف پذیری از ملزومات خاصیت برون گرایی است.
- تبدیل تهدیدها به فرصت هایی برای ترقی و انکشاف ملی؛
- پی ریزی نظام اقتصادی با پایه های محکم و سالم از فساد و آسیب ها؛ در پرتو روابط اقتصادی سالم مطابق با مقاصد شریعت اسلامی و نیاز های فوری،ضروری و اساسی جامعه، تبادل

[1] محمدشريف ملك زاده،اقتصادمقاومتي و برجام. ص۱۷

[2] سازمان بورس اوراق بهادار تهران،مديريت پژوهش: مجتبي كاوند،مقاله:تبيين جايگاه بازار سرمايه درسياست هاي اقتصاد مقاومتي.

[3] محمدجوادتوكلي،خاكريز اقتصادي. ص۱۱۹

دستاوردها به شکل عادلانه،قطع سیطره ودفع تجاوز مالی بیگانگان و مبارزه با طاغوت های اقتصادی و انحصارات ظالمانه، به طور قاطع.[۱]

- اصلاح و مدیریت الگوی مصرف، اصلاح و مدیریت بازارهای کالا و خدمات،کار،مالی،پولی و سرمایه.
- بازتعریف دولت و ایفای وظایف عام المنفعه و وضع نظم نوین اقتصادی
- ایجاد ایمنی دربرابر بحران ها و تحریم های بین المللی و کسب واکنش هوشمند به تغییرات محیطی
- تکیه بر بنگاه های دانش بنیان درجهت تقویت تولید.[۲]
- عقب راندن نظام سلطه با تحریم شکنی و دور زدن آن.[۳]

همسویی ایدئولوژی اقتصاد مقاومتی و بورس سهام در اهداف

با عنایت به مطالب بالا، به یقین می توان اذعان نمود که دکترین اقتصاد مقاومتی و بورس سهام در بخش بزرگی از اهداف مشترک هستند و از این رهگذر، بازار سهام بازوی توانمند و همکار مؤثری برای این نظام اقتصادی می تواند معرفی شود واز جهات گوناگون شریک استراتژیک برای عینی سازی سیاست های کلی و حصول مولفه هایش به حساب آید.همین نکته، پیوندهای دومقوله را به وجود می آورد.

طبق بررسی های به عمل آمده و با توجه به قابلیت های ذاتی و کارکردهای بازار سرمایه(بورس سهام) در بخش اعتباری اقتصاد، نقش و جایگاه مفید این بازار مالی در اقتصاد مقاومتی انکار نا پذیر است و

[۱] آیت الله عباسعلي اختري، اقتصادمقاومتي،زمینه ها-راهکارها. ص۳۲

[۲] اقتصادمقاومتي وبرجام، ص۱۹

[۳] درس گفتارهاي اقتصادمقاومتي، ص٦٤

در صورتی که خود را با اقتصاد مقاومتی تطبیق دهد می تواند ابزارهای لازم را در راستای تحقق سیاست های آن فراهم کند.[1]

نمونه های بارز پیوندهای اقتصاد مقاومتی با بورس سهام

مطالعات و مقایسات نشان داده اند که بازار سرمایه و به تبع آن بورس سهام، بیشترین پیوند را با ده مؤلفه از مؤلفه های ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی بر قرار می کند، طوری که به نظر می رسد مهم ترین نقاط تلاقی و اشتراک این دو مقوله ی اقتصادی همین ده عنوان باشد.این مطلب به این معناست که تعامل و اثر گذاری متقابل الگوی مقاومتی و بازار سرمایه در این موارد چشم گیر تر است در حالی که در عرصه های دیگر نیز نمی تواند تصور نداشته باشد اما به این برجسته گی و همواری نخواهد بود.

در زمینه ها و موضوعات مهم زیر، پیوندهای وثیق میان دو موضوع، به اثبات رسیده است که عبارت اند از:

یک) تامین شرایط و فعال سازی همه امکانات و منابع مالی

دو) به حد اکثر رساندن مشارکت مردمی و افراد در فعالیت های اقتصادی

سه) تقویت رقابت پذیری اقتصاد

چهار) پیش تازی اقتصاد دانش پایه

پنج) افزایش نهاده ها،کالاهای اساسی و تولید داخلی

شش) اولویت دادن به تولید خدمات و محصولات راهبردی

هفت) حمایت و دفاع هدفمند و تمام عیار از جریان صادرات خدمات و کالا

هشت) مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صدور نفت و گاز

[1] سازمان بورس اوراق بهادار.مدیریت پژوهش،تبیین جایگاه بازار سرمایه در اقتصاد مقاومتي ص۱۰

نه) شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن

ده) تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده.[1]

در فرایند تحلیل وزن سنجی و کمی سازی اولویت ها و استخراج مقادیر وزن ها،از میان این ده معیار، معیارهای «تقویت رقابت پذیری اقتصاد»، «به حد اکثر رساندن سهم گیری آحاد جامعه در فعالیت های اقتصادی» و «تامین شرایط و فعال سازی تمامی امکانات و منابع مالی» به ترتیب دارای بیشترین امتیاز از منظر تعامل(اثرگذاری و اثر پذیری) با بورس سهام و بازار سرمایه می باشد. هم چنین سه مؤلفه ی:

- تقویت رقابت پذیری اقتصاد؛
- حمایت همه جانبه ی هدف مند از صادرات کالا و خدمات؛
- شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن؛ واجد بالا ترین اولویت و دستور کار بوده است.

بنا براین سربلند و موفق بیرون آمدن از وضعیت بحرانی و موفقیت راهبرد اقتصاد مقاومتی در گرو تقویت رقابت اقتصادی سالم، توسعه صادرات کالا و خدمات و شفافیت و سالم سازی اقتصاد از آسیب های آشکار و نهفته است.[2] نتیجه ی اقدامات مزبور به توسعه و رشد پایدار منجر می شود، یعنی همان هدف نهایی که اقتصاد مقاومتی مد نظر دارد.

۴- ۶- نقش بورس سهام در تحقق سیاست های کلی(هشت مورد)

راهبرد اقتصاد مقاومتی متشکل از یک مقدمه و ۲۴ سیاست است که ارکان آن را شکل می دهد. این سیاست ها در واقع نقشه ی را ه کلی، برای رسیدن به اهدافی است که درمقدمه این سیاست ها بدان اشارت رفته است که عبارت اند از تأمین رشد پویا ، بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله ی اقتصاد ایران در عصرانقلاب و نظام جمهوری اسلامی. در این

[1] جستارهاي اقتصادي ايران،سال۱۳،ش۲۷بهاروتابستان۹۶،سلطاني فر،عز آبادي:اولويت بندي مؤلفه هاي اقتصادمقاومتي مرتبط باباز ارسرمايه.ص۸۹

[2] همان، ص۹۵ و ۱۰۲

بخش از تحقیق هشت مورد از این سیاست هارا گزینش نمودیم.معیار این گزینش میزان ارتباط شان با بازار سرمایه و بورس سهام است.

٤- ۶- ۱- نقش بورس سهام در بسیج امکانات،منابع مالی،وسرمایه های انسانی

در این بند به مقدمات مهم که برای رسیدن به سطح اقتصاد مستقل، پویا و پیشرو لازم است اشاره شده مانند:

- تامین شرایط و فعال سازی امکانات و منابع مالی،سرمایه های علمی و انسانی(با حضور مسؤلانه ی دولت وخداجویانه ی مردم در اقتصاد)
- توسعه کارآفرینی.
- حداکثر سازی سهم و نقش مردم در فعالیت های اقتصادی،
- تسهیل زمینه های همکاری جمعی اقتصادی و در اخیر تاکید بر افزایش درآمد توده های کم برخوردار و طبقات متوسط مردم. این ها پله ها و گام های عمده برای دستیابی به آرزوهای اقتصاد مقاومتی است.

مفاد تحلیلی سطورسیاست بالا این است که دولت، مسئولان و مدیران اقتصادی،نهادهای ملی ومدنی در بخشهای دولتی و خصوصی و تمامی افراد، همگی موظف اند با رویکرد جهادی و ایمانی در عرصه ی جهاد اقتصادی قیام کنند تا اقتصاد را به گونه ای بچرخانند و به مرحله ای و برسانند که آرزوهای فوق را به خوبی برآورده نماید؛ مانند کارآفرینی ، فزونی درآمد ملی و سرانه ی کشور؛ زیرا این وظایف را «این سیاست های مهم و اساسی بر دوش همه ی ما می گذارد».[۱]

بدیهی است که همکاری های همگانی و عزم ملی در مساعدت با فعال سازی و ایجاد منابع و امکانات گسترده ی مالی،هم چنین وجود نیروی انسانی متخصص و تبعیت از متدهای علمی و برنامه ریزی دقیق، زمینه سازان ظهور اقتصادی کارآفرین، رشد یافته و زاینده ی منافع و برکات فراوان برای مردم

[۱] عادل پيغامي،درس گفتارهاي اقتصادمقاومتي.ص٤١٦،پيوست٢

به ویژه گروه های با درآمد پایین و میانه است. این عناصر و مبادی دست به دست هم داده موجب افزایش درآمد مردم و کشور می شوند.

تمویل فعالیت های تولیدی،فلسفه اصلی ایجاد بورس سهام

تمویل و پشتیبانی مالی بنگاه های تولیدی یکی از فلسفه های اصلی راه اندازی بازارسرمایه های نقدی و بورس سهام است. در بازار مشارکت سرمایه های نقدی ،صاحبان سرمایه ی نقدی پول خویش را از مسیرعقود و ابزارهای مالی مانند مضاربه ، جعاله ، مشارکت و خرید سهام شرکت ها ، در فعالیت های اقتصادی وارد نموده و پاداش خودرا به صورت سهمی و حصه ای از سود طبیعی در یافت می کنند.[۱]

شرکت های بورسی و دانش بنیان به راحتی می توانند از طریق بورس سهام نیازهای مالی و نقدی شان را که از تمرکز داشته های کم و بیش مردمان فراهم آمده برطرف نمایند. بدینوسیله آحاد جامعه نیز درگیر فعالیت های اقتصادی شده و سرمایه های شان در مسیر تولید و در خدمت صنعت و خدمات قرارگرفته سودهای سرشار و سالم برای آنان به ارمغان می آورد.

تامین منافع خود و دیگران از مسیر بورس سهام

در بازار سهام و سرمایه ی اسلامی مبادلات سفته بازانه(سرمایه گذاری برای مدت بسیار کوتاه) و با نگرش محدود یعنی کسب منفعت آنی ،زیاد و سریع برای افراد معین، مجرد از هدف گذاری منافع اجتماعی،غیراخلاقی است.[۲] چنان چه سرمایه گذاری در مکان و نهادی مانند بورس سهام با این انگیزه همراه باشد که علاوه بر منافع شخصی و تیمی، نفع رسانی به دیگران و جامعه هم در آن قصد شود،در این حرکت رگه ی از رویکرد اعتقادی و جهادی مشاهده خواهد شد. این سو گیری خدا محورانه و ایمانی در اقتصاد مقاومتی بسیار با اهمیت بوده و رویکردی است که(طبق تصریح مقدمه ی سیاست های ابلاغی) بر تمام سیاست های آن حاکم می باشد. کانالیزه نمودن سرمایه های مردم و سرمایه گذاری شان از راه بازار سهام، به خوبی این نیاز و حس خدا خواهی و دیگر دیسی را برآورده می کند؛ چه،

[۱] ساختارکلان نظام اقتصادي اسلام ص۷۰

[۲] سلمان سیدعلي،محصولات بازارسرمایه اسلامي. ص۱۵، مترجمین:مهدي عسکري،مصطفي زه تابیان وعلي سعیدي.

سرمایه گذاری در بورس سهام به رغم فواید فردی و جناحی، به نفع رونق تولید ملی و سود جامعه نیز ختم می گردد که نوعی جهاد مالی ، پرستش خدا و مصداق اعمال حسنه است. عبادت(کاری معروف و نیکو) هم به جز خدمت خلق نیست و «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها».[1]

اقتصاد کارآفرین، معلول سیستم مالی سهام پایه

یکی از مبادی مهم و راه های اصلی دستیابی به اقتصاد مقاوم که از وجود پایه های پولادینش رویین تن شده باشد،کار آفرین بودن یک اقتصاد است.اقتصادکار آفرین و شغل زا ، نقطه ی مقابل اقتصاد رانتی است که بر پایه لرزانی چون تک محصولی بودن و صدور موادخام مانند نفت استوار است. چنین اقتصادی به شدت نا توان بوده و از هر بادی که از جانب تهدید دشمنان بوزد می لرزد و سقوط می کند و بدنبال آن تمام شغلها ، کارگاه ها و صنایع وابسته به آن نیز می خوابد. ولی در اقتصاد کار آفرین خام فروشی وجود ندارد و پایه های اقتصاد بر صادرات محصولات متعدد استوار شده است که حاصل رونق تولید ملی در ساحت های گوناگون می باشد.

تجربه کشورهای توسعه یافته نشان داده است که نظام مالی سهام پایه راهی است نزدیک تر به رشد اقتصادی و اقتصاد غیر رانتی؛ زیرا غالب این کشورها از نظام اقتصادی- مالی برپایه سهام و بازار سرمایه، سود برده اند و به اقتصاد کارآفرین دست یافته، صنعتی شده اند.درطول سی سال گذشته در دنیا، بازارسرمایه جایگزین بازار پول در تامین مالی بنگاه ها شده است.[2]

بنا بر این ، بورس سهام در جهت تحقق مفاد نخستین سیاست کلی اقتصاد مقاومتی از جایگاه ممتازی بر خوردار است و با امکاناتی که قادر است فراهم کند افق روشنی پیشاروی این راهبرد اقتصادی گذاشته و او را در تحصیل این سیاست به خوبی یاری می رساند.

[1] انعام/١٦٠

[2] کاوند و فرهانیان،تبیین جایگاه بازارسرمایه درسیاست های اقتصاد مقاومتی،١٢.

٤- ۶- ۲- نقش بورس سهام در پیش تازی اقتصاد دانش بنیان

اقتصاد دانش محور اقتصادی است که در آن خلق دانش و بهره برداری از آن در جهت ایجاد ثروت و به تبع آن رشد و توسعه اقتصادی نقش غالب را ایفا می کند. اقتصاد دانش، دانش را به عنوان یک کالای عمومی جهانی درنظر می گیرد که گسترش آن با محدودیت رو به رو نیست و غیر رقابتی نیز هست به این معنا که مصرف آن باعث محدود شدن عرضه ی آن نمی شود. اقتصاد دانش علاوه بر آن که بر گسترش مرزهای دانش از طریق تحقیق تاکید دارد،استفاده بهینه و کارا از دانش در تمامی فعالیت های اقتصادی را خواستار است.[۱]

دانش تجربی در هر کشور متناسب با امکانات ان کشور به کار برده می شود؛ لذا لازم است دانش های نوین را با امکانات و توانایی های کشور هماهنگ(بومی سازی) نمود و گونه ای از آن را باید ایجاد نمود که با محیط های مختلف اقتصادی،سیاسی و فرهنگی سازگار افتد.دانش و کالاهای فراوری شده از آن مانند لوازم و کالاهای الکترونیکی،نرم افزارها،برنامه های آموزشی،محصولات تغییر ژن یافته و.. بازار وسیعی در دنیا دارد، اقتصاد دانایی محور بر پایه ی نوآوری و ابتکار، ونوآوری هم به نوبه ی خود به آموزش و یادگیری استوار است.تجارت اطلاعات و ورود آن به فضای اقتصاد دانش بنیاد این تجارت را به اوج رسانده و اطلاعات کمی و کیفی در این فضا عمده دلیل سودهای نجومی شرکت های فناورانه می باشد.[۲]

عوامل توجه روز افزون به مقوله ی اقتصاد دانش پایه موارد زیر است:

- دگرگونی تولیدات صنعتی
- تغییرسلایق مصرف کنندگان
- لزوم افزایش کارایی

---

[۱] محمدباقرنوبخت،پژوهش هاي راهبردي درتوسعه اقتصادي ايران ج۷ ص۳۵۸۷

[۲] همان صص۳۵۹۵،۳۵۹٤،۳۶۰۰

- شدت یافتن رقابت جهانی.
- جهانی شدن اقتصاد.[1]

بند دوم سیاست های کلی به اهمیت و جایگاه شرکت های دانش بنیان در اقتصاد مقاومتی می پردازد. مشخصه ی اصلی این شرکت ها نو پا بودن و مصروف بودن قشر تحصیل کرده و جوان در این مراکز است. این امر البته نیاز مبرم این انجمن ها را به تامین مالی جهت عملیاتی ساختن ایده ها و اختراعات و تجاری سازی دانش، آشکار می کند.

راه اندازی موسسات علمی و فناورانه، هم چنین اداره و گسترش آن نیازمند منابع مالی غنی و عظیم می باشد. بورس سهام به عنوان بخش مهم از بازار سرمایه،در کنار نظام بانکی و در تکمیل آن، منبعی قابل اتکا برای رفع نیازهای نقدینگی این شرکت هاست.

بازار سرمایه(بورس سهام) از نظر سررسید دارایی ها ، بازاری بلند مدت است که در تکمیل بازار پول(با سررسید کوتاه مدت) و صندوق نو آوری وشکوفایی که برای حمایت مالی از این شرکت ها تاسیس و در نظر گرفته شده است، می تواند در رفع احتیاجات سرمایه ای برای نهادینه سازی علم واختراعات در جامعه و نیز شناساندن این موسسات علمی به مردم از راه مشارکت آن ها با خرید سهام و سرمایه گذاری در این ها، نقش موثر ایفا نماید.[2]

تامین مالی این شرکت ها از مجرای بورس سهام به طور خاص و بازار اوراق بهادار به نحو عام به دو روش، میسر است:

الف) تاسیس صندوق های دانش محور

ب) بورس ایده

---

[1] همان ص۳۵۹۰

[2] محمدنقي نظرپورو يحيي لطفي نيا.نقش بورس اوراق بهاداردرتحقق سياست هاي كلي اقتصادمقاومتي،معرفت اقتصاداسلامي،سال ششم،ش۱(پياپي۱۱)، ص۵۵

در روش نخست فرایند تامین مالی شامل مراحل زیر خواهد بود:

- ارسال تقاضای مکتوب تامین مالی غیر انتفاعی به این صندوق ها از سوی شرکت های دانش پایه
- خرید اوراق بهادار(سهام) از سوی خیرین تامین مالی این شرکتها و سایر سرمایه گذاران که بدنبال سود در بلند مدت می باشند.
- فروش سهام و اوراق بهادار غیر انتفاعی در بازار ثانویه در صورت نیاز

تامین نیازهای نقدینگی راه اندازی شرکت های دانش بنیان از طریق راه اندازی «بورس ایده»، فروش اختراعات در قالب طرح های مدون و به عنوان دارایی فکری به مالکان صنایع و بنگاه هایی است که به این ابداعات نیاز دارند یا بدون خریدن ،در تجاری سازی آن با ایده پردازان شریک شوند.«بدین ترتیب تامین منابع مالی لازم برای عملیاتی کردن ایده واختراع که اغلب منابع مالی قابل توجه می باشد،از طریق بازار ایده انجام می گیرد».[1]

٤- ۶- ۳- نقش بورس سهام در رشد بهره وری

به کارگیری کامل ظرفیت های موجود و بالقوه برای اشتغال،رونق تولید و تحقق توسعه اقتصادی، بیانی دیگر از بهره وری،استفاده ی بهینه ونزدیک شدن به وضعیت اشتغال کامل است.رشد بهره وری و قوی ساختن اقتصاد در گرو عوامل تولید انسانی و غیرانسانی ای قرار دارد که در حدلازم و بسنده ای از مهارت،کمال و نیرومندی رسیده باشد.

در این پاراگراف از بندهای برنامه اقتصاد مقاومتی به دو موضوع ریشه ای تصریح رفته که یکی رشد بهره وری است که از مسیر تقویت عوامل تولید می گذرد و دیگری موضوع محبوب وپرتکرار اقتصادی یعنی رقابت پذیرشدن اقتصاد می باشد. نخست ، قضیه ی تقویت عوامل تولید را به تحلیل می گیریم و در اخیر به عنوان رقابت پذیری اقتصاد اشارت خواهد رفت.

[1] همان ص۵۵-۵۷

اهم عوامل تولید در عرف اقتصادی عبارت اند از:

- نیروی کار ساده و ماهر
- مدیریت منسجم
- سرمایه نقدی و کالاهای سرمایه ای(زمین،کارخانه جات، ماشین آلات و ابزار کار)
- فناوری(تکنولوژی)

هرکدام از اسامی بالا به نوبه ی خود درفرایند تولید و ایجاد محصول نهایی و قابل مصرف، نقشی بی بدیل دارد؛ ولی بدون تردید نیروی کار و مدیریت انسانی برای تکمیل فرایند تولید، علت علت هاست که حاصل ضعف و فتور در آن چیزی جز توقف زنجیره ی تولید و تعطیلی اقتصاد نیست.

تقویت توان مندی و بازدهی نیروی کار، یکی از اصول اساسی برنامه ی اقتصاد مقاومتی می باشد. در بند سوم سیاست ها بر این نکته تاکید شده که عوامل تولید و در صدر آن ، نیروی کار در تمام سطوح به صورت جدی و با دست یابی به بالاترین سطح بازدهی، باید توان افزایی وفعال شود. چرا که هر مقدار نیروی کار، فعال تر و قوی ترعمل کند اقتصاد، قدرت پایداری ای بیش تر خواهد داشت.

به باور اهل نظر، پایه و اساس ثروت ملل منابع انسانی است نه سرمایه. زیرا سرمایه و منابع طبیعی عوامل منفعل تولید هستند اما نیروی انسانی به طورفعال، سرمایه را انباشت میکند و منابع طبیعی را به کار می گیرد. افزون بر آن، نیروی انسانی نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را بنا و توسعه را پایه گذاری میکند. روشن است که اگر کشوری نتواند به توسعه و استفاده ی بهینه از نیروی انسانی خود بپردازد، قادر به توسعه دادن هیچ چیز دیگر نخواهد بود. از این رو وجود حمایت های فعال برای تقویت،تربیت و توان افزایی نیروی کار ضروری است .[1]

[1] آزاده منظوری،محمدنقی نظرپور، مجید رضایی.اصول و معیارهای اقتصاد مقاومتی در عرصه تولید، توزیع و مصرف با نگاهی به آموزه های قرآنی،دوفصلنامه پژوهشهای اقتصاد مقاومتی / سال اول / شماره اول ، ص۶۴

نیروی انسانی یکی از مهم ترین عوامل تولید است که از طریق مشارکت درتولید چه به لحاظ یدی و فیزیکی و چه به لحاظ فکری،مدیریتی و تکنولوژیکی،نقش بسیار برجسته ای را در روند تولید ایفا می کند. به یقین جوامعی که موفق شده اند از راه برنامه ریزی درست و متکی بر اصول و ضوابط علمی،نیروی انسانی کارآمدی به وجود آورند،به خوبی بر کمیابی های ناشی از دیگر عوامل تولید غالب آمده، اوضاع اقتصادی مطلوبی برای خود فراهم کرده اند.

درک اهمیت و نقش نیروی انسانی کمک می کند تا تخصیص منابع بر اساس ضوابط اصولی و صحیح صورت گیرد، ازمجموعه ی نیروی انسانی حداکثر بهره برداری و استفاده ی مطلوب برای ارتقای سطح زندگی و اقتصاد جوامع انسانی به عمل آید و احساس بطالت و بیهودگی که عامل عمده ی کاهش تولیدات ناخالص ملی و نیز بروز بحرانهای اخلاقی و روحی است،در فضای اشتغال نیروی انسانی ازبین برود.[1]

برنامه اقتصاد مقاومتی در صدد ایجاد اقتصادی است که در آن این استاندارد به خوبی دیده شود یعنی رشد بهره وری و تقویت مسیرهایی که به این مقصود ختم می شوند مانند تقویت عوامل تولید و در راس آن ها توان مند سازی نیروی انسانی و سازماندهی نیروی کار.

یکی از کلیدهای موفقیت دراقتصاد دانش محور،آموزش نیروی کار و تقویت دانش مورد نیاز در وجود آن ها هست.در بلند مدت نیز برای تحصیل موفقیت نیاز به خلاقیت و کارآفرینی است.درکنار مهارت های عمومی مهارت های خاص هم لازم می شود. نیروی کار ماهرتر، هنگام کار با ابزارهای تولیدی به آفرینش نو آوری و بهینه سازی سیستم تولیدی هم کمک شایان می رساند.[2]

برنامه ریزی برای نیروی انسانی از دو جنبه مهم است:

یک) از جنبه ی اجتماعی

[1] حسن سبحاني،اقتصادکار و نیروي انساني،ص۱

[2] پژوهش هاي راهبردي درتوسعه اقتصادي ایران ج۷ص۳۵۹۷

دو) ازجنبه ی اقتصادی

ازلحاظ اجتماعی باید زمینه ای فراهم شود که تمام نیروهای انسانی جویای کار دارای شغل باشند و درواقع نیل به اشتغال کامل و در عین حال مولد،عملی شود. رسیدن به این هدف به منظور تامین رفاه بیشتر،بهبود و ارتقای وضعیت و سطح زندگی انسان ها بسیار اساسی است.رسیدن به این اهداف شرط لازم برای زندگی نیروی کار است.زیرا پرداختن به وظایف انسانی،اسلامی و اجتماعی در کنار ایفای مسؤلیت های فردی نیازمند شغل و امکانات زندگی لا اقل در حد کفاف است.

ازجنبه ی اقتصادی نیز برنامه ریزی نیروی انسانی باید به گونه ای باشد که نیازمندی های بنیان های تولیدی جامعه را تامین کند ونیروی متخصص مورد نیاز در هربخش را تربیت و آماده نماید.[1]

بورس سهام چه نقشی در این زمینه می تواند به دوش بکشد؟ امداد بازار سهام به برنامه اقتصاد مقاومتی تا نیل به این هدف عالی بسیار شفاف و امید آفرین است. سازماندهی عوامل تولید ، چینش آن و به ویژه پردازش و اموزش نیروی انسانی به منظوررشد بهره وری، در کنار تجهیز و تخصیص بهینه سرمایه ی نقدی و مردمی،در فلسفه ی وظایف و مرامنامه ی سازمان بورس اوراق بهادار و بازار سرمایه(سهام) گنجانده شده است.

اما درپیوند با تقویت رقابت پذیری اقتصاد که در بند فوق بر لزوم حصول آن تاکید شده باید افزود بورس سهام هم یک نهاد و بازار مالی سرمایه گذاری و هم در تراز یک موسسه ی علمی–آموزشی است و موضوعاتی مانند آموزش نیروی کار و تقویت بنیه ی علمی آن ها در مهارت های گوناگون مرتبط با دانش سرمایه گذاری و رشته IT، در اولویت سازمان بورس ایران قراردارد.

ساز و کار بازار سرمایه(سهام) مانند دیگر بخش های بازاربورس نظیر بورس کالا و انژی بر مکانیزم رقابت پذیری ایجاد شده است. تقویت رقابت،افزایش شفافیت و شکستن انحصار در عرضه و تقاضا نهایتا به کشف قیمت واقعی سهام و کالاهای تولیدی شرکت ها منتهی می شود.

[1] حسن سبحاني،اقتصادكار و نيروي انساني ص۱۸و۱۹

از کارکردهای مهم بازار سرمایه و سهام یکی تسهیل در امرپرداخت ها ودیگری انتقال وجوه از پس انداز کنندگان به سرمایه گذاران است که هدف سرمایه گذاران هم به کار گیری این سرمایه ها دربخش واقعی اقتصاد به منظور افزایش تولید داخلی،گسترش عدالت اقتصادی، اشتغال افزایی،ثبات قیمت و کنترل ارزش پول ملی هست.[1]

روشن است در این عرصه ی شدید رقابت، آن دسته از شرکت های بورسی موفق به کسب بیشترین سرمایه از راه فروش سهام می شوند که از بازده انتظاری بالایی در نظر سرمایه گذاران بهره مند بوده و در اثر رقابت با دیگر بنگاه ها از امتیاز خوش نامی و شهرت بالاتری بر خودار شده باشد. بنا بر این طبیعت بورس سهام بر ایجاد رقابت بوده و در این راستا همسویی کامل با اقتصاد مقاومتی دارد و نهادی است که می تواند در رقابت پذیرشدن اقتصاد نقش آفرین باشد.

به طور کلی نظام مالی با تمام عناصر آن ازقبیل ابزارها،بازارها و نهادهای مالی به قصد مساعدت به بخش حقیقی اقتصاد از راه سه کارکرد:

- تامین مالی
- تسهیل نقد شوندگی
- و مدیریت ریسک، به وجود آمده که وظایف نامبرده از کانال های بازار های اولیه و ثانویه و با استفاده از ابزار های مالی متنوع از جمله دارایی مالی سهام،به فرجام می رسد.[2]

٤- ۶- ٤- نقش بورس سهام دراستفاده از ظرفیت اجرای هدفمندی یارانه ها

براساس آموزه های اقتصاد اسلامی و معیارهای فقهی،پول درجریان تبدیل آن به سرمایه(ثروت ها یا دارایی های مالی که بیانگر مالکیت و اسناد ثروت های عینی و مشهود می باشند) زمینه ساز درآمد است. در واقع نقطه شروع بازار سرمایه(سهام) همین فرایند تبدیل پول نقد به سرمایه های فیزیکی و

---

[1] جعفرانصاري،مباني نظام مالي با نگرش اسلامي ص٢١

[2] سازمان بورس اوراق بهادار.مديريت پژوهش،تبيين جايگاه بازار سرمايه در اقتصاد مقاومتي ص٧

مشهود(ثروت) و سرمایه های نامشهود(دارایی های مالی) می باشد. تامین سرمایه ی نقدی در بازار کالا و خدمت یا بازار مالی یعنی سهام، تقاضای سرمایه نقدی را تشکیل می دهد.پیش بینی سود در سرمایه گذاری در هریک از این دوبازار،انگیزه بر می انگیزد تا وجوه نقدی مازاد پس انداز شده و سپس برای مقاصد سرمایه گذاری عرضه گردند.[1]

ضرورت، مطلوبیت و مجاز بودن بازار سهام در یک نظام مالی اسلامی که در آن سهام شرکت هایی با فعالیت های اقتصادی سودمند و حلال قابل معامله باشد،از سوی اقتصاد دانان مسلمان و علما خاطر نشان شده لذا در لزوم وجود چنین بازاری از حیث تطابق با نصوص و موازین دینی تردید راه ندارد: «***تجوز المساهمة والمشارکة فی الشرکات التی تتقید بموجب قراراتها التأسیسیة بأن لا تتعامل الا فی حدود دائرةالشرع بغرض الاستفادة من أرباحها التی تحصل علیها. کمایجوز شراء اسهمها بدافع التداول والاتجار بها بیعا وشراء فی السوق کسلع والاستفادة من فوارق الأسعار التی تعرض علیهایومیا. لا تجوز المساهمة والمشارکة فی الشرکات التی لا تتقید بالتعامل فی حدود شرع الله تعالی، کما لا یجوز شراء***

اسهمها بغرض الأتجار بها کسلع. یجوز تداول الأسهم فی الأسواق مباشرة أو بواسطةالوسطاء بکل اشکال البیع والشراء من العاجل أو الآجل أوالسلم»[2]

شرایطی که این بازارها می توانند درآن عمل کنند بسیار شبیه شرایطی است که در بازار کالا و خدمات حاکم اند.در این بازار بانک ها وموسسات مالی اقدام به خرید اوراق بهادار معتبر،می نمایند.واحد اقتصادی منتشر کننده ی اوراق در بازار سهام به طور مستقیم به وجوه مورد نیاز خود دسترسی پیدا می کند. لذا بازار سهام در کنار بانک ها می توانند به تامین مالی سرمایه گذاری ها در هردوبخش دولتی و انتفاعی(مردمی) کمک نماید.

بازارسهام یا بورس سهامی که مطابق ضوابط اسلامی کارکند بازاری است که در آن سرمایه گذاری ها بر اساس سود مورد انتظار انجام می گیرد. و نرخ سود نسبی نشان دهنده ی کارایی میان واحدهای

[1] حسن آقا نظري، روش شناسي علم اقتصاد اسلامي،ص۲۳۱

[2] الشيخ محمد إسحاق الفياض، أحكام البنوك والأسهم والسندات والأسواق المالية (البورصة)،ص٢١٤

اقتصادی مختلف است.درچنین بازاری انتظار این است که سرمایه گذاری ها با توجه به بازده آن ها صورت گیرد یعنی در تخصیص منابع به طرح های اولویت دار و پر بازده توجه شود.

بازار سهام هم چنین از طریق در اختیار گذاردن اطلاعات لازم برای مقایسه ی همه امکانات سرمایه گذاری،تخصیص پس انداز ها را نیز اصلاح می کند و بدین ترتیب می تواند منعکس کننده ی کارایی کلی تخصیص منابع در نظامی باشد که عمدتا بر اساس کارایی سرمایه گذاری کار می کند.[1]

در چهارمین بند سیاست های اقتصاد مقاومتی صحبت از هدف مندی یارانه ها و استفاده از ظرفیت های سرمایه گذاری و تخصیص بهینه آن در جهت تقویت درآمد ملی و یارانه بگیران است. هدف مند سازی یارانه های دولتی و اختصاص آن به دهک های پایین درآمدی طبقات مردم با هدف ارتقای شاخص های عدالت اجتماعی مانند رفع فقر،کاهش فاصله طبقاتی ،پرکردن شکاف اقتصادی در بین مردم با توزیع عادلانه ی ثروت و رفع تبعیض در استفاده از منابع ملی صورت گرفت. و در کل مقصود از هدف مندی یارانه ها(کمک های انتقالی دولت به مردم) بهبود معیشت و افزایش رفاه اجتماعی بود.

بازار سرمایه و سهام دراستفاده بیشین و بهین از ظرفیت اجرای هدف مند سازی کمک های انتقالی و نقدی دولت(یارانه ها)به مردم، در جهت افزایش تولید، اشتغال و دیگر موارد نام برده در این بند، چه نقشی خواهد داشت؟ با توجه به این که این حجم عظیم از نقدینگی که بار و فشار مالی سنگین بردولت تحمیل نموده و چه بسا به عاملی برای فزونی تورم تبدیل گردد،مدیریت درست و منطقی این پتانسیل عظیم و سوق دادن آن به سمت سرمایه گذاری های مولد و تامین مالی بخش های تولیدی ،خدماتی ،کشاورزی و صنعتی کشور،به خصوص در نظام و شرایط اقتصاد مقاومتی فراوان حایز اهمیت و التفات است و نمی شود در باره ی آن تدبیر اساسی اندیشیده نشود. زیرا این یک توان مندی و ظرفیت داخلی است که می تواند در خدمت تامین مالی اقتصاد قرارگرفته و از آن در جهت رونق افزایی به اشتغال و تولید و نزدیک شدن به استقلال اقتصادی کمک گرفته شود.

[1] باقر الحسني،عباس ميرآخور.مقالاتي دراقتصاد اسلامي،مترجم:حسن گلريز،ص۱۸۵

با عنایت به کارکرد مهم بورس سهام که در ذیل این بند بیان نمودیم،و عبارت بود از نقش تمویلی این بازار برای تقویت سرمایه گذاری ملی و تولید داخلی، در کنار نظام بانکی؛ بازار سهام می تواند این منابع عظیم از نقدینگی را تجهیز و جذب و سپس با تخصیص بهینه ی آن در فعالیت های مفید مولدانه، زمینه ی سودهای سرشاری را برای طبقات محروم و مشمول در یافت یارانه ها فراهم کند. شرکت های فعال در بورس غالبا شرکت های خوش نام ،پربازده و کم ریسک اند و سرمایه گذاری درسهام این شرکت ها به موجب الزاماتی که وجود دارد دارای منافع فراوان برای اشخاص هست. بدیهی است که هدایت صحیح و راهبری این منابع عظیم نقدی از مجرای بازار سهام و ابزار اوراق سهام به سمت رونق اشتغال و افزایش بهره وری از منابع نقدی کشور، از جمله یارانه های نقدی، منتج به بهبود وضعیت کسب و کار شده و به ارتقای شاخص های عدالت اجتماعی که عدالت اقتصادی مهم ترین مصداق آن است کمک درخور و شایسته می نماید.

معنای هدف مند کردن یارانه ها این است که این کمک ها فقط نصیب افراد و خانوارهای با درآمد پایین شود لذا یارانه های کالایی حذف و یارانه های نقدی اجرایی گردید.[۱] راه کاری که بازارسهام را قادر می سازد از ظرفیت یارانه ها به توانایی تامین مالی اش بیفزاید و هم سودی به مراتب بیشتر از خود یارانه ها، نصیب مردم نماید، تحت عنوان «سهام حمایت از تولید» از آن یاد شده است.

در این طرح، سرپرستان خانوارهایی که مایل اند زمان مصرف یارانه شان را به آینده انتقال دهند و به اصطلاح سرمایه گذاری و پس انداز نمایند، آن را از طریق نظام بانکی به خرید سهام، تحت نام سهام پشتیبانی از تولید ملی اختصاص می دهند. مشمولان یارانه های نقدی با این تصمیم و تاخیر درمصرف، افزون بر این که یارانـه های نقـدی دریـافتی خود را پس انداز می کنند، از درآمد ناشی از سود برگ های سهام و هم چنین تغییر قیمت آن در طول زمان منتفع می گردند که ممکن است به چند برابر سرمایه اصلی برسد.

[۱] نظرپور و لطفي نيا،نقش بورس اوراق بهاداردرتحقق سياست هاي كلي اقتصادمقاومتي معرفت اقتصاد اسلامي،ش١١ ،ص٦٥

همچنین با چشم پوشی از مصرف فوری مبالغ دریافتی این کمک ها و تاخیر مصرف و تبدیل آن ها به اوراق سهام، مردم عملا در حمایت از تولید ملی به عنوان اصلی ترین و بـارزترین شـاخص تحقـق رشد اقتصادی درون زا، قدم برمی دارند که این کار در حقیقت یک حرکت جهادی می باشد.

تشویق مردم به خریداری سهام حمایت از تولیـد نیازمنـد معرفـی مزیت ها ی این سهام برا ی گیرندگان یارانه نقدی و همچنین ضرورت توجه مردم به شرایط فعلی اقتصـاد کشور برای حمایت از تولید ملی می باشد. این امر نیازمند توجه جدی به استفاده از ظرفیت رسانه هـای جمعی برای اشاعه آن در سطح جامعه است.

روش کار به این صورت است: افرادی که تمایل دارند یارانه نقدی خود را سرما یه گذاری کنند، به بانک عامل پرداخت یارانه نقدی خود وکالت می دهند که اقدام به خرید سهام حما یت از تولید شـرکت هـای واگذار شده از سوی دولت نماید. سپس بانک ها از طریق شرکت های کارگزاری وابسته به خـود و یـا سایر شرکت های کارگزاری فعال مستقر در بورس، اقدام به خرید سهام بنگاه های دولتی واگذار شده در بورس و یا شرکت های خصوصی که در فعالیت های مولد و پربازده مشغول به تولید هستند، برای انجام این طرح در قالب سهام حمایت ازتولید میکنند.

پس از خرید سهام توسط شرکت کـارگزاری و تحویل کل آن به بانک، بانک در قالب فروش اقساطی اقدام به فروش سهام به سرمایه گذاران میکند. درادامه، بانک هر ماه یارانه نقدی خانوار خریدار سهام حمایت از تولید را به جای اقساط سهام از حساب آن ها برداشت می کند. دولت نیز درآمد حاصل از شرکت ها و بنگاه های اقتصادی واگذار شده در راستای طرح سهام حمایت از تولید را برای سرمایه گذاری به بخش های صنعت و تولید تزریق می کنـد. عـلاوه براین، دارندگان سهام حمایت از تولید در صورت نیاز به نقدینگی می توانند با ورود به بـورس اوراق بهادار(بورس سهام)، ودر بازار ثانویه اقدام به نقد کردن اوراق خود کنند.[1]

[1] همان ص٦٥و٦٦

٤- ۶- ۵- نقش بورس سهام دراصلاح وتقویت نظام مالی

نظام مالی(صنعت بانکداری و بازارهای سرمایه)تحت تأثیر رقابت روزافزون، وضع مقررات و جهانی‌شدن دستخوش تغییرات بسیار گسترده شده است. این تغییرات در اقتصادهای نوظهور به‌مراتب دامنه‌دارتر از اقتصادهای توسعه‌یافته است.

بازارهای مالی در یک نظام مالی که عرضه‌کنندگان وجوه را به متقاضیان آن پیوند می‌دهند، به‌طور قراردادی به بازارهای پول و سرمایه تقسیم می‌شوند. بازار پول ابزارهای مالی کوتاه‌مدت‌تر و بازار سرمایه ابزارهای مالی درازمدت‌تر را معامله می‌کنند. این تقسیم‌بندی اعتباری است، وگرنه می‌دانیم که مثلاً وام‌های رهنی ۳۰ ساله را بانک‌ها، و اوراق قرضهٔ حتی ۳ ساله را بورس‌ها معامله می‌کنند که به ترتیب محصولات بازار پول و سرمایه‌اند.

معماری سیستم مالی رابطهٔ نسبی بانک‌ها و بازار سرمایه را تعیین می‌کند. بسته به گرایش بازارهای مالی به بازار پول یا سرمایه، آن نظام‌ها را «بانک‌پایه» یا «بازارپایه» می‌نامند. بیش‌تر کشورهای در حال توسعه بانک پایه‌اند که واسطه‌گری قدرتمندی دارند، و بیش‌تر کشورهای توسعه‌یافته بازارپایه‌اند که در پی واسطه‌زدایی‌اند.

اصلاح و توسعهٔ سیستم مالی ،تجهیز سرمایه و رشد اقتصادی را تسهیل می‌کند. تأثیر سیستم مالی بر رشد به تجهیز پس‌اندازها محدود نیست، بلکه بسط نقدشوندگی، تخصیص منابع، مدیریت ریسک، پایش مدیریتی و تسهیل تجارت سایر مجراهایی است که عامل رشد می‌شود.[۱]

در طراحی یا بازطراحی (اصلاح)نظام مالی باید به نکته‌ای کلیدی توجه کرد: **نظام مالی بهینه مدل شناخته‌شده‌ای ندارد. بنابراین، نمی‌توان تسلط بازار پول یا سرمایه را عامل موفقیت نظام مالی قلمداد کرد؛ چراکه در کشورهای توسعه‌یافته هر دو مدل مشاهده شده است**. به عبارتی دیگر، مدل بهینهٔ نظام مالی لزوماً بر پایهٔ بانک‌پایگی یا بازارپایگی نیست، بلکه مهم‌ترین عامل در بهینه‌سازی عملکرد

[۱] حسین عبده تبریزي ،میثم رادپور. جایگاه بازار سرمایه و نقش آن در تقابل با بازار پول در جمهوري اسلامي ایران. مقاله در بیست‌وسومین همایش بانکداري اسلامي۱۳۹۱.

نظام مالی، به روش‌های کارای انتقال سرمایه از پس‌اندازکنندگان به سرمایه‌گذاران در این دو بازار برمی‌گردد.

بنابراین، جهت معماری نظام مالی کشورها تنها باید به توصیه‌هایی اکتفا کرد: توصیه می‌شود رابطهٔ تکامل مشترک مبنای معماری نظام مالی قرار گیرد. با لحاظ این رابطه، بانک و بازارسرمایه در واقع اعضای واحد پیکرهٔ اقتصادی شناخته می‌شوند و توسعهٔ یکی به‌معنای عدم‌توسعهٔ دیگری تلقی نمی‌شود. با لحاظ چنین نظرگاهی می‌توان پیش‌بینی کرد که طراحی مشترک سازوکارهای دو بازار می‌تواند به رابطهٔ تکامل مشترک قوت بخشد. بنابراین، تشویق به تقویت همکاری‌های مقام ناظر بازار پول و سرمایه برای وضع قوانین و مقررات مالی می‌تواند در دستور کار معماران سیستم مالی کشورها و از جمله ایران قرار بگیرد.[1]

ارکان اساسی بازارهای مالی بردوبخش اصلی استوار است،بخش بانکی و بازارهای اوراق بهادار.بازارهای اوراق بهاداردر مقایسه با بخش بانکی با سهولت بیشتری می توانند منابع مالی را به واحدهای مورد نیاز تخصیص دهند. این دوبخش از بازارهای مالی نه به عنوان رقیب بلکه در واقع مکمل یک دیگر درجهت تامین نیازهای مالی بنگاه های تولیدی عمل می کنند. اما از آن جا که بازار اوراق بهادارو بورس سهام در چوکات مکانیزم بازار کار می کند می تواند در امر تخصیص بهینه ی منابع مالی از سیستم بانکی کاراتر باشد.[2]

گسترش بورس سهام و بازار سرمایه در تکمیل بازار پول(نظام بانکی) رونق ونفع هردو بازاررا تضمین نموده و نهایتا به پیش افتادن بخش حقیقی اقتصاد،رونق تولید وصلاح و فلاح جامعه منتهی می گردد.

بانک ها متمایل اند برای افزایش ظرفیت وام دهی شان از بازار سرمایه برای تامین وجوه، استفاده ببرند لذا بانک های سرمایه گذاری در پذیره نویسی شرکتهای بورسی حاضر و سهیم می شوند.

[1] همان منبع

[2] غلامحسين دواني.بورس،سهام،نحوه قيمت گذاري سهام.ص۱۷

فعالیت بانک های سرمایه گذاری با فراهم کردن شفافیت بیشتر اطلاعاتی در ارتباط با ارائه اطلاعات مورد نیاز سرمایه گذاران در بازار یابی و پذیره نویسی اوراق بهادار ودقت آن ها درصحت اطلاعات ارائه شده در بازار یابی و پذیره نویسی اوراق بهادار، تمایل به سرمایه گذاری در بازار سرمایه را برای عرضه کنندگان وجوه افزایش می دهند. و ازطرف دیگر،نقش تضمین کنندگی آن ها در فروش اوراق بهادارو اهمیت این مساله در فراهم کردن زیر ساخت های لازم در طراحی ابزار های نوین در تامین مالی،تمایل متقاضیان وجوه را به تامین مالی از بازار سرمایه نیز افزایش خواهد داد که درمجموع منجر به افزایش عمق و وسعت بازار سرمایه می گردد.[1]

نظام مالی اسلامی نیز متشکل از بانکداری اسلامی،بیمه ی اسلامی و بازار سرمایه ی اسلامی می باشد. این نظام با توسعه ی خود به بخش مهم در بازار مالی جهانی تبدیل شده و به عنوان یک مدل مالی بدیل و کارا و قابل اجرا در مقابل نظام مالی کلاسیک به شهرت رسیده.

نظام مالی اسلامی برگرفته از منابع اصیل اسلام است و وظایف،عملیات،معاملات وخدمات مالی را که ارایه می کند همسو با اصول و قوانین و در خدمت اهداف میانی و غایی شرع مقدس اسلام می باشد.

خدمات و محصولات مالی اسلامی با استفاده از دو رویکرد مختلف به وجود آمده اند. در رویکرد نخست خدمات و محصولات متعارف و رایج که از دیدگاه اسلامی قابل پذیرش هستند شناسایی و با انجام اصلاحاتی اسلامیزه می شوند. در رویکرد دوم اما با اعمال اصول متنوع شرعی از جمله مضاربه،مرابحه،استصناع،اجاره،جعاله و مانند این ها به نو آوری وابداع ابزارها(محصولات) و خدمات جدید و مدرن پرداخته می شود. کشورهایی که دارای نظام مالی اسلامی هستند با توسعه حوزه های مشترک و یک پارچه سازی منابع برای تسهیل استاندارد سازی قوانین و ساختار ابزارهای مالی می توانند سرعت پیشرفت و نوآوری در این نظام را افزایش دهند.[2]

[1] محمدفقهي كاشاني و گروهي ازنويسندگان،توسعه نهاد هاي مالي در ايران ص۳۲۱

[2] علي صالح آبادي،بازارهاي مالي اسلامي ص۱۰

ممنوعیت بهره رکن اصلی نظام مالی اسلامی را شکل می دهد.ضوابط دیگر شرعی نیز در این نظام مطرح است که مبادلات مالی را مطابق با دلخواه شرع و در راستای تحقق اهداف اسلامی اقتصاد ساماندهی می نماید.

فلسفه ی نظام مالی اسلامی فقط به ارتباط عوامل تولید و رفتار اقتصادی مردم محدود نیست و تنها به جنبه های مالی و اقتصادی تمرکز ندارد. از آن جا کلیت نظام های اجتماعی اسلام از معیار های اخلاقی تبعیت دارند نظام مالی اسلامی هم روی قضایای اخلاقی،هنجارهای انسانی، اجتماعی و مذهبی تاکید دارد تا جامعه از عدالت و وضعیت مناسب برخوردار شود.دراین نظام پرداخت هرگونه بهره ی ثابت از قبل توافق شده نا درست تلقی شده و حرام است. این قانون راه را بر مفهوم ربا می بندد. مشارکت در ریسک را تشویق می نماید کار آفرینی را ارتقا می بخشد و با تاکید بر پای بندی به قراردادها، از هرنوع مبادله ی صوری،غرری و بورس بازانه برحذر می دارد.[۱]

در نظام اقتصاد مقاومتی نظام مالی اسلامی مطرح است و نظام مالی متعارف قابل پیروی نیست؛ زیرا رسیدن به اهداف بلند اقتصادی ترسیم شده در این نظام که در پی عدالت خدا محور است نه عدالت انسان بنیاد، در ضمن اینکه توسعه محور می باشد، جز با تبعیت از منش سالم و اسلامی مالی و مبادلاتی، ممکن نیست.

در این بند بر اصلاح نظام مالی تکیه شده که بستر ساز فعالیت های صحیح و ضابطه مند در راستای غایات اقتصاد مقاومتی مانند ثبات اقتصاد ملی و پیشگامی بخش حقیقی اقتصاد خواهد شد. اصلاح نظام مالی در بازار پول و سرمایه بلاشک به طور عمده اشاره به حذف ربا وشیوه های معاملاتی منافی با اخلاق و معیارهای اسلامی دارد.

---

[۱] همان ص۱۱

اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد فعال و مقاوم است با رویکرد تعاملی که از تمامی ظرفیت های محیطی جامعه برای استقرار آن استفاده می کند.در این میان بانک اسلامی که جزء نهاد های اساسی اقتصاد است می تواند با ظرفیت باالقوه و باالفعل خود بستر ساز تحقق اقتصاد مقاومتی شود.[1]

اقتصاد مقاومتی از کارکردها وویژگی هایی برخوردار است که تشابه تام با اقتصاد اسلامی دارد ولی با توجه به تحولات پیچیده ی زمان ما و محدودیت هایی که از ناحیه دشمنان سرازیر می شود اولویت هایی را در دستور کار خود دارد که با وضعیت آرام و عادی متفاوت می باشد.

بنا بر این خود اتکایی، اقتدار اقتصادی،استقلال اقتصادی(وابسته نبودن)،حفظ حاکمیت سیاسی اسلام وارزش های انقلاب اسلامی در روابط با بیگانگان ؛ با استفاده ی هر چه کامل تر از ظرفیت های محیطی،در صدر اهداف مقاومتی جادارد. با این هم بدنبال تامین اهداف عادی و میانی خودش نیز هست مانند: ایجاد کسب و کار حلال،توزیع عادلانه ی درآمد و ثروت،گسترش ایثار،فداکاری،انفاق و صدقه،تحکیم ارزش های معنوی و اخلاق از راه زدایش فقر،ایجاد رفاه و اجرای عدالت و بر پایی عدالت اجتماعی.[2]

اصلاح نظام بانکی از موضوع تحقیق حاضر خارج است از این رو، ما بحث اصلاح نظام مالی مختص بخش بازار سرمایه و بورس سهام را دنبال می کنیم تا نقش تاثیر گذار اصلاحات در بورس سهام را در تحقق ثبات اقتصادی و تقویت بخش واقعی آشکار نماییم. با این وجود، اشارتی گذرا به موارد مرتبط با اصلاح نظام بانکی که موجب کارآمدی و اثربخشی مزید می گردد،خالی از فایده نخواهد بود

محورهای انجام اصلاحات ساختاری درنظام بانکی: اهداف کلی اصلاحات دربخش بانکی عبارت اند از فراهم آوردن استقلال بیشتر برای بانک مرکزی درجهت ایجاد ثبات اقتصادی و انجام اقدامات تعدیلی،ترویج رقابت درنظام بانکی و تقویت کیفیت ترازنامه و سبد دارایی بانک ها.[3]

---

[1] ناصرکاظمي،بانك اسلامي پيش نياز اقتصادمقاومتي ص۷۲

[2] همان ص۷۱

[3] پژوهشكده پولي و بانكي،مقررات زدايي در نظام بانكي ص۱

از ان جا که نظام بانکی در ایران ساختار دولتی دارد و از تمرکز و انحصار فوق العاده رنج می برد،تعدیل این وضعیت و تبدیل بخشی از بدنه ی آن به خصوصی نخستین گزینه ای اصلاحی، تعریف شده است، پس با سه گزینه ی مهم در این موضوع مواجهیم:

- خصوصی سازی بانک ها، این اصلاحیه تا حدودی در سال های اخیر انجام یافته است
- مقررات زدایی،این اقدام بعد از خصوصی سازی باعث افزایش کارایی و رقابت گردیده و بانک هارا به مدیریت بهتر سبد دارایی،اعطای وام های اثرگذار،کاهش قیمت و افزایش خدمات وا می دارد.
- آزاد سازی ورود و خروج به بازار پول، آزادی ورود و خروج به بازار بانکی تحت یک نظارت درست،منجر به ورود بنگاه های کاراتر به بازار خواهد شد.آزاد سازی توام با مقررات زدایی می تواند رقابت بین بانک هارا ازدیاد بخشیده و دامنه ی انتخاب مشتریان را وسیع تر سازد.این امر دربلند مدت منجر به نظام بانکی کارا،سالم،و قوی خواهد شد که می تواند سرمایه هارا به کارا ترین طرح ها هدایت نموده و رشد و توسعه اقتصادی را از طریق افزایش بهره وری سرمایه ها سرعت ببخشد.[1]

اصلاح و گسترش بازار سرمایه و سهام به طور یقین به پیشرفت و پایداری و ثبات اقتصاد یاری می رساند. این معنا با نگاه به اهداف و کارکردهای بازار سرمایه ی اسلامی به ویژه در بحث تامین مالی موسسات تولیدی و خدماتی و حمایت مالی از بخش حقیقی اقتصاد یعنی رشد اشتغال و بهبود وضعیت کسب و کار، بازرگانی و صنعت، مبرهن به نظر می رسد.

انجام اصلاحات در بازار سهام نیز درچارچوب تعلیمات شریعت ضروری می نماید.هدف از این اقدام، به وجود آوردن این اطمینان است که قیمت سهام حقیقتا نمادی از شرایط کسب و کار(بخش واقعی اقتصاد) است ونه این که به دلیل بورس بازی و سودجویی شخصی و جناحی تغییر قیمت دارد. لازم

[1] همان ص۶۲-۶۴

است قوانین و فرایندها به گونه ای طراحی گردند که از سرمایه گذاران حمایت نموده و سلامت بازار سهام را نیز تامین نماید.

بازارسهام قوی به ایجاد بازار ثانویه ی مناسب کمک می کند.بازاری که وجودش به منظور جلب اعتماد پس انداز کنندگان و سرمایه گذاران ضروری است. بازار مذکور افزون براین،برای دوگروه فوق این امکان را به وجود می آورد که در پاسخ به شرایط واقعی بازار دست به خرید و فروش بزنند. چنین اصلاحی در بازار سرمایه اگر محقق شود، به عنوان پایه و مبنایی برای ایجاد اقتصاد بدون بهره و مبتنی بر سهم در نظر گرفته می شود.[۱]

بورس سهام در زیرگروه بازار دارایی های مالی قراردارد.بازار دارایی های مالی نهادی است که درآن اسناد مالکیت شرکت ها،کالاهای بادوام سرمایه ای و سهام شرکت هایی که خدمات بازار رسانی را ارایه می دهند خرید و فروش می شود.بازارهای مالی هم چنین داد و ستد خدمات بانکی،خدمات بیمه ای و خدمات مالی مشابه را عهده دار هستند.بانک ها،مؤسسه های اعتباری.صندوق های قرض الحسنه تعاونی های اعتباری،شرکت های بیمه،صندوق های باز نشستگی، و دیگر مؤسسه های مالی در این بازار فعالیت می کنند. این واسطه های مالی بانکی و غیر بانکی با عرضه ی خدمات گوناگون مالی،واسطه میان مصرف کنندگان و بنگاه ها هستند و از این طریق رفاه دریافت کنندگان خدمات را افزایش و هزینه ی تولید بنگاه هارا کاهش می دهند.

خدماتی که این نهاد های مالی در بازار سرمایه و سهام ارائه می دهند شامل نمونه های ذیل است:

- انتقال جریان پس انداز به سرمایه گذاری؛
- کاهش مخارج جستجو،تحقیق و گرداوری اطلاعات؛
- کاهش ریسک سرمایه گذاری وانتظار بازده بیشتر؛
- تامین ارزان تر و راحت تر نقدینگی؛

---

[۱] عمرچپرا،حاكميت شركتي در مؤسسات مالي اسلامي، مترجم: حسين ميسمي. ص۱۹۲

- عرضه شیوه های مختلف پرداخت.[1]

اصلاح وتقویت بازار های مالی در بدو نظر بدین معناست که اسلامیزه شوند اولا، تا مقاصد شرع مقدس تامین شود؛ و ثانیا گسترش کیفی و کمی بگیرد تا کارایی و راندمان بالا پیدا نموده ، به کار آفرینی رسیده و اقتصاد را چند گام به سمت ثبات و پایداری به پیش ببرد.

از عناصر اصلاحی مهم بازار های مالی یکی ساختار رقابتی بخشیدن به آن است و دیگری حذف یا تقلیل فعالیت های سوداگرانه و بورس بازانه هست ، افزون بر این متورم نشدن بیش از حد بخش اعتباری و پشت سر انداختن بخش واقعی اقتصاد است که باید از راه کارهای که به این حالت منتهی شود و حافظ تعادل دو بخش باشد استفاده گردد.

در شرایطی که بازار های مالی ساختار رقابتی دارند، عرضه کنندگان خدماتی را ارایه می دهند که برای خودشان و هم برای متقاضیان مطلوبیت دارد.مهم ترین نقش این واسطه ها جذب وجوه پس انداز و انتقال آن به جریان سرمایه گذاری است. از این طریق بازارهای مالی بر بخش واقعی اقتصاد اثر می گذارند. بی گمان هدف سفته بازان تبدیل پس اندازهای نقدی به پول بیشتر از طریق وام است.این ها به بخش واقعی و تولید اهمیت نمی دهند.اگر این رویه حاکم شود انگیزه ی سرمایه گذاری کاهش می یابد زیرا دست یابی به درآمدهای سریع و کم زحمت از طریق بورس بازی و عملیات سفته بازانه ممکن است.[2]

اما اصلاح بازارهای مالی و تقویت بازار سهام با حذف بازار وام و اعتبارات ربوی از بازار پول و کنار گذاری عملیات خرید و فروش اوراق قرضه از بازار سرمایه و جاگزین کردن روش های اسلامی تامین مالی مانند اوراق سهام و صکوک، دیگر زمینه برای سفته بازی و درآمد از طریق بهره باقی نمی ماند.

[1] روش شناسي علم اقتصاد اسلامي، ص۲۳۳

[2] همان ص۲۳٤

٤- ۶- ۶- بورس سهام در استفاده از ظرفیت های بین المللی

در شرایط تحریم و هجمه ی اقتصادی، دولت اسلامی و اقتصاد جامعه در شرایط دشوار و بحران زا قرار دارد. محدودیت هایی که مهاجمان اقتصادی خارجی ایجاد می کنند در زمینه ای مالی و مبادلاتی و از مسیر تحریم صادرات وواردات کالاهای مصرفی و سرمایه ای، مدیران اقتصادی کشور مورد هجوم را وادار می کند به ظرفیت های داخلی رو بیاورد و هر طور شده با بحران مقابله کند زیرا فرض بر این است که تسلیم نظام سلطه نشده بلکه در مقابلش ایستاده است.اقتضای پایداری و ضدیت با سلطه گران،تکاپوی ابزارهای اقتصادی ای است که در دل تحریم و فشار، توسعه را تضمین نماید و به هرحیله ای باید اقتصاد به رشد و پیشرفت خود ادامه دهد، یعنی مقتضای رویاروی با هجمه کنندگان اقتصادی، عقب ننشستن،پایداری و حتا راه اندازی پاتک و ضد حمله است و این معنایش جز تبعیت از نظام اقتصاد مقاومتی نیست .

البته در کنار توانایی های داخلی، عطف توجه به ظرفیت های منطقه ای و بین المللی و استفاده از آنها در تقویت اقتصاد،پالیسی ملی ، تضعیف و ناکام گذاری دشمن،دور از ذهن نباید باشد. با فرض این که علت تامه انزوای سیاسی و اقتصادی به تحقق نرسیده و اجماع جهانی علیه استقلال سیاسی و اقتصادی کشور وجود ندارد،پس روزنه های زیادی می توان یافت که با استفاده از آن ها اهداف اقتصاد مقاومتی را می توان به پیش برد.

دراین میان توسعه تعاملات اقتصادی با کشورهای مستقل، همسایه، دوست و بی طرف در منازعه، از روزنه های امید بخش و روشن به شمار می آید،کشور ها و دولت هایی که در تحریم و اعمال فشار نقش ندارند.برقراری روابط اقتصادی و مالی با این گونه از کشورها می تواند بار بحران را سبک تر نماید و این یک استراتژی مناسب برای حمایت از اقتصاد ملی و کاستن از فشارهای تحریم به حساب می آید.

حضور سرمایه خارجی در سبد مالی داخلی از مسیر بین المللی شدن بورس سهام، مهم ترین فایده اش تنوع بخشیدن به به منابع تامین سرمایه برای تولید است. واضح است که در کنار نیروی کار ، مدیریت و تکنولوژی، سرمایه یکی از عوامل اصلی تولید شمرده می شود. چه بسیار پروژه های حیاتی که به

دلیل نبود سرمایه ی کافی متوقف مانده اند؛ لذا وجود منابع گوناگون برای تامین سرمایه مورد نیاز برای اجرا و راه اندازی طرحهای تولیدی و زیر بنایی ، راه رشد را بسیار هموار تر می نماید.

از راه های تنوع بخشی به منابع تامین سرمایه بین المللی شدن بازار سهام و سرمایه است.این یک متد مهم برای استفاده از توان مندی های بین المللی و اقلیمی به سود اقتصاد و سیاست کشور است. بورس سهام و بازار سرمایه، یکی از ابزارهای مؤثر در این زمینه می تواند معرفی شود. از کانال بورس سهام و بین المللی نمودن بازار اوراق بهادار، برای توسعه اقتصادی یعنی بزرگ کردن سبد ثروت ملی و پر ساختن خلأ های موجود می توان به شایستگی سود جست.

برای تحقق امر سرمایه گذاری غیر مستقیم(سرمایه گذاری در بازار سرمایه) بین المللی کردن بورس اوراق بهادار یک ضرورت خواهد بود.این اقدام در راستای تحقق بندهای ۱۱ و ۱۲ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی،می تواند تحقق اهداف یاد شده را آسان تر سازد.[1]

در گذشته به اهمیت تشکیل یک پرتفویی بین المللی که زمینه ساز بهره گیری از سرمایه ی خارجیان در سبد مالی داخلی می گردد اشاره نمودیم و از آن به عنوان یکی از پیش نیازهای داشتن یک بازار سرمایه و بورس سهامی قوی که رسالت تامین وجوه را بتواند به نحو کارا تری انجام بدهد یاد کردیم.البته در کنار مزایای زیادش معایبی می توان یافت که قابل علاج است و از طریق وضع مقررات مناسب قابل آسیب زدایی است.

با این حال، محسنات ورود سرمایه های خارجی به بازار سهام کشور، اندک نیست. جذب و جریان سرمایه خارجیان در سبد مالی و بین المللی نمودن بورس سهام منافع فراوانی برای اقتصاد کشور میزبان به ارمغان می آورد.[2] مانند:

۱) کاهش هزینه تامین مالی واحدهای سپرده پذیر و توسعه فعالیت های سرمایه گذاری در سبد مالی(فعالیت های سهامی)

[1] معرفت اقتصاد اسلامي،ش۱۱،نقش بورس اوراق بهاداردرتحقق سياستهاي كلي اقتصادمقاومتي،ص٦٤

[2] موسسه تحقيقاتي تدبير اقتصاد،سرمايه گذاري خارجي درسبد مالي،ص۱۰۸

۲) افزایش درجه نقد شوندگی اوراق بهادار، توزیع مناسب تر ریسک و تعمیق بازار سرمایه

۳) اصلاح ساختار مالی و مدیریت سهامی یا مدیریت شرکتی و وضع استانداردهای بین المللی برای انتشار اطلاعات توسط شرکت های سپرده پذیر

۴) افزایش کارآمدی بازار بر اثر طلب کردن استانداردهای بین المللی مربوط به اطلاع رسانی داد و ستد،نظارت،تسویه و حمایت از سرمایه گذاران.

۵) ایجاد انگیزه برای شکل گیری نهادهای جدید یا افزودن بر کارکردهای جدید نهادهای فعال مالی.

۶) انتقال دانش و فنون مدیریت سرمایه گذاری و ارتقای سطح توسعه یافتگی بازارهای مالی.[۱]

۷) افزایش تنوع بخشی به شرکت های بورسی و تعمیق بازار سهام. از این پس، سرمایه گذاران فعال در

بورس اوراق بهادار با اوراق بهادار متنوع تری روبرو خواهند بود.هم چنین توسعه بازار سرمایه بدین شکل، زمینه مشارکت مردم در بازارسرمایه را به عنوان یکی از اصول اقتصاد مقاومتی مساعد می سازد.[۲]

۸) تشکیل نهاد تسویه و پایاپای منطقه ای، که ایجاد این نهاد درمجموعه بورس، منفذی برای معاملات گواهی سپرده ی سهام اسلامی و نظایر آن می باشد.[۳]

۹) حصول تنوع در تولید و تجارت،ایجاد تحرک تجاری،تسهیل تجاری،دیپلماسی اقتصادی و کاهش تمرکز تجاری.[۴]

---

[۱] همان منبع

[۲] معرفت اقتصاد اسلامي،ش۱۱،نقش بورس اوراق بهاداردرتحقق سياستهاي كلي اقتصادمقاومتي،ص٦٤.

[۳] سازمان بورس اوراق بهادار،مديريت پژوهش.تبيين جايگاه بازار سرمايه در سياست هاي اقتصاد مقاومتي،ص۹

[٤] اله مراد سیف، مقدمه ای بر نقشه راه پیاده سازی سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران،فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج،زمستان-۱۳۹۲ش۶۱، ص۱۰۸.

۱۰) افزایش ارزش پول ملی: انتقال سرمایه در بازار سرمایه از بازارهای بورس و خارج کشور،اثری برخلاف اثر انتقال سرمایه دربازار پول دارد. دربازارهای سرمایه، جریان های ورودی سرمایه به داخل باعث افزایش ارزش پول کشور می شود.[۱]

با این توضیحات، بین المللی شدن بـورس اوراق بهادار، شرایط دست یابی به اهداف اقتصاد مقاومتی را آسان تر کرده و مشکلات قابل توجه را از سر راه به کنار می افکند.

البته خاصیت فراسویی گرفتن و اعطای نقش برون مرزی به بورس سهام و بازار سرمایه جهت جذب و ایجاد منابع مالی مزید تر برای توسعه ی تولید ملی و رونق یافتن اقتصاد، محتاج پیش شرط هایی چندی می باشد. این پیش زمینه ها عبارت اند از:

یک) وضع مقررات جدید مورد حاجت در کنار اصلاح قوانین موجود برای حمایت از سرمایه گذار فرامرزی در بازار سرمایه.

دو) عرضه سهام شرکت های فعال در بورس، در بازارهای برون مرزی.

سه) عرضه ی سهام شرکت های فرامرزی در بورس سهام داخل کشور.

چهار) اصلاح رویه ی حساب رسی و حساب داری شرکت های متمایل به ورود به بورس(اعمال قانون افشای اطلاعات مالی و میزان بازدهی در مراحل مشخص)

پنج) انتشار اطلاعات مالی شرکت های بورسی به زبان های بین المللی به ویژه انگلیسی و عربی.

شش) توسعه معاملات به روز و دست رسی آسان به بازار سرمایه ی کشور.

شش) اصلاح قوانین ارزی.

هفت) استقرار ساز و کارهای اخذ رتبه اعتباری برای شرکت های داخلی و برای اوراق سهام آنها برای تامین مالی پروژه ای و شرکتی.

---

[۱] مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک، ص۶۳.

هشت) مدیریت ریسک های قابل تصور نظیر: ریسک نرخ ارز،ریسک سیاسی،ریسک امنیت،[1] و ریسک هایی ناشی از ورود و نقش سهام داران خارجی در مدیریت بنگاه های اقتصادی داخلی.

نه) عضویت بورس اوراق بهادار در سازمان ها، فدراسیون ها و انجمن ها ی بین المللی از جمله، شرکت بین المللی تأمین مالی (IFC: International Finance Corporation) ، سازمان بین المللی کمیسیون های اوراق بهادار (IOSCO: International Organization of Securities)، نهادهای قانونگذار صنعت مالی(FINRA: Financial Industry Regulatory Authararity)، و در اخیر نیز عضو شدن در سازمان توسعه و همکاری اقتصادی OECD: (Organization For Economic) Cooperation and Development)

بین المللی شدن بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار، مقدمه ی شناساندن ظرفیت ها و توانایی های بالقوه کشوربه عنوان یکی از عناصر مهم تحقق اقتصاد مقاومتی را فراهم می نماید؛ به نحوی که با ایجاد زمینه های لازم درارتباط با نهادها و شرکت های مستقل فرامرزی ،روزنه ای برای کاهش فشار بر اقتصاد کشور گشوده می شود. این هدف زمانی حاصل میشود که بیشتر معاملات بورس اوراق بهادار با نهادهای مردم محور جهانی وهم چنین کشورهایی که با آن ها دارا ی منافع مشترک هستیم، انجام شود.

عضویت در سازمان های بین المللی، کشور را ملزم به رعایت یک مجموعه اصول حاکم بر آن نهادها

می نماید. با رعایت این اصول، زمینه ارتباط و انتقال تجارب فراهم میشود. از جمله آن موارد دست یابی

به نرم افزارهای تحلیل مالی پیشرفته است. افزون بر این، دستیابی به منابع خارجی در کنار منابع داخلی، قدرت عمل شرکت های داخلی را برای ایجاد نوآوری در رقابت با همتایان خارجی خود، فراهم میکند.

[1] معرفت اقتصاد اسلامي،ش۱،پیاپي۱۱،نقش بورس اوراق بهاداردرتحقق سیاستهاي كلي اقتصادمقاومتي ص۶۳.

نکته مهم در برقراری ارتباط با بازارهای مالی بیرونی و بیگانه، بها بخشیدن به تعامل بـا کشـورهای اسـلامی ودولت های مستقل از نظام سلطه ی جهانی است.از این رو، باید پاره ای از این کشور هارا به عنوان هم کاران استراتژیک انتخاب نمود. در صورتی که ما در داخل بتوانیم عمق تعاملات راهبردی خود را بانهادها و کشورهای مورد اعتماد ارتقا دهیم علاوه بر فراهم کردن زمینـهٔ ورود سـرمایه خـارج بـه داخل، قدرت انعطافی خود را در مقابل هرگونه تحریم و تهدید افزایش می دهیم. با بـین المللـی کـردن بورس اوراق بهادار کشور از طریق گسترش تعاملات با نهادها، سازمان ها و هم چنین بخش خصوصی کشورهای مختلف که به نوعی منافع آن ها با بازار سرمایه ی ما گره خورده، مقدمات کاهش فشاربر اقتصاد کشور از طریق بورس اوراق بهادار فراهم می آید.

در پایان این بخش از مباحث، یاد آوری این نکته به جا می نماید که از آن جا که فعالیت های مالی و اقتصادی در نظام دینی و راهبرد اقتصاد مقاومتی در انقیاد ضوابط و معیارهای شرعی قرار دارد، در نظر گرفتن الزامات شرعی مورد نیاز در فرایند بین المللی نمودن بورس سهام و سرمایه، ضرورتی انکار نا پذیر خواهد داشت.[1]

٤- ۶- ۷- کمک بورس سهام به مبارزه با مفاسد اقتصادی

فساد سازمانی(corruption) به طور خلاصه اشاره به دو عمل خراب کارانه دارد:

الف) سوء استفاده از قدرت عمومی برای بهره گیری خصوصی

ب) ارائه ی پیشنهاد مغرضانه، دادن، دریافت یا تقاضای هرچیز با ارزش برای تاثیر گذاری برروی رفتار یک کارمند دولتی، در فرایند انجام یک کار یا قرارداد.[2]

فساد به معنای انتقال امکانات از بخش دولتی به بخش خصوصی است.فساد یک سوء استفاده از کالاها و امکانات دولتی و مردمی توسط مامورین دولتی برای بهره گیری شخصی می باشد.ابعاد گوناگون فساد در اختلاس،رشوه،کلک های اقتصادی و سیاسی،باج گیری و امتیاز دادن ها تجسم و تظاهر دارد.در

[1] همان منبع،ص٦٤

[2] فرامرز رفیع پور،سرطان اجتماعي فساد،ص۱۹

فساد سازمانی، کلک های کثیف سیاسی ، اختلاس و امتیاز به اقوام ،دوستان و هم حزبی ها رواج فراوان دارد.

اختلاس و رانت،ازشایع ترین موارد فساد سازمانی و مالی است. بهره وری گزاف ونامشروع ازاطلاعات انحصاری وخاص که دستمایه ی ستم های عظیم می شود،رانت اقتصادی خوانده می شود.[1] اختلاس آن است که شخص، ورای قانون و مقررات با روش های غیر قابل کنترل و لذا غیر قابل مجازات عمومی، از قدرت و موقعیت خود سوء استفاده می کند:

- اختلاس یکی از مهم ترین روش های کسب ثروت نامشروع است.
- قدرت مندان به طور سیستماتیک از دفتر کار سیاسی خود در جهت تامین و گسترش اهداف اقتصادی شخصی سوء استفاده می کنند.
- با نام خصوصی سازی(privatization) تعداد زیادی از شرکت های دولتی و نیمه دولتی به قیمت بسیار نازل به دوستان و خانواده وزرا، و دیگر مقامات منتقل می شود.

اختلاس ها و امتیاز دادن ها به دوستان و بستگان از چند چیز سرچشمه می گیرد:

یک) عدم وجود کنترل قوی از سوی نظام حقوقی و قضایی

دو) نبود توانایی در کار برد اقتصاد فعال تولیدی

سه) عدم استفاده ازامکانات رشد واحدهای خرد اقتصادی

چهار) سازماندهی اجتماعی و اقتصادی کشور بر اساس یک نظام اقتصادی فاسد.[2]

مبارزه با مفاسد اقتصادی و جلوه های گوناگون آن مانند خیانت، رانت خواری،احتکار، ارتشا ،اختلاس،کلک های اقتصادی و سیاسی،باج گیری، امتیازدادن به دو ستان و اقوام و نظیر این عناوین که

[1] عبدالکریم سروش،مدارا ومدیریت،ص۳۴۸.

[2] همان ص۲۰-۲۲

با عث سلب امنیت اقتصادی هم چنین سلب اعتماد عمومی گشته و آبرو و اعتباری برای مسؤلان اقتصادی در میان مردم باقی نمی گذارد،یکی از ابزارهای مدیریتی مهم در اقتصاد مقاومتی است که بندهای نهم،نوزدهم و بند۲۳ به گونه ای در آن اشتراک دارد. این مساله گویای اهمیت فساد ستیزی برای ایجاد اقتصادی سالم و پدید شدن امنیت اقتصادی است.

ما اگر می خواهیم مردم در صحنه ی اقتصاد باشند باید صحنه اقتصادی امنیت داشته باشد.اگر امنیت را می خواهیم باید دست سوء استفاده چی و قانون شکنان بسته شود.این مبارزه با فساد است.شفاف سازی شرط اصلی فساد ستیزی است.باید فضای رقابتی به وجود بیایدو باید فضای باثبات پدید آید.فعال اقتصادی در این فضا و شرایط فعالیت و احساس امنیت خواهد کرد.[1]

بدیهی است اگرمردم جامعه ای امنیت مالی و اقتصادی نداشته باشند دچار مشکلاتی می شوند که آن هارا از وظایف اصلی خود شان باز می دارد.اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی تحقق قسط وعدالت اجتماعی،نفی وابستگی و خود باختگی،خودباوری و پشتکار و تامین امنیت مالی و اقتصادی جامعه بوده است.[2] از این رو، مبارزه با عوامل فساد انگیز اقتصادی و ممانعت از اقتصاد فساد و استقرار اقتصاد سالم و کار آفرین،در سرمشق ماموریت های اقتصاد مقاومتی در شرایط حاضر نظام اسلامی جای دارد.

فساد رابطه معنی دار و منفی با رشد اقتصادی دارد. در کشورهای توسعه زده فساد بیشتر است هم چنین در کشورهای اسلامی.هرچه فساد کم تر باشد پایداری یک نظام سیاسی و اقتصادی بیشتر است.فساد یک وسیله ای مناسب ومهم برای نابودی یک نظام سیاسی است.فساد نظام اخلاقی هرجامعه ای را نابود می کند.حقوق اجتماعی فقیران را به هم می ریزد.مانع رشد می شود.مانع رقابت آزاد می شود.پایه های دادرسی و دموکراسی را سست می کند. بدین ترتیب، فساد موجب تخریب کل نظام اجتماعی می شود.لذا مبارزه با فساد وظیفه همه ی اعضای یک جامعه است.[3]

[1] محمدشریف ملك زاده،اقتصادمقاومتي وبرجام، ص۹۵(فشرده سخنان آيت الله خامنه اي)

[2] محمدمهدي بهداروند،انقلاب اسلامي مسائل و راهبردها،ص۱۲۸

[3] فرامرز رفيع پور،سرطان اجتماعي فساد، ص۱٦و۱۷

فساد، به ویژه فساد سازمانی و سیستمی، امنیت اقتصادی را که مهم ترین مؤلفه توسعه یافتگی است به چالش می گیرد. هم چنین عدالت اجتماعی که جزو اهداف غایی اقتصاد اسلامی به شمار آمده، در بستری که نیروهای شر و فساد فعال است صورت تحقق به خود نخواهد گرفت. از این رو ستیز با فساد اقتصادی در واقع معاونت به رشد و شکوفایی اقتصادی می تواند به شمار آید و از ملزومات اصلی اقتصاد مقاومتی می باشد.

همان گونه که در تعریف فساد آمده، وجود فساد اقتصادی نهایتا به سرنگونی نظام سیاسی و حاکمیت منجر خواهد شد.«دشمنان ایران به قدرت و چگونگی کاربرد این حربه به خوبی واقف بوده و هستند ومی دانند چگونه می توان این کشور را با دست خود مردم و مسؤلان شان از درون نابود کرد تا آن ها بتوانند به منافع خود برسند».[1] اقتصاد اسلامی و به تبع آن اقتصاد مقاومتی تنها بدنبال شعار های اقتصادی نیست بلکه حراست از حاکمیت سیاسی اسلام و نظام ولایت فقیه کنونی که ۴۰ سال با اقتدار اهداف اسلام را به پیش برده و گام دوم را برداشته تا محکم تر از گام نخست انقلاب اسلامی به تحقق اهداف نظام اسلامی به راهش ادامه دهد.

مهم ترین اهداف کلی نظام اقتصاد اسلامی که در وضعیت کنونی جامعه، الگوی اقتصاد مقاومتی برای تحقق آن ها برنامه ریزی شده عبارت اند از:

۱- حاکمیت سیاسی اسلام؛

۲- برپایی اقتصاد اسلامی؛

۳- تحکیم ارزش های معنوی اخلاقی؛

۴- تامین امنیت و استقلال اقتصادی؛

۵- برپایی عدالت اجتماعی؛

[1] همان ص۱۷

۶- **رشد و توسعه**؛ حتی در شرایط فشار و اعمال تحریم های همه جانبه از جانب دشمنان اسلام.

۷- **رفاه عمومی**.[۱]

۸- **تربیت و هدایت مردم**؛ تمام نظام های موجود در اسلام اعم ازسیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و... هماهنگ با یکدیگر در صدد تحقق این هدف است که خودش مقدمه ی برای تحقق هدف بعدی یعنی قرب الاهی و شایستگی یافتن برای بندگی خداوند است که سعادت و کمال نهایی به شمار می آید.[۲]

۹- **عبودیت الهی**(وماخلقت الجن و الانس الا لیعبدون)[۳]

اسلام فقط به امنیت اقتصادی دولت تاکید ندارد،به امنیت اقتصادی بازار و افراد نیز اکتفا نمی کند.ترکیب از هردو نیز مد نظر اسلام نیست. در اسلام امنیت اقتصادی سیستمی و سازمانی مورد عنایت است.امنیت اقتصادی نیز مانند فساد اقتصادی سازمانی، تظاهرات و سطوح گوناگونی دارد که فقط یک سیستم امنیتی می تواند تمام آن سطوح را شامل شود.

نظم ونظام اقتصادی در هرکشور تنها در سایه ی امنیت اقتصادی تحقق می یابد.اولین و مهم ترین گام در کشورهای در حال توسعه دست یابی به امنیت اقتصادی است تا در پرتو آن به یک نظام اقتصادی مطلوب برای ارتقای تولید و کارایی منابع دست یافته و آنگاه به رفاه اقتصادی یا تقلیل کمبود کالاها و خدمات که هدف نهایی هر نظام اقتصادی پیشرفته است برسد.

---

[۱] احسن الله راد مهر،اقتصادمقاومتي با توليد ملي. ص۸۱

[۲] سعيدفراهاني فرد،سياست هاي اقتصادي دراسلام،ص۱۰۵

[۳] ذاريات/۵۶

مکتب اقتصادی اسلام بر سه هدف متوسط امنیت اقتصادی،پیشرفت اقتصادی و عدالت اقتصادی جهت دست یابی به رفاه اقتصادی تاکید دارد.امنیت اقتصادی از سویی هدف میانی نظام اقتصادی اسلام و از جانبی بستری است که در آن عدالت و پیشرفت اقتصادی جریان پیدا می کند.[1]

هرچند چالش های بی عدالتی اجتماعی به نبودن امنیت اقتصادی و حضور فساد اقتصادی منحصر نیست اما نقش وجود فساد در این بین پر رنگ تر از سایر موارد به نظر می رسد و در راس پدیده های خطر آفرین و تهدید کننده ی سلامت اجتماع و اقتصاد قرار می گیرد.

در نظام اقتصاد مقاومتی، عدالت اجتماعی، امنیت اقتصادی و گشایش اقتصادی محور سیاست ها می باشد. درست کار کردن این سیاست ها و تحقق اهداف مورد نظر همزمان مبارزه با مظاهر فساد و چالش های عدالت اجتماعی است. این چالش ها در سطور ذیل ودر دسته های مختلف فهرست می گردد:

دسته اول) انواع فسادهای اداری و مالی، این مفاسد سبب عدم امنیت در سرمایه گذاری،سلب اعتماد عمومی،دل سرد شدن مردم،هدر رفت ثروت ملی،سرایت فساد به بدنه ی اقتصادی کشور و در تنگنا قرار گرفتن فعالیت های اقتصادی سالم می شود.

دسته دوم) ستم های اجتماعی، مانند فساد اداری و توجه به سفارش ها و پارتی بازی است.

دسته سوم) محرومیت ها و معضلات اقتصادی، مانند فقر،بیکاری،گرانی و کاهش ارزش پول ملی.

دسته چهارم) استفاده نادرست و ناقص از سرمایه ها و منابع نظیر بهره برداری نا صحیح از بیت المال،روابط ناسالم ثروت و قدرت و اولویت ندادن به اموراقتصادی با اهمیت تر در تنظیم سیاست ها.

[1] فصلنامه اقتصاد و بانکداري اسلامي،سال۱،ش۱،زمستان۹۱،ناصرجهانیان،مقاله:تعریف و جایگاه امنیت اقتصادي دراسلام،ص۱۸٤و۱۸٦

دسته پنجم) اختلافات طبقاتی،ثروت های باد آورده و نامشروع. هم چنین در ذیل شاخص های بی عدالتی اجتماعی می توان مثال های دیگری گفت از قبیل: عدم توجه به امور اقتصادی اقشار آسیب پذیر و عدم تدوین قوانین مناسب در این زمینه، ترجیح بخش دولتی بر بخش خصوصی.[1]

یکی از اولویت های راهبرد اقتصاد مقاومتی، استقلال اقتصادی است. این رسالت اقتصادی وانگهی حاصل می شود که بستر مناسب آن یعنی امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری که به رشد ختم می شوند تامین گردد. درآغازین مباحث این بخش تصریح نمودیم که فساد اقتصادی در دستگاه دولتی و سیستم اقتصادی کشور،چالشی بزرگ فراروی ترقی اقتصادی و تامین اهداف ترسیم شده می باشد.پس می توان این گونه تحلیل نمود که امنیت اقتصادی و خشکاندن ریشه های فساد از سیستم، بستر را فراهم می کند تا تلاشهای اقتصادی، آن هم در قالب ایده ها و سیاست های اقتصاد مقاومتی به بارنشیند.

فساد وفقدان امنیت اقتصادی یکی از مهم ترین مشکلات کشورهای عقب افتاده است که موجب می شود به توسعه و پیشرفت لازم نایل نشوند.نا کار آمدی سیاسی ناشی از فساد اداری،دیوان سالاری،جرم وجنایت و ناپایداری سیاست های دولت درجهت تامین اهداف اقتصادی، برخی از شاخص های ناامنی اقتصادی می باشد که موجب خروج سرمایه های انسانی و مادی از چرخه ی اقتصاد یک کشور می شود.

در این حالت دولت ها در ایجاد کالای عمومی امنیت، ناتوان بوده و چشم انداز هرفعالیت اقتصادی هیچ سودی را احتمال نمی دهد جز برای مفسدان اقتصادی، رانت خواران و فرصت طلبان.در چنین فضایی هرفعال اقتصادی تلاش می ورزد سرمایه و کار خودرا برداشته و به جاهای امن تر انتقال دهد و با تبدیل ثروت های فیزیکی خود به پول نقد و ارزهای معتبر یا دارایی های خارجی،از دام گسترده ی نا امنی فرار کند و نجات یابد. بنا بر این، معنای نا امنی اقتصادی به معنای محیطی است که در آن امکان سود آوری و بازدهی سرمایه گذاری ها، صفر است.[2]

---

[1] مجتبي جاويدي،عدالت اجتماعي و چالش هاي ناشي از فقدان آن(مروري بر ديدگاه آيت الله خامنه اي)، فصلنامه علوم انساني اسلامي صدرا،تابستان۹۳،ش۱۰، شماره ويژه الگوي اسلامي ايراني پيشرفت، ص۱۶۲،با اندكي تصرف در چينش.

[2] ناصرجهانيان،تعريف و جايگاه امنيت اقتصادي دراسلام. فصلنامه اقتصاد و بانكداري اسلامي،سال۱،ش۱،زمستان۹۱،ص۲۰۴

جایگاه بورس سهام در مبارزه با زمینه های فساد دراقتصاد

یکی از کار کردهای اصلی بورس سهام در مجموعه ی بازار سرمایه، ایجاد بستری امن،منسجم ،سازمان یافته و ضد فساد برای توسعه ی سرمایه گذاری بود. در فصل دوم این رساله، به تفصیل به نقش ها و ویژگی های بورس دارایی های مالی(سهام) و بازار اوراق بهادار صحبت به میان آمد.

حال پرسش این است که بورس سهام در ارتباط با بند نوزدهم ارکان اقتصاد مقاومتی که مبارزه با مفاسد اقتصادی در چارچوب حمایت از شفاف سازی و سالم سازی اقتصاد در حوزه های پولی، تجاری، ارزی و.. است چه موقعیتی را تصاحب نموده و چه نقشی در مبارزه با فساد اقتصادی و زمینه سازی تامین امنیت سرمایه گذاری در جامعه بازی می کند.

در پاسخ به این پرسش، با توجه به مطالب پیش گفته حول تعریف و خطر فساد،لزوم امنیت سرمایه گذاری برای رشد تولید و تحصیل رفاه عمومی و تحقق عدالت اجتماعی و دیگر افق های ترسیم شده پیش روی برنامه های اقتصاد مقاومتی، اهداف میانی و غایی اقتصاد اسلامی و نقش تخریبی فوق العاده ی فساد سازمانی و فردی در سیستم اقتصادی جامعه در مسیر زمینه سازی و تحقق آن اهداف بلند، آری در جواب سؤال بالا می توان نقش و جایگاه مثبت و موثر بورس سهام را بسیار سازنده یافت و افزود:

سالم سازی اقتصاد و ایفای نقش برجسته در ارائه ی ساختار و بافتار شفاف در نظام مالی و اقتصادی، از جمله ماموریت های سازمان بورس و اوراق بهادار است. بازار سهام و سرمایه به گونه ای شفاف و زیر نظارت شدید و مستمر قوانین افشای اطلاعات و مقررات ناظر بر حمایت از سرمایه گذاران کار می کند و ساختاری ضد فساد دارد.

اجبار به افشای اطلاعات که جزو الزامات بقای یک شرکت و بنگاه اقتصادی در بورس و بهره بردن از امتیازات فراوان آن مانند افزایش سرمایه به نحو ارزان،آسان و بلند مدت از طریق انتشار سهام می باشد، بسیاری از زمینه های فساد و انحراف از رویه های قانونی را از بین می برد و باعث پیش گیری می گردد؛ در نتیجه ، مفاسد اقتصادی در بورس سهام و بازار سرمایه کم است.

«بنا براین، این رکن نیز به عنوان تاکید موکد در بازار سرمایه انجام خواهد پذیرفت.زیر ساخت های فناوری اطلاعات و سایر تجهیزات مورد نیاز برای این منظور تعبیه شده یا در حال طراحی است».[1] با این توضیح آشکار است که بازار سهام در همسویی کامل بانوزدهمین مولفه از سیاست های کلی ایدئولوژی اقتصاد مقاومتی قراردارد.

بورس سهام در تحقق اغلب سیاست های مقاومتی در بخش اعتباری اقتصاد و گسیل امکانات مالی به سمت بخش عینی و تولیدی، ابزاری قوی در اختیار راهبران اقتصاد مقاومتی قرار می دهد تا از مسیر این نهاد مالی، امنیت اقتصادی به ویژه امنیت در سرمایه گذاری هارا بر قرار کند و تا مرحله رشد کمی، وتا فراسوی رشد تولید ناخالص ملی که توسعه ی کامل و در تمامی ابعاد است، به پیش برود.

چنانچه امنیت سرمایه گذاری، عبارت از فضا و بستری نهادین است که سرمایه گذاری و فرایند آن را به نحوی حمایت می کند تا رشد اقتصادی مداوم و پیوسته، در بخش حقیقی تحقق یابد،واگر امنیت اقتصادی را معطوف به عامل سرمایه دانسته و آن را با امنیت سرمایه گذاری اقتصادی ، مترادف بگیریم که غالب ادبیات موجود نیز همین موضع را می رساند، آن وقت امنیت اقتصادی عبارت خواهد بود ازفضا و «وضعیتی که درآن واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرات محیطی، برنامه ریزی بلند مدت داشته باشند» یا «چارچوبی نهادی که به پس انداز کنندگان و سرمایه گذاران اطمینان بخشیده و امنیت فیزیکی افراد، و امنیت حقوقی معاملات را تضمین می کند»[2]

سیاست های اقتصاد مقاومتی در ستیز با زمینه های فعالیت های تباه کننده و فساد آور در عرصه ی اقتصادی، بدنبال تاسیس مکان،موقعیت وفضای اطمینان بخش،باثبات و نشاط آوراقتصادی و سرمایه گذاری است که تعریف امنیت اقتصادی متخذ از چنین جوی می باشد؛ جو ایدآلی که در حمایت قانون ایجادشده و عموم سرمایه گذاران و سرمایه پذیران در کمال آرامش و اطمینان خاطر به فعالیت و برنامه

[1] سازمان بورس اوراق بهادار،مدیریت پژوهش.تبیین جایگاه بازار سرمایه در سیاست هاي اقتصاد مقاومتي. ص۱۰

[2] فصلنامه اقتصاد و بانکداري اسلامي،ش اول،ص۱۹٤

ریزی اقتصادی مشغول اند ونگرانی از جهت تامین مالی،بازدهی مناسب و حتا بالا و مورد اجحاف واقع نشدن ، ندارند.

بازار سهام و سرمایه چنان موقعیت و جوی پر اطمینانی است که چارچوب نهادی مورد نظر را فراهم می کند. در بورس سهام اسلامی تمام نگرانی ها(در سایه ستیز ذاتی با زمینه های ناامنی ناشی از فساد مالی) مرتفع و همه زمینه ها برای سرمایه گذاری سود آور و حلال فراهم هست. این همان هدفی می باشد که نظام اقتصاد مقاومتی از پیگیری سیاست مبارزه با فساد اقتصادی، درصدد دست یابی به آن است.

٤- ۶- ۸- تاثیر بورس سهام درشفاف سازی

عدم وجود شفافیت درمقررات و نامشخص بودن وضعیت جاری یک نهاد، بنگاه، جریان و فعالیت اقتصادی به رانت خواری منتج می شود. رانت خواری سوء استفاده از قوانین، اطلاعات مهم و سرنوشت ساز و تاحدودی محرمانه از وضعیت فعلی و آینده ی طرح های اقتصادی و زاییده نا شفاف بودن و سانسور معلومات است. بنا بر این یکی از زمینه های اساسی تحقق فساد در نظام مالی همین نا شفاف بودن قوانین،زیاد و پیچیده بودن مقررات و احتکار اطلاعات است که مطابق بند نوزدهم و بند حاضر بایست با ان مقابله و از خسارت های بعدی به جامعه و بیت المال مسلمین پیش گیری گردد.

به عقیده ی آیت الله خامنه ای،معمارنظریه اقتصاد مقاومتی«مبارزه با فساد و ریشه کنی فساد،بسترساز رقابت سالم اقتصادی است..باید مقررات را شفاف کنند راه ها را کوتاه کنند،پیچ و خم های اداری را کم کنند».[1]

از این بیانات به این مبنا و معنا می رسیم که که یکی از راه های ممانعت از مبتلا شدن به اقتصاد فساد و رانت خواری که از معروف ترین موانع کارآفرینی،بهره وری و رشد است، برخورداری از سیستم مالی و اقتصادی است که تمام فعالیت ها و ارتباطات اقتصادی در آن، روان و شفاف باشد.

[1] اقتصاد و عرصه اقتصادي از ديدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامي،ص۳٤۰

شفاف سازی مقررات به منظور جلوگیری از فساد احتمالی بسیار مهم است.گفته می شود قانون گزاران و دیوان سالاران به طور طبیعی تمایل دارند مقررات را بدون دلیل،پیچیده بنویسند.این پیچیدگی به مفسدان سیاسی و اقتصادی قدرت بیشتری اعطا خواهد کرد چرا که درک این قوانین و مصادیق خاص و عام آن برای افراد عادی مشکل خواهد شد و به راحتی می توان از این پیچیدگی در جهت بهره برداری جناح ها و افراد خاص استفاده نمود.

وضع مقررات زاید و پیچیده هزینه ها ی کسب و کار را افزایش داده و این هزینه ها مجددا و مکررا در بین مصرف کنندگان به شکل افزایش قیمت بروز می کند و نهایتا منتج به کاهش رفاه آنان وتضعیف رقابت در اقتصاد خواهد شد.

بررسی دقیق قوانین ومحتوا و منافع آنی و بلند مدت ناشی از آن ها باعث کاهش بهره برداری سیاسی از آنها شده و هم چنین شفافیت بیشتر، مشروعیت یک نهاد قانونی را افزایش می دهد و اجرای مقررات را نیز کارا تر می کند. رفتن به سمت شفافیت فزون تر،هنگامی رخ می دهد که افراد شروع به ارزیابی هزینه ها و عواید پنهان و ناملموس مقررات نمایند. البته مسلم است که وضع مقررات خوب واصلاح قوانین دست و پاگیر،به تنهایی رفاه مصرف کننده را بالا نمی برد بلکه نحوه ی اجرا و حل مسایل خاص به وجود آمده نیز مؤثر است.[1]

در واقع این بند و بند نوزدهم ناظر به سلامت اقتصاد از عوامل فساد زا و مخرب است که روان سازی و جریان عادی رشد را مختل کرده، و اسباب اختلال نظام و نظم جامعه را فراهم می نماید. عمل شفاف سازی و سالم سازی، به مدیریت اقتصادی ،دولت و برنامه ریزان ارتباط دارد و مخاطب اصلی این دو بند، قانون گذاران و مسؤلان اقتصادی می باشد.

مقابله با فساد در درجه اول کار خود دولت است.باید با فساد در دستگاه های دولتی مقابله جدی صورت گیرد و متعهد این مساله خود مسؤلان دولتی و مدیران ارشد است.بخشی که مربوط به قوه ی مجریه است گرفتن گلوگاه های فساد در بخش های مالی،پولی،بازرگانی و گمرکی می باشد.وقتی

[1] مقررات زدايي در نظام بانكي ص۷و۸

دستگاه ها،مراقبت و نظارت خود را دقیق کنند از فساد پیش گیری می شود.وظیفه دستگاه قضا مجازات مفسد است. مبارزه با فساد یک جهاد همه جانبه است ، یک حرکت و رفتار علوی است.مفاسد مالی و اقتصادی مانع پیشرفت وترقی می باشد.[۱]

کوشش ها و اقدامات در راستای سلامت اقتصادی در قالب مجموعه اقدامات و عملیات های زیر ممکن است دیده شود:

- شفافیت قوانین و مقررات
- رانت زدایی
- مبارزه با قاچاق کالا و ارز
- نبود مفاسد اقتصادی
- مقابله با احتکار
- اختلاس زدایی
- رشوه زدایی
- نظارت قوی و مستمر بر بازارها مالی کار و کالا.[۲]

پایگاه و جایگاه بورس سهام دراین زمینه

بورس سهام به حیث یک نهاد و بازار مالی مهم که رسالتش تجهیز و تخصیص بهین و بیشین پس اندازهای ملی است، دو وظیفه ی عمده دارد،

[۱] اقتصاد و عرصه اقتصادي از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامي ص۲۱۷و۲۱۸

[۲] اله مراد سیف، مقدمه ای بر نقشه راه پیاده سازی سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی درجمهوری اسلامی ایران ،فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج ،ش۶۱،زمستان۹۲ص۱۰٦

۱. فراهم ساختن شفافیت در حوزه ی معاملات؛

۲. فراهم کردن شفافیت در حوزه ی اطلاعات.[۱]

معاملاتی که در بورس صورت می گیرند باید شفاف باشند بدور از تبانی،دست کاری و تقلب.هم چنین اطلاعاتی که به دست مردم می رسند بایست ازوضوح و کمال لازم برخوردار باشد.قانون گذاری،توسعه بازارها و غیره نیز جزء وظایف بورس است که به این دو وظیفه اصلی برمی گردد. ازجمله وظایف مهم بورس و بازار سهام پیش گیری از فساد،مثل تبلیغ سود صوری توسط شرکت هاست.یعنی اظهار قصد افزایش سرمایه با انتشار سهام جدید ولی در واقع سود غیر واقعی را در قالب سهام کاغذی در اختیار مردم گذاشتن.این نوعی تقلب ، فریب کاری و فساد مالی است که در دراز مدت باعث افول قیمت سهام آن شرکت و بی اعتمادی به کل بازار سهام و بی اعتباری آن در منظرعوام می شود.[۲]

شفاف سازی و روان سازی که در بند بیست و سوم سیاست های اقتصاد مقاومتی آمده از وظایف اصلی مدیران بازار سرمایه و سهام هست و به شدت در تمام بخش ها دنبال می شود.در زمینه ی شفاف سازی در فرایند ها ومعاملات، قوانینی با نام«افشای اطلاعات» مصوب،ساری و جاری است.[۳]

بورس سهام در زیرگروه بازار سرمایه و به عنوان رکن اصلی آن بیشترین پتانسیل را برای رسیدن به اهداف و ارکان اقتصاد مقاومتی اعم از حمایت از تولید ملی،فعال شدن واحدهای کوچک و متوسط،مدیریت منابع ارزی،تشویق سرمایه گذاری خارجی،شفافیت اطلاعات و کاهش ریسک سرمایه گذاری،کارآفرینی،استفاده حداکثری از منابع و کاهش وابستگی به محصولات پر تیراژ صادراتی مانند نفت و گاز است و با اتکا به قابلیت های بازار سرمایه و سهام می توان به این اهداف منطقی نایل آمد.

[۱] احمدشعباني،مسائل اساسي اقتصاد ايران، ص۸۷

[۲] همان ص۸۸

[۳] سازمان بورس اوراق بهادار،مديريت پژوهش.تبيين جايگاه بازار سرمايه در سياست هاي اقتصاد مقاومتي،ص۱۰

مطابق بند ۲۳ سیاست ها، یک سیاست گذار باید هرچه بیشتر در صدد پیش گیری از فساد وایجاد زمینه برای روان سازی و ساده سازی جریان معاملات باشد ،در این بین ،اصالت دادن به مصالح مردم و گسترش فرهنگ پایداری هم به طور جدی و پیوسته می باید پیگیری گردد.

افزایش شفافیت،مبارزه با رانت خواری و فساد،تضمین کننده ی پویایی یک اقتصاد می باشد.درچنین اقتصادی که عاری از رانت و فساد عمل می کند،عوامل تولید باتوانایی بالاتر،تاثیر گذاری بیشتری یافته،ترقی اخلاق حرفه ای و پیشرفت را نزدیک تر می کند.در واقع اگر عدالت اجتماعی و اقتصادی رخ دهد جذب مشارکت حد حداکثری شکل می گیرد.[1]

بورس سهام مزایای ایجاد می کند که به طور یقین خوشایند استراتژیست ها و واضعان مقیاس های اقتصاد مقاومتی و هدف گزاران آن است.در سطح کلان، نظام اقتصاد مقاومتی در صدد تحقق منافع علیای جامعه و استقلال،خودکفایی و رفاه می باشد.

بورس سهام در قد و قامت یک بازار،نهاد مالی وواسطه ی مالی غیر بانکی آثاری در اقتصاد کلان به جا می نهد که در هم جهتی تام با سیاست ها و آرزوهای نظریه پردازان اقتصاد مقاومتی قرار دارد.

بورس سهام و اوراق بهادار می تواند زمینه ی مناسبی جهت تبدیل مازاد نقدینگی و پس انداز موجود، به سرمایه گذاری،تولید ثروت و ارزش آفرینی را فراهم بیاورد.ازمنظر علم اقتصاد، ساز و کار بورس سهام دارای مزایای زیر است:

یک) تسهیل فرایند تامین مالی شرکت ها با انتشار سهام و فروش آن و سپس به کارگیری در پروژه های بزرگ تولیدی؛ توضیحات لازم در این باره در بخش های گذشته مطرح شد.

دو) کمک به گسترش مالکیت عمومی و توزیع عادلانه ی درآمد و ثروت؛ توزیع مالکیت های بزرگ از طریق واگذاری سهام آن ها،ازدید کلان اقتصادی به هدف های توزیع عادلانه درآمد و نیز احساس مشارکت درعموم افراد جامعه درفعالیت های تولیدی وتجاری، بسیار یاری می رساند.حتا اگر تامین

[1] رضايارمحمدي،عادل آذر،غلامرضامصباحي مقدم،شناسايي و اولويت بندي معيارهاي تامين مالي مطلوب دربازارسرمايه اسلامي،ازمنظراقتصادمقاومتي.دوفصلنامه علمي-پژوهشي مطالعات اقتصاد اسلامي،سال۹،ش۲،پياپي۱۸،بهاروتابستان۹۶، ص۱۱٤

منابع سرمایه گذاری های بزرگ با تسهیلات بانکی هم میسر باشد،انتشار و فروش سهام به عموم به منظور تامین منابع مالی مورد نیاز این سرمایه گذاری ها،ارجحیت دارد. بسیاری از جامعه شناسان توزیع مالکیت را بین عموم طبقات به لحاظ اجتماعی مفید می دانند.چرا که از دوقطبی شدن جامعه(به فقیر و غنی) جلوگیری می کند و نا آرامی های اجتماعی را کاهش می دهد.

سه) تخصیص مطلوب و بهینه ی منابع پس اندازی جامعه؛ یک بازار رقابت کامل در بورس سهام و برگه های بهادار، به تخصیص شایسته ی منابع منجر می گردد. بورس سهام با تعیین بهای رقابتی سهام به عنوان ابزار انتظامی اقتصاد،مدیران غیرکارا و ضعیف را تنبیه و مدیران لایق مبتکر و قدرت مند را تشویق می کند.در چنین وضعیتی(وضعیت رقابتی و بازاری) یک شرکت زیان ده نمی تواند از طریق بورس سهام به تامین نیاز های مالی خود اقدام کند.[۱]

از منظر اقتصاد خردی ، بنگاهی وسرمایه گذاری انفرادی، هم بورس سهام مزیت ها و برتری های فراوانی بردیگر روش های سرمایه گذاری دارد مانند بازدهی زیاد،راحتی تامین وجوه،کاهش هزینه های جستجو،سرشکن شدن ریسک های بازاری،برخورداری از معافیت های مالیاتی،حمایت حقوقی.تضمین و پوشش های بیمه ای و امثال این محسنات که در فصل دوم به نحو مفصل توضیح دادیم.

نتیجه این که نقش بازار سهام و سرمایه در اقتصاد مقاومتی مسلم است و این امر از همراهی بسیاری از وظایف،کارکردها و مقررات حاکم بر این بازار مالی با راهبرد اقتصاد مقاومتی،نقش ها،اهداف،وظایف و استراتژی هایی که شرایط خاص زمانی ،مکانی و سیاسی از این الگو انتظار واقتضا دارد، به روشنی قابل استنباط و درک است.

۴– ۷– چالش های فراروی تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

در عصرو زمانه ی کنونی، نظام اقتصاد مقاومتی بهترین الگو و نزدیک ترین رهیافت به الگوی مطلوب اقتصاد اسلامی در نظام جمهوری اسلامی تشخیص داده شده است. وجه مشخصه ی عصر و شرایط

[۱] بورس اوراق بهادارتهران (واحدآموزش)،آموزش سرمایه گذاري دربورس اوراق بهادار، ص۵۸

جدید، افزایش روز افزون فشارهای سیاسی بر نظام با هدف تغییر سیاست های نظام و حتا خود نظام اسلامی با استفاده از اهرم های اقتصادی و ایجاد حصر و تحریم همه جانبه اقتصادی است.

دشمنان اسلام حمله و هجمه ی اقتصادی را آغاز و تهدید هارا به منصه ظهور و میدان عمل کشانده و با شدت بی سابقه در تمام ابعاد متصور، پلان های ویران گر شان را به اجرا گذاشته اند. این فشار ها و تحریم ها اصل حاکمیت و نیز معیشت مردم را با دشواری های گوناگون مواجه ساخته ومحدودیت ها،محرومیت ها، زیان های ناشی از آسیب پذیری اقتصادی و بحران های جدی به وجود آورده است.[1]

مناسب ترین ابزار مقابله با تهاجم اقتصادی دشمن دفاع و جهاد اقتصادی است.سیاست های اقتصاد مقاومتی با آن رویکرد های خردمندانه و قاطعانه،تنها الگویی است که ابزار دفاع و بستر این پیکار و جهاد اقتصادی بوده و نقشه راه جامعی ارائۀ می دهد که سیر و حرکت دقیق بر اساس این نقشه،پیروزی در این پیکار را تضمین و زندگی غنی و پرمحتوا را برای مردم مسلمان به رغم تحریم و فشار،فراهم می نماید.اقتصاد مقاومتی یک رویکردبلندپروازانه،فوق آرمانی ودور ازدسترس نیست بلکه واقع نگری،تعقل ودوراندیشی درآن موج می زند.

اما تطبیق و موفقیت راهبرد اقتصاد مقاومتی و تحصیل اهداف جاری،میانی و غایی آن با چالش ها و موانع عمده مواجه است. سیاست گزاران و ایدؤلوگ های ایدؤلوژی اقتصاد مقاومتی تا این دست انداز ها را کنار نزنند،غلبه بر دشمنان،ناکام گذاری تحریم، تحکیم بنیان های داخلی اقتصاد و تضمین استقلال اقتصادی و اهدافی از این دست برای شان دور از دسترس خواهند بود.

از نگاه نگارنده، عمده عناصری که سیر تحقق سیاست های این راهبرد را کند ساخته و در مسیر موفقیت معیارهای اقتصاد مقاومتی اخلال یا وقفه می تواند ایجاد نماید در نمونه های زیر قابل یاد کرد است.

عنصر نخست: وجود مخالفان سرسخت

[1] اقتصاد مقاومتي و برجام ص٤٧٦

بی تردید،راهبرد ها،ارکان و معیارهای اقتصاد مقاومتی در داخل کشور و در بدنه ی نظام جمهوری اسلامی و حاکمیت ولایت فقیه و مؤسسات علمی مانند دانشگاه ها فاقد اجماع محصل بوده و آن چه در افواه عامه ،صدا،سیما و صفحات رسانه ها دیده شده و به سمع و نظر رسیده و می رسند تنها اجماع منقول و ضعیف را بازتاب می دهد و از درصد خلوص بسیارکمی برخودار بوده ومی توان اذعان داشت که تا حد زیادی فاقد صداقت است.

در محیط علمی و آکادمی و در میان اقتصاد دانان و فیلسوفان ایرانی حتا آنانی که در ستایش راهبرد اقتصاد مقاومتی قلم زده اند ودر حمایت از گفتمان سازی آن قدمی برداشته اند، این مخالفان مخوف و قدرت مند دیده می شوند.در این میان برخی آن را بسیار ایده آل و بلند پروازانه دانسته که وضع و حال مردم، سیستم حاکمیتی و نظام اقتصادی کنونی کشور با آن، فاصله ی بسیار دارد.[۱] گروهی دیگر تنها راه نجات اقتصاد و تحقق عدالت اجتماعی را اقتصاد باز و بازار می داند.به باور ایشان اقتصادهای دستوری(مانند اقتصاد مقاومتی) ضدرشد،منافی با توسعه و مناقض با عدالت است.[۲]

برخی نیز به درستی به عدم وجود اراده ی جدی در میان مسؤلان و نهاد های حاکمیتی راجع به اجرا وسودمندی آن،تصریح داشته اند؛ زیرا با وجود این که چند سال از ابلاغ سیاست های مقاومتی گذشته ولی جز در شعار و گفتار،در عمل و کردار اثری از آن نیست بلکه مقامات دولتی و سیاسی بدنبال سازش با قدرت ها و راه حل های خارجی نظیر برجام اند.[۳]

مخاطب اصلی سیاست های کلی مقاومتی قوه ی مجریه می باشد زیرا اداره ی اقتصاد کشور در دست مسؤلان هر کشور قراردارد.آن چه که مایه ناخرسندی ودل زدگی است عدم تمایل دولت کنونی(دولت اصلاح طلبی) به تطبیق برنامه های اقتصاد مقاومتی است و به نظر می رسد اجرای آن در سرلوحه ی

[۱] ر.ك: محمدنوفرستي، اقتصاد مقاومتي و راه هاي دست يابي به آن.(۱۳۹۵)

[۲] نک: مسعود نیلی و دیگران،اقتصاد و عدالت اجتماعی، ص۱۰۳.

[۳] نك: اقتصاد مقاومتي وبرجام،فصل دوم و سوم

اقدامات قرار ندارد. دولتیان از درستی دکترین مقاومتی در شک و از اجرای آن به شدت در هراس هستند.

این بی اعتنایی می تواند ناشی از بی اعتقادی به اصل پرگرام و ناباوری به آثار و اهداف تصویر شده ی آن باشد.قراین زیاد دال برعدم حمایت دولت مردان کنونی از تفکر مقاومتی است. به نظر می رسد دولت اصلاح طلبان از اجرای نظام اقتصاد مقاومتی متوحش است و نگران این می باشد که تجربه ی آن اوضاع را از این که هست خراب ترش کند.این بی رغبتی و به تاخیر انداختن ها بهترین مدرک برعدم پشتیبانی ایشان از منظومه ی فکری اقتصاد مقاومتی می باشد.

در مقدمه ی سیاست ها آمده: **سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی** در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین شده و **راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است. لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات** لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند.[1]

اما به نظر می رسد دولت اصلاح طلبی، درنگ نموده وبا امید ونگاه به خارج، از اجرای آن امتناع ورزیده.گزارش ها نیز این بی التفاتی را تایید می کند:«**یک عضو کمسیون صنایع مجلس شورای اسلامی گفت**:متاسفانه اجرای سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در صنایع بزرگ دولتی به صورت جدی پیاده سازی نشده است..وضعیت فعلی بخش تولید نشان از نادیده گرفتن اقتصاد مقاومتی درکشور است».[2]

عنصر دوم: مدیریت سفها و مفسدان

[1] نک: سیاست های کلی اقتصادمقاومتی.

[2] نک:روزنامه کیهان،۲آبان۹۸، ۲۵صفر ۱۴۴۱شماره ۲۲۳۱۵ص۴.

این یک مشکل عمده و قابل اعتناست که اموال ومنابع تمکن و ترقی اقتصادی در اختیار سفیهان قراردارد. در حالی که در فرهنگ و نصوص اسلامی این یک بلیه ی بزرگ و به شدت منفور و منفی است«لاتؤتوا‌السفهاء اموالکم»[1] دغدغه علمای دل سوز و فیلسوفان اسلامی هم همین گسترش سلطه،اختیارات و نفوذ مدیران سفیه ونه لزوما مفسد، بر خوان اقتصاد،ثروات و دارایی های کشور اسلامی و اموال مسلمانان است. سپارش اختیارات به سفیهان(ناصالح از لحاظ شایستگی فنی و تخصصی) و گسترش سلطان نا لایقان به فساد و ضیاع و نا کامی اقتصادی ختم می شود.[2]

عنصرسوم: تهاون و بی برنامگی

دکترین اقتصاد مقاومتی دستاورد سال ها مطالعه، تجزیه وتحلیل خبرگان اقتصادی است که در نهایت به تصویب رهبر عالی جمهوری اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای (ایده الله) رسیده وبه **حیث *«راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی اهداف عالی*»** تایید گرفته، سپس با زمینه سازی های فراوان ابلاغ شده است. بنا بر این به لحاظ تیوریک، از پشتوانه ی بالای تفکر منطقی برخوردار بوده و براهین متعدد بردرستی و اتقانش گواهی می دهد. آیا تطبیق،آزمایش و تجربه هم صحت استدلال و واقع نمایی برهان های این تفکر منطقی،منظومه ی فکری و تحلیل اقتصادی را نشان خواهد داد.

تاخیر درتطبیق دقیق سیاست ها و معیارهای مقاومتی، رخوت ،تهاون و بی برنامگی از دست انداز های بسیار جدی است که ماشین اقتصاد مقاومتی در برخورد با آن به سختی درهم خواهد شکست. برنامه ریزی و مدیریت دقیق بدرستی این برنامه را به پیش خواهد برد و دشمنان را با ناکامی روبرو خواهد ساخت. به همان میزان ،سستی، رخوت و بی برنامگی یابرنامه های گذرا با تاریخ انقضای بسیار کوتاه آفتی است که به کمک دشمنان و مهاجمان اقتصادی آمده، دفاع و جهاد اقتصادی را در چهارچوب تعلیمات و دیکته های اقتصاد مقاومتی با چالش عظیم ازجمله بی اعتمادی مردمی رو برو خواهد کرد.

---

[1] سوره؟

[2] نك: مجله علوم انساني اسلامي صدرا،ویژه نامه اقتصاد مقاومتي،سخنراني ايت الله جوادي آملي:مديريت سفيهان.

لذا به تاخیرانداختن اجرای آن به معنای بی اعتنایی بوده و این قضیه به بی اعتمادی مردم به آن و درنتیجه به بی اعتباری اصل راهبرد اقتصاد مقاومتی ختم خواهد شد.

بنابر هرآن چه در این بخش بدان تذکار رفت،می توان به روشنی، چشم انداز مجاب کننده ازفوائد اجرای اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اشتغال،رشد،استقلال و به طور کلی،کامیابی در دوساحت اقتصاد و سیاست، به مردم بشارت داد و بدین طریق حمایت آن ها را جلب نمود؛ ولی بشرطها و شروطها،نوید چشم انداز نوید بخش که پذیرش عمومی را به ارمغان بیاورد مشروط برآن است که درپشت قضایا، اراده ی سیاسی و ملی وجود داشته باشد.

جمع بندی ونتیجه گیری

طرح و ظهور ایده ی اقتصاد مقاومتی تکانه ی جدید و جدی در عرصه ی ادبیات و فرهنگ اقتصادی محسوب می شود.این دکترین نوین از اقتصاد پایه داری،می رود که دستاورد پرشکوه و بزرگی به بار آورد و آن چیزی نیست جز رویین تن ساختن اقتصاد ایران در وهله ی نخست و سپس اقتصاد منطقه و کشورهایی که در صدد الگو برداری و تقلید از آن بربیایند.

عمل به تعلیمات اقتصاد مقاومتی اسلامی، بی تردید قرین موفقیت می باشد.این برنامه قادر است قدرت،ثروت،استقلال و بالاخره زندگی غنی و پرمحتوا برای کشور، وملت فراهم نماید.اقتصاد مقاومتی چنان که در آغاز این تحقیق متذکر شدیم،[۱] پنداری بی پیشینه نیست اما به این سبک و سیاق، مانندی ندارد؛ لذا تاکنون نه در تجربه و عمل و نه در نظر، نظیری برایش دیده نشده و میزان موفقیت اش به آزمون در نیامده است ؛ به رغم این بی سابقگی، چشم انداز روشنی پیشاروی آن وجود دارد.

این اطمینان و یقین به پیروزی، ناشی از ماهیت اسلامی این راهبرد بوده و بلاشک تمام آموزه های اسلامی که ریشه ی وحیانی دارند اگر در زمان و زمانه ی مناسب به اجرا در آیند مفید و مؤثر واقع

[۱] فصل اول، بحث سابقه(پیشینه شناسی) و ضرورت موضوع تحقیق،ص۸.

می شوند و نشاط،زنگی و بالندگی با خود دارند چنان که خداوند در قرآن بشارت داده اگر آموزه های آسمانی را به کاربندید حیات دوباره می گیرید**"یا ایهالذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم"**.[1] بالاتر و برتر از معارف و شیوه های وحیانی دین آسمانی اسلام، تدبیری وجود ندارد : « **الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه و الکفار بمنزلة الموتی ، لا یحجبون و لا یرثون** »–امام صادق (ع) فرمود: اسلام [از هر مکتبی] بالاتر و والاتر است و هیچ مکتبی بر آن، برتری ندارد– . [2] « کنتم خیر امه اخرجت للناس»[3] ای خیرامه فی ثقافتها واجتماعها وسیاستها واقتصادها...وحضارتها و مکانتها».[4]

شکل گیری سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی،مرئی و ملموس شدن شان،به اجرای به موقع،پیگیری دقیق،همراهی مردم،ومدیریت شایستگان(اهل تقوا) وابسته است. در این صورت و سیرت است که نوید پیروزی و بهروزی می دهد.

اقتصاد مقاومتی تکیه گاهش در مرحله ی اول، توان مندی های ملی و داخلی می باشد؛ از این رو، تمام پتانسیل های های اقتصادی موجود در نهاد های اقتصادی ، انسانی و طبیعی کشور را به خدمت می گیرد تا پایه های محکمی برای اقتصاد ملی بنا کند.

یکی از ظرفیت های بالقوه وتا حدودی بالفعل هر کشوری نظام مالی، ابزارها و بازارهای مالی آن می باشد که بافتار بایسته و ساختار شایسته بخشیدن به آنها، به رشد پایدار تولید و توسعه همه جانبه منجر خواهد شد..

رابطه میان رشد اقتصادی(توسعه در بخش فعالیت های واقعی اقتصادی) و حضور یک نظام مالی اثربخش و کارا ،به نظریه ای غالب و همگانی تبدیل شده، تنها بحث بر سر این است که سیستم مالی

[1] انفال/۲۴.

[2] شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه ، ،ج ۴ ص ۳۳۴ ح۵۷۱۹.

[3] آل عمران/۱۱۰

[4] جعفرالهادی(خوشنویس)،الشئون الاقتصادیه فی نصوص الکتاب والسنه،ص۲۸.

خادم صنعت(بحیث نماد توسعه یافتگی) و یا مخدوم آن است. مقدم وموجد آن است یا متاخر و متاثر از آن.

آن چه به بحث ما مربوط می شود میزان کمکی است که از رهگذر اصلاح سیستم مالی جاری و اسلامی سازی آن برای ترقی واقعی اقتصادی حاصل می شود.از منظر کارشناسانه،دستیابی به رشد جهشی مستلزم اولویت بخشیدن به اصلاح بیشتر بخش های مالی به ویژه بخش مالی غیر بانکی است.[1]

اصلاح بازار پول(نظام بانکی) با انجام دو اقدام اساسی آن را در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی قرار می دهد:

- حذف ربا
- تضعیف تدریجی نقش دولت دراقتصاد و نزدیک شدن به بازار و رقابت

بلاشک با حذف ربا از سیسیتم بانکی، بازار پول ماندگی زیادی به بازار سهام و سرمایه خواهد یافت که انجام وظایف بانکی در قالب عقود مشارکتی و مبادله ای اسلامی با به کارگیری ابزارهای مالی با نام عام صکوک، نشان از ماهیت اسلامی و تحول اساسی بانک داری دارد.

کاهش تصدی گری دولت وواسپاری اداره بانک ها به بخش خصوصی و تبدیل دولت متصدی و مجری طرح، به دولت ناظربر پروژه، رقابت پذیری اقتصاد و تحول آن به اقتصاد غیر رانتی و کارآفرین را در پی خواهد داشت.

تاسیس و گسترش بازار سرمایه و بورس سهام در قالب حاکمیت شرکتی،که باعث حضور مستقیم مردم در میادین سرمایه گذاری می شود، علاوه بر ایجاد شور و نشاط اقتصادی در جامعه، برکات فراوان دیگرنیز با خود دارد نظیر:

- تنوع بخشی به منابع تامین مالی بلند مدت،

[1] گروه نویسندگان، اقتصاد خاورمیانه درحال تغییر،ص۴۵(مقاله:بانکداری درراه توسعه)

- تشویق مردم به سرمایه گذاری در بورس
- تجهیز و تخصیص بهینه ی منابع پس اندازی جامعه.

روشن است که بورس سهام در نقش تامین کننده ی مالی بلند مدت دولت و فعالان مستقل، بعنوان متمم و مکمل نظام بانکی که تامین مالی میان مدت و کوتاه مدت را به عهده دارد،عمل خواهد کرد و این در حقیقت نوعی تقسیم کار باید دانسته شود و نه رقابت ؛ زیرا همان گونه که اشارت رفت، با حذف ربا از نظام بانکی و جاگزینی ابزار ها و عقود اسلامی در آن، این سیستم هم مشابهت زیادی با بورس سهام پیدا می کند.تمام این کارکردها و تقسیم وظایف در خدمت بخش واقعی، رونق تولید و خود کفایی اقتصادی قرار خواهد داشت.

اقتصاد مقاومتی یک رویکرد بلند پروازانه،بسیارآرمانی و دور از دسترس نیست.در این استراتژی اقتصادی واقع نگری،تدبر،تعقل و دور اندیشی موج می زند.این برداشت از نگاه گذرا به برنامه ها،ملزومات و سیاستهای کلی آن که افق گسترده را نوید می دهد،به روشنی بر می آید.

اقتصاد مقاومتی ماهیت سیاسی و انقلابی دارد.حوزه های فشار ، فساد و آسیب را تمیز داده سپس پایداری نموده فشار هارا شکسته،فسادها را ریشه کن ساخته ، آسیب ها را زدوده و نواقص را ترمیم می نماید.با تکیه بر توانایی های داخلی و ملی در صدد قطع وابستگی خارجی و کسب و حفظ استقلال اقتصادی بر می آید.

تلاش برای خود اتکایی،فعال سازی و تقویت مزیت های نسبی در جغرافیای اقتصادی داخلی از ویژگی های بارز این روش است.اقتصادی است فعال که نه تنها از مشکلات و موانع با قدرت عبور می کند، برای فربهی اقتصاد ملی در آینده و دراز مدت نیز برنامه و کارایی دارد.پس پویاست نه ایستا،فعال است نه منفعل.هدفش آن است که بر فشار ها و ضربه های اقتصادی نیروهای شیطانی متخاصم که برای مسدود سازی را ه پیشرفت جامعه مسلمان و نظام اسلامی وضع شده و فرود آمده اند، غلبه کند. و در عین حال مسیر طبیعی ترقی و توسعه ی همه جانبه و چند بعدی را با قدرت طی نماید.

خاصیت خوب الگوی مقاومتی علاوه بر به عقب راندن حملات اقتصادی بد خواهان نظام و جامعه اسلامی،تبدیل اقتصاد رانتی به اقتصاد کارآفرین،تغییر سیستم اقتصادی وابسته به نظامی مستقل ونهاد های اقتصادی ناکارآمد به کاراست.ابزارکارالگوی بالا برای کسب این امتیاز و کامیابی اقتصادی چیزی جز مبارزه با بی انضباطی مالی و تخلفات اقتصادی در کشور نیست. شمشیر دولبی که را ه را بر روی این فتوحات باز می کند اتکا بر ظرفیت های اقتصادی داخلی و نیروی انسانی کیفی در کشور اسلامی می باشد.

بنابراین، اقتصاد حاصل از رویکرد مقاومتی،اقتصادی است که بتواند علاوه بر قوام بخشیدن به اقتصاد و جامعه،بحران های بیرونی و درونی را پشت سر گذاشته و نماینده ی یک اقتصاد پویا،رونق مند،و حافظ استقلال سیاسی و اقتصادی جامعه باشد.

تحقق چنین آرزویی و ایجاد چنین الگویی الهام بخش ومحبوب،محتاج بستر سازی در عرصه های خود باوری و توانایی فکری و عملی،تولید ملی،کار و تلاش مفید و جهادی،تامین منابع انسانی و مالی،سیاست گذاری،برنامه ریزی،کارآفرینی و مانند آن است. تا همه نیاز های جامعه،فراتر از میزان تقاضا،فراهم و پیشکش گردد؛ بی آن که تحت تاثیر هرگونه فشار جوامع سلطه گر استکباری قرار گیرد و ازپایایی، پویایی وشکوفایی باز ماند.

پس راهبرد اقتصاد مقاومتی هم برای گذار از مرحله ی نبرد اقتصادی نظام سلطه است؛ با اهداف پویایی،شکوفایی،خود اتکایی اقتصادی، و هم پس از آن ماموریت اصلی را دنبال می کند یعنی تحکیم پایه های اقتصادی در دراز مدت و در یک سخن: **رویین تن ساختن اقتصاد ملی.**

در کوتاه یا میان مدت اما اولویت اقتصاد مقاومتی، ناکام گذاری اهداف جنگ اقتصادیی است که از سوی دشمن با انگیزه های خاص و شرورانه آغاز و تحمیل شده است.اهداف دشمن از به راه انداختن این معرکه عبارتند از تحت تاثیر قرار دادن درآمدهای ارزی تا به مرحله ی صفررسیدن.ممانعت از همکاری های بین المللی و جلوگیری ازبستن پیمان های تجاری، متوقف نمودن بازرگانی خارجی به صورت توقف صادرات وواردات اقلام حیاتی و حتا معمولی، تحت تاثیر قراردادن شبکه های حمل و نقل کالا ومسافر واختلال در ناوگان کشتیرانی جمهوری اسلامی و ترافیک هوایی. این اهداف مقدمه

است برای وصول به هدف میانی یعنی فروپاشی اقتصاد ایران،به چالش کشاندن معیشت مردم،تهییج نا رضایتی های عمومی وبرخاستن مخالفت مدنی. این ها هدف های مقدماتی یا میانی تحریم ها و جنگ اقتصادی غرب بر ضد اسلام،انقلاب اسلامی و محور مقاومت است.

اما هدف های دولت های متفق و مستکبر غربی از به راه انداختن اقدامات خصمانه ی اقتصادی در نهایت دوچیز است:

یک) تغییر رفتار مسؤلان نظام اسلامی در موضوعات برنامه های توان افزایی دفاع موشکی، توسعه فناوری هسته ای و موضوعات منطقه ای که به تضعیف هژمونی آمریکا و غرب مرتبط می گردد.

دو) تغییر رفتار مردم در قبال حکومت اسلامی ولایت فقیه تا سرنگونی و تغییررژیم سیاسی و جای گزینی دولت و سیستم سیاسی مورد نظر غرب.

بدون تردید این تهاجم ها و ایجاد محرومیت ها برای یک کشور و جامعه اسلامی مشکلات فراوانی را فراروی آن قرار می دهد و تنگناهای شدید و درد آور ایجاد می کند. سیستم مقاومتی مطرح شده تا با این محدودیت های تحمیلی و ظالمانه به مقابله برخیزد تا محرومیت ها به نا کامی و شکست منجر نشود بلکه به کامیابی و پیروزی بر ضد برنامه های دشمن منتهی گردد.

مشکلات اقتصادی راه حل های معقول وواقع بینانه ی اقتصادی را می طلبد.در خلال مباحثات راهکارهای رویارویی با معضلات را به کاوش گرفتیم و با استناد به منابع معتبر از وجود راهکار و رویکردهای گوناگون پرده برداشتیم و بیان نمودیم که تمسک به نظام اقتصادی اسلامی که بر گرفته از آموزه های وحیانی یعنی کتاب خدا قران و سنت و سیره ی صحیح نبوی و علوی است، بسیار گره گشاست. زیرا دین اسلام به صراحت می گوید بهترین امت و کامل ترین برنامه زندگی را به بشر عرضه نموده است:«***کنتم خیر امۀ اخرجت للناس*** » هم چنین در سنت شریف پیامبر در نخستین روزهای بعثتش به مردم نوید داد که آیین آسمانی اسلام در بردارنده خیر دنیا و آخرت است: «***انی قدجئتکم***

بخیرالدنیا و الاخره و قد امرنی الله تعالی ان ادعوکم الیه).[1] نصوص بالا دلالت بر این دارد که نظام های اسلامی والاترین و کامل ترین نظام ها ودر این بین نظام اقتصادی اسلام از جامعیت حیرت انگیز برخوردارمی باشد و با توجه به عنایت اسلام به تمام ابعاد زندگی انسان که بعد مادی و معیشتی یکی از آنهاست، می توان در یافت تنها راه که به پیروزی و بهروزی و بهره مندی سالم از تمتعات دنیایی ختم می شود و راه حل های برون رفت ازبحران های گوناگون را در بردارد همانا نظام اقتصادی اسلام در هردو بخش حقیقی و مالی می باشد.

پیشنهادات

تا تبدیل اقتصاد مقاومتی به واقعیت شیرین، فاصله نجومی نیست اما تحقق چنین هدف والایی مستلزم مبادی، اقدامات و ابزارهای زیادی می باشد.بدون تردید، شکل تحقق یافته ی فرمول اقتصاد مقاومتی ،یک مدل موفق ازراهکاررشد و توسعه به سبک و سیاق اسلامی خواهد بود.چنان که به کرات و مرات در لابلای فصول اربعه تذکار رفت،راهبرد اقتصاد مقاومتی در شرایط نبرد اقتصادی نظام سلطه با نظام اسلامی مورد توجه واقع شده است آن هم با اهداف شکوفایی،خوداتکایی اقتصادی،تحکیم پایه های اقتصاد ملی ،پویایی و پایایی آن در بلند مدت. توصیه های زیردر مسیر کامیابی تا تحقق کامل دکترین اقتصاد مقاومتی و فتح افق های فوق،ضروری به نظر می رسد.

۱) عملیاتی نمودن سیاست ها با قاطعیت و ایمان به موفقیت

تردید در نتیجه بخشی و تاخیر در اجرای استراتژی های اقتصادی دیکته شده در نظام اقتصاد مقاومتی و عدم اجرای قاطع،فوری و توأم با پشتکار ، منجر به فراموشی و مرگ زود رس آن خواهد شد. جنگ اقتصادی در جریان افتاده و حملات اقتصادی به بی سابقه و بی رحمانه ترین شکل و شیوه، مدت

[1] السیدمرتضی العسکری،ولایه الامام علی فی الکتاب والسنه،ص۴۳ به نقل ازتاریخ طبری ج۳ص۱۱۷۲ طبع اروپا.

هاست که به اجرا در آمده و در دوسال اخیر به اوج رسیده است. اگر ابزاردفاعی مناسب با آن یعنی فرامین اقتصاد مقاومتی به استخدام در نیاید و از قابلیت های آفندی و پدافندی آن در جهت مقابله با تحریم ها ومحوآثار ویران گر آن یا تقلیل پیامدهای ناگوار حصر اقتصادی، استفاده نشود؛ اندک اندک باور به اثر گذاری برنامه های اقتصاد مقاومتی از بین رفته و از حجم آتش هیبت و هراسی که به جانب جبهه ی دشمن می افکند کاسته می گردد و مردم نیز در مؤثریت این راهبرد جهت مقابله با جنگ جاری اقتصادی و حربه ی تحریم، به تردید خواهند افتاد.

از این رو نخستین پیشنهاد، متوجه قاطعیت در اجرا و تطبیق فوری ودقیق همراه با ایمان،تلاش جهادی وپشتکارِ توصیه های این مکتب اقتصادی، اسلامی و مقاومتی است؛ تا اقتصاد کشور هرچه زود تر بر پایه های ستبرش استوار و سوارگردد، حملات مهار شود و رشد جهشی حاصل و روند رونق تولید کماکان حفظ گردد.

پس مشروط بر این که اراده ی ملی، سیاسی و باور همگانی در پشت راهبرد اقتصاد مقاومتی وجود داشته باشد(ضمانت اجرا)، می توان چشم اندازی مجاب کننده از فواید تطبیق(عملیاتی سازی) اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اشتغال،استقلال و رشد و بالندگی اقتصادی به مردم نوید داد و بدینوسیله حمایت آنان را جلب نمود.

۲) ایجاد بازار سرمایه ی اسلامی و گسترش کمی و کیفی آن

در شرایط دشوار تحریم،به منابع گوناگون وغنی تامین مالی برای راه اندازی طرح های تولیدی اعم از دولتی و غیر دولتی،نیاز شدید احساس می شود. بنا بر این تقویت بورس سهام به طور خاص و گسترش کمی و کیفی بازار سرمایه به طور عام در کنار اصلاح سیستم بانکی به روش اسلامی و شرعی، از ضروریات توفیق یابی و تحقق زود هنگام و بهنگام گزینه های اقتصاد مقاومتی می باشد. بدین جهت، وزارت اقتصاد و قوه ی مجریه در جنب تعاون قضایی نهاد دادرسی کشور،بایست اسباب این توسعه ی کمی،کیفی و فنی بازار سرمایه را برای غنامندی و تنوع بخشی منابع تمویلی اقتصاد کسب و کار، صنعت ، کشاورزی،بازرگانی،واردات و صادرات ، ایجاد و آن را گسترش دهند و در خصوص بین

المللی نمودن آن برای جلب سرمایه های خارجی و استفاده از سرمایه گذاری غیر مستقیم اتباع خارجی در بازار و سبد مالی کشور،به طور جدی فکر نمایند.

۳) توسعه تعامل با جهان در کنار تقویت همه جانبه ی نهادهای ملی

تقویت توان بازدارندگی نظامی،توسعه پدافند غیر عامل و تعامل سیاسی و اقتصادی با کشور های اسلامی،همسایه و مشکل دار با نظام سلطه یا بی طرف،از ملزومات و بازوهای پرتوان راهبرد اقتصاد مقاومتی می باشد.پس عنایت و عطف توجه به موارد نامبرده از فشارهای تحریم و بحران کاهیده و پیروزی در این نبرد نابرابر و پیکار مقدس را باور پذیر تر می کند.

اقتصاد مقاومتی بیشترین اتکایش به ظرفیت های داخلی و دارایی های ملی است ولی دارایی های ملی به توان مندی های داخلی منحصر نیست. بهره مندی از ظرفیت های موجود در دیپلماسی اقتصادی و به خدمت گرفتن دارایی های سیاسی و بین المللی نظیر حق وتوی اقتصادی در اپک، حق اعمال قدرت و نظر در سازمان کنفرانس اسلامی و دیگر سازمانهای منطقه ای و بین المللی، خریدن رای و حق وتوی کشورهای قدرت مند مانند چین و روسیه در تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل،روزنه های دیگر برای غلبه بر دشمنان نظام و کاستن از فشارها تا حد شکستن حصر اقتصادی و کم خاصیت نمودن آن می تواند باشد.

۴) کوچک سازی دولت،کاهش هزینه های جاری و جانبی نظام جمهوری اسلامی

در دهه ی اخیر، دکترین دفاعی ایران بر راهبرد "دفاع رو به جلو" تکیه داشته است.[1] ایران با ایجاد یک "محور مقاومت" در برابر "محور شرارت عبری-عربی" به رهبری آمریکا ،خواسته نقشه های آمریکا برضد نظام جمهوری اسلامی ایران را به شکست بکشاند بدون این که رسما و مستقیما درگیر گردد و آسیب ببیند.در دکترین نوین راهبردی ایران،سیاست های دفاعی این کشور تنها دفاع از سرزمین ایران نیست بلکه ایجاد و بسط"هویت مقاومتی فرامذهبی" درجغرافیای منطقه هست. واکنش فعلی آمریکا تمرکز بر تشدید تحریم های اقتصادی علیه ایران برای خشکاندن ریشه های مقاومت و پاره کردن رشته

[1] روزنامه کیهان،۹آبان۱۳۹۸،شماره۲۲۳۱۸،ص۷.kayhan.ir

هایی است که موجب قدرت روز افزون ایران در سطح منطقه و جهان شده است. البته طرح "ناتوی عربی" پیش از این ناکام مانده بود.

جهش چشمگیر درتثبیت قدرت بازدارندگی ایران مرهون این دکترین دفاعی آن هم در آغاز گام دوم(چهل سال دوم) انقلاب است. "نگاه وسیع به جغرافیای مقاومت"، نگاه وسیع فرامرزی،قناعت نکردن به منطقه ی خود، و "امتداد عمق راهبردی"از کلید واژه های راهبرد نوین دفاعی ایران می باشد[1].

واضح است که ایجاد کمربند امنیتی در بیرون مرزهای ایران و ایجاد هسته های دفاعی نظامی، از لحاظ اقتصادی بسیار پرهزینه بوده و با بلعیدن بخش قابل توجهی از درآمد ملی (Gnp)، فشار مضاعف بر اقتصاد کشور تحمیل می کند که این تبعات ممکن است با سیاست های اقتصاد مقاومتی که خود بعنوان یک راهبرد دفاعی اقتصادی مطرح است، در تزاحم و تعارض واقع شود.

از این رو،تاکید برگسترش فیزیکی قلمرو نفوذِ بیرونی انقلاب اسلامی و تلاش برای در اختیار گرفتن اراده سیاسی ملل دیگر از طریق تقویت و حاکم نمودن نیروهای نیابتی نظیر حوثی ها در یمن،حشدی ها درعراق و حزب الله در لبنان و سوریه، افزون بر الزامات اقتصادی و هزینه های کلانی که لازم دارد، باعث می شود ابر قدرت ها بیشتر احساس خطر کنند و با تحریک شدن، تمام امکانات مادی و نظامی شان را علیه نظام به کار گیرند؛ بنا بر این، دور اندیشی بر پرهیز از اقدامات پرهزینه وتحریک آمیز تاکید مزید دارد.

تردیدی نیست که اغلب کشورها به سبب وابستگی سیاسی یا اقتصادی ویا هردو،از آمریکا و غرب می ترسند و به خوبی می دانند که توان مقابله با ابرقدرت ها را ندارند.لذا جمهوری اسلامی در ستیز با استکبار جهانی تقریبا تنها و بی یاور است. به نظر این ضعیف، تسخیر عراق،لبنان،سوریه و نیمی از کشوریمن و تحت انقیاد درآوردن جریان های اسلامی و مسلح این کشور ها و تحقق بخشیدن به نقشه "هلال شیعی"در امتداد عراق و شامات، دستاورد بزرگ وفعلا بسنده است.سیاست خوب در وضعیت حاضر،حفظ این قلمرو گسترده،حراست ازهلال شیعی و موقعیت ژئوپلتیک فعلی است.

---

[1] همان

افزون بر این، گسترش بیش از لزوم جغرافیای تاثیر گذاری سیاسی با ایجادهسته های چریکی مطیع مانند فاطمیون،حیدریون و غیره جهت فتح قلمروهای جدید و گسترش آن به سمت افغانستان ،تاجکستان،آسیای میانه ،پاکستان و کشمیر، چنان که اشاره شد نیازمند حمایت مالی جریان های نظامی همسو و بالا بردن مضاعف هزینه های اقتصادی و تحمیل آن بر اقتصاد شکننده وپرآسیب داخلی است که رنج گرانی و محدویت ها را بر دوش مردم زیاد تر می نماید.

۵) فعال ساختن مزیت نسبی استان ها در تولیدکالاهای استراتژیک

هر استان با توجه به وضعیت آب و هوایی و پتانسیل های انسانی،اجتماعی و اقتصادی در تولید بخشی از نیازهای کشور دارای برتری و مزیت مطلق یا نسبی است. این توانایی های انحصاری باید فعال شوند تا اقتصاد مقاومتی واقعی شکل بگیرد. چنان چه هر استان به منزله ی یک کشور در جهت تامین نیازهای دیگر استان ها در نظر گرفته شود و مزیت نسبی و توان تولیدی بالقوه با این سمت گیری به فعلیت درآید، با اطمینان می توان اذعان داشت که اقتصاد کشور گام در جاده ی استقلال و پایداری نهاده، اقتصاد مقاومتی به طور کامل به اجرا درآمده و به اهدافش نزدیک شده است.

با آرزوی بهروزی برای امت اسلامی، مردم مسلمان و غلبه ی جبهه ی یکتا پرستی و مستضعفان بر جبهه ی الحاد ، مستکبران و دنیا پرستان، وبا آرزوی ظهور منجی آخر الزمان حضرت امام مهدی موعود موجود،نابود کننده ی شوکت متجاوزان وستمگران جهان.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. *الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت،(برگرفته ازسخنان آیت الله خامنه ای)،تهران،انتشارات انقلاب اسلامی ،۱۳۹۲ ش.*

۲. *اقبال،منور،خان،طریق الله؛تامین مالی مخارج دولت ازدیدگاه اسلام،مترجمان:عبدالحسین جلالی،مسلم بمانپور،چاپ اول،تهران،دانشگاه امام صادق،۱۳۸۸ش.*

۳. *ایوب،محمد،النظام المالی فی الاسلام،ترجمه به عربی:عمرسعید،الطبعه الاولی،بیروت(لبنان)،آکادیمیا انترنشنال وموسسه محمدبن راشدآل مکتوم،۲۰۰۹میلادی.*

۴. *اصغری،محمودودیگران،جهاداقتصادی-تولیدملی-حمایت ازکاروسرمایه ایرانی،چ اول،مشهد،دانشگاه علوم اسلامی رضوی،۱۳۹۱ش.*

۵. *اقبال،منور،احمد،اوصاف،خان،طریق الله؛چالش های پیش روی بانکداری اسلامی،مترجمان:حسین میسمی و مسلم بمانپور،چ اول،تهران،دانشگاه امام صادق وبانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران،۱۳۸۷ش.*

۶. *المبارک،محمد،نظام الاسلام(الاقتصاد)، الطبعه الاولی،تهران،معاونیهٔ الرئاسهٔ للعلاقات الدولیهٔ فی منظمهٔ الإعلام الإسلامی،۱۹۸۵ش.*

۷. *اسماعیلی گیوی،حمیدرضا،تامین مالی اسلامی ابزارها بازارها وچالشهای فقهی،چ دوم،تهران،دانشگاه امام صادق،۱۳۸۹ش.*

۸. انصاری،جعفر،مبانی نظام مالی بانگرش اسلامی،چ اول،قم،موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی،۱۳۸۶ش.

۹. اختری، آیت الله عباسعلی، اقتصادمقاومتی،زمینه ها-راهکارها،چاپ اول،تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۲ش.

۱۰. برخورداری،سجاد،سرمایه گذاری خارجی درسبد مالی،چاپ اول،تهران،موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد،۱۳۸۶ش.

۱۱. بورس اوراق بهادارتهران(مدیریت آموزش)،چگونه سرمایه گذاری درسهام را شروع کنیم،چ اول،تهران،۱۳۹۰ش.

۱۲. بورس اوراق بهادارتهران(مدیریت اموزش)،آموزش سرمایه گذاری دربورس اوراق بهادار(مقدماتی)،چ اول،تهران،نوای مدرسه،۱۳۹۰ش.

۱۳. بنت،آدام،میراث های ناموفق(گریزازاشباح برنامه ریزی متمرکز)،ترجمه ابوالفضل نجف زاده،ازکتاب مجموعه مقالات اقتصاد خاورمیانه درحال تغییر،گروه نویسندگان،چ دوم،تهران،پژوهشکده پولی وبانکی،۱۳۸۴ش.

۱۴. بهداروند،محمدمهدی،انقلاب اسلامی مسائل وراهبردها،چ اول،قم،پژوهشگاه بین المللی المصطفی،۱۳۹۵ش.

۱۵. بیلی،روی.ای،اقتصادبازارهای مالی،مترجمین:مهدی صادقی،عبدالمحمدکاشیان،علیرضاصمیمی؛چ اول،تهران،دانشگاه امام صادق،۱۳۹۰ش.

۱۶. پیغامی،عادل،درس گفتارهای اقتصادمقاومتی،چ سوم،تهران،بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق،تابستان۱۳۹۵ش.

۱۷. پیشدار،محمد،بورس آیینه ی اقتصاد کارا،چ اول،تهران،انتشارات نورسان،۱۳۸۵.

۱۸. توکلی،دکتراحمد،بازار-دولت،کامیابی ها وناکامی ها؛چ اول،تهران،سمت،۱۳۸۰ش.

19. توکلی،محمدجواد،خاکریزاقتصادی(خوانشی براقتصادمقاومتی)،چ اول،تهران،کانون اندیشه جوان،۱۳۹۶ش.
20. تک روستا،حسین،باباجانی محمدی،سعیده،نهادهای مالی،چاپ اول،تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۹۷ش.
21. توانایان فرد،حسن؛فرهنگ تشریحی اقتصاد(انگلیسی-فارسی)،چاپ دوم،تهران،نشرالکترونیکی واطلاع رسانی جهان پایه،۱۳۸۶.
22. جمعی ازنویسنگان،توسعه مالی و رشد اقتصادی،مترجمان:ناهیدپوررستمی و محمودمشهدی احمد؟
23. جمعی از مولفان،توسعه مالی ورشداقتصادی ، مترجمان:ناهیدپوررستمی و محمودمشهدی احمد؟
24. چپرا،عمر،احمد،حبیب؛حاکمیت شرکتی درموسسات مالی اسلامی،ترجمه حسین میسمی،چ اول،تهران،دانشگاه امام صادق وسازمان بورس اوراق بهادارتهران،۱۳۸۸ش.
25. حسینی مقدم، سیدروح الله ،بازارگردانی دربورس اوراق بهادار،چ اول، تهران: جاودانه جنگل، ۱۳۸۷ش.
26. حسینی اصفهانی،سیدمرتضی،جهاداقتصادی،چاپ سوم،قم،فرهنگ قران،۱۳۹۰ش.
27. الحسینی،دکتورباقر،میرآخور،دکتورعباس،مقالاتی دراقتصاداسلامی(روش اسلام درحل مسائل اقتصادی)،ترجمه حسن گلریز،چ اول،تهران،موسسه بانکداری ایران،۱۳۷۳ ش.
28. حسینی،سیدمحمد،درسنامه زیرساخت های اقتصاداسلامی،چ اول،قم،بوستان کتاب،۱۳۹۴ش.
29. حسن زاده،علی،مقررات زدایی درنظام بانکی،ویرایش دوم،تهران،پژوهشکده پولی و بانکی،۱۳۸۳ش.
30. حکیمی،محمد، معیارهای اقتصادی درتعالیم رضوی،چ سوم،قم،بوستان کتاب،۱۳۸۸ش.
31. خان،فهیم،آتی های اسلامی وبازارهای آنها؛مترجمین:محمدمهدی

۳۲. ختایی،دکترمحمود،گسترش بازارهای مالی ورشداقتصادی،چ اول،تهران،موسسه تحقیقات پولی وبانکی،(پژوهشکده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)،۱۳۷۸ش.

۳۳. دوانی،غلام حسین. بورس،سهام،نحوه قیمت گذاری؛چ چهارم، ویراست۲،تهران،نخستین، موسسه حسابرسی و خدمات مالی دایارایان،۱۳۸۴ش.

۳۴. دادگر،حسین،معصومی نیا،غلامعلی؛فسادمالی،چ اول،تهران،کانون اندیشه جوان،۱۳۸۳ش.

۳۵. درخشان،دکترمسعود،ماهیت وعلل بحران مالی۲۰۰۸وتاثیرآن براقتصادایران،چ اول،تهران،پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک،۱۳۸۷ش.

۳۶. داودی،پرویز، صمصامی ،حسین.اقتصادپول و بانکداری،چ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۸ش.

۳۷. راعی ،رضا، سعیدی،علی، مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک،چاپ نهم،تهران،سازمان مطالعه وتدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها(سمت)،۱۳۹۳ش.

۳۸. رحیمی بروجردی،ارز وصادرات غیرنفتی،چ اول،تهران،موسسه تحقیقات پولی وبانکی،۱۳۷۶ش.

۳۹. رادمهر،احسن الله،اقتصادمقاومتی باتولیدملی،چ اول،تهران،تولیدکتاب(تک)،۱۳۹۳ش.

۴۰. رفیع پور،دکترفرامرز،سرطان اجتماعی فساد،چ اول،تهران،شرکت سهامی انتشار،۱۳۸۶ش.

۴۱. راسلی،سیف الاظهر،مسائل انتقادی دربانکداری اسلامی وبازارهای مالی ،مترجم:سیدمحسن روحانی،چ اول، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۰ش.

۴۲. زارع،محمدمهدی،گنجی،محسن؛اصل۴۴؛انقلاب اقتصادی،چ اول،تهران،۱۳۸۸ش.

۴۳. سازمان بورس اوراق بهادارتهران،سرمایه گذاری درسهام،چاپ اول،تهران،نوای مدرسه،۱۳۹۰ش.

۴۴. سالواتوره،دومنیک،اقتصادمدیریت،ترجمه دکترحمیدرضا ارباب،چاپ اول،تهران،نشرنی،۱۳۹۴ش.

۴۵. *سنایی فر،اکبر ودیگران،الزامات وارکان اقتصادمقاومتی،چ اول،اصفهان،نشرستارگان درخشان،زمستان۱۳۹۲ش.*

۴۶. *سوئل،توماس،اصول اساسی علم اقتصاد،مترجم:محمدحسین وقار،چ اول،تهران،انتشارات اطلاعات،۱۳۸۲ش.*

۴۷. *سروش،عبدالکریم،دانش ودادگری(ازمجموعه مقالات مدارا و مدیریت)،چ اول،تهران،موسسه فرهنگی صراط،۱۳۷۶ش.*

۴۸. *السویلم،سامی ابراهیم،پوشش ریسک درمالی اسلامی،مترجمین:دکترمحمدمهدی عسکری،محمدعلیزاده اصل،مهدی حاجی رستم لو؛چ اول،تهران،دانشگاه امام صادق،۱۳۸۶ش.*

۴۹. *سلمان،سیدعلی،محصولات بازارسرمایه اسلامی توسعه ها وچالش ها،مترجمین:مهدی عسکری،مصطفی زه تابیان،علی سعیدی،چ اول،تهران،دانشگاه امام صادق،۱۳۸۶ش.*

۵۰. *سبحانی،دکترحسن،دغدغه ها وچشم اندازهای اقتصاداسلامی،چ اول،تهران،سمت،۱۳۸۰ش.*

۵۱. *سبحانی،حسن،اقتصادکارونیروی انسانی،چ هفتم،تهران،سمت،۱۳۹۱ش.*

۵۲. *سجادی، دکترسیدجعفر،بورس،ویراست۲،چ ۲،تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، مرکز انتشارات، ۱۳۸۸ش.*

۵۳. شعبانی،دکتراحمد،مسائل اساسی اقتصادایران،چ اول،تهران،دانشگاه امام صادق،۱۳۸۹ش.

۵۴. شاکری،دکترعباس،تغییرات رشدنقدینگی دراقتصادایران،چ اول،تهران،مرکزپژوهشهای مجلس شورای اسلامی،۱۳۸۷ش.

۵۵. صالح آبادی،علی،بازارهای مالی اسلامی(مجموعه مقالات)،چ اول،تهران،دانشگاه امام صادق،۱۳۸۵ش.

۵۶. صدر،سیدکاظم،اقتصادصدراسلام،چ دوم،تهران،دانشگاه شهیدبهشتی،۱۳۸۷ش.

۵۷. الصدر،آیت الله سیدمحمدباقر،الاسلام یقودالحیات(المدرسه الاسلامیه،رسالتنا)،الطبعه الخامسه،قم،دارالصدر،۱۴۳۶ه.ق

۵۸. عبدالملکی،حجت الله،اقتصادمقاومتی(درآمدی برمبانی،سیاستها وبرنامه عمل)،چاپ ششم،تهران،انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق،بهار۱۳۹۷ش.

۵۹. عیسوی،محمود،ساختاربازارسرمایه دراسلام وبررسی تحولات آن درایران،چ اول،قم،موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی،۱۳۹۳ش.

۶۰. عظیمی آرانی،دکتر حسین، اقتصادایران،به کوشش خسرونورمحمدی،چ اول،تهران،نشرنی، ۱۳۹۱ش.

۶۱. عبد،جورج.ت،رویای تحقق یافته،(ازمجموعه مقالات:اقتصادخاورمیانه درحال تغییر)،ترجمه مهدی تقوی،چ دوم،تهران،پژوهشکده اموراقتصادی،۱۳۸۴ش.

۶۲. علوی،سیدمحمد،چهارچوب پولی متکی برهدف گذاری تورم وزمینه اجرای آن درایران،چ اول،تهران،پژوهشکده پولی وبانکی،۱۳۸۲ش.

۶۳. عظیمی،مرتضی،جابری،امرالله،یعقوبی،سیف الله؛الشئون الاقتصادیه فی الکتاب والسنه،تنسیق وتعلیق:جعفرالهادی(خوشنویس)،الطبعه الاولی،قم،مکتبه الامام امیرالمومنین،۱۴۰۳هجری قمری.

۶۴. عیسوی،محمود، ساختار بازارسرمایه در اسلام و بررسی تحولات ان درایران،چ۱، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، انتشارات، ۱۳۹۳ش.

۶۵. عبده تبریزی، حسین، پاورپوینت: «بازار سرمایه و فرصت‌های تأمین مالی در شرایط رکودتورمی فعلی» ،(www.fainance.ir)

۶۶. عبده تبریزی ، حسین، رادپور، میثم.« جایگاه بازار سرمایه و نقش آن در تقابل با بازار پول در جمهوری اسلامی ایران» مقاله در بیست‌وسومین همایش بانکداری اسلامی،۱۳۹۱ش.

۶۷. فنائی، سیدمجتبی، خودآموزبورس،چاپ چهارم، تهران،انتشارات بورس،۱۳۹۱ش.

۶۸. فبوزی،فرانک،مودیلیانی،فرانک،فری،مایکل؛مبانی بازارها و نهادهای مالی،ج۱،ترجمه دکترحسین عبده تبریزی،چاپ۱، تهران: آگاه، ۱۳۷۶ش.

۶۹. فرجی،یوسف،آشنایی با ابزارها و نهادهای پولی–مالی،چ اول،تهران،موسسه عالی بانکداری ایران،۱۳۸۲ش.

۷۰. فتحی سارانی،سعید،بررسی فرصت ها وموانع تحقق اقتصاد مقاومتی،چ اول،شیراز،انتشارات ارم،۱۳۹۶ش.

۷۱. فتوحی جزدانی،دکترمحمود،اصول اساسی تامین مالی بین المللی،چ اول،تهران،دانشگاه امام صادق علیه السلام،۱۳۸۹ش.

۷۲. فقهی کاشانی،محمدودیگران،توسعه نهادهای مالی درایران،چ اول،ویرایش دوم،تهران،پژوهشکده پولی وبانکی،زمستان۱۳۹۲ش.

۷۳. الفیاض، الشیخ محمد إسحاق، أحکام البنوک والأسهم والسندات والأسواق المالیة (البورصة)، الطبعه الاولی،قم،مکتب سماحه الشیخ محمداسحاق الفیاض مدظله.

۷۴. قره باغیان،مرتضی،منابع رشداقتصادی(نیروی کار،سرمایه و...)درقالب یک مدل اقتصادسنجی،چ اول،تهران،انتشارات پایگان،۱۳۸۰ش.

۷۵. قیلیچ،وهاب.« نقش اوراق بهادار اسلامی درتامین کسربودجه دولتی »، چ اول،تهران ،پژوهشکده بانکی وپولی، آذر ۴۹۳۱ش.(www.mbri.ac.ir)

۷۶. کاظمی،ناصر؛بانک اسلامی،پیش نیاز اقتصادمقاومتی،چاپ اول،تهران،مؤسسه فرهنگی– تحقیقاتی اسراء،تابستان۱۳۹۷ش.

۷۷. کاوند، مجتبی، فرهانیان،محمدجواد،تبیین جایگاه بازارسرمایه درسیاست های اقتصادمقاومتی،(ویرایش نهایی)،تهران،سازمان بورس اوراق بهادارتهران(مدیریت پژوهش،توسعه ومطالعات اسلامی)،اردیبهشت۱۳۹۳.

۷۸. کرمی،محمدمهدی،پورمند،محمد،مبانی فقهی اقتصاداسلامی،چ هفتم،تهران،سمت،۱۳۸۵ش.

۷۹. کرن،سوزان،گویال،ریچ،بانکداری درراه توسعه،ترجمه الهام میرتهامی،ازکتاب اقتصادخاورمیانه درحال تغییر(مجموعه مقالات).چ دوم،تهران،پژوهشکده پولی وبانکی،۱۳۸۴ش.

۸۰. گروه نویسنگان،اقتصادخرد و کلان،(مجموعه مقالات)،مترجمان:دکتراحمدجعفری صمیمی،دکترغلامعلی فرجادی؛چاپ اول، بابلسر،دانشگاه مازندران،۱۳۷۸ش.

۸۱. گیلک حکیم آبادی،دکترمحمدتقی،اقتصادرفاه بانگرش اسلامی،چ اول،قم،پژوهشگاه حوزه ودانشگاه،تابستان۱۳۹۲ش.

۸۲. گیدنز،آنتونی، جامعه شناسی،مترجم:حسن چاوشیان،چاپ دوم،ویراست چهارم،تهران،نشر نی،۱۳۸۷.

۸۳. میشیکین، فردریک اس. اقتصادپول،بانکداری و بازارهای مالی،مترجم:دکتراحمدشعبانی،چ اول،تهران،دانشگاه امام صادق ع،۱۳۹۰.

۸۴. میشیکین، فردریک اس،پول ارز و بانکداری،مترجمان:علی جهانخانی و علی پارسائیان،چاپ پنجم،قم،سمت،۱۳۸۵.

۸۵. مصباحی،غلامرضا،بررسی سیستم های اقتصادی،چ اول،قم،کانون انتشارات ناصر،۱۳۵۸.

۸۶. معصومی نیا،غلامعلی،ابزارهای مشتقه،بررسی فقهی واقتصادی؛چاپ اول،تهران،پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،۱۳۸۷.

۸۷. مؤسسه فرهنگی-هنری قدرولایت،اقتصادوعرصه اقتصادی ازنگاه رهبرانقلاب اسلامی،چاپ اول،تهران، ۱۳۹۱ش.

۸۸. ملک زاده،محمدشریف،اقتصادمقاومتی وبرجام،چ اول،تهران،انتشارات جنگل،۱۳۹۵ش.

۸۹. موسویان،سیدعباس،سروش،ابوذر،آشنایی بابازارسرمایه اسلامی(بورس)،چ اول،تهران،کانون اندیشه جوان،۱۳۹۳ش.

۹۰. موسویان،سیدعباس،بانکداری اسلامی،چاپ اول،تهران،موسسه تحقیقات پولی وبانکی،۱۳۷۸.
۹۱. میشیکین،فردریک اس،اقتصادپول،بانکداری وبازارهای مالی؛ترجمه واضافات:دکتراحمدشعبانی،چ اول،تهران،دانشگاه امام صادق،۱۳۹۰ش.
۹۲. مخبر،محمد،رهیافتی به توسعه اقتصادی توام باعدالت،چ اول،تهران،دانشگاه امام صادق،۱۳۹۴ش.
۹۳. منتظری،آیت الله حسینعلی،رساله فی الاحتکاروالتسعیر،الطبعه الاولی،تهران،سازمان انتشارات وآموزش انقلاب اسلامی،ذی القعده الحرام۱۴۰۶ه.ق.
۹۴. میرمعزی،سیدحسین،ساختارکلان نظام اقتصادی اسلام،چاپ اول،تهران،موسسه فرهنگی دانش واندیشه
۹۵. میرمعزی،سیدحسین،نظام اقتصادی اسلام-دفترسوم-،چ دوم،تهران،کانون اندیشه جوان،۱۳۸۸ش.
۹۶. محقق نیا،محمدجواد ،الگوی بانک داری اسلامی،چ سوم،قم،مرکزبین المللی ترجمه ونشرالمصطفی،۱۳۹۴ش.
۹۷. معصومی نیا، غلام علی، ابزارهای مشتقه،بررسی فقهی و اقتصادی،چ اول،تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۹۸. نظرپور، محمدنقی ، موسویان، سیدعباس. بانک داری بدون ربا از نظریه تا تجربه،چ۱،تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۳ش.
۹۹. نظرپور،دکترمحمدنقی،حقیقی،میثم؛ارتباط متقابل بانکداری اسلامی وبازارسرمایه،چ اول،قم،زمزم هدایت،زمستان۱۳۹۲ش.
۱۰۰. نظرپور،محمدنقی،موسویان،سیدعباس،خزائی،ایوب؛بانکداری اسلامی،چ اول،تهران،شورای عالی انقلاب فرهنگی و انتشارات سمت،۱۳۹۶.

۱۰۱. نظری،حسن آقا،مجموعه مقالات اقتصادمقاومتی،چ اول،مشهد،بنیادپژوهشهای آستان قدس رضوی،۱۳۹۵ش.

۱۰۲. نظربلند،دکترغلامرضا،درآمدی بربحران مالی جهانی،چ اول،تهران،نشر نی،۱۳۸۸ش.

۱۰۳. نیلی،مسعودوهمکاران،اقتصادوعدالت اجتماعی،چ دوم،تهران،نشر نی،۱۳۸۶ش.

۱۰۴. نظری،حسن آقا،روش شناسی علم اقتصاداسلامی بارویکرد واقعیت نهادی،چ اول،قم،پژوهشگاه حوزه ودانشگاه(سمت)،زمستان۱۳۹۶ش.

۱۰۵. نوبخت،محمدباقر،پژوهش های راهبردی درتوسعه اقتصادی ایران ج۷ ،چ اول،تهران،پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام،گروه پژوهشی اقتصاد،فروردین۱۳۸۸ش.

۱۰۶. وایسر،هانس،مدیریت مالی اسلامی اصول و راهکارها،مترجمان:دکترمهدی صادقی شاهدانی،حسین محسنی،چ اول،تهران،دانشگاه امام صادق،۱۳۹۰ش.

۱۰۷. یوسفی،احمدعلی،نظام اقتصادمقاومتی الگوی الهام بخش ازنظام اقتصادی اسلام،چ اول،قم،انتشارات نگاه فارسی،۱۳۹۵ش.

۱۰۸. یوسفی،احمدعلی،خریدوفروش اسکناس(بررسی فقهی)،چ اول،تهران،سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی،۱۳۸۹ش.

۱۰۹. یوسفی،احمدعلی،مبانی ومدل های مشارکت مردمی دراقتصادمقاومتی،چ اول،شهرکرد،نشرمقاومت،۱۳۹۵ش.

مجلات

۱۱۰. آذر،عادل،یارمحمدی،رضا، مصباحی مقدم،غلامرضا؛«شناسایی واولویت بندی معیارهای تامین مالی مطلوب دربازارسرمایه اسلامی ازمنظراقتصادمقاومتی»،دوفصلنامه مطالعات اقتصاداسلامی،ش۲،پیاپی۱۸،ص۱۱۰،بهار وتابستان۱۳۹۶ش.

۱۱۱. توکلی،دکتر محمدجواد. ایزانلو، امید ، «اقتصاد مقاومتی به عنوان یک اندیشه اسلامی»دوفصلنامه پژوهشهای اقتصادمقاومتی، ش اول، سال اول، ،بهاروتابستان۱۳۹۵ش.

۱۱۲. ترک زاده، جعفر، شریفی،فاطمه ،« بافت نگاری اقتصادمقاومتی به مثابه یک نظام رفتاری».دوفصلنامه اقتصاداسلامی، ش۱،(پیاپی ۲۱)،سال۱۱، ص.ص۱۱۳تا۱۴۰،قم،پاییز وزمستان۱۳۹۷ش.

۱۱۳. توسلی، محمداسماعیل ،«محدودیت ها و مسئولیت های دولت اسلامی در پولی کردن کسر بودجه».فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی سال۴، ش۱۴،قم، تابستان۱۳۸۳ش.

۱۱۴. جهانیان،ناصر، « تعریف و جایگاه امنیت اقتصادی دراسلام»، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی،سال۱،ش۱،زمستان ۱۳۹۱ش.

۱۱۵. جاویدی، مجتبی،« عدالت اجتماعی و چالش های ناشی از فقدان آن(مروری بردیدگاه آیت الله خامنه ای)» فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدرا، ویژه نامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ،ش۱۰، تابستان۱۳۹۳ش.

۱۱۶. خاشعی، وحید،« اقتراحی دردهه ی چهارم انقلاب اسلامی و ارائه الزامات راهبردی»، فصلنامه تخصصی علوم انسانی اسلامی، ش۱۰،(ویژه نامه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت) تهران،تابستان۱۳۹۳ش.

۱۱۷. روزنامه کیهان،۲آبان۹۸، ۲۵صفر۱۴۴۱شماره ۲۲۳۱۵ص۴

۱۱۸. سیف ، اله مراد،« مقدمه ای بر نقشه راه پیاده سازی سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران »، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ش۶۱،زمستان۱۳۹۲ش.

۱۱۹. سخنرانی آیت الله جوادی آملی با عنوان:«مدیریت سفیهان» مجله علوم انسانی اسلامی صدرا،ویژه نامه اقتصاد مقاومتی، چ دوم،تهران،مرکزپژوهشهای علوم انسانی اسلامی صدرا،زمستان۱۳۹۳ش.

۱۲۰. سلطانی،مرتضی،راعی عزآبادی،محمدابراهیم،«اولویت بندی مولفه های اقتصادمقاومتی مرتبط بابازار

۱۲۱. سرمایه»،دوفصلنامه جستارهای اقتصادی،ش۲۷،سال۱۴،ص۸۹،قم،پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،۱۳۹۶ش.

۱۲۲. سرابادانی،غلامرضا،«تورم-عوامل وراهکارهای مقابله با آن درایران»،فصلنامه تخصصی اقتصاداسلامی،ش۲۱،سال ششم،قم،پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی،بهار۱۳۸۵ش.

۱۲۳. شهنازی،روح الله،دهقان شبانی،زهرا،سامتی،مرتضی؛«بررسی اثر آزادی اقتصادی برفسادمالی»،فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران،شماره۲۸،ص.ص۸۷-۱۰۵،تهران،دانشگاه علامه،مرکزتحقیقات اقتصادایران،پاییز۱۳۸۵ش.

۱۲۴. صمدی، سعید ،نصرالهی، خدیجه ،سیچانی ،مرتضی کرمعلیان؛« بررسی رابطه بین توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی» فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ـ سال ششم ـ شماره سوم ـ پاییز ۱۳۸۶ش.

۱۲۵. صالح آبادی، علی،« نقش بازار سرمایه در بهبود فضای کسب وکار کشور و امکان ارتقای رتبه ایران در رده بندی بانک جهانی»، مجله اقتصادی ش ۷و۸مهر وآبان،۱۳۹۲ش.

۱۲۶. صدیقی،محمدجواد،«گواهی مشارکت ومبادله،نقش موسسات مالی اسلامی درتامین مالی برپایی زیرساخت ها»،ترجمه:علیرضاجعفری،فصلنامه تخصصی اقتصاداسلامی،ش۱،سال اول،ص۱۱۱،قم،پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۲۷. صادقی شاهدانی،مهدی،محسنی،حسین؛«بایسته های نظام مالی اسلامی درالگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»،دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی،ش۲(پیاپی ۱۰)،ص.ص۷-۳۸،بهاروتابستان۱۳۹۲ش.

۱۲۸. العسکری ،علامه السیدمرتضی ،ولایه الامام علی فی الکتاب والسنه ، الطبعۀالاولی، قم ،کلیۀ اصول الدین ،۱۴۲۳ه.ق ۲۰۰۲م .

۱۲۹. فراهانی فرد،سعید،موسویان،سیدعباس؛«اوراق بهاداراجاره(صکوکاجاره)،فصلنامه تخصصی اقتصاداسلامی،ش۲۲،سال ششم،قم،پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،۱۳۸۵ش.

۱۳۰. القری بن عید،محمدعلی،«مشکلات بانک های اسلامی وراه حل آنها»،ترجمه:غلامرضامصباحی مقدم،فصلنامه تخصصی اقتصاداسلامی،ش۲۰،سال پنجم،قم،پژوهشگاه فرهنگ واندیشه اسلامی،زمستان۱۳۸۴ش.

۱۳۱. کاوند،مجتبی،موسویان،سیدعباس،ردادی،علی؛«اوراق بهادار(صکوک)مضاربه ابزاری برای توسعه بخش صادرات ایران»،دوفصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی،ش۱۳،سال هفتم،قم،پژوهشگاه حوزه ودانشگاه،۱۳۸۹ش.

۱۳۲. گفتگوبا دکترمحمدجوادمحقق نیا،اقتصاددان اسلامی؛فصلنامه علوم انسانی اسلامی(صدرا)،ویژه نامه اقتصادمقاومتی،ص۶۹،چ دوم،تهران،مرکزپژوهشهای علوم انسانی اسلامی صدرا،زمستان۱۳۹۳ش.

۱۳۳. اللبابیدی،محمود،«النظام الاقتصادالاسلامی»، مجله رساله الاسلام، السنه الثالثه،العددالثالث،القاهره،الازهرالشریف، ص۲۵۸،رمضان ۱۳۸۰ه.ق

۱۳۴. میرمطهری،سید احمد ، «آزمون رابطه میان رشدوساختارمالی ایران»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی،ش۱،پیاپی۲۴، بهار۱۳۸۶ش.

۱۳۵. ماهنامه بورس- شماره ۱۰۰،تهران،فروردین ۱۳۹۲ش.

۱۳۶. میلانی،جمیل،«اقتصادمقاومتی وخودباوری ملی،فرصت ها وچالش های تحقق آن»،مجله اقتصادی،شماره۷و۸،ص.ص۵-۲۲،مهروآبان ۱۳۹۴ش.

۱۳۷. نوفرستی،محمد،«اقتصادمقاومتی وراه های دستیابی به آن»،فصلنامه سیاست های راهبردی وکلان،ویژه نامه اقتصادمقاومتی،تهران،پاییز۱۳۹۵ش.

۱۳۸. نظرپور،محمدنقی، لطفی نیا،یحیی ،« نقش بورس اوراق بهاداردرتحقق سیاستهای کلی اقتصادمقاومتی»،فصلنامه معرفت اقتصاداسلامی، ش۱۱،قم،پاییز و زمستان۱۳۹۳ش.

۱۳۹. نظرپور، محمدنقی ، منظوری، آزاده ، رضایی، مجید؛« اصول و معیارهای اقتصاد مقاومتی در عرصه تولید، توزیع و مصرف با نگاهی به آموزه های قرآنی»، دوفصلنامه پژوهشهای اقتصاد مقاومتی، سال اول / شماره اول، ص۶۴، / بهار و تابستان ۱۳۹۵ش.

۱۴۰. **یارمحمدی،رضا، آذر، عادل، مصباحی مقدم،غلامرضا، « شناسایی و اولویت بندی معیارهای تامین مالی مطلوب دربازارسرمایه اسلامی،ازمنظراقتصادمقاومتی» دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی،سال۹،ش۲،پیاپی۱۸،بهاروتابستان۱۳۹۶ش.**

سایت ها

۱۴۱. www.http://farsi.khamenei.ir
۱۴۲. www. https://noormags.ir
۱۴۳. www.http://fainance.ir
۱۴۴. www.http://sccsr.ac.ir
۱۴۵. www. http://islamic.finance.ir
۱۴۶. www.https://irna.ir
۱۴۷. www. http://eghtesad.iict.ac.ir
۱۴۸. www.http://ar.islamic-sources.com

Abstract

The title of this thesis is “Position of the Stock Exchange in the Resistance Economy” An attempt has been made to clarify the position of the stock exchange in the direction of the realization of the general policies of the resistance economy The resistance pattern of economics has been defined in the context of Islamic economics so that it can be used to resolve crises and safeguard the country's political and economic independence.Undoubtedly, there are Valuable opportunities at the heart of every Crisis. The resistance economy system is set up to use this opportunity to repair the structural damage to the economy, in the other word it is set up to alter the treat to opportunity. This is also the most comprehensive barrier of resistance economics. This economy needs a precondition to realize its goals, such as Security and economic independence .One of the requirements of a resistive economy is attention to the capacities of the national economy, using the capabilities of the local financial system and trying to expanding. This research indicates Stock Exchange provides the basis for many economic policies and in the most purposes, it is quite consistent with a resistive economy. Inherent Characteristics of Stock Exchange is Growth and productivity of production factors, Entrepreneurship, Optimal provision of national savings for investment and Creating a boom in production, Create transparency, Economic activity monitoring and controlling which is entirely in line with the objectives of the Resistance Economy. In the sanctions conditions, financing production activities in the public and private sectors are the most important challenges. The primary task of a stock exchange is to provide easy financing for long-term productive investments. So the stock exchange can play a significant role in providing financing to small and large enterprises of knowledge-based enterprises. At the end of this research, it is proposed to expand the local and national capital market because the role of non-bank financial intermediaries in the growth and development of the economy is undeniable. Stock trading in the credit sector of the economy plays a valuable role in the realization of the goals of the resisting economy. With its functioning, it can attract money to the boom in production and economic development in the real sector, as well as internationalize it by reducing the burden of sanctions and ensuring a successful exit from crisis and economic failure.

Keywords: Resistance Economics, Stock Exchange, Capital Market, Islamic economy, financial system, Financing, General Policies

Institute of Higher Education Humanities

Thesis for the degree of Master

Field of Study:
Islamic Finance and Banking

Title:
Position of the Stock Exchange in the Resistance Economy

Supervisor
Dr. Abdulhamid Sabet

By:
Nasrullah Akhzarati
....

Date:
December- 2019